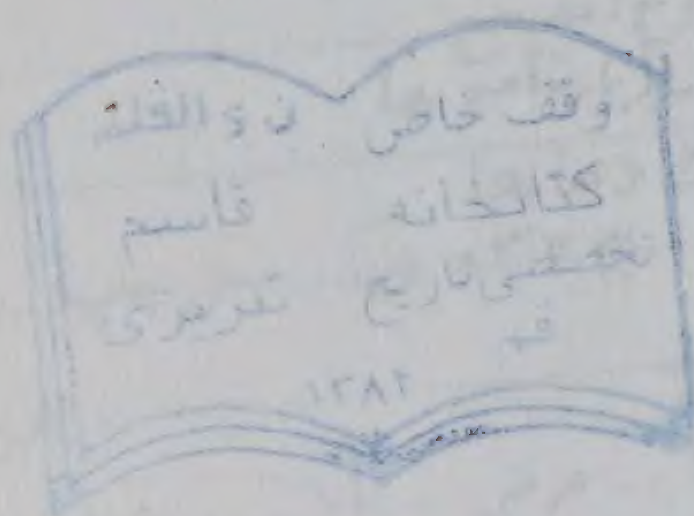






باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۳۵۲۳۲

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۷ ن۷۵۷ت ۱۳۲۳

سرشناسه: نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۲۵۴-۱۳۲۰ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: تحیة الزائر وبلغة المجاور

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۳۲۳ق

صفحه شمار: ۲۲۴ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۱/۵×۱۷ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☑

توضیحات: ارسالی از آماده سازی تاریخ ثبت: اسفند ۱۳۸۵

یادداشتها: دارای حواشی تصحیحات، ناقص الاول،

موضوع(ها): ۱. دعاها. ۲. زیارتنامه‌ها. ۳. زیارت - آداب و رسوم.

شناسه(های) افزوده: الف. عنوان.

فهرستنگار: سیبانی تاریخ فهرستگاری: مهر ۸۸

کرانزاد ایام جیو...
صالحی کربلائی...
وازاین رقم اخبا...
اجر و ثواب این ف...
جاری است مثل...
میکارد برای آ...
ان ساعت از اسود...
وخوابیدن بوس...
منزلیکه سایر و...
وعرض مسلمانان...
کند و ازان بنا و...
مؤمنین میرسا...
واضح است چنا...
شریفتر و در جا...
بچنگ زدن بدا...
عزت وسعادت نشان زائر ائمه انام علیهم السلم خیر الحاج حاجی علی سمنانی بر خلف
الصدق مشهدی اقا بن مشهدی محمد در این مقام بر امد که ازان رقم زاد و توشه و ازاین
نوع من جعفریه خوشه بر دارد پس ازاین احقر خدام اثار اهلبیت علیهم السلم حسین بن محمد تقی
...ی طبرسی حشرهما الله تعم مع موالیه خواهش نمود رساله که دران نفع دینی باشد برای
...فه مجاوران و زائران بقاع مطهره ائمه عراق صلوات الله علیهم و عالم و عامی
...مینه و زن و وضیع و شریف همه ازان بهره مند شوند و در اناء لیل و نهار بفنون صلا...

غیر

که از ادر ایام حیوتش جاری کرده بنحویکه پس از مردنش برقرار وجاری است و فرزند
صالحی که برالیش دعا کند وسنت حسنه که انرا مقرر کرده و بان عمل میشود پس از مردنش
واز این رقم اخبار بسیار است و بر هر هوشمند بصیری پوشیده نیست که بزرکی و زیادی
اجر و ثواب این قسم صدقات بر حسب بزرکی وکثرت وتفاوت درجات منافع صدقات
جاریه است مثلا کسی درختی درکنار راه مسلمانان در بیابان که از بلدی ببلدی میروند
میکارد برای انکه عابرین در وقت مرور از انجا هنکام شدت کرما در زیر سایه
ان ساعتی اسوده و مستریح شوند و بی کلفت بلوازم زندکی خود از خوردن واشامیدن
وخوابیدن برسند و بروند دیکری کاروانسرائی در منازل راه میسازد خصوص
منزلیکه سایه و عمارتی ندارد و باین صدقه مستمره در هر هفته و ماه هزارها جان و مال
وعرض مسلمانان را حفظ و حراست میکند دیکری مدرسه و مسجدی در چنان محل بنا می
کند و از ان بنا و صدقه جاریه هزارها نفع دینی از علم و عمل بلکه دنیوی نیز هر روز با خوان
مؤمنین میرساند وهکذا و تفاوت درجات منافع این صدقات بحسب بزرکی اجر و ثواب
واضح است چنانچه مخفی نیست که انچه از انها دارای نفع دینی عمومی است مقامش
شریفتر و درجاتش رفیعتر و ثوابش بیشتر است پس مؤمن زیرك در کارهای دینیه باقدام
بر چنکزدن بدامان این رقم از اعمال خیریه هرکز دست از او نخواهد کشید ولهذا عالیشان
عزت و سعادت نشان زائر ائمه انام علیهم السلم خیر الحاج حاجی علی سمسار تبریزی خلف
الصدق مشهدی اقا بن مشهدی محمد در اینمقام بر امد که از ان رقم زاد و توشه و از این
خرمن جعفریه خوشه بر دارد پس از این احقر خدام اثار اهل بیت علیهم السلم حسین بن محمد تقی
...ی طبرسی حشرهما الله تعم مع موالیه خواهش نمود رساله که در ان نفع دینی باشد برا
...فه مجاورانِ و زوار ایران بقاع مطهره ائمه عراق صلوات الله علیهم و عالم و عامی
...یه و زن و وضیع و شریف همه از ان بهره مند شوند و در اناء لیل و نهار بفیوضات

غیر

غیر متناهیه ان برسند تالیف نموده تا انوا بر بوطبع در آورده و در ان قباب عالیه عموم

اخوان مؤمنین را به بهترین موائد پیوسته ضیافت نموده و از انجه بانجماعت رسد از اجر

و ثواب بی حساب در حیات و ممات حظی وافر و سهمی متکاثر بوده باشد و چون نیت مؤمی

الیه خالص و حاجتش از جهات راجح و در رضای آن امید صادق و دینا واثق بود

در شرکت در ان مثوبات جلیله لهذا اجابت نموده و این مجموعه لطیفه و رساله شریفه

را تالیف کرده و نام انرا تحیة الزائر و بلغة المجاور گذاشتم و مقصود اصلی در این

رساله ذکر زیارات مخصوصه حضرت سید الشهدا ابی عبد الله الحسین علیه السلام

است با بیان اعتبار و ماثور بودن انها از ائمه طاهرین علیهم السلام زیرا که علامه

مجلسی رحمه الله انها را در کتاب تحفة الزائر نقل نکرده بلکه فرموده مظنون آنستکه از تالیف

علما باشد و در جائی فرموده چون علما انها را نسبت بروایت نداده‌اند لهذا ذکر نکردم

و در موضع دیگر گفته از برای این ایام زیارت منقوله نیافتم و از این جهة این زیارتها

از درجه اعتبار و اعتماد ساقط نمودند و غالب اهل علم در ان ایام مخصوصه اهتمامی

در خواندن ان زیارات ندارند لهذا بخاطر رسید که اگر قرائن اعتبار انها ذکر شود و

ان زیارات در عداد زیارات مرویه محسوب گردد خدمتی است شایسته بکافه اهل علم و چون

بنا بر ذکر انها شد مناسب دیدم ذکر زیارات مخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

چون در انجا نیز بعضی فوائد نافعه است که کتب علامه مذکور از ان خالیست چه رسد

بدیگران و بجهة محتاج نبودن دارای این مجموعه شریفه بکتاب دیگر بجهة هر امامی از ائمه

عراق صلوات الله علیهم زیارت مطلقه که بنظر اتقن زیارات است ذکر خواهد شد و نیز

اذن دخول عمومی و جامعه و وداعی ملحق خواهد شد باز یارت بجهة امام زاده کان عظیم

الشان و فوائد مختصره نافعه پس تمام انچه در این اوراق ثبت میشود از این قرار است

اذن دخول در همه حرمهای مشرفه   زیارات مخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

دعای اذن دخول در همه مشاهد

زیارت غدیر   زیارت مولود در هفدهم ربیع الاول   زیارت مبعث در بیست و هفتم

رجب   زیارت مطلقه انحضرت و بعضی متفرقات   زیارات مخصوصه حضرت ابی عبد

الله الحسین علیه السلام   زیارت اول رجب   زیارت نیمه رجب   زیارت نیمه شعبان

زیارت لیالی قدر   زیارت عید فطر و عید اضحی   زیارت عرفه   زیارت عاشوراء

زیارت اربعین   زیارت مطلقه انحضرت   زیارت جناب عباس علیه السلام   زیارت

کاظمین علیهما السلام و بعضی ملحقات بان   زیارت عسکریین علیهما السلام   زیارت

امام عصر صلوات الله علیه   زیارت حکیمه خاتون ع   زیارت نرجس خاتون ع

زیارت جامعه کبیره   زیارت جامعه صغیره   دعائیکه بعد از زیارت در حرمهای مقدسه

خواند   نماز جعفر طیار در حرمهای مطهره   زیارت اولاد ائمه علیهم السلام   بعض

متفرقات مهمه نافعه   و تمام اینها در ضمن یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه ذکر می

شود **مقدمه** در ذکر اذن دخول **فصل اول** در بیان زیارات مخصوصه و مطلقه

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام **فصل دوم** در شرح زیارات مخصوصه و مطلقه حضرت

ابی عبد الله الحسین علیه السلام و زیارت ابی الفضل **فصل سیم** در انچه متعلق

بکاظمین و سر من رای است **فصل چهارم** در ذکر زیارات جامعه و دعا و نماز

که در همه مشاهد شریفه بایست بجا آورد **خاتمه** در زیارت ابنیا و امام زادگان و

بعضی متفرقات نافعه **مقدمه** در ذکر اذن دخول عالم جلیل شیخ ابراهیم کفعمی

در کتاب بلد الامین و در کتاب جنة الواقیه که معروفست بمصباح کفعمی این اذن دخول را

برای همه مشاهد مشرفه نقل کرده و در انجا گفته چون خواستی داخل شوی بر پیغمبر صلی الله

علیه و آله یعنی در مسجد معظم انحضرت یا در یکی از مشاهد ائمه علیهم السلام پس بگو

اَللّٰهُمَّ اِنّی وَقَفْتُ عَلٰی بابٍ مِنْ اَبْوابِ بُیُوتِ نَبِیِّكَ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ

مَنَعْتَ النّاسَ اَنْ یَدْخُلوا بُیُوتَهُ اِلّا بِاِذْنِهِ فَقُلْتَ یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا لا تَدْخُلوا بُیُوتَ

دعاء اذن دخول

الْبُقْعَةِ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ
فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ
أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي وَ
أَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ
يَا رَبِّ أَوَّلًا وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ
الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فلان بن فلان بجای فلان بن فلان نام ان امامیکه می
خواهد داخل شود در حرمش و نام پدرش ببر پس بگوید وَالْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ
الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللهِ ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللهِ ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ
الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأْذَنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ
لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لَهُ پس عتبه را ببوس و داخل
شو بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ **مؤلف گوید** شیخ مفید
و محمد بن مشهدی و سید علی بن طاوس و شهید رحمهم الله درینمقام اذن دخولی
نقل کرده‌اند قریب بآنچه نقل نمودیم ولکن اختلاف بسیاری دارند و چون این نسخه شایع بود
محض نظر ان در اینجا او را اختیار نمودیم **فصل اول** در زیارات مخصوصه و مطلقه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلم و در ان سه مقام است **مقام اول** در مخصوصه
و ان سه زیارتست **اول** زیارت روز غدیر بدانکه علامهٔ مجلسی در کتاب بحار و
کتاب تحفة الزائر سه زیارت برای این روز نقل کرده اول زیارت امین الله که از زیارات
معتبره جامعه معروفه است و در زیارات مطلقه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز
ذکر شده دوم زیارتی طولانی که در اینجا ذکر میشود انشاء الله تعالی و در تحفه چنین
فرموده دوم زیارتیست که شیخ مفید و شیخ شهید علیهما الرحمة و غیر ایشان روایت

ثم قبل العتبة وادخل قل

کرده

کرده‌اند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلم در سالیکه معتصم علیه اللعنة ان
حضرت را طلبیده بود در روز غدیر حضرت امیر المؤمنین علیه السلم را باین لفظ زیارت
کردند انگاه مختصری از اداب و اصل زیارت را نقل نموده‌اند و در بحار نیز چنین کرده
جز انکه در اخر زیارت پاره از مشکلات ان را توضیح نموده و شروع در مطلب دیگر کردند
و ما قبل از ذکر زیارت ناچاریم از ذکر چند فائده **اول** انکه نسبت این زیارت بحضرت امام
حسن عسکری علیه السلام در کتاب تحفه از سهو قلم است بلکه انجناب این زیارت را از پدر
بزرگوار خود امام علی نقی علیه السلام روایت کرده که انحضرت در ان روز جد بزرگوار
خود را باین نحو زیارت کرد چنانکه خود انمرحوم در کتاب بحار و دیگران تماما تصریح نمودند
و خواهد امد و علاوه معتصم انجناب را طلبیده بود بلکه هلاک شد قبل از ولادت با
سعادت انحضرت به سال تقریبا **دوم** انکه مزار شیخ جلیل محمد بن المشهدی که از بزرگان
علما است و ما در فصل اینده اشاره بعلو مقام او خواهیم کرد انشاء الله در نزد علما
مذکور بود و از ان کتاب در تحفه و بحار بسیار نقل میکند بلکه بیشتر زیارات منقوله
در بحار از ان کتاب شریف است و هر جا مزار کبیر میگویند مراد همین است و محل حیرت شد
که در اینجا چگونه از ان مزار غفلت نمود و در انجا نظری نکرد و زیارت معهوده را از
انجا نقل ننمود با انکه در اینمقام نقل از ان اولی بلکه بملاحظه سیره ایشان لازم و متحتم
بود زیرا که زیارت مذکوره در مزار شیخ مفید و شیخ شهید ره سند ندارد و چون سند
ندارد بحسب اصطلاح این خبر ضعیف و اعتبار ان بملاحظه نقل ان دو بزرگوار است
که خبر بی پا و از کتاب بی اعتبار نقل نمیکنند و تخلیص بجزم نحو یکه نقل کردند بملاحظه خود شان قوتی
ندارد و اما در مزار کبیر برای ان سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری بقوت سند
او برسد و عبارت او در اینمقام چنین است زیارة اخرى لمولانا امير المؤمنين علي بن
ابيطالب مختصة بيوم الغدير اخبرني بهذه الزيارة الشريف الاجل العالم ابو جعفر محمد

المعروف

المعروف بابن المجد النحوی رفع الحدیث الی الفقیه العسکری صلوات الله علیه شهور
سنة احدی وسبعین وخمسمائة واخبرنی الفقیه الاجل ابو الفضل شاذان بن جبرئیل
القمی رضی الله عنه عن الفقیه العماد محمد بن ابی القسم الطبری عن ابی علی عن والده
محمد بن الحسن عن الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمن عن ابی القسم جعفر بن قولویه عن
محمد بن یعقوب الکلینی عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابی القسم ابن روح وعثمان بن
سعید العمری عن ابی محمد الحسن بن علی العسکری عن ابیه صلوات الله علیهما وذکر انه
علیه السلام زار بها فی یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه المعتصم تقف علیه صلوات
الله علیه وتقول السلام الخ واین سلسلهٔ شریفه همه از اعیان علماء وشیوخ طائفه و
رؤساء مذهب اجلاء رواتند وابو القاسم بن روح وعثمن بن سعید رضی الله عنهما
هر دو از نواب امام عصر علیه السلام اند وبعد از تامل معلوم میشود در تمام زیارات
ماثوره زیارتی باین درجه از صحت واعتبار وقوت سند پیدا نمیشود سیما انکه
صریح کلمات این سه عالم جلیل در این سه مزار انست که این زیارت مختص است بروز
غدیر برای انانکه در این روز سعید بمشهد منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حاضر
میشوند ولکن در مزار قدیم که اجمالی از حال انرا در خاتمه کتاب مستدرک ذکر کردیم
ونسخهٔ کهنه از ان بدست امد که ظاهرا در عهد مؤلف که از معاصرین محمد بن مشهدی
است نوشته شده ومظنون انستکه از قطب راوندی باشد این زیارت مذکور است
باهمان سند ولکن در دو جا اختلاف دارد اول انکه در انجا ابیه بعد علی بن ابراهیم در سند
نیست وباین قسم دارد علی بن ابراهیم عن الشیخ ابی القسم بن روح الخ دوم انکه در انجا
چنین است عن الشیخ ابی القسم بن روح عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید وبملاحظه طبقات
رواة این سند اقرب بصواب است بهر حال در این مزار شریف بعد از ذکر سند چنین
فرموده عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید العمری قدس الله ارواحهم عن مولانا ابی محمد

الحسن

الحسن بن علی العسکری عن مولانا ابیه علی بن محمد الهادی صلوات الله علیهم وذکر انه ع
زار بها مولانا امیر المؤمنین علیه السلام یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه فیها المعتصم فتقف
علی ضریح مولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه واله وکلما حضرت مشهده الشریف
واین حللت من البلاد فزره بهذه الزیارة وخصوصا یوم الغدیر عثمان بن سعید از امام
حسن عسکری ع روایت کرده که انحضرت فرمود پدر بزرگوارش باین زیارت امیر المؤمنین
علیه السلام را در روز غدیر زیارت کرد در ان سالیکه معتصم انجناب را طلبیده
بود پس مجالستی بر سر قبر حضرت امیر المؤمنین ع وهر وقت که حاضر شدی در ان مشهد
شریف و در هر بلد که باشی پس انحضرت را زیارت کن باین زیارت خصوص در روز غدیر
واین عبارت صریح است در انکه این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور میشود خواند
واین فایدهٔ جلیله ایست که البته راغبین در عبادت وسائقین زیارت حضرت شاه
ولایت انرا غنیمت خواهند شمرد وما زیارت را از مزار مفید که در بحار نقل کرده ذکر
میکنیم چون اطمینان بصحت کلمات ان بیشتر است پس میگوئیم شیخ مفید قدس سره در
مزار خود فرموده که چون اراده زیارت نمائی یعنی در روز غدیر پس بایست بر در قبه
منوره و رخصت طلب نما پس پای راست را مقدم دار و داخل شو وبرو نزدیک
ضریح مقدس و رو باو بایست وقبله را در میان دو کتف خود قرار ده وبگو السلام
عَلٰی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَسَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَمِینِ
اللهِ عَلٰی وَحْیِهِ وَعَزَائِمِ اَمْرِهِ وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَالْمُهَیْمِنِ عَلٰی
ذٰلِکَ کُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِیَّاتُهُ وَالسَّلَامُ عَلٰی اَنْبِیَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ
وَمَلَائِکَتِهِ الْمُقَرَّبِینَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیِّدَ
الْوَصِیِّینَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَوَلِیَّ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَمَوْلَایَ وَمَوْلَی الْمُؤْ
مِنِینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ یَا

امین

امين الله في ارضه وسفيره في خلقه وحجته البالغة على عباده السلام
عليك يا دين الله القويم وصراطه المستقيم السلام عليك ايها النبأ العظيم
الذي هم فيه مختلفون وعنه يسئلون السلام عليك يا امير المؤمنين آمنت
بالله وهم مشركون وصدقت بالحق وهم مكذبون وجاهدت في الله وهم
محجمون وعبدت الله مخلصا له الدين صابرا محتسبا حتى اتاك اليقين الا — مجمعون
لعنة الله على الظالمين السلام عليك يا سيد المسلمين ويعسوب المؤمنين
وامام المتقين وقائد الغر المحجلين ورحمة الله وبركاته اشهد انك اخو رسول
الله ووصيه ووارث علمه وامينه على شرعه وخليفته في امته واول من
آمن بالله وصدق بما انزل على نبيه واشهد انه قد بلغ عن الله ما انزله فيك
فصدع بامره واوجب على امته فرض طاعتك وولايتك وعقد عليهم البيعة
لك وجعلك اولى بالمؤمنين من انفسهم كما جعله الله كذلك ثم اشهد الله تعالى
عليهم فقال الست قد بلغت فقالوا اللهم بلى فقال اللهم اشهد وكفى بك شهيدا
وحاكما بين العباد فلعن الله جاحد ولايتك بعد الاقرار وناكث عهدك
بعد الميثاق واشهد انك وفيت بعهد الله تعالى موف لك بعهده ومن — وان الله تعالى
اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما واشهد انك امير المؤمنين
الحق الذي نطق بولايتك التنزيل واخذ لك العهد على الامة بذلك الرسول
واشهد انك وعمك واخاك الذين تاجرتم الله بنفوسكم فانزل الله فيكم ان
الله اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في
سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التورية والانجيل
والقرآن ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به وذلك
هو الفوز العظيم التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون

الآمرون

الآمرون بالمعروف والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله و
بشر المؤمنين اشهد يا امير المؤمنين ان الشاك فيك ما آمن بالرسول الامين
وان العادل بك غيرك عاند عن الدين القويم الذي ارتضاه لنا رب العالمين — عادل
واكمله بولايتك يوم الغدير واشهد انك المعني بقول العزيز الرحيم وان
هذا صراطي مستقيما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ضل
والله واضل من اتبع سواك وعند عن الحق من عاداك اللهم سمعنا لامرك و
اطعنا واتبعنا صراطك المستقيم فاهدنا ربنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا
الى طاعتك واجعلنا من الشاكرين لانعمك واشهد انك لم تزل للهوى
مخالفا وللتقى محالفا وعلى كظم الغيظ قادرا وعن الناس عافيا غافرا واذا
عصي الله ساخطا واذا اطيع الله راضيا وبما عهد اليك عاملا راعيا لما
استحفظت حافظا مبلغا ما حملت منتظرا ما وعدت واشهد انك ما اتقيت
ضارعا ولا امسكت عن حقك جازعا ولا احجمت عن مجاهدة عاصيك ناكلا ولا
اظهرت الرضا بخلاف ما يرضي الله مداهنا ولا وهنت لما اصابك في سبيل
الله ولا ضعفت ولا استكنت عن طلب حقك مراقبا معاذ الله ان تكون كذلك — مراغبا
بل اذ ظلمت احتسبت ربك وفوضت اليه امرك وذكرتهم فما اذكروا و
وعظتهم فما اتعظوا وخوفتهم الله فما تخوفوا واشهد انك يا امير المؤمنين — فلم يتعظوا
جاهدت في الله حق جهاده حتى دعاك الله الى جواره وقبضك اليه باختياره
والزم اعدائك الحجة بقتلهم اياك لتكون الحجة لك عليهم مع ما لك من الحجج البالغة
على جميع خلقه السلام عليك يا امير المؤمنين عبدت الله مخلصا وجاهدت
في الله صابرا وجدت بنفسك محتسبا وعملت بكتابه واتبعت سنة نبيه
واقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر ما استطعت

مبتغيا

مبتغياً بما عند الله راغباً فيما وعد الله لا تحفل بالنوائب ولا تهن عند الشدائد
ولا تحجم عن محارب افك من نسب غير ذلك اليك وافترى باطلاً عليك و
اولى لمن عند عنك لقد جاهدت في الله حق الجهاد وصبرت على الاذى
صبر احتساب وانت اول من امن بالله وصلى له وجاهد وابدى صفحته في
دار الشرك والارض مشحونة ضلالة والشيطان يعبد جهرة وانت القائل
لا تزيدني كثرة الناس حولي عزة ولا تفرقهم عني وحشة ولو اسلمني الناس
جميعا لم اكن متضرعاً اعتصمت بالله فعززت وآثرت الاخرة على الاولى فزهدت
وايدك الله وهداك واخلصك واجتباك فما تناقضت افعالك ولا
اختلفت اقوالك ولا تقلبت احوالك ولا ادعيت ولا افتريت على الله كذباً
ولا شرهت الى الحطام ولا دنسك الآثام ولم تزل على بينة من ربك ويقين
من امرك تهدي الى الحق والى صراط مستقيم اشهد شهادة حق واقسم
بالله قسم صدق ان محمداً واله صلوات الله عليهم سادات الخلق وانك
مولاي ومولى المؤمنين وانك عبد الله ووليه واخو الرسول ووصيه
ووارثه وانه القائل لك والذي بعثني بالحق ما آمن بي من كفر بك ولا اقر
بالله من جحدك وقد ضل من صد عنك ولم يهتد الى الله ولا الي من لا يهتدي
بك وهو قول ربي عز وجل واني لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحاً ثم اهتدى
الى ولايتك مولاي فضلك لا يخفى ونورك لا يطفأ وان من جحدك الظلوم
الاشقى مولاي انت الحجة على العباد والهادي الى الرشاد والعدة للمعاد
مولاي لقد رفع الله في الاولى منزلتك واعلى في الآخرة درجتك وبصرك
ما عمي على من خالفك وحال بينك وبين مواهب الله لك فلعن الله مستحلي
الحرمة منك وذائد الحق عنك واشهد انك ما اقدمت ولا احجمت ولا

ومن الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والذين امنوا اشد حبا

نطقت

13

نطقت ولا امسكت الا بامر من الله ورسوله قلت والذي نفسي بيده لقد نظر الي
رسول الله صلى الله عليه واله اضرب بالسيف قدماً فقال يا علي انت مني
بمنزلة هرون من موسى الا انه لا نبي بعدي واعلمك ان موتك وحيوتك معي
وعلى سنتي فوالله ما كذبت ولا كذبت ولا ضللت ولا ضل بي ولا نسيت ما عهد
الي ربي واني لعلى بينة من ربي بينها لنبيه وبينها النبي لي واني لعلى الطريق
الواضح الفظه لفظاً صدقت والله وقلت الحق فلعن الله من ساواك بمن ناواك
والله جل اسمه يقول هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون فلعن الله
من عدل بك من فرض الله عليه ولايتك وانت ولي الله واخو رسوله و
الذاب عن دينه والذي نطق القرآن بتفضيله قال الله تعالى وفضل الله
المجاهدين على القاعدين اجراً عظيماً درجات منه ومغفرة ورحمة وكان
الله غفوراً رحيماً وقال الله تعالى اجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام
كمن امن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستون عند الله والله
لا يهدي القوم الظالمين الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله باموالهم
وانفسهم اعظم درجة عند الله واولئك هم الفائزون يبشرهم ربهم برحمة منه و
رضوان وجنات لهم فيها نعيم مقيم خالدين فيها ابداً ان الله عنده اجر عظيم اشهد
انك المخصوص بمدحة الله المخلص لطاعة الله لم تبغ بالهدى بدلاً ولم تشرك
بعبادة ربك احداً وان الله تعالى استجاب لنبيه صلى الله عليه واله فيك دعوته
ثم امره باظهار ما اولاك لامته اعلاء لشانك واعلاناً لبرهانك ودحضاً
للاباطيل وقطعاً للمعاذير فلما اشفق من فتنة الفاسقين واتقى فيك المنافقين
اوحى اليه رب العالمين يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم
تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس فوضع على نفسه اوزار

فقد امر بتبليغه

يستوون بالواوين

للاباطيل

المسر

ونهض في رمضاء الهجير فخطب واسمع ونادى فابلغ ثم سالهم اجمع فقال هل
بلغت فقالوا اللهم بلى فقال اللهم اشهد ثم قال الست اولى بالمؤمنين
من انفسهم فقالوا بلى فاخذ بيدك وقال من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم
وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله فما امن بما
انزل الله فيك على نبيه الا قليل ولا زاد اكثرهم غير تخسير ولقد انزل الله
تعالى فيك من قبل وهم كارهون يا ايها الذين امنوا من يرتد منكم عن دينه
فسوف ياتي الله بقوم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين
يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه
من يشاء والله واسع عليم انما وليكم الله ورسوله والذين امنوا الذين يقيمون
الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون ومن يتول الله ورسوله والذين
امنوا فان حزب الله هم الغالبون ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا
مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب اللهم انا نعلم ان هذا هو الحق من عندك فالعن
من عارضه واستكبر وكذب به وسيعلم الذين اي منقلب ينقلبون السلام
عليك يا امير المؤمنين وسيد الوصيين واول العابدين وازهد الزاهدين
ورحمة الله وبركاته وصلواته وتحياته انت مطعم الطعام على حبه مسكينا
ويتيما واسيرا لوجه الله لا تريد منهم جزاء ولا شكورا وفيك انزل الله تعالى
ويؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فاولئك
هم المفلحون وانت الكاظم للغيظ والعافي عن الناس والله يحب المحسنين
وانت الصابر في الباساء والضراء وحين الباس وانت القاسم بالسوية و
العادل في الرعية والعالم بحدود الله من جميع البرية والله تعالى اخبر

عما اولاك من فضله بقوله افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا
لا يستوون اما الذين امنوا وعملوا الصالحات فلهم جنات الماوى نزلا
بما كانوا يعملون وانت المخصوص بعلم التنزيل وحكم التاويل ونص الرسول
ولك المواقف المشهودة والمقامات المشهودة والايام المذكورة يوم بدر
ويوم الاحزاب اذ زاغت الابصار وبلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله
الظنونا هنالك ابتلي المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا واذ يقول المنافقون
والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا واذ قالت طائفة
منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستاذن فريق منهم النبي يقولون
ان بيوتنا عورة وما هي بعورة ان يريدون الا فرارا وقال الله تعالى
ولما راى المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق
الله ورسوله وما زادهم الا ايمانا وتسليما فقتلت عمرهم وهزمت جمعهم
ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال
وكان الله قويا عزيزا ويوم احد اذ يصعدون ولا يلوون على احد والرسول
يدعوهم في اخريهم وانت تذود بهم المشركين عن النبي ذات اليمين وذات
حتى ردهم الله تعالى عنكما خائفين ونصر بك الخاذلين ويوم حنين على
ما نطق به التنزيل اذ اعجبتكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم
الارض بما رحبت ثم وليتم مدبرين ثم انزل الله سكينته على رسوله و
على المؤمنين والمؤمنون انت ومن يليك وعمك العباس ينادي المنهزمين
يا اصحاب سورة البقرة يا اهل بيعة الشجرة حتى استجاب له قوم قد كفيتهم
المؤنة وتكفلت دونهم المعونة فعادوا ايسين من المثوبة راجين وعد
الله تعالى بالتوبة وذلك قول الله جل ذكره ثم يتوب الله من بعد ذلك

على من يشاء وانت حائز درجة الصبر فائز بعظيم الاجر ويوم خيبر اذ
اظهر الله خور المنافقين وقطع دابر الكافرين والحمد لله رب العالمين
ولقد كانوا عاهدوا الله من قبل لا يولون الادبار وكان عهد الله ...
مسئولا مولاي انت الحجة البالغة والمحجة الواضحة والنعمة السابغة
والبرهان المنير فهنيئا لك بما آتاك الله من فضل وتبا لشانئك ذي الجهل
شهدت مع النبي صلى الله عليه واله جميع حروبه ومغازيه تحمل الراية
امامه وتضرب بالسيف قدامه ثم لحزمك المشهور وبصيرتك في الامور
امّرك في المواطن ولم يكن عليك امير وكم من امر صدك عن امضاء عزمك
فيه التقى واتبع غيرك في مثله الهوى فظن الجاهلون انك عجزت عما اليه
انتهى ضل والله الظان لذلك وما اهتدى ولقد اوضحت ما اشكل
من ذلك لمن توهم وامترى بقولك صلى الله عليك قد يرى الحوّل القلّب
وجه الحيلة ودونها حاجز من تقوى الله فيدعها رأي العين وينتهز
فرصتها من لا حريجة له في الدين صدقت والله وخسر المبطلون واذ
ماكرك الناكثان فقالا نريد العمرة فقلت لهما لعمركما ما تريدان العمرة
لكن تريدان الغدرة فاخذت البيعة عليهما وجددت الميثاق فجدّا في
النفاق فلما نبهتهما على فعلهما اغفلا وعادا وما انتفعا وكان عاقبة امرهما
خسرا ثم تلاهما اهل الشام فسرت اليهم بعد الاعذار وهم لا يدينون دين
الحق ولا يتدبرون القرآن همج رعاع ضالون وبالذي انزل على محمد
فيك كافرون ولاهل الخلاف عليك ناصرون وقد امر الله تعالى
باتباعك وندب المؤمنين الى نصرك وقال عز وجل يا ايها الذين
آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين مولاي بك ظهر الحق وقد نبذه

الخلق

الخلق واوضحت السنن بعد الدروس والطمس فلك سابقة الجهاد على
تصديق التنزيل ولك فضيلة الجهاد على تحقيق التأويل وعدوك عدو
الله جاحد لرسول الله يدعو باطلا ويحكم جائرا ويتأمر غاصبا ويدعو حزبه
الى النار وعمار يجاهد وينادي بين الصفين الرواح الرواح الى الجنة ولما
استسقى فسقي اللبن كبّر وقال قال لي رسول الله صلى الله عليه واله آخر شرابك
من الدنيا ضياح من لبن وتقتلك الفئة الباغية فاعترضه ابو العادية الفزاري
فقتله فعلى ابي العادية لعنة الله ولعنة ملائكته ورسله اجمعين وعلى من
سل سيفه عليك وسللت سيفك عليه يا امير المؤمنين من المشركين والمنافقين
الى يوم الدين وعلى من رضي بما ساءك ولم يكرهه واغمض عينه ولم ينكر او اعان
عليك بيد او لسان او قعد عن نصرك او خذل عن الجهاد معك او غمط
فضلك وجحد حقك او عدل بك من جعلك الله اولى به من نفسه وصلوات الله
عليك ورحمة الله وبركاته وسلامه وتحياته وعلى الائمة من آلك
الطاهرين انه حميد مجيد والامر الاعجب والخطب الافظع بعد جحدك
حقك غصب الصديقة الطاهرة الزهراء سيدة النساء فدكا ورد شهادتك
وشهادة السيدين سلالتك وعترة المصطفى صلى الله عليكم وقد اعلى الله
تعالى على الامة درجتكم ورفع منزلتكم وابان فضلكم وشرفكم على
العالمين فاذهب عنكم الرجس وطهركم تطهيرا قال عز وجل ان الانسان
خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخير منوعا الا المصلين فاستثنى
الله تعالى نبيه المصطفى وانت يا سيد الاوصياء من جميع الخلق فما اعمه
من ظلمك عن الحق ثم افرضوك سهم ذوي القربى مكرا واحادوه
عن اهله جورا فلما آل الامر اليك اجريتهم على ما اجريا رغبة عنهما بما

عند الله لك فاشبهت محنتك بهما محن الانبياء عليهم السلام عند الوحدة
وعدم الانصار واشبهت في البيات على الفراش الذبيح عليه السلام اذ
اجبت كما اجاب واطعت كما اطاع اسمعيل صابرا محتسبا اذ قال له يا بني اني
ارى في المنام اني اذبحك فانظر ماذا ترى قال يا ابت افعل ما تؤمر ستجدني
ان شاء الله من الصابرين وكذلك انت لما اباتك النبي صلى الله عليه وآله
وامرك ان تضجع في مرقده واقيا له بنفسك اسرعت الى اجابته مطيعا ولنفسك
على القتل موطنا فشكر الله تعـ طاعتك ۲عن جميل فعلك بقوله جل ذكره ومن ۲ وابان صح
الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله ثم محنتك يوم صفين وقد رفعت
المصاحف حيلة ومكرا فاعرض الشك وعرف الحق واتبع الظن اشبهت محنة
هرون اذ امره موسى على قومه فتفرقوا عنه وهرون ينادي بهم ويقول
يا قوم انما فتنتم به وان ربكم الرحمن فاتبعوني واطيعوا امري قالوا لن نبرح
عليه عاكفين حتى يرجع الينا موسى وكذلك انت لما رفعت المصاحف قلت
يا قوم انما فتنتم بها وخدعتم فعصوك وخالفوا عليك واستدعوا نصب الحكمين
فابيت عليهم وتبرأت الى الله من فعلهم وفوضته اليهم فلما اسفر الحق وسفه
المنكر اعترفوا بالزلل والجور عن القصد اختلفوا من بعده والزموك على سفه
التحكيم الذي ابيته واحبوه وحظرته واباحوا ذنبهم ۲ الذي اقترفوه وانت
على نهج بصيرة وهدى وهم على سنن ضلالة وعمى فما زالوا على النفاق مصرين
وفي الغي مترددين حتى اذاقهم الله وبال امرهم فامات بسيفك من عاندك
فشقي وهوى واحيى بحجتك من سعد فهدي صلوات الله عليك غادية
ورائحة وعاكفة وذاهبة فما يحيط المادح وصفك ولا يحبط الطاعن
فضلك انت احسن الخلق عبادة واخلصهم زهادة واذبهم عن الدين

اقمت

اقمت حدود الله بجهدك وفللت عساكر المارقين بسيفك تخمد لهب الحروب
ببنانك وتهتك ستور الشبه ببيانك وتكشف لبس الباطل عن صريح الحق لا
تاخذك في الله لومة لائم وفي مدح الله تعالى لك غنى عن مدائح المادحين و
تقريظ الواصفين قال الله تعالى من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا
الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا ولما رايت
ان قتلت الناكثين والقاسطين والمارقين وصدقك رسول الله صلى
الله عليه وآله وعده فاوفيت بعهده قلت اما آن ان تخضب هذه من هذه
ام متى يبعث اشقاها واثقا بانك على بينة من ربك وبصيرة من امرك قادم
على الله مستبشر ببيعك الذي بايعته به وذلك هو الفوز العظيم اللهم العن
قتلة انبيائك واوصياء انبيائك بجميع لعناتك واصلهم حر نارك والعن من
غصب وليك حقه وانكر عهده وجحده بعد اليقين والاقرار بالولاية
له يوم اكملت له الدين اللهم العن قتلة امير المؤمنين ومن ظلمه واشياعهم
وانصارهم اللهم العن ظالمي الحسين وقاتليه والمتابعين عدوه وناصريه
والراضين بقتله وخاذليه لعنا وبيلا اللهم العن اول ظالم ظلم آل محمد و
مانعيهم حقوقهم اللهم خص اول ظالم وغاصب لآل محمد باللعن وكل
مستن بما سن الى يوم القيمة اللهم صل على محمد وآل محمد خاتم النبيين وعلى
علي سيد الوصيين وآله الطاهرين واجعلنا بهم متمسكين وبولايتهم من
الفائزين الآمنين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون **دوم زيارت**
روز مولود كه روز هفدهم ربيع الاول است بنابر اصح چنانچه در رساله
ميزان السماء ازو واضح نموديم جماعت بسيارى از علماى اعلام مثل شيخ مفيد و
محمد بن المشهدى و رضى الدين على بن طاوس و شيخ شهيد اين زيارت را روايت

كرده‌اند

کردند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و سید در اقبال و شهید ذکر
کردند و آنرا به ثقة عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی که آنحضرت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را در روز هفدهم ربیع الاول چنین زیارت کردند و آنرا به ثقه
عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی تعلیم نمودند و با و فرمودند که چون آمدی بمشهد
امیر المؤمنین ع پس غسل زیارت بکن و بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را و ببوی
خوشی خود را معطر نما و برو و بر تو باد به آرامی و وقار پس چون برسی بباب
السلام و ظاهر امراد در حرم مطهر باشد پس روی کن بقبله و سی مرتبه بگو الله
اکبر السلام علی رسول الله السلام علی خیرة الله السلام علی البشیر النذیر السراج
المنیر و رحمة الله و برکاته السلام علی انبیاء الله المرسلین و عباد الله الصالحین
السلام علی الملائکة الحافین بهذا الحرم و بهذا الضریح اللائذین به پس نزدیک
شو بقبر و بگو السلام علیک یا وصی الاوصیاء السلام علیک یا عماد الاتقیاء
السلام علیک یا ولی الاولیاء السلام علیک یا سید الشهداء السلام علیک
یا آیة الله العظمی السلام علیک یا عصمة الاولیاء السلام علیک یا زین الموحدین
الموحدین النجباء السلام علیک یا خالص الاخلاء السلام علیک یا والد الائمة
الامناء السلام علیک یا صاحب الحوض و حامل اللواء السلام علیک یا قاسم
الجنة و لظی السلام علیک یا من شرفت به مکة و منی السلام علیک یا بحر
العلوم و کنف الفقراء السلام علیک یا من ولد فی الکعبة و زوج
فی السماء بسیدة النساء و کان شهودها الملائکة الاصفیاء السلام علیک یا
مصباح الضیاء السلام علیک یا من خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک
یا من بات علی فراش خاتم الانبیاء و وقاه بنفسه شر الاعداء السلام علیک
یا من ردت له الشمس فسامی شمعون الصفا السلام علیک یا من

انجی الله سفینة نوح باسمه و اسم اخیه حیث التطم الماء حولها و طمی
السلام علیک یا من تاب الله به و باخیه علی آدم اذ غوی السلام علیک یا فلک النجاة
الذی من رکبه نجی و من تأخر عنه هوی السلام علیک یا من خاطب الثعبان
و ذئب الفلا السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام
علیک یا حجة الله علی من کفر و اناب السلام علیک یا امام ذوی الالباب
السلام علیک یا معدن الحکمة و فصل الخطاب السلام علیک یا من عنده علم
الکتاب السلام علیک یا میزان یوم الحساب السلام علیک یا فاصل الحکم الناطق
بالصواب السلام علیک ایها المتصدق بالخاتم فی المحراب السلام علیک
یا من کفی الله المؤمنین القتال به یوم الاحزاب السلام علیک یا من اخلص
لله الوحدانیة و اناب السلام علیک یا قاتل خیبر و قالع الباب السلام علیک
یا من دعاه خیر الانام للمبیت علی فراشه فاسلم نفسه للمنیة و اجاب السلام
علیک یا من له طوبی و حسن مآب و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا
ولی عصمة الدین و یا سید السادات السلام علیک یا صاحب المعجزات السلام
علیک یا من نزلت فی فضله سورة العادیات السلام علیک یا من کتب
اسمه فی السماء علی السرادقات السلام علیک یا مظهر العجائب و الآیات
السلام علیک یا امیر الغزوات السلام علیک یا مخبرا بما غبر و بما هو آت
السلام علیک یا مخاطب ذئب الفلوات السلام علیک یا خاتم الحصی و مبین
المشکلات السلام علیک یا من عجبت من حملاته فی الوغا ملائکة السموات
السلام علیک یا من ناجی الرسول فقدم بین یدی نجواه الصدقات السلام
علیک یا والد الائمة البررة السادات و رحمة الله و برکاته السلام
علیک یا تالی المبعوث السلام علیک یا وارث علم خیر موروث و رحمة

اللهِ وبركاته السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غياث المكروبين السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين السلام عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الاولين والاخرين وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على اسم الله الرضي ووجهه المضي وجنبه القوي وصراطه السوي السلام على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على الائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى ومنار الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الاثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون السلام على نور الله الانور

التقي ظ

النقية بد

والدة الائمة بد

وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه واله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله وشرعت احكامه واقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتيك اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله اني وال لمن والاك وعاد لمن عاداك السلم عليك ورحمة الله وبركاته

پس خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو اشهد انك تسمع كلامي وتشهد مقامي واشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة الله يا امين الله يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري ومنعتني عن الرقاد وذكرها يقلقل احشائي وقد هربت منها الى الله عز وجل واليك فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك بموالاته كن لي الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا

پس باز خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة الله وليك وزائرك واللائذ بقبرك والنازل بفنائك والمنيخ رحله في جوارك يسئلك ان تشفع له الى الله في قضاء حاجته ونجح طلبته في الدنيا والاخرة فان لك عند الله الجاه العظيم والشفاعة المقبولة فاجعلني يا مولاي من همك وادخلني في حزبك والسلام عليك وعلى ضجيعيك ادم ونوح والسلام عليك وعلى ولديك الحسن و

ولي بد عدو دا

الحسين

الحُسَینِ وَعَلَی الاَئمَّةِ الطّاهِرینَ مِن ذُرِّیَّتِكَ وَرَحمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ انگاه شش رکعت نماز بکن دو رکعت برای حضرت امیر المومنین ع ودو رکعت زیارت برای جناب ادم ع ودو رکعت زیارت برای جناب نوح علیه السلام وبطلب حوایج خود از خدایتعالی که باجابت خواهد رسید انشاء الله تعالی مؤلف گوید علامهٔ مجلسی ره در مزار بحار این زیارت را برای این روز از شیخ مفید وشیخ شهید وکتاب اقبال ابن طاوس نقل نموده وبعد از ذکر زیارت فرموده که این زیارت را مؤلف مزار کبیر روایت کرده از محمد بن مسلم وان را مخصوص نکرده باین روز وظاهر میشود از او که این زیارت از زیارات مطلقه است ودر تحفه فرموده این زیارت بهترین زیارات است وبسندهای معتبر در کتب معتبره مذکور است و ظاهر بعض روایات ان است که خصوصیت باین روز ندارد در هر وقت که این زیارت را بعمل اورد خوب است وچون علماء در خصوص این روز ذکر کرده اند ما نیز در اینجا ذکر کردیم انتهی ازان سه عالم عیب روایت را نقل کرده وظاهر امر ایشان از بعض روایات روایت مزار کبیر باشد که در بحار تصریح نموده واین فرموده ایشان از مطالب عجیبه است چه دلالت عبارت مزار کبیر بر اختصاص این زیارت باین روز شریف بیشتر از عبارات دیگران است زیرا که عبارت مزار کبیر این است

زیارة اخری لامیر المؤمنین صلوات الله علیه فی سابع عشر ربیع الاول عند طلوع الشمس وزاربها الصادق علیه السلام وعلمها محمد بن مسلم الثقفی قال اذا اتیت الخ واز کلام دیگران ظاهر میشود که چون حضرت صادق ع اینجناب را در این روز زیارت کردند از وظائف این روز شمرده میشود نظیر زیارت غدیر سابقه که چون حضرت امام علی نقی ع در این روز چنان زیارت کردند

ایں از مختصات محسوب میشود ولکن مقید کردن این زیارت را در این روز بوقت

پس از مختصات محسوب میشود ولکن مقید کردن این زیارت را در این روز بوقت طلوع افتاب واینکه در انوقت این زیارت را باید خواند چنانچه صریح عبارت مزار کبیر است کاشف است از واقف شدن بر خبری صریح در این مطلب زیرا که ان از ادب زیارت نیست احتمال رود ان را از سایر اخبار وارده استنباط کرده باشد بلکه در اخر زیارت بعد از ذکر شش رکعت نماز گفته وادع الله کثیرا وتمجد واستهل الی الله جلت عظمته والح فی دعائك یجب انشاء الله تعالی ودیگران این قسم نقل نکردند واین نیز کاشف است بر مغایرت روایت مزار کبیر از روایات جماعت بهر حال محلی برای استظهار ان مرحوم نیست بلی در مزار قدیم ان را از محمد بن مسلم روایت کرده با جزئی اختلاف بدون نسبت بحضرت صادق ع وبدون اشعار بر اختصاص باین روز وچون بعد از او مخصوص مبعث را ذکر کرده محتمل است که از قلم کاتب سقط شده باشد چنانچه از قلم علامه مجلسی در تحفه فقره شش رکعت نماز زیارت بنحوی که گذشت در دعا وابتهال بعد از ان سقط شده وکافه زائرین گمان میکنند که مجموعه این زیارت مخصوصه نماز زیارت مخصوصه وارد نشده با انکه در تمام کتب مذکوره مسطور است سیم

زیارت شب وروز مبعث که بیست وهفتم ماه رجب است علامه مجلسی ره در تحفه فرموده بعض علما ذکر کرده اند که زیارت انحضرت در این روز سنت است وزیارت مخصوصی نقل کرده اند وچون سند مجرد نسبت دادن ان زیارت است بامام علیه السلام تا معلوم شود که از تالیف علما نیست نیز ذکر را دویان ان زیارت هر چند او را نسبت دهند بامام زیرا که در تحفه مکرر از این قسم زیارات نقل کرده وبمجرد نسبت دادن زیارت بامامی در بعض کتب معتبره اکتفا نموده وبعضی ازان اشاره خواهد شد انشاء الله تعالی چون این را النبی پس میگوئیم نسبت دادن بامام کافی در صریح کلام است مثل انکه عالم ناقل میگوید روایت شده از فلان امام که چنین بگو ونظیر این از کلما

ودر زاد المعاد نیز از قلم شریف فقره شش رکعت نماز وسائر الفاظ ساقط شده ع ح

مزار مفید مزار کبیر مزار قدیم اقبال ابن طاوس مزار شهید منه

هیچ یك بنظر نرسیده بود ترك کردیم انتهی در مزاد ان مرحوم از سند ص

واضحه کاهی از قرائن و شواهد مکشوف میشود که ان زیارت ماثوراست یا انشاء کرده از تالیف ان عالم یا غیر ان باشد و بان قرائن در طی کلمات ما در این فصل و فصل اینده اشاره میشود و معلوم خواهد شد که زیارت مذکوره ماثور است از امام و از تالیف علما نیست بهر حال حقیر برای این شب و روز سه زیارت مخصوصه پیدا کردم بحمد الله تعالی

اول در مزار قدیم فرموده **زیارة اخری** لمولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه المختصة بلیلة سبعة و عشرین من رجب تقف علی ضریحه ع

و نقول زیارتی دیگر برای اقای ما امیر المؤمنین علیه السلام است که مختص است بشب بیست و هفتم ماه رجب می ایستی مقابل قبر شریف انحضرت و میکوئی اَلسَّلامُ عَلیٰ اَبِی الْاَئِمَّةِ وَمَعْدِنِ النُّبُوَّةِ وَالْمَخْصُوصِ بِالْاُخُوَّةِ اَلسَّلامُ عَلیٰ یَعْسُوبِ الْاِیمانِ وَکَلِمَةِ الرَّحْمٰنِ وَکَهْفِ الْاِسْلامِ اَلسَّلامُ عَلیٰ مِیزانِ الْاَعْمالِ وَسَیْفِ ذِی الْجَلالِ اَلسَّلامُ عَلیٰ صالِحِ الْمُؤْمِنِینَ وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَالْحاکِمِ فِی یَوْمِ الدِّینِ اَلسَّلامُ عَلیٰ شَجَرَةِ التَّقْویٰ وَسامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْویٰ وَمُنْزِلِ الْمَنِّ وَالسَّلْویٰ اَلسَّلامُ عَلیٰ حُجَّةِ اللّٰهِ الْبالِغَةِ وَنِعْمَتِهِ السّابِغَةِ وَنِقْمَتِهِ الدّامِغَةِ اَلسَّلامُ عَلیٰ اِسْرائِیلِ الْاُمَّةِ وَبابِ الرَّحْمَةِ وَاَبِی الْاَئِمَّةِ اَلسَّلامُ عَلیٰ صِراطِ اللّٰهِ الْواضِحِ وَالنَّجْمِ اللّائِحِ وَالْاِمامِ النّاصِحِ اَلسَّلامُ عَلیٰ وَجْهِ اللّٰهِ الَّذِی مَنْ آمَنَ بِهِ نَجیٰ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَویٰ اَلسَّلامُ عَلیٰ نَفْسِهِ الْقائِمَةِ فِیهِ بِالسُّنَنِ وَعَیْنِهِ الَّتِی مَنْ رَعَتْهُ اَطْمَأَنَّ اَلسَّلامُ عَلیٰ اُذُنِ اللّٰهِ الْواعِیَةِ فِی الْاُمَمِ وَیَدِهِ الْباسِطَةِ بِالنِّعَمِ وَجَنْبِهِ الَّذِی مَنْ فَرَّطَ فِیهِ نَدِمَ اَشْهَدُ اَنَّکَ مُجازِی الْخَلْقِ وَمالِکُ الرِّقِّ وَالْحاکِمُ بِالْحَقِّ بَعَثَکَ اللّٰهُ عَلَماً لِعِبادِهِ فَوَفَیْتَ بِمُرادِهِ وَجاهَدْتَ فِیهِ حَقَّ جِهادِهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ وَجَعَلَ اَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوِی اِلَیْکَ اَلْخَیْرُ مِنْکَ وَفِی یَدَیْکَ عَبْدُکَ الزّائِرُ لِحَرَمِکَ اللّائِذُ بِکَرَمِکَ الشّاکِرُ لِنِعَمِکَ قَدْ هَرَبَ اِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَرَجاکَ لِکَشْفِ کُرُوبِهِ

فَاَنْتَ کاشِفُ کُرُوبِهِ وَاَنْتَ ساتِرُ عُیُوبِهِ فَکُنْ لِی اِلَی اللّٰهِ وَسِیلاً وَمِنَ النّارِ مُقِیلاً وَلِما اُمِّلُ فِیکَ کَفِیلاً بِحَقِّ نَجاةِ مَنْ وَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ وَسَلَکَ اِلَی اللّٰهِ بِسَبِیلِکَ وَاَنْتَ سامِعُ الدُّعاءِ وَوَلِیُّ الْجَزاءِ عَلَیْکَ مِنِّی السَّلامُ وَاَنْتَ السَّیِّدُ الْکَرِیمُ وَاَنْتَ بِنا رَحِیمٌ مِنْکَ النَّوالُ وَعَلَیْکَ بَعْدَ اللّٰهِ التُّکْلانُ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ **مؤلف گوید** این زیارت همان زیارتی است که معروف است بزیارت هفتم چون در کتاب تحفة الزائر انرا هفتم زیارات مطلقه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام قرار داده و گفته زیارت هفتم زیارتیست که در بعضی کتب قدیمه معتبره یافته ام که بروایت صفوان جمال منسوب کرده اند و ان این زیارتست السلام الخ و در بحار فرموده ق و این مزار است برای کتاب عتیق عزوی که باعتقاد ان مرحوم از مولفات شیخ جلیل هرون بن موسی التلعکبری است **زیارة صفوان الجمال لامیر المؤمنین** ع السلام الخ و ظاهر این عبارت اینست که صفوان انحضرت را چنین زیارت کرده نظیر زیارت جابر انصاری حضرت ابی عبدالله ع را در روز اربعین و در این کلام بهیچ وجه اشاره نیست باینکه این زیارت ماثور است از امامی و با این حال ان مرحوم اینرا از زیارات ماثوره مرویه از ائمه ع شمرده و انرا در تحفه درج نموده و سبب ان حدث صائب است که نشود مثل صفوان چنین زیارت بلیغه که متضمن مطالب عالیه است از امام علیه السلام نشنیده باشد و خود اختراع کند و این اسم مقتضی است که زیارات مخصوصه و مطلقه موجوده در مزار شیخ مفید و شیخ شهید و امثال ایشان نیز ماثور باشد بلکه از جهاتی اولی است چنانچه خواهی دانست انشاء الله و مخفی نماند که در فقرات زیارت هفتم که موجود است در بحار و تحفه و فقرات اینچه ما نقل کردیم فی الجملة اختلافی است از زیادتی و نقصان و تغییر کلمه و لکن نه

بان حد كه احتمال تعدد دران برود والله العالم ق وقد ايضا دران مزار شريف
بعد از ذكر زيارت سابقه فرموده ثم تقول الحمد لله الذى اشهدنا الخ و در مزار
كبير محمد بن المشهدى بعد از ذكر بعضى از اعمال مبعث و نماز جناب سلمان در ماه رجب
فرموده و مما يستحب ان يزار به امير المومنين عم في ليلة المبعث هذه الزيارة و كلام
امام حضرت عنده في رجب ايضا از انجه مستحب است كه بان امير المومنين عم را
زيارت كرد در شب مبعث اين زيارت است و در نزد هر اماميكه حاضر شدى [illegible]
ماه رجب نيز اين زيارت مستحب است و صريح اين كلام و ظاهر مزار قديم انستكه
زيارت رجبيه معروفه از زيارت مخصوصه شب مبعث است و منافاة ندارد كه از
زيارات جامعه عامه نيز باشد نظير زيارت امين الله و زيارت عاشورا و زيارت
غدير كذشته و ان زيارت اينست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَشْهَدَنَا مَشْهَدَ اَوْلِيَائِهِ فِي تحبّ
وَاَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَعَلَى اَوْصِيَائِهِ
الْحُجُبِ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ فَاَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ
غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِنِّي قَصَدْتُكُمْ
وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي
دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِيعَتِكُمُ الْاَبْرَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
اَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا اِلَيْكُمُ التَّفْوِيضُ وَعَلَيْكُمُ التَّعْوِيضُ فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ
وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَعِنْدَكُمْ مَا تَزْدَادُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ اِنِّي لِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ
وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللّٰهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعَتِي بِحَوَائِجِي وَقَضَائِهَا وَاِنْجَاحِهَا
وَاِبْرَاحِهَا وَبِاُمُورِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ مُوَدِّعٍ وَ
لَكُمْ حَوَائِجَهُ مُودِعٍ يَسْئَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ وَسَعْيُهُ اِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَاَنْ يَرْجِعَنِي
مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ اِلَى جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَخَفْضِ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ

ثمّ و من مزار قديم

٢ وامضائها

اِلَيكم

اِلَى حِينِ الْاَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْاَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْبِلِ وَدَوَامِ الْاُكُلِ
وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَبِيلِ وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ اِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ انكاه دو ركعت نماز
كن زيارت بجا اورو انچه خواهى دعا كن سيم زيارت مخصوصه معروفه است
كه در شب مبعث و روز ان بايد خواند چنانچه شيخ مفيد در مزار و ابن طاوس در
مصباح الزائر و شهيد اول در مزار نقل نموده اند باين طريق كه چون خواستى در اين
شب يا روز زيارت كنى بر با بايست بر در بقعه شريفه مقابل قبر انحضرت و بكو اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ اَمِيرَ
عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُ اللّٰهِ وَاَخُو رَسُولِهِ وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ
مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ پس داخل شو و بايست نزديك قبر انحضرت بنحويكه
روى خود را بجانب قبر كرده باشى و قبله را در پشت خود قرار دهى انكاه صد نوبت
تكبير بكو و بكو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ خَلِيفَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
نُوحٍ صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
عِيسَى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبَاُ الْعَظِيمُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِيمُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُضِيءُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقُ

مَلَاذ

الأَكْبَرُ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفارُوقُ الأَعْظَمُ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّراجُ
الْمُنِيرُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ الْهُدىٰ السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ التُّقىٰ السَّلامُ
عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ الْكُبْرىٰ السَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللهِ وَخالِصَتَهُ وَأَمِينَ اللهِ
وَصَفْوَتَهُ وَبابَ اللهِ وَحُجَّتَهُ وَمَعْدِنَ حُكْمِ اللهِ وَسِرِّهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللهِ وَخازِنَهُ
وَسَفِيرَ اللهِ فِي خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَآتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَبَلَّغْتَ عَنِ اللهِ
وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللهِ وَتَمَّتْ بِكَ كَلِماتُ اللهِ وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ
وَنَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صابِراً مُحْتَسِباً
مُجاهِداً عَنْ دِينِ اللهِ مُوَقِّياً لِرَسُولِ اللهِ طالِباً ما عِنْدَ اللهِ راغِباً فِيما وَعَدَ اللهُ
وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً فَجَزاكَ اللهُ عَنْ رَسُولِهِ
وَعَنِ الإِسْلامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صِدِّيقٍ أَفْضَلَ الْجَزاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ
إِسْلاماً وَأَخْلَصَهُمْ إِيماناً وَأَشَدَّهُمْ يَقِيناً وَأَخْوَفَهُمْ لِلّٰهِ وَأَعْظَمَهُمْ عَناءً وَأَحْوَطَهُمْ
عَلىٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَفْضَلَهُمْ مَناقِبَ وَأَكْثَرَهُمْ سَوابِقَ وَ
أَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَقَوِيتَ حِينَ وَهَنُوا وَلَزِمْتَ
مِنْهاجَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقّاً لَمْ تُنازَعْ
بِرَغْمِ الْمُنافِقِينَ وَغَيْظِ الْكافِرِينَ وَضِغْنِ الْفاسِقِينَ وَقُمْتَ بِالأَمْرِ حِينَ فَشِلُوا
وَنَطَقْتَ حِينَ تَتَعْتَعُوا وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللهِ إِذْ وَقَفُوا فَمَنِ اتَّبَعَكَ فَقَدِ اهْتَدىٰ
كُنْتَ أَوَّلَهُمْ كَلاماً وَأَشَدَّهُمْ خِصاماً وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً وَأَسَدَّهُمْ رَأْياً وَأَشْجَعَهُمْ
قَلْباً وَأَكْثَرَهُمْ يَقِيناً وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلاً وَأَعْرَفَهُمْ بِالأُمُورِ كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَباً رَحِيماً
إِذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالاً فَحَمَلْتَ أَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا وَشَمَّرْتَ إِذْ جَبُنُوا وَعَلَوْتَ إِذْ
هَلَعُوا وَصَبَرْتَ إِذْ جَزِعُوا كُنْتَ عَلَى الْكافِرِينَ عَذاباً صَبّاً وَغِلْظَةً وَغَيْظاً وَلِلْمُؤْمِنِينَ

خطّته
اقلّهم

عَيْناً وَخِصْباً وَعِلْماً لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُكَ وَلَمْ
تَجْبُنْ نَفْسُكَ كُنْتَ كَما قالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوِيّاً فِي بَدَنِكَ
مُتَواضِعاً فِي نَفْسِكَ عَظِيماً عِنْدَ اللهِ كَبِيراً فِي الأَرْضِ جَلِيلاً فِي السَّماءِ لَمْ
يَكُنْ لأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ وَلا لِقائِلٍ فِيكَ مَغْمَزٌ وَلا لِخَلْقٍ فِيكَ مَطْمَعٌ وَلا لأَحَدٍ
عِنْدَكَ هَوادَةٌ يُوجَدُ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَكَ ضَعِيفاً حَتّىٰ تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ
الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذٰلِكَ سَواءٌ شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَ
قَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَعَزْمٌ وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَجَزْمٌ اِعْتَدَلَ بِكَ الدِّينُ وَ
سَهُلَ بِكَ الْعَسِيرُ وَأُطْفِئَتْ بِكَ النِّيرانُ وَقَوِيَ بِكَ الإِيمانُ وَثَبَتَ بِكَ الإِسْلامُ
وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الأَنامَ فَإِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ
لَعَنَ اللهُ مَنْ خالَفَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنِ افْتَرىٰ عَلَيْكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ
غَصَبَكَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ إِنّا إِلَى اللهِ مِنْهُمْ بُرَآءُ
لَعَنَ اللهُ أُمَّةً خالَفَتْكَ وَجَحَدَتْ وِلايَتَكَ وَتَظاهَرَتْ عَلَيْكَ وَقَتَلَتْكَ وَ
حادَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ النّارَ مَثْواهُمْ وَبِئْسَ الْوِرْدُ
الْمَوْرُودُ أَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلاغِ
وَالأَداءِ وَالشَّهادَةِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللهِ وَبابُهُ وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ وَوَجْهُهُ
الَّذِي مِنْهُ يُؤْتىٰ وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللهِ وَأَنَّكَ عَبْدُ اللهِ وَأَخُو رَسُولِهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَيْتُكَ زائِراً لِعَظِيمِ حالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللهِ وَعِنْدَ
رَسُولِهِ مُتَقَرِّباً إِلَى اللهِ بِزِيارَتِكَ راغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفاعَةِ أَبْتَغِي بِشَفاعَتِكَ
خَلاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النّارِ هارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْرِي
فَزِعاً إِلَيْكَ رَجاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلايَ إِلَى اللهِ وَأَتَقَرَّبُ
بِكَ إِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوائِجِي فَاشْفَعْ لِي يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللهِ فَإِنِّي عَبْدُ اللهِ

كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ الْعَواصِفُ
قَوِيّاً عَزِيزاً حَتّىٰ تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ

۳۲ ومولاك وزائرك ولك عند الله المقام المعلوم والجاه العظيم والشان
الكبير والشفاعة المقبولة اللهم صل على محمد وال محمد وصل على عبدك
واَمينك الاوفى وعروتك الوثقى ويدك العليا وكلمتك الحسنى وحجتك
على الورى وصديقك الاكبر سيد الاوصياء وركن الاولياء وعماد الا
صفياء امير المؤمنين ويعسوب الدين المتقين وقدوة الصديقين وامام
الصالحين المعصوم من الزلل والمفطوم من الخلل والمهذب من العيب والمطهر
من الريب اخي نبيك ووصي رسولك والبائت على فراشه والمواسي له بنفسه
وكاشف الكرب عن وجهه الذي جعلته سيفا لنبوته ومعجزا لرسالته و
دلالة واضحة لحجته وحاملا لرايته ووقاية لمهجته وهاديا لامته و
يدا لبأسه وتاجا لرأسه وبابا لنصره ومفتاحا لظفره حتى هزم جنود الشرك
بايدك وابادعساكر الكفر بامرك وبذل نفسه في مرضاتك ومرضاة
رسولك وجعلها وقفا على طاعته ومجنا دون نكبته حتى فاضت نفسه
صلى الله عليه واله في كفه واستلب بردها ومسحه على وجهه واعانته
ملائكتك على غسله وتجهيزه وصلى عليه وواری شخصه وقضى دينه و
انجز وعده ولزم عهده واحتذی مثاله وحفظ وصيته وحين وجد انصارا الانصار ن د
نهض مستقلا باعباء الخلافة مضطلعا باثقال الامامة فنصب راية الهدى
في عبادك ونشر ثوب الامن في بلادك وبسط العدل في بريتك وحكم
بكتابك في خليقتك واقام الحدود وقمع الجحود وقوم الزيغ وسكن الغمرة
وابادالفترة وسد الفرجة وقتل الناكثة والقاسطة والمارقة ولم يزل
على منهاج رسول الله صلى الله عليه واله ووتيرته ولطف شاكلته سیرته ن د
وجمال سيرته مقتديا بسنته متعلقا بهمته مباشرا لطريقته وامثلته

۳۳ نصب عينيه يحمل عبادك عليها ويدعوهم اليها الى ان خضبت شيبته من
دم رأسه اللهم فكما لم يؤثر في طاعتك شكا على يقين ولم يشرك بك طرفة
عين صل عليه صلوة زاكية نامية يلحق بها درجة النبوة في جنتك وبلغه منا
تحية وسلاما واتنا من لدنك في موالاته فضلا واحسانا ومغفرة ورضوانا انك
ذو الفضل الجسيم برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از ان قبر را ببوس وروى راست
خود را بر قبر گذار و بعد از ان روى چپ را و روى بقبله کن و نماز زیارت بجای آر و
انچه خواهی بعد از نماز دعا کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح حضرت زهراء علیها السلام
اللهم انك بشرتني على لسان رسولك محمد صلواتك عليه واله فقلت وبشر ۷ نبيك ومن
الذين امنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم اللهم اني مؤمن بجميع انبيائك و
رسلك صلواتك عليهم فلا تقفني بعد معرفتهم موقفا تفضحني على رؤس الاشهاد بل
قفني معهم وتوفني على التصديق بهم اللهم وانت خصصتهم بكرامتك وامرتني
باتباعهم اللهم واني عبدك وزائرك متقربا اليك بزيارة اخي رسولك و
على كل مأتي ومزور حق لمن اتاه وزاره وانت خير مأتي واكرم مزور فاسئلك
يا الله يا رحمن يا رحيم يا جواد يا ماجد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد ولم يتخذ صاحبة ولا ولدا ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل
تحفتك اياي من زيارتي اخا رسولك فكاك رقبتي من النار وان تجعلني ممن
يسارع في الخيرات ويدعوك رهبا ورغبا وتجعلني لك من الخاشعين اللهم انك
مننت علي بزيارة مولاي علي بن ابيطالب وولايته ومعرفته فاجعلني ممن
ينصره وينتصر به ومن علي بنصرك لدينك اللهم واجعلني من شيعته وتوفني
على دينه اللهم اوجب لي من الرحمة والرضوان والمغفرة والاحسان والرزق
الواسع الحلال الطيب ما انت اهله يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين

پس هرگاه خواستی وداع کنی آنحضرت را پس بایست نزد قبر و بگو السلام علیک یا
امیر المؤمنین السلام علیک یا تاج الاوصیاء السلام علیک یا وارث علم الانبیاء
السلام علیک یا راس الصدیقین السلام علیک یا باب الاحکام السلام
علیک یا رکن المقام استودعک الله واسترعیک واقرء علیک السلام آمنا
بالله وبالرسول وبما جاء به ودعا الیه ودل علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین
اللهم فلا تجعله آخر العهد من زیارتی ایاه ولا تحرمنی ثواب من زاره واستعملنی
بالذی افترضت له علی وارزقنی العود الیه فان توفیتنی قبل ذلک فانی اشهد
انهم اعلام الهدی والعروة الوثقی والکلمة العلیا والحجة العظمی والنجوم العلی
والعذر البالغ بینک وبین خلقک واشهد ان من رد ذلک فی اسفل درک
الجحیم اللهم واجعلنی من وفد المبارکین وزواره المخلصین وشیعته الصادقین
وموالیه المیامین وانصاره المکرمین واصحابه المؤیدین اللهم اجعلنی اکرم
وافد وافضل وارد وانبل قاصد قصدک الی هذا الحرم الکریم والمقام
العظیم والمنهل الجلیل الذی اوجبت فیه غفرانک ورحمتک اللهم انی
اشهدک واشهد من حضر من ملائکتک ان الذی سکن هذا الرمس وحل
هذا الضریح مطهر مقدس منتجب وصی مرضی طوبی لک من تربة ضمنت کنزا
من الخیر وشهابا من النور وینبوع الحکمة وعینا من الرحمة ومبلغ الحجة
انا ابرء الی الله من قاتلک والناصبین والمعینین علیک والمحاربین لک
اللهم ذلل قلوبنا لهم بالطاعة والمناصحة والموالاة وحسن المؤازرة والتسلیم
حتی نستکمل بذلک طاعتک ونبلغ به مرضاتک ونستوجب به ثوابک ورحمتک
اللهم وفقنا لکل مقام محمود واقلبنی من هذا الحرم بکل خیر موجود یا ذا الجلال
والاکرام اودعک یا مولای یا امیر المؤمنین وداع محزون علی فراقک لا

رضی

المعینین خ ل

جعله

٣٥ جعله الله آخر العهد منک ولا زیارتی لک انه قریب مجیب والسلام علیک
ورحمة الله وبرکاته پس رو کن بسمت قبله و پهن کن دستهای خود را و بگو
اللهم صل علی محمد وآل محمد وابلغ عنا الوصی الخلیفة والداعی الیک
والی دارک دار السلام صدیقک الاکبر فی الاسلام وفاروقک بین الحق
والباطل ونورک الزاهر ولسانک الناطق بامرک بالحق المبین وعروتک
الوثقی وکلمتک العلیا ووصی رسولک المرتضی علم الدین ومنار المسلمین
وخاتم الوصیین وسید المؤمنین علی بن ابیطالب امیر المؤمنین وامام
المتقین وقائد الغر المحجلین صلوة ترفع بها ذکره وتحیی بها امره وتظهر بها
دعوته وتنصر بها ذریته وتفلج بها حجته وتعطیه بها نصرته اللهم
واجزه عنا خیر جزاء المکرمین واعطه سؤله یا رب العالمین فانا نشهد
انه قد نصح لرسولک وهدی الی سبیلک وقام بحقک وصدع بامرک
ولم یغیر فی حکمک ولم یدخل فی ظلم ولم یسع فی اثم وانه اخو رسولک و
اول من آمن به وصدقه واتبعه ونصره وانه وصیه ووارث علمه
وموضع سره واحب الخلق الیه فابلغه عنا السلام ورد منه السلام ٧
یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که علامه مجلسی ره بعد از ذکر این زیارت در بحار فرموده
من مطلع نشدم بر سند این زیارت و نه بر استحباب زیارت آنحضرت در خصوص
این روز ولکن آن از مشهورات میان شیعه است و بجا آوردن اعمال حسنه در زمانهای
شریفه سبب است برای زیادتی ثواب لکن زیارت آنحضرت صلوات الله علیه در
تمام ایام شریفه افضل است کلام ایشان در مختصر گذشت و این فرموده از ایشان
با آن انس و ممارست بکتب اخبار و مؤلفات قدما خالی از غرابت نیست زیرا که
عنوان مطلب مذکور در کتاب مزار شیخ مفید و سید بن طاوس و شیخ شهید

٧ علینا من

ویغیر

وغیر ایشان رضوان الله علیهم با اختلاف جزئی در عبارت چنین است باب یا
فصل در زیارت حضرت امیر المؤمنین ع که در همه روزها و ماهها میتوان
خواند بعد از ذکر انها گویند باب یا فصل در زیارت آنحضرت که مخصوص است بایامها
و روزها و ابتداء میکنند بروز غدیر انگاه مولود و مبعث را ذکر کنند و اینچه در مزار
شهید است همانستکه در مصباح الزائر ابن طاوس است و اینچه در مصباح الزائر است
موجود است در مزار شیخ مفید و در این کلمات از این اعلام هر دو مطلب استفاده
میشود بنحو اطمینان اوّل استحباب زیارت آنحضرت در خصوص این روز و ورود
روایت در این باب دوّم اختصاص این زیارت معهوده بخواندن در این روز و
استفادهٔ این دو مطلب استکشاف و روایت از کلمات این اعلام ظاهر تر و محکمتر است
از استفاده روایت از مجرد خواندن صفوان جمال زیارت برای آنحضرت چنانچه
گذشت زیراکه بعدی ندارد مثل صفوان که سالها ملازم رکاب حضرت صادق ع
بوده و از ان بحر مواج بقدر استعداد کمالاتی تحصیل نموده خود زیارتی انشاء کرده
و امام خود را بان زیارت کرده باشد مثل جابر بن عبد الله در کربلای معلّی در روز
اربعین اما نشود احتمال داد که عالمی مثل شیخ مفید ره کتابی برای کافه زوار امامیه
تالیف کند و در انجا زیارترا تقسیم کند بعضی مطلقه که هر وقت بتوان خواند و بعضی
مختصه بایامی انگاه هر یک از ان زیارترا در ان روز معین ذکر کند و با این حال غیر ان
زیارت ماثور باشد و نه ان روز را بجهة زیارت ان امام خصوصیتی این را باصاغر
طلبه نتوان نسبت داد چه رسد بان جلیل و تایید کند این سخن را خصوصیاتی که در
ان زیارت ذکر شده که چنین طلب اذن کن و باین نحو بایست و بعد از زیارت با قبر
منور چنین کن و بعد از نماز و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام این دعا را بخوان چه
اگر این خصوصیات وارد نشده باشد البته از اقسام واضحه بدعت محرمه خواهد

بود و نیز تایید کند مروی بودن ان را عمل تاج الفقها شهید اوّل رحمه الله در مزار
که بهمان رشته رفتار نموده و نسبت با حدی نداده و اگر ماثور نبود البته نقل نمیکرد
و اگر نقل میکرد لابد نسبت میداد بشیخ مفید یا ابن طاوس رحمهما الله که ایشان چنین
و امّا اینچه ان مرحوم را بتوهم انداخته انست که این بزرگان زیارت مذکوره و امثال
انرا نسبت بامام ع نداده اند و ظاهر کلمات ایشان انستکه از خود انشاء کرده اند زیراکه در
اوّل کلام میگویند هرگاه اراده زیارت کردی چنین کن و چنین بگو تا اخر و اگر خبر بود
البته میگفتند امام علیه السلام فرموده چنین بگو و چنین بکن مثل سایر اخبار دیگر
نقل کنند در موارد حاجت و رفع این توهم محتاج بذکر مقدمه ایست و ان انستکه
کتبی که در باب زیارات تالیف شده بر دو قسم است مثل کتبی که در حج نوشته شده
اوّل انکه غرض محدث عالم مولف جمع روایات وارده متعلقه بمطالب حج است از
جهة وجوب و فضیلت و شروط و اقسام و کیفیت و اداب ان بتفصیل و این قسم کتاب
غالبا بکار علما میخورد نوع عوام چندان حظی از ان ندارند زیراکه در ان اخبار متعارضه و متعا
و متخالفه و متشابهه و معتبره و غیر معتبره بسیار یافت میشود و غیر عالم ماهر کسی نتواند از
عهدهٔ علاج انها برآید و تکلیف فعلی مکلفین معین نماید و بهمین قسم هم کتابی در زیارات
تالیف شده که غرض صاحبش جمع کردن اینچه از معصومین علیهم السلام با و رسیده دوّم
انکه غرض دستور العمل دادن بمکلفین است که چون خواهند بزیارت بیت الله
بروند[٧] و چه کنند و چه بگویند و در این قسم رسم این بوده که بعد از تنقیح اخبار و اسقاط
مکررات تمام متون اخبار معتبره را در رشته در اورده و چنان تالیف نماید که
ناظر در توهم افتد که از خود سخن گوید زیراکه در اول کلام گوید که چون اراده حج کنی
مثلا چنین کن و چون بمیقات رسی باین قسم محرم شو تا اخر اعمال حج و کردنی و نکردنی
و گفتنی و این قسم کتاب را مناسک حج گویند و بهمین رسم در زیارات نیز تالیف کنند

٧ چگونه بروند ح

وان مناسک زیارات است و در ایجاد دستور العمل بر آید هند بی ذکر اخبار فضایل
یا بسیار کم و گویند چون اراده زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مثلا کردی چنین
کن و چون بفلان موضع رسید چنین بگو تا آخر عمل و هکذا چنین در سایر زیارات و این
کتاب فی الحقیقه مهذب و خلاصه آن کتاب است بی فزودن چیزی و چنانچه در مناسک
حج توهم نمیرود که آنچه ذکر کنند از ادعیه در مواضع مخصوصه مثل بعد از نماز احرام و در
حالات طواف و در سعی صفا و مروه و منی و عرفات و مشعر و غیرها کلها از آن از صاحب کتاب باشد
در مناسک زیارت نیز نباید چنین توهم کرد و احتمال داد که مثل شیخ مفید ره و امثال او
از رؤسا مذهب و قدیم از خود زیارت انشا کنند و ترتیبی دهند و با زیارات ماثوره
بی امتیاز ذکر نمایند و بخلق گویند چنین زیارت کنید و فی الحقیقه بملاحظه آن زیارات
وارده در کاخ در مقابل قوانین احمدیه باز کرده باشند حاشا از این نسبت با شجاعت
با علو مقام و اطلاع تام و وجود اسباب و حاجت نداشتن بتالیف زیارت با وجود ائمه
زیارات واصله و مزار شیخ مفید ره از این رقم است و شاهد بر این چند چیز است
اول آنکه در آن اخبار فضایل نیست دوم آنکه در آن اخبار متفرقه و مختلفه و مکرره
یافت نمیشود سیم آنکه در مقام ذکر زیارت فرقی نگذاشته ما بین زیارات ماثوره
و بین این رقم زیارات که توهم کرده اند که ماثور نیست هر دو قسم را باین نحو شرح داده
که چون اراده زیارت کردی چنین کن تا آخر چهارم آنکه شیخ طوسی ره انرا در کتاب
تهذیب مناسک زیارات نام نهاده و در کتاب مزار فرموده و قد ذکر الشیخ رحمه
الله فی کتابه فی مناسک الزیارات ترتیب الزیارة الحسین علیه السلام احببنا ایراده
علی وجهه ذکر رحمه الله اذا انتهیت الی باب المشهد فقف علیه و کبر الی آخر
زیارت آنحضرت و علی بن الحسین و شهدا و ابی الفضل علیهم السلام و وداع ایشان
که قریب بیک جزو میشود و مزار شهید اول ره نیز بهمین رقم است و اگر بصیر

٢ بر تفصیل صح

منصفی

منصفی بتدبیر در آن کتب مطالعه کند بی تامل تصدیق خواهد کرد آنچه را گفتیم علاوه
بر آنکه در هیچ کتابی دیده نشده تاکنون که شیخ مفید ره خود زیارتی انشا کرده باشد
و احدی از تلامذه عظام آن عالم جلیل این نسبت را باو نداده اند با آنکه حالات و
کمالات و مولفات ایشان را جمع کرده اند حتی رساله دو سه ورقی را و اگر از انشاء ایشان
نشد نتوان بغیر امام نسبت داد چه مقام آن بزرگوار اجل از آن است که در تلو زیارت
ماثوره از امام علیه السلام زیارت مؤلفه از بعضی از اهل علم را نقل کند بیک
نسق و ندهد باین خصوص ناظر را بتوهم اندازد که این هم مثل آن ماثور و مروی است
و آنچه گفتیم درباره زیاراتی است که در مزار شیخ مفید و ابن طاوس و شهید قدس الله
روحهم باشد مثل زیارت مبعث مذکور و اگر در مزار شیخ محمد بن مشهدی ره یافت
شود پس محتاج باین استظهارات نیست زیرا که خواهد آمد انشاء الله که در اول
مزار خود تصریح کرده که آنچه ذکر کرده از ادعیه و زیارات تمام ماثور و مروی
از ائمه علیهم السلام است بتوسط روات ثقات پس برای شبهه جائی نیست مقام
دوم در زیارت مطلقه آنحضرت که در هر وقت میتوان خواند مستور نماند که
در مواضع متعدده و اوقات متکثره ادعیه و اوراد و اذکاری وارد شده که
وقت را گنجایش ندارد منتهی از آن کوتاه تر است که در صدد امتثال آن فرامین بر
آید و اگر همت موجود باشد غالبا کارهائی اهم متعلقه بنظم امور معاش و معاد در
پیش است که با ابتلای بآنها عقلا و شرعا نتوان اوقات را در غیر آنها صرف نمود
مثل ادعیه وارده برای تعقیب بیشتر نمازهای واجبه و ادعیه که در بامداد و
پسین باید خواند و ادعیه روز عرفه و اعمال شبهای قدر و ادعیه و آداب وقت
خواب و زیارات حضرت امیر المؤمنین ع و زیارات حضرت سید الشهداء علیه السلام
پس مؤمن فطن متقی را چاره نیست از اینکه اختیار کند در آن مواضع از آن اعمال

٢ و نسبت صح

٧ بر آمدن از عهده فرمان بجا آوردن آنها اوقات نیست و اگر گنجایش صح

که هنگی بگدائی در خانه اغنیاء و حضرات ائمه اطهار علیهم السلام و غیر ایشان فرستاده
که بعد از تذلل و رنج بسیار لقمه نانی از دون کهنه نیمخته بچنگ آرند که بمجموع راسند و نه
در دو داد و اکند و اگر اتفاقاً حاجتی روا شود از هزاران هزار مؤمنات محروم مانده ایا نمی
بینی بسیاری از دور افتادگان از در خانه امامان و پیشوایان خود که در رحمت
الهی است چون در شدتی افتند و ببلائی گرفتار شوند و برای انجاح مهامی متحیر مانند
ابدا اعتنائی بجمله آثار اهل البیت علیهم السلام ندارند که از ایشان جویا شوند که از
برای کشف آن کربت و انجام آن حاجت بطریق معتبر از خانواده عصمت چه رسیده و
حال آنکه برای تمام آنها دستور العملی داده اند و کتاب شریف کافی تنها در این مقام شافی
و وافی و در آن جمع شده آنچه بآن حاجت افتد با اینحال در گوشه و کنار بجستجو افتد
از دور افتادگان از در خانه قرب الهی جویا شود و ختمی برای قضای حاجت خود طلبد
که از بونی و ابن عربی و امثال ایشان چه رسیده و در پشت فلان کتاب از مرحوم شیخ
بهائی طاب ثراه چه نقل شده و فیل علی شاه برای این حاجت چه ختم مقرر نموده و چه
دستور العمل داده رشته این کلام طولانی و با وضع رساله منافی کار بخرابی و غربت
دین و مهجور شدن آثار ائمه طاهرین علیهم السلام بانجا رسیده که در حرمهای مطهره
غالب عوام و خدام والا مقام بعد از فراغ از زیارت چون خواهند دعا کنند از
تمام ادعیه مأثوره از ائمه علیهم السلام که اگر جمع شود چندین مجلد بزرگ خواهد
شد با آن مضامین عالیه و کلمات منیعه و فقرات جانسوز خصوص ادعیه صحیفه
کامله سجادیه صلوات الله علی مصدرها و منشیها دست کشند و دعائیکه از بافته
بعضی از صوفیه اهل سنت است آن را خوانند و بهمان قناعت کنند و اول آن دعا
این است الهی بحق صفاتک تا آخر دعا که مضامینش خود شهادت دهد که از شیعه
امامی نیست چه رسد بامامان ایشان و در هیچ کتابی دیده نشده و نه کسی پیدا میشود

که

که بندی کنند و نه گوشه که پنهان شود بلکه برای سخن گفتن و موعظه کردن جزئی نمانده
و غیر این از خرابیها که از حدود علاج گذشته پس از تمهید این مقدمه ناقصه میگوئیم چون
زائر از مکان بعید یا نجا و قبر شریف خواهد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت
میکند و ناچار باید در میان همه از آن زیارات که قریب بدویست میشود زیارتی اختیار
کند البته اولی بخواند که آن مشایخ عظام در آن سه کتاب نقل کرده اند خصوص اگر هر سه نقل کرده
باشند و ما در اینجا دو زیارت نقل کنیم زیارت اول زیارتی است مروی از حضرت
امام علی نقی ع که هر سه بزرگوار روایت کرده اند در کامل الزیاره جعفر بن محمد بن قولویه ره
و کتاب جامع محمد بن الحسن بن الولید ره نیز موجود است و در کافی دو زیارت نقل کرده
و این اول آنهاست و در فقیه فرموده چون رسیدی بغری یعنی نجف اشرف پس غسل کن
و با آرامی و وقار برو تا برسی نزد امیر المؤمنین ع پس روی خود را بطرف آنحضرت
کن و بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُوْمٍ وَاَوَّلُ مَنْ
غُصِبَ حَقُّهُ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتّٰی اَتَاکَ الْیَقِیْنُ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ لَقِیْتَ اللهَ وَاَنْتَ
شَهِیْدٌ عَذَّبَ اللهُ قَاتِلَکَ بِاَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّدَ عَلَیْهِ الْعَذَابَ جِئْتُکَ عَارِفاً
بِحَقِّکَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکَ مُعَادِیاً لِاَعْدَائِکَ وَمَنْ ظَلَمَکَ اَلْقٰی عَلٰی ذٰلِکَ رَبِّیْ
اِنْ شَاءَ اللهُ یَا وَلِیَّ اللهِ اِنَّ لِیْ ذُنُوْباً کَثِیْرَةً فَاشْفَعْ لِیْ عِنْدَ رَبِّکَ فَاِنَّ لَکَ عِنْدَ
اللهِ مَقَاماً مَعْلُوْماً وَاِنَّ لَکَ وَاِنَّ لَکَ عِنْدَ اللهِ جَاهاً وَشَفَاعَةً وَقَدْ قَالَ اللهُ
تَعَالٰی وَلَا یَشْفَعُوْنَ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰی زیارت دوم زیارتی است مروی در کافی
و تهذیب اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا
خَلِیْفَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا عَمُوْدَ الدِّیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ النَّبِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا قَسِیْمَ النَّارِ وَصَاحِبَ الْعَصَا وَالْمِیْسَمِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَشْهَدُ
اَنَّکَ کَلِمَةُ التَّقْوٰی وَبَابُ الْهُدٰی وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰی وَالْحَبْلُ الْمَتِیْنُ وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیْمُ

واشهد

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَشَاهِدُهُ عَلٰى عِبَادِهِ وَاَمِينُهُ عَلٰى عِلْمِهِ وَخَازِنُ
سِرِّهِ وَمَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَاَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَشْهَدُ اَنَّ دَعْوَتَكَ
حَقٌّ وَكُلُّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ دُونَكَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُومٍ وَاَوَّلُ مَغْصُوبٍ
حَقُّهُ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَتَقَدَّمَ عَلَيْكَ وَصَدَّ عَنْكَ لَعْنًا كَثِيرًا
يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ عَبْدٍ مُمْتَحَنٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُ اللّٰهِ وَاَمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحًا وَ
اَدَّيْتَ اَمِينًا وَقُتِلْتَ صِدِّيقًا وَمَضَيْتَ عَلٰى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمًى عَلٰى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ
مِنَ الْحَقِّ اِلَى الْبَاطِلِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْ
مَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَنَصَحْتَ لِلْاُمَّةِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ
تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَدَعَوْتَ اِلٰى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَدَعَوْتَ اِلَيْهِ
عَلٰى بَصِيرَةٍ وَبَلَّغْتَ مَا اُمِرْتَ بِهِ وَقُمْتَ بِحَقِّ اللّٰهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ وَصَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْكَ صَلٰوةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضًا لَا انْقِطَاعَ لَهَا
وَلَا اَمَدَ وَلَا اَجَلَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَجَزَاكَ اللّٰهُ مِنْ صِدِّيقٍ
خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِهِ اَشْهَدُ اَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَاَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَاِلَيْكَ وَ
اَنْتَ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ فَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وَ
عَذَّبَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ بِاَنْوَاعِ الْعَذَابِ اَتَيْتُكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَارِفًا بِحَقِّكَ
مُسْتَبْصِرًا بِشَاْنِكَ مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي
اَتَيْتُكَ عَائِذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلٰى نَفْسِي اَتَيْتُكَ زَائِرًا اَبْتَغِي
بِزِيَارَتِكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَتَيْتُكَ هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلٰى
ظَهْرِي اَتَيْتُكَ وَافِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

فَاِنَّ

منصوب

فَاِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً وَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَجَاهًا عَظِيمًا وَشَانًا كَبِيرًا
وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَقَدْ قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَشْفَعُونَ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ
الْاَرْبَابِ صَرِيخَ الْاَحْبَابِ اِنِّي عُذْتُ بِاَخِي رَسُولِكَ مَعَاذًا فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِمَا اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاَتَوَلّٰى اٰخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوَّلَكُمْ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ
وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّٰى مؤلف گويد مجلسى مرحوم اين زيارت را نيز
در بحار نقل كرده ونيز در تحفه بلى در بحار زيارتى طولانى از مصباح الزائر ابن طاوس
نقل كرده كه اين زيارت در آن مندرج است با اختلاف جزئى وبعد از نقل آن اشاره
كرده كه اين مقدار را كلينى ره در كافى نقل كرده والحق جاى تعجب است كه مثل
ثقة الاسلام وشيخ طوسى رحمهما الله زيارتى نقل كنند باستقلال ودر عداد زيارات
شمرده نشود وحال آنكه بايد بر اغلب آنچه نقل شده مقدم باشد چنانچه بر اهل علم مخفى
نيست مقام سيم در چند عمل مخصوص ديگر كه در حرم مطهر علوى بلكه در نجف
اشرف بايست بجاى آورد وآن چهار چيز است اوّل زيارت سيد الشهدا
عليه السلام دوّم زيارت حضرت آدم ونوح عليهما السلام سيّم دعاى
شريفى كه در عقب نماز زيارت آنحضرت وهر نماز واجب يا مستحب كه در حرم يا در
بيرون حرم از صحن وخانه وغيرها كرده ميشود مادامى كه در نجف اشرف است
بايست خوانده شود چهارم رفتن بمسجد عظيم الشان مجهول القدر حنانه كه غالب
زائرين بلكه مجاورين از فيض آن محروم مند وآداب وعمل آن مكان شريف اما
زيارت حضرت ابى عبد الله الحسين صلوات عليه پس بدانكه
اولا كه در تمام كتب مزار ديده نشده كه در اين هفت حرم مطهر مرقد منور نبوى
وحرم شريف بقيع وبقعه عاليه علوى وقبه ساميه حسينى وحرم معظم كاظمى
وبيت رفيع عسكرى واستانه مباركه رضوى على مشرفها الاف السلم والتحية

الأخبار ثمّ

زيارت

زیارت غیر صاحبان بقعه منوره چه یکی باشند یا متعدد مستحب باشد و زیارت
والفاظی مخصوصه وارد شده باشد مثل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در
حرم امیر المؤمنین ع و زیارت هر دو بزرگوار در حرم ابی عبد الله علیه السلام
و همچنین در سایر حرمها بالنسبه بسائر آن بزرگواران جز زیارت حضرت سید
الشهداء علیه السلام در حرم امیر المؤمنین ع که در اخبار عدیده امر بان فرموده اند
و این نیز از جهت فضایل زیارت انحضرت است که احصا نتوان کرد چندان فضایل
بهر درجه برسد باز بفضل زیارت پدر بزرگوارش نرسد و با این حال زیارت انحضرت
در حرم کربلا و سایر حرمها خصوصاً مستحب نیست و الا در اخبار اشاره بان نفرمودند
و همچنین زیارت رسول خدا ص در سایر حرمها غیر این حرم شریف پس معلوم شد که این
مطلب محتاج ملاحظه امر دیگر است غیر از بزرگی فضیلت زیارت انحضرت و آن امر عبارت
قبر سر مبارک انحضرت است که حسب اخبار عدیده در بالا سر قبر پدر بزرگوارش دفن شده
و در قدیم الایام اثر قبر نیز ظاهر بود و از این جهت است که در اخبار عدیده محل زیارت
انحضرت را در این حرم شریف در بالای سر مقرر فرمودند حتی زیارت عاشورای معروفه
و غیر معروفه که خواهد آمد ان شاء الله و از مواضع مخصوصه این زیارت خواندن در این
حرم است در آن محل پس هر کس زیارت کند حضرت سید الشهداء ع را در این حرم در پایین پا
یا در پشت سر یا در طرف بالای سر که در خط پشت سر واقع میشود زیارت وارده انحضرت
را در اینجا نکرده و قصد ورود نتواند کرد بلکه از اینجا که زیارت انحضرت در هر محل
و مکان چه دور و چه نزدیک و در هر زمان مستحب و مرغوب است البته باجر و ثواب
ان خواهد رسید ولکن بادب مخصوص وارد در این حرم مطهر عمل نشده و شیخ فقهاء ره
در جواهر بعد از ذکر بعضی از اخبار اینجا و جمع بین این اخبار که دلالت میکند بر اینکه
سر مبارک در اینجا دفن شد و بین انچه از علماء نقل شده که سر مبارک با جسد شریف

هست

است باینکه مدتی طولانی در اینجا مدفون بوده انگاه نقل شد بکربلا فرموده و لا باس با
لصلوة و زیارة بمکان وضعه بعد دین کلام نیز اشاره است بانچه کفتیم شیخ کلینی ره در
کافی روایت کرده از یزید بن عمر که کفت وقتیکه حضرت صادق ع در حیره بود بمن فرمود
ایا میخواهی بعمل اورم انچه ترا وعده داده بودم کفتم اری یعنی رفتن بسر قبر امیر المؤمنین
علیه السلام کفت پس حضرت سوار شد و اسمعیل سوار شد و من با ایشان سوار شدم
تا انکه از ثویه که تل کوچکی است کذشت و میان حیره و نجف نزد تلهای سفید فرود امد
و من هم با ایشان فرود امدم پس حضرت نماز کرد و اسمعیل نماز کرد و من هم نماز کردم
پس با سمعیل فرمود برخیز و سلام کن بر جدت حسین ع پس کفتم فدایت شوم مکر
حسین در کربلا نیست فرمود اری ولکن چون سر مبارک انحضرت را بشام بردند یکی از
موالیان ما ان سر را دزدید پس انرا دفن کرد در جنب امیر المؤمنین ع و نیز
از ابان بن تغلب روایت کرده که کفت با حضرت صادق ع بودم که کذشت بر پشت
کوفه پس فرود امد و دو رکعت نماز کرده پس اندکی راه رفتند فرود امدند و دو
رکعت نماز کردند انگاه اندکی سیر کردند و فرود امدند و دو رکعت نماز کردند انگاه
فرمود این موضع قبر امیر المؤمنین ع و این دو موضع که در انها نماز کردم موضع
سر مبارک حسین ع است و موضع منزل قائم علیه السلام و سید در کامل الزیارة و فرحة الغری
این خبر را نقل کرده و در آن دو بجای منزل منبر دارد و این اصح است ولکن نسخ کافی
چنان است که نقل کردیم و در کامل الزیارة مرویست که حضرت صادق ع براوی
فرمود چون بنجف برسی دو قبر می بینی قبری بزرگ و قبری کوچک اما بزرگ پس قبر امیر
المؤمنین ع و اما کوچک پس سر حسین بن علی ع است و نیز در انجا از یونس بن
ظبیان روایت کرده که او با حضرت صادق ع سواره بنجف رفتند و حضرت در دو موضع
نماز کذاردند و فرمود که ای یونس بکن انچه من کردم پس چون فارغ شدم فرمود ای یونس

اسمعیل فرزند انحضرت است ع

میشناسم

میثاسی بن مکانرا گفتم نه فرمود موضعیکه اول در ان نماز کردم موضع قبر امیر
المؤمنین ع بود وان بلندیست دیگر موضع سر حضرت امام حسین ع بلدرستیکه عبید
الله بن زیاد چون سر حضرت امام حسین ع را بشام فرستاد او رد ند بکوفه پس گفت
بیرون ببرید این سر را از کوفه که باعث فتنهٔ اهلش نشود پس حق تعالی چنین کرد که نزد
امیر المؤمنین ع مدفون شد و علامه مجلسی ره در تحفه فرموده واما مدفون شدن حضرت
امام حسین ع در بالای سر حضرت امیر المؤمنین ع واستحباب زیارت انحضرت در
انمکان بغیر انچه سابقا ذکر کردیم بسیار است وسید عبد الکریم بن طاوس ره در فرحة
الغری روایت کرده از ابی الفرج سندی که گفت من با حضرت ابی عبد الله جعفر بن
محمد علیهما السلام بودم انزمانی که وارد حیره شدند پس شبی فرمود استر را زین کنید
پس سوار شد ومن در خدمتش بودم تا رسیدیم به پشت کوفه پس فرود امد ودو رکعت
نماز کرد انگاه کناره کرد ودو رکعت نماز بجای اورد انگاه کناره کرد ودو رکعت نماز
کذارد پس گفتم فدایت شوم دیدم در سه موضع نماز کذاردی فرمود اما اول پس موضع
قبر امیر المؤمنین ع ودوم موضع سر امام حسین ع است وسیم موضع منبر قائم ع
ونیز بسند معتبر از مبارک خباز قریب بهمین را روایت کرده ونیز بسند معتبر از
عبد الله بن طلحه روایت کرده که او نیز با انحضرت بانجا رفتند پس به پسرش اسمعیل فرمود
برخیز و نماز کن نزد سر پدرت حسین ع گفتم ایا ان سر مبارک را بشام نبردند فرمود اری
ولکن فلان که از دوستان ما بود انرا دزدید واورد ودر اینجا دفن کرد ودر مزار
شیخ مفید ومصباح ابن طاوس ومزار شهید رضوان الله علیهم زیارتی طولانی روایت
کرده اند از صفوان از حضرت صادق ع ومعروفست بزیارت وداع ودر انجا بعد از
زیارت در پیش رو چنین دارد انگاه ضریح را ببوس وبر جانب چپ بایست وبگو یا
مولای الیک وفودی الخ انگاه ضریح یعنی قبر را ببوس ورو کن بقبر حسین بن علی

علیهما السلام وقبله را میان دو کتف خود قرار ده وبگو السلام علیک یا ابا عبد الله الخ
ودر کامل الزیاره ومصباح متهجد شیخ طوسی قدس سره مرویست از محمد بن خالد طیالسی
از سیف بن عمیره که گفت ما با صفوان بن مهران جمال وجماعتی از اصحاب خود رفتیم بنجف
اشرف بعد از انکه حضرت صادق ع بیرون رفته بود از حیره بمدینه پیش از ما پس
چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین ع فارغ شدیم صفوان روی خود را کردانید
بسوی قبر امام حسین ع وگفت زیارت کنید حضرت امام حسین ع را از اینمکان از
بالای سر امیر المؤمنین ع که حضرت امام جعفر صادق ع چنین کرد در وقتی که من در
خدمت انحضرت باینمکان شریف امدیم الخ ودور نیست که مراد از قبر در این دو خبر شریف
همان قبر کوچک سر مبارک حضرت باشد که در اخبار سابقه کذشت ودر انزمان ظاهر و
ممتاز بود ودر مزار قدیم در خبر زیارت عاشورای غیر معروفه که خواهد امد انشاء الله مذکور
است که حضرت صادق ع فرمود زیارت بایدکرد باین زیارت حسین بن علی علیهما السلام را
در نزد سر حضرت امیر المؤمنین ع پس واضح وروشن شد فرد ومطلب که یکی استحباب
زیارت انحضرتست در این موضع خصوصا بملاحظه سر مبارک ودیگری معین بودن مکان
بالا سر از سمت پیش رو برای ادای این عمل شریف واما الفاظ زیارت پس ان چند زیارت
است اول زیارت عاشورای معروفه دوم زیارت عاشورای غیر معروفه که طولی ندارد
بجهة نبودن فقرهٔ صد مرتبه لعن وسلام سیم زیارتی که خواهد امد در اعمال مسجد
حنانه بنا بر امیر المؤمنین ع برای زیارت سر مبارک امام حسین ع بحول الله مناسبت
چهارم زیارت معروفه متداوله که شیخ مفید وسید وشهید وغیرهم از صفوان روایت
کرده اند که حضرت صادق ع با و فرمود ند که در انجا انحضرت را چنین زیارت کن السلام
عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ وَسَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ

الأئمة الهادين المهديين السلام عليك يا صريع الدمعة الساكبة السلام
السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة السلام عليك وعلى الائمة من
ذريتك وبنيك اشهد لقد طيّب الله بك التراب واوضح بك الكتاب وجعلك
وآباءك وجدك واخاك وامك وبنيك عبرة لاولي الالباب يا ابن الميامين
الاطياب التالين الكتاب وجهت سلامي اليك صلوات الله وسلامه عليك
وجعل افئدة من الناس تهوي اليك ما خاب من تمسك بك ولجأ اليك واما
زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام پس بدان اولا که تعظیم و توقیر هر یک از پیغمبران و اوصیا
صلوات الله علیهم بر همه مکلفین لازم است عقلا و شرعا چه از امت ایشان باشند یا
نباشند و احترام و اکرام ایشان در حیات و ممات فرق نکند پس اگر در زمان حضور
یکی از ایشان کسی در محضر شریفش حاضر شود و سلام نکند و تحیت نگوید البته اهانت
کرده و حقیر شمرده آن رسول معظم را و ورد کار رجل منافق را و همچنین بعد از وفات
اگر در نزد مرقد شریفش حاضر شد البته باید چنان کند که گویا زنده و حاضر و ناظر
است و چون مرقدان دو رسول معظم بحسب اخبار کثیره در همان مرقد طیب و طاهر
حضرت امیر المومنین علیه السلام است لهذا نبایست بی سلام کردن بر ایشان از آن حرم شریف
بیرون رود و الا ادای حق تعظیم لازم ایشان نشده و در اخبار نیز اشاره بآن فرموده‌اند
در کامل الزیارة بسند معتبر مروی است از مفضل بن عمر که گفت مشرف شدم
خدمت حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم که من مشتاق شدم بسوی غری یعنی نجف الاشرف
فرمود چه ترا مشتاق کرده بسوی او گفت دوست دارم زیارت کنم حضرت امیر المومنین علیه السلام
فرمود آیا میدانی فضل زیارت آنحضرت را گفتم نه یا ابن رسول الله الا آنکه تو مرا خبر دهی فرمود
چون اراده کنی زیارت امیر المومنین علیه السلام را پس زیارت کننده عظام آدم و بدن نوح
وجسم علی بن ابی طالب علیهم السلام پس سبب دفن شدن حضرت آدم ؑ را در آنجا بیان فرمود انگاه

فرمود پس چون قصد کردی زیارت طرف نجف اشرف را زیارت کن عظام آدم و
بدن نوح ؑ و جسم علی بن ابیطالب علیهم السلام را پس بدرستیکه زیارت کرده خواهی
بود پدران گذشته و محمد خاتم پیغمبران را و علی بهترین اوصیا را صلوات الله علیهم و زیارتنا
محل زیارت این دو پیغمبر عظیم الشان در بالای سر است در همان جا که زیارت حضرت
سید الشهداء علیه السلام را باید کرد پشت بقبله و رو بایشان چنانچه در آداب زیارت معصوم
ذکر کرده اند و در مزار شیخ مفید و مصباح سید و مزار شهید در زیارت دوره که
از جناب صادق علیه السلام مرویست بعد از ذکر زیارت سید الشهداء علیه السلام در بالای
سر چنانچه گذشت چنین دارد ثم تحول الى الرجلين وقل السلام على ابي الائمة الخ
ثم الى عند الراس لزيارة آدم و نوح عليهما السلام وقل في زيارة آدم علیه السلام الخ انگاه بگرد و
بیا نزد پایهای قبر و بگو الخ بعد از آن باز گرد و بیا نزدیک سر آنحضرت بجهة زیارت آدم
و نوح علیهما السلام الخ و این کلام صریح است در آنچه گفتیم که بایست در محل زیارت ابی عبد
الله علیه السلام ایشان را زیارت کرد و در تمام اخبار شرحی از زیارت ایشان نشده جز در این خبر
لکن آنچه مرسوم شده میان عوام و خدام و بعضی اهل علم که در پشت سر و بقبله می ایستند
و آن دو پیغمبر عظیم الشان را در حکم رعایا و غیر مقصود وارد و زیارت میکنند
علاوه بر اینکه باداب مقرره وارده عمل نکرده اند در تعظیم و تبجیل ایشان را نداشته بلکه
تقصیر را کرده اند و اما اصل زیارت پس در کتب مذکوره و غیرها چنین است

زیارت آدم ؑ السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا حبيب الله
السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا امين الله السلام عليك يا خليفة الله
في ارضه السلام عليك يا ابا البشر السلام عليك يا ابا الشهداء السلام عليك
وعلى روحك وبدنك وعلى الطاهرين من ولدك وذريتك وصلى الله عليك
صلوة لا يحصيها الا هو ورحمة الله وبركاته مؤلف گوید این زیارت را

از مزار شیخ مفید و ابن طاوس رضوان الله عنهما فقره السلام علیک یا ابا الشهداء را انداخته و در اول فقره و صلی الله علیک را انداخته

زیارت نوح علیه السلام

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا شَیْخَ الْمُرْسَلِینَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِینَ اللهِ فِی اَرْضِهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَیْکَ وَعَلَی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ وَعَلَی الطّاهِرِینَ مِنْ وُلْدِکَ وَذُرِّیَّتِکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

موءلف گوید

در این خبر شریف امر فرموده‌اند که برای هر یک دو رکعت نماز زیارت بکند و از کلمات علما معلوم میشود که در این حرم مطهر مطلقا شش رکعت نماز زیارت باید کرد دو رکعت برای حضرت و چهار رکعت برای آن دو پیغمبر صلوات الله علیهم چه این زیارت مخصوصه را بخوانند یا نخوانند حتی شش رکعت که در زیارت ششم مذکور است باید بهمین نحو تقسیم شود شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره دو زیارت برای آنحضرت نقل کرده و در آنها ذکری از آن دو نبی مرسل نشده و در آخر زیارت فرموده وَتُصَلِّی عِنْدَهُ سِتَّ رَکَعاتٍ وَتُسَلِّمُ فِی کُلِّ رَکْعَتَیْنِ لِاَنَّ فِی قَبْرِهِ عِظامَ آدَمَ وَجَسَدَ نُوحٍ وَاَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ فَمَنْ زارَ قَبْرَهُ فَقَدْ زارَ آدَمَ وَنُوحاً وَاَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ فَتُصَلِّی لِکُلِّ زِیارَةٍ رَکْعَتَیْنِ در نزد آنحضرت شش رکعت نماز میکنی در هر دو رکعت سلام میگوئی زیرا که در قبر آنجناب عظام آدم و جسد نوح و امیر المؤمنین علیهم السلام را پس نماز میکنی برای هر زیارت دو رکعت و در مزار شیخ محمد بن المشهدی در چند زیارت مطلقه و مخصوصه تصریح کرده که نماز زیارت در این حرم شش رکعت است بهمان تفصیل و ابن طاوس قده در مصباح الزائر بعد از ذکر زیارت ششم معروفه که در کتاب او زیاده بهم آن سوره ثم صل صلوة الزیارة ست رکعات له و لآدم و نوح علیهم السلام لکل واحد منهم رکعتان انکاه شش رکعت نماز میکنی دو رکعت برای آنحضرت و

برای جناب آدم و نوح علیهم السلام هر یک دو رکعت و شیخ طوسی قده در کتاب مصباح متهجد بعد از ذکر زیارت برای حضرت امیر المؤمنین ع که در آن اسمی از آن دو پیغمبر علیهما السلام برده نشده و بعد از ذکر دو رکعت نماز زیارت با دالبش فرموده و تقوم فتصلی اربع رکعات تقرء فیهما بما شئت من السور و یجزیک ان تقرء انا انزلناه فی لیلة القدر و سورة الاخلاص و یجزیک اذا عدلت عن ذلک ما تیسر لک من القرآن تکمل بالاربع ست رکعات الاولیان منها لزیارة امیر المؤمنین صلوات الله علیه والاربع لزیارة آدم و نوح علیهما السلام ثم تسبح بتسبیح الزهراء علیها السلام و تستغفر لذنبک و تدعو بما بدا لک برمیخیزی و چهار رکعت میخوانی یعنی سوره الرحمن و یس و کفایت میکند ترا که بخوانی سوره انا انزلناه و سوره قل هو الله و اگر از این عدول کردی کافیست ترا که بخوانی آنچه میسر شود ترا از قرآن و با این چهار رکعت شش رکعت را کامل میکنی یعنی آن شش رکعت زیارت مقرره در این حرم را و از آنها برای زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است و چهار دیگر برای زیارت جناب آدم و نوح علیهما السلام انگاه تسبیح حضرت زهراء صلوات الله علیها میفرستی و برای گناهان خود طلب مغفرت میکنی و آنچه میخواهی دعا میکنی و آنچه میخواهی و مراد از زیارت آن دو پیغمبر علیهما السلام در این کلمات که سبب بجا آوردن نماز است یا مجرد حضور در بر مرقد مطهر ایشان است یا با سلام مخصوص گذشته یا آنچه بزبان او جاری کرده و مسلم داشتن این از زائر مؤمن که نشود در حضور دو پیغمبر عظیم الشان حاضر شود و سلام نکند و ثنائی نگوید و لکن واحسن آنکه با این همه اهتمام و تاکید از سنن متروکه است که کمتر زائری حاجی دیگر دارد آن موفق شود و بالله المستعان و اما عمل سیم که خواندن دعای شریف مخصوصی است در عقب نماز زیارت و سایر نمازها از واجب و مستحب نماز امیکه در نجف اشرف بجا آورند پس بدانکه شیخ طوسی قده در تهذیب

نماز میکنی و میخوانی در آنجا آنچه در آن دو رکعت می

فرسخ بوده چه از آنجا تا شهر کوفه همین مقدار مسافت دارد و چون جنازه حضرت
امیر المؤمنین (ع) را در شب حرکت دادند و چون که در آن بتالی نجف دفن شود عبور
بان بنا افتاد و بجهة تعظیم و احترام حضرت چون رکوع کند کان کج شد پس آنرا
حنانه نامیدند و گاهی قائم مائل میگویند و این بجهة شرافت این محل است و جهت دیگر
آنکه چون سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را از کربلا بکوفه می بردند شب در
اینموضع گذاشتند و از اینجهة در اینجا نماز و دعا و زیارت مقرر شده و عامه زوار
از فیض این محل محروم بجهة نادانی و تنبیه نکردن دانایان ایشانرا و بجهة قلت بودن
و ندانستن بزرگی و مقام این محل شریف مهجور و متروک و خراب مانده و حال آنکه منزل
اول سر مطهر حضرت ابی عبد الله (ع) است که از بدن مبارک جدا شد و غریب و تنها
در آنجا بسر آورده بلکه شیخ فقهاء در کتاب جواهر الکلام بعد از ذکر نماز در این مقام
احتمال داده که اینجا مدفن سر مبارک باشد یعنی بعضی از اجزای شریفه آن و اشاره
بمصیبت عظیمه کرده که قلم حقیر را جرئت بر نوشتن آن نیست و مؤید این احتمال است
آنچه محمد بن المشهدی در مزار خود گفته زیارة اخری له صلوات الله علیه یزار بها في
کل یوم و في کل شهر و یزار بها ایضاً عند القائم المائل في الغري فقد جاء في الاثر
ان راس الحسین علیه السلام هناک زیارت دیگری برای آنحضرت که در هر روز
و در هر ماه بان زیارت کرده میشود و نیز آنحضرت را بان زیارت کنند در قائم کرده نجف
است پس بتحقیق که در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین (ع) آنجا است و ظاهر
این خبر دفن در آنجا است اگر چه در بحار احتمال داده که در اصل نسخه وضع هناک
بوده چنانچه گذشت که در آنجا گذاشتند بهرحال این محل باین شرافت اگر در هر بلاد
بعیده بود دوستان و موالیان که از شوق و محبت هر ساله الاف و الوف در راه
آنحضرت صرف میکنند بقدر مقدور در تعظیم و تجلیل این محل میکوشیدند و در

بناء

بناء و عمارت و زینت آن و عبادت در آن جهود خود را صرف می نمودند خانه موجوده
در پشت مسجد کوفه که آنرا نسبت میدهند بحضرت امیر المؤمنین (ع) و تا حال
در هیچ کتابی دیده نشده و عالمی نگفته و سندی هرچند بسیار ضعیف باشد برای این
نسبت ذکر نشده با اینحال بازارش رواج و جزو مناسک زوار و هر چندی بیخردان
در کیفیت صرف وجوه بریه مبلغی در آن صرف کنند و این محل عظیم القدر مطاف
زوار و نه مورد صرف وجوه بر و نه معبد طالبین خیر فتوح و بسیاری از جنابه مقربین
همین مسجد شریف با بناهای عالیه و قباب رفیعه و شموع معلقه و این چنین خراب و ویران
و بی خادم و کوبار و شناخ چراغ را تا کنون در شب ندیده تا روز جزا در نزد مالک
یوم الدین چه شکایتها کند و از مصدر حضرت جبار منتقم چه حکم در آید و اما آداب
وارده برای این مسجد شریف پس چند چیز است اول دو رکعت نماز شیخ مفید در مزار
شیخ مفید در مزار و شیخ جلیل در مصباح و شهید اول در مزار روایت کردند از مفضل
بن عمر که گفت گذشت حضرت امام جعفر صادق (ع) بقائم مائل در راه غری یعنی آن علم
که کج شده بود بجهة جنازه حضرت (ع) پس دو رکعت نماز کرد پس بآنحضرت عرض کردند
این چه نماز است فرمود این موضع سر جدم حسین بن علی علیهما السلام است که آنرا در
اینجا گذاشتند چون از کربلا آمدند آنگاه آنرا نزد عبید الله بن زیاد بردند دوم
خواندن این دعا چنانچه در کتب معتبره از صفوان جمال روایت کردند که حضرت
صادق علیه السلام باو فرمودند چون بعلم یعنی حنانه رسیدی پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَرٰی
مَکَانِی وَتَسْمَعُ کَلَامِی وَلَا یَخْفٰی عَلَیْکَ شَیْءٌ مِنْ اَمْرِی وَکَیْفَ یَخْفٰی عَلَیْکَ مَا اَنْتَ
مُکَوِّنُهُ وَبَارِئُهُ وَقَدْ جِئْتُکَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِیِّ رَسُولِکَ
فَاَسْئَلُکَ بِهِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمِ وَالْهُدٰی وَالْمَغْفِرَةَ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ سیم شیخ محمد بن
المشهدی قده در مزار خود روایت کرده که حضرت امام حسین (ع) را چنین زیارت

کرده چهار رکعت نماز کذارد و زیارت این است السّلام علیک یا بن رسول ۶۰
الله السّلام علیک یا بن رسول الله امیر المؤمنین السّلام علیک یا بن
الصّدیقة الطّاهرة سیّدة نساء العالمین السّلام علیک یا مولای یا
ابا عبد الله ورحمة الله وبرکاته اشهد انّک قد اقمت الصّلوة وآتیت
الزّکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وتلوت الکتاب حقّ تلاوته
وجاهدت فی الله حقّ جهاده وصبرت علی الاذی فی جنبه محتسبا حتّی اتیک
الیقین واشهد انّ الّذین خالفوک وحاربوک وانّ الّذین خذلوک و
الّذین قتلوک ملعونون علی لسان النّبیّ الامّیّ وقد خاب من افتری لعن
الله الظّالمین لکم من الاوّلین والآخرین وضاعف علیهم العذاب الالیم
اتیتک یا مولای یا بن رسول الله عارفا بحقّک موالیا لاولیائک معادیا
لاعدائک مستبصرا بالهدی الّذی انت علیه عارفا بضلالة من خالفک
فاشفع لی عند ربّک **مؤلّف کوید** نزدیک مسجد حنانه از طرف مشرق
تلّی کوچکی است که آنرا ثویه میکویند و در قدیم محلّ معروفی بوده و آبی داشت
و در آنجا جمعی از بزرکان اصحاب حضرت امیر المؤمنین ع مدفونند که یکی از
آنها کمیل است که قبرش ظاهر و از ما بقی اثری نیست وکانّه رشید هجری که جلالت
قدرش از کمیل خیلی بالاتر است در آنجا باشد واحنف بن قیس معروف که در حلم باو
مثل زنند نیز در آنجا است بلکه جبّار عنید زیاد پدر عبید الله ومغیره نیز در آنجا
پس زائر چون بآنجا رسید اوّلا دو رکعت نماز کند چنانچه صفوان از حضرت امام
جعفر صادق ع روایت کرده که باو فرمودند چنین کند وثانیا این دعا را بخواند
الحمد لله علی ما اختصّنی به من طیب المولد واستخلصنی اکراما به من موالاة
الابرار السّفرة الاطهار والخیرة الاعلام اللّهمّ فتقبّل سعیی الیک وتضرّعی

بین یدیک واغفر لی الذّنوب الّتی لا تخفی علیک انّک الملک الغفّار چنانچه ۶۱
در همان روایت مذکور است وثالثا سلام کند بر همه اصحاب حضرت که در آنجا
مدفونند وآنچه تواند بخواند از سور و آیات قرآن که مقرّر است خواندن آن برای
اهل قبور مثل سوره یس وحمد ویازده مرتبه قل هو الله وهفت مرتبه انّا انزلناه
وآیة الکرسی همه را شریک کند واز فیض همه بهره مند شود وبتوسّل ارواح مقدّسه
ایشان متقرّب شود بمولای ایشان ومولای هر مؤمن ومؤمنه امیر المؤمنین ع
و در آنجا مناسب است که از آن جبّار ظالم عنید زیاد یاد کند واز آنچه بشیعیان
خاصّ آنحضرت کرد از انواع ظلم واذیت وقتل ودار کشیدن وبمیل آهنی کداخته در
چشمشان کشیدن بلکه سبّ کردن حضرت وجمع کردن مردم در مسجد برای این
عمل منکر که در همانروز بمقصود نرسیده وبطاعون مبتلا ودنیا را از لوث وجود نحس
پاک نمود وغیر اینها بخاطر آرد وتا تواند دهان را بلعن او پاک وپاکیزه وخوشبو
ومعطّر کند تمام شد آنچه مقصود بود از ذکر مختصر از مناسک زائر در نجف اشرف
وامّا اعمال مسجد کوفه وسهله پس برساله سلامة المرصاد حقیر رجوع کنند
که وافی وکافی است

فصل دویم در شرح زیارات مخصوصه ومطلقه

حضرت ابی عبد الله الحسین ع وغیرها ودر آن چند مقام است

مقام اوّل در ذکر اعتبار زیارات مخصوصه آنحضرت وآن هشت است اوّل رجب
ونیمه آن ونیمه شعبان ولیالی قدر وعیدین وعرفه وعاشوراء واربعین امّا زیارات
مخصوصه روز عاشوراء وروز اربعین پس در آن سخنی نیست زیرا که علمای اعلام
در کتب معتمده باسانید معتبره آنرا روایت کرده اند وامّا شش زیارت دیکر پس فی الجمله
محلّ تامّل وشبهه شده برای بعضی از اهل علم بجهة نسبت ندادن آنها را علما بامام
علیه السّلام در کتب مزار چنانچه سابقا از مجلسی رحمه الله نقل نمودیم واینکه در کتاب

بتحفه نقل نکرده بهمین جهة جز زیارت قدری را باذکر شبهه دران وما در سابق وجهی

اجمالی برای اعتبار تمام انها وصحت نسبت انها بامام ذکر نمودیم وحال نیز دو

وجه دیکر برای اعتبار تمام یا بجملة از انها ذکر میکنیم با قرائن خاصه برای هریک

از انها که انشاء الله تعالی بعد از تامل در انها شبهه نماند و باطمینان توان

نسبت داد انها را بامام علیه السلام **پس میکوئیم وجه اول**

انکه شیخ جلیل محمد بن المشهدی ره در اول مزار خود فرموده وبعد فانی

جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات فی المشاهد وما ورد فی

الترغیب فی المساجد المبارکات والادعیة المختارات وما یدعی به عقیب

الصلوات وما یناجی به القدیم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات

وما یلجاء الیه من الادعیة عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الرواة

الی السادات من در این کتاب جمع نمودم از فنون زیارات وانچه رسیده در ترغیب

در مساجد مبارکه ودعاهای برکزیده وانچه در عقب نمازها خوانده میشود

ودعاهای لذیذه که بان با حضرت باری تعالی مناجاة باید کرد ودعاهائیکه

بان پناه باید برد در نزد امور مهمه از روایات واخباریکه بتوسط راویان

عادل بما رسیده تا ائمه انام علیه السلام یعنی انکه برای من انها را نقل کرد

امامی عادل بود وانکه برای او نقل کرد نیز چنین بود وهکذا تا برسد بامام ع

پس انچه ذکر شود در این کتاب از زیارات ودعوات تمام انها مرویست از

معصوم ع بسند صحیح حتی باصطلاح متاخرین ولا اقل بسند معتبر خواهد بود و

از این عبارت حال ادعیه معروفه مقامات شریفه مسجد کوفه معلوم میشود که تمام

انها بسند معتبر مرویست زیرا که تمام انها را در این مزار نقل فرموده پس هر زیاره

مخصوصه که از این مزار نقل کنیم مروی ومعتبر خواهد بود **وجه دویم**

انکه عالم جلیل شیخ ابراهیم کفعمی ره در کتاب بلد الامین در اعمال شهر ربیع الاول

بعد از ذکر بعضی اخبار وارده در ثواب زیارت کردن حضرت ابی عبد الله ع

در هر ماه فرموده قلت فلهذین الحدیثین اوردنا فی کتابنا هذا للحسین علیه السلام

فی اول کل شهر زیارة مفردة الا ان یکون فی الشهر زیارة موظفة فنکتفی بذکرها

انتهی یعنی بجهة این دو حدیث که در استحباب زیارة انحضرت در هر ماه وارد شد

من در اول هر ماه زیارت مفرده در این کتاب نقل کردم یعنی از زیارات ماثوره

مطلقه مکر انکه در ان ماه زیارت موظفه داشته باشد که من اکتفا میکنم بذکر ان و

در ماه رجب وشعبان ورمضان وشوال وذی الحجة همان زیارات مخصوصه معهوده

را نقل کرده وموظف شدن عملی برای وقتی جز بدستور العمل شرع وشنیدن از ائمه ع

نشود ودر نزد ان مرحوم بعضی کتب مزار معتبره قدیمه بود که حال از انها نشانی

نیست **واما وجه سیم ولما قرائن** وشواهد خاصه پس از اینقرارست

اول رجب سید جلیل علی بن طاوس قده در کتاب مصباح الزائر بعد ذکر انواع

ثواب زیارة دران فرموده شرح زیارته فی ذلک الیوم ویزار بها لیلة نصف

من شعبان ایضا اذا اردت ذلک الی انکاه در فصل فضل زیارت انحضرت

در نیمه شعبان فرموده و اما الزیارة فی هذه اللیلة فقد روی انه یزار

فیها بالزیارة التی قدمناها فی اول رجب فتوخذ من هناک حاصل فرموده

در فصل زیارة مخصوصه اول رجب انکه باین زیارت در شب نیمه شعبان

نیز زیارت کنند انحضرت را ودر فصل زیارت نیمه شعبان فرموده واما زیارت

در این شب یعنی مخصوصه بان پس بتحقیق که روایت شده که انحضرت را زیارت کنند

واین کلام صریح است در انکه الفاظ این زیارت واختصاص ان بان دو وقت

هر دو مرویست ونیز در کتاب اقبال در اعمال نیمه شعبان فرموده فصل فیما نذکره

من لفظ زیارة الحسین ع فی نصف شعبان اقول ان هذه الزیارة مما یزار بها الحسین ع
اول رجب ایضا و انما اخرنا ذکرها الی هذه اللیلة لانها اعظم فذکرناها فی الاشرف
من المکان این زیارتیکه ذکر میشود ان زیارتیست که حضرت را در اول رجب نیز زیارت
کرده میشود و ما این زیارت را در اول رجب ذکر نکردیم و در اینجا ذکر کردیم بجهة بزرگی
قدر و منزلت شب نیمه شعبان پس ان را در محل اشرف ذکر نمودیم و این کلام در صراحت
مثل کلام سابق است و نیز در مصباح بعد از ذکر زیارت انحضرت در اول
رجب و زیارت شهدا ذکر اسامی ایشان در ان مذکور است فرموده قد تقدم
عدد الشهداء فی زیارة عاشوراء بروایة تخالف ما سطرناه فی هذا المکان و
یختلف فی اسمائهم ایضا فی الزیادة والنقصان وینبغی ان تعرف ایدک الله
جل جلاله بتقواه اننا تبعنا فی ذلک ما راینا او رویناه ونقلنا فی کل موضع کما
وجدناه گذشت عدد شهدا در زیارة عاشورا یعنی زیارت ناحیه مقدسه که
متضمن است اسامی شهدا را بروایتیکه مخالفست در عدد با انچه در اینجا ذکر
کردیم و در اسامی ایشان نیز باهم مخالفت دارند و بدانکه ما در نقل متابعت نمودیم
انچه را که روایت کردیم یا بما اذن دادند که انرا روایت کنیم یا انچه را که در کتابی دیدیم
و سندی بصاحبان کتاب نداریم در هر موضع انچه یافتیم نقل نمودیم و واضح است که اگر
این زیارت مرویه بلکه سندش معتبر نبود جای معارضه اند اختن ان با زیارت
ناحیه مقدسه و عذر خواستن نداشت و نیز در مصباح بعد از ذکر فضل زیارت
انحضرت در نیمه رجب فرموده فاما کیفیة زیارته ع فی هذا الوقت فینبغی ان
یزار بالزیارة الجامعة فی ایام رجب او بما تقدم من الزیارات المنقولة فانی
لم اقف علی زیارة مختصة بهذا الوقت المذکور در نیمه رجب سزاوار است که ان
حضرت را زیارت کنند بزیارت جامعه رجبیه یا ببعضی از زیارات منقوله که گذشت

زیرا که من واقف نشدم بر زیارتیکه اختصاص داشته باشد باین وقت و این کلام
صریحست در اینکه انچه ذکر کرده از زیارات مخصوصه در غیر نیمه رجب تمام مروی
و مقدمست بر زیارات مطلقه در ان اوقات اگر دست یافت انها را و اگر دستش
بانها نرسید پس انگاه یکی از زیارات مطلقه را بخواند و ظاهر اعراض شیخ مفید ره
در نزد سید نبود والا میفرمود نیافتم **فی نیمه رجب** این زیارت را شیخ مفید و شهید
اول ره نقل کرده اند و عبارت مزار شیخ مفید چنین است من الزیارات المخصوصة
زیارة النصف من رجب تسمی بالغفیلة فاذا اردت ذلک الخ و شهید فرموده از زیارات
مخصوصه زیارت غفیله است و ان در نصف ماه رجب است پس هرگاه خواهی که در
انوقت زیارت کنی الخ اگر و غفیله اگر اسم این الفاظ زیارت باشد نشود که غیر مروی
باشد چه نشود زیارت تالیف شده دیگران را علما اسم گذارند انگاه مثل این دو عالم
جلیل در مقام فضل انرا باین اسم یاد کنند انرا برای این وقت معین نمایند ولکن محتمل
است که اسم اصل این زیارت مخصوصه باشد یعنی زیارتی در نیمه رجب بهر زیارتیکه
باشد انرا غفیله گویند بهر حال این زیارت بعینها همان زیارت جابر بن عبد الله
است در روز اربعین با اختلاف جزئی در زیاده و نقصان و غیر ان که میشود
از اختلاف نسخ باشد و اختصاص دادن ان دو بزرگوار انرا باین وقت نشود مگر
از روی نص صریح و شاهد صحیح چنانچه بر متامل منصف پوشیده نیست نیمه شعبان
گذشت تصریح سید اجل ابن طاوس که زیارت مخصوصه در ان مروی است و اینکه
ان زیارتیست که در اول رجب باید خواند علاوه بر انکه شیخ مفید و شهید ره نیز هر
دو را در ان زیارت شریک کردند و عبارت شیخ ره این است زیارة اول یوم
من رجب ولیلته ولیلة النصف من شعبان فاذا اردت ذلک الخ و شهید ره
در مزار نیمه رجب را نیز بان دو ملحق نموده و این گونه کلمات با مروی نبودن ؟

زیارت او پست ترین اهل علم شایسته نیست چه رسد باکابر دین و رؤسا ملت
لیالی قدر در مصباح الزائر فرموده شرح الزیارة وهی مختصة بهذه
اللیلة ویزار بها فی العیدین اذا اردت ذلك الخ این زیارت مختص
است بهمین شب و دو شب عید فطر و اضحی نیز بان زیارت حضرت را زیارت
کنند و محمد بن المشهدی در مزار فرموده زیارة الحسین بن علی علیهما السلام
ایضا مختصرة یزار بها فی لیلة القدر وفی العیدین و بالاسناد عن ابی
عبد الله الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام اذا اردت زیارة الحسین
الخ زیارة مختصریست برای انحضرت که بان در شب قدر و عیدین زیارة کرده
میشود و این کلام صریح است در اینکه در اصل این خبر که از حضرت صادق
علیه السلام مسندا نقل کرده یا در اخوان یا در خبر دیکر تصریح باختصاص شده
والا چکونه میشود عالمی زیارت مرویه مطلقه را نقل کند و از خود اختصاص
دهد انرا بزمان معینی و نیز شیخ مفید و شهید اول ره انرا برای این اوقات
معین کرده اند و علامه مجلسی در بحار تحفه فرموده از خبریکه محمد بن المشهدی
ره نقل کرده ظاهر میشود که این زیارت مطلقه است واختصاصی باین زمانها
ندارد و با بیخد جمود باتصریحات ان اعلام از مثل ایشان بعید است عید
فطر و عید اضحی سید جلیل علی بن طاوس قده در کتاب اقبال در ضمن اعمال
شب فطر فرموده ومنها زیارة الحسین علیه السلام فی لیلة عید الفطر و
قد ذکرنا فی الجزء الثانی من کتاب مصباح الزائر وجناح المسافر بعض
فضلها وما اخترناه من الروایة الفاظ الزیارة المختصة فان لم یکن کتابنا
عنده موجودا فی مثل هذا المیقات فلیزر الحسین علیه افضل الصلوا
بغیر تلك الزیارة من الزیارات المرویات فان لم یجد زیارة من المنقولات

فلیزره علیه السلام بما یفتحه الله جل جلاله علیه من التسلیم علیه و
التعظیم له والثناء علیه والاعتراف له علیه السلام بامامته و
البراءة من اهل عداوته والتوسل الی الله جل جلاله بشریف مقاماته
فی قضاء ما یعرض من حاجاته از اعمال شب فطر زیارت حسین ع است و
ما در جزء دوم کتاب مصباح الزائر بعضی از فضایل والفاظ زیارت مختصه
بان که از روایة اختیار کردیم ذکر نمودیم پس اکر در انوقت مصباح در نزد او
نباشد انحضرترا بیکی از زیارات مرویه زیارت کند واکر اندیارات منقوله
چیزی نیافت پس زیارت کند انحضرترا بانچه خدا یتعالی بر زبانش جاری کند از
سلام و تعظیم و ثنا بر جنابش و اعتراف بامامتش و بیزاری از دشمنانش و
متوسل شود بمقامات شریفه اش بجهة برآوردن شدن حاجاتی که دارد
و در این کلمات بالصراحة خبر داده اند که زیارت مخصوصه عیدین مرویست
و با وجود ان زیارت خواندنش مقدمست بر خواندن زیارات مطلقه مرویه
و این نشود مکر با نهایت اطمینان و وثوق بر ورود ان از اهل عصمت ع
و نیز در اقبال در اعمال روز عید قربان فرموده واما لفظ ما نذکره فی
هذا الیوم فی زیارته علیه السلام فقد ذکرنا فی کتاب مصباح الزائر و
جناح المسافر زیارتین مختصتین بهذا المیقات ولیس هذا الکتاب مما نقصد
به الزیارات فان وجد تلك الزیارتین والا فزر الحسین علیه السلام
لیلة الاضحی ویوم الاضحی بما ذکرناه فی هذا الکتاب من الزیارة لیوم عرفة
واما الفاظ مخصوصه که انحضرترا در این روز بان بایست زیارت کرد پس
دو زیارتست که مختص است باین روز در مصباح الزائر نقل کردیم و چون
این کتاب برای ذکر زیارت نبود انرا ذکر نکردیم پس اکر ان دو زیارت مخصوصه

را یافت پس بان زیارت کند حضرت را در شب و روز عرفه بان و الا زیارت کند بزیارتیکه در اعمال روز عرفه گذشت و این کلام نیز در افاده هرد و مطلب مثل کلام سابق است

روز عرفه

ایضاً سید جلیل مقدم در اقبال ذکر اعمال روز عرفه فرموده

فصل فیما نذکره من الفاظ الزیارة المختصة بالحسین علیه السلام یوم عرفة اعلم انه سیاتی فی بعض ما نذکره من الدعوات یوم عرفة زیارة النبی صلی الله علیه و آله و الائمة علیهم افضل الصلوة و انما نذکر فی هذا الفصل زیارة تختص هذا الیوم غیر داخلة فی دعواته در این فصل ذکر میکنیم زیارتیکه مختص بانحضرتست در روز عرفه خواهد آمد در ضمن دعاهائیکه برای روز عرفه ذکر میکنیم زیارتی برای پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین ولکن در اینجا ذکر میکنیم زیارتی که مختص است باین روز و داخل نیست در آن دعاها و دلالت این کلام نیز بر ماثور بودن آن از ائمه انام علیهم السلام بر هیچ متاملی مخفی نیست و شیخ مفید و شهید ره نیز تصریح فرمودند که این زیارت مختص است باین روز و در مزار محمد بن المشهدی ره مذکور است زیارة ابی عبد الله علیه السلام فی یوم عرفة و من لم یمکنه حضور الموقف للحج و قدر علی اتیان قبر الحسین علیه السلام یوم عرفة فلیحضر انگاه زیارت را نقل کرده و گذشت که آنچه در این کتاب ذکر کرده تمام مروی و بطریق ثقات باو رسیده و شاید متتبع بیش از این شواهد بدست آورد

مقام دویم

در ذکر الفاظ زیارات مخصوصه بان اوقات شریفه است

اول رجب

شیخ مفید و علی بن طاوس قدهما تصریح نمودند که این زیارت برای روز اول رجب و شب نیمه شعبانست ولکن شهید اول در مزار فرموده ذکر زیارتهای مخصوصه بابی عبدالله الحسین علیه السلام در روزها و ماهها و آنچه متعلق است باین زیارتها از گفتن و کردن از جمله زیارتها زیارت روز اول ماه رجب است و شب آن

روز

روز و شب نصف ماه رجب که شب غفیله گویند در روز آن شب و شب نصف شعبان و روز آن پس هرگاه خواهی الخ بفرموده ایشان این زیارت برای شش وقت است و مخفی نماند که در اصل زیارت حضرت متفقند ولکن شیخ مفید ره زیارت علی بن الحسین و شهدا را ذکر نموده مخالفاً للسید ابن طاوس ره در مصباح و اقبال نقل کرده و شهید رحمهم الله در مزار هر دو را جمع کرده و ما نیز چنین کنیم

بسم الله الرحمن الرحیم هرگاه خواهی زیارت کنی ابا عبدالله الحسین علیه السلام را در آن اوقاتیکه گفته شد غسل کن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بایست بر در روضه انحضرت رو بقبله و سلام بفرست بر آقای ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر امیر المؤمنین علی علیه السلام و بر فاطمه ع و بر امام حسن ع و بر امام حسین علیه و بر باقی ائمه صلوات الله علیهم اجمعین و بعد از آن داخل شو و بگو و بایست نزد قبر انحضرت و صد بار بگو الله اکبر و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللهِ وَابْنَ حَبيبِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفيرَ اللهِ وَابْنَ سَفيرِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خازِنَ الْكِتابِ الْمَسْطُورِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ التَّوْراةِ وَالْاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ الرَّحْمنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَريكَ الْقُرْآنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدّينِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ حِطَّةٍ الَّذي مَنْ دَخَلَهُ كانَ مِنَ الْآمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ عِلْمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

موضع

مَوْضِعَ سِرِّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَاَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي وَنَفْسِي يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللّٰهُ فِيهَا بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي وَنَفْسِي يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ لَقَدِ اقْشَعَرَّتْ لِدِمَائِكُمْ اَظِلَّةُ الْعَرْشِ مَعَ اَظِلَّةِ الْخَلَائِقِ وَبَكَتْكُمُ السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ وَسُكَّانُ الْجِنَانِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللّٰهِ لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللّٰهِ اِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِنْصَارِكَ فَقَدْ اَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا اَشْهَدُ اَنَّكَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ بِكَ الْبِلَادُ وَطَهُرَتْ اَرْضٌ اَنْتَ بِهَا وَطَهُرَ حَرَمُكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ اِلَيْهِمَا وَاَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ اِلَيْهِ وَاَنَّكَ ثَارُ اللّٰهِ فِي الْاَرْضِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللّٰهِ وَعَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللّٰهِ وَعَنْ اَبِيكَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ اَخِيكَ الْحَسَنِ وَنَصَحْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصًا حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّٰهُ خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ قَتِيلِ الْعَبَرَاتِ وَاَسِيرِ الْكُرُبَاتِ صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً يَصْعَدُ اَوَّلُهَا وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ انگاه قبر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار بعد از ان روی چپ را انگاه دور قبر بگرد و طواف کن و چهار جانب

زیارت علی بن الحسین

قبر را ببوس شیخ مفید طاب ثراه فرموده انگاه برو بسوی قبر علی بن الحسین علیهما السلام و بایست نزد قبر آنجناب و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقُ الطَّيِّبُ الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ وَابْنَ رَيْحَانَةِ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ مَا اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَاَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ اَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللّٰهُ سَعْيَكَ وَاَجْزَلَ ثَوَابَكَ وَاَلْحَقَكَ بِالذِّرْوَةِ الْعَالِيَةِ حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ وَفِي الْغُرَفِ السَّامِيَةِ كَمَا مَنَّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَكَ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ فَاشْفَعْ اَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ اِلَى رَبِّكَ فِي حَطِّ الْاَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِي وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي لِلّٰهِ وَلِلسَّيِّدِ اَبِيكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمَا بعد از ان بیفت بر قبر و بگو زَادَ اللّٰهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ كَمَا شَرَّفَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَاَسْعَدَكُمْ كَمَا اَسْعَدَ بِكُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَعْلَامُ الدِّينِ وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ بعد از ان رو کن بسوی شهدا و بگو السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اللّٰهِ وَاَنْصَارَ رَسُولِهِ وَاَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ وَاَنْصَارَ فَاطِمَةَ وَاَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَاَنْصَارَ الْاِسْلَامِ [یا انصار الحسن بن علی؟ — handwritten marginal note] اَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلّٰهِ وَجَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ فَجَزَاكُمُ اللّٰهُ عَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ فُزْتُمْ وَاللّٰهِ فَوْزًا فَوَاللّٰهِ فُزْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الشُّهَدَاءُ وَالسُّعَدَاءُ وَاَنَّكُمُ الْفَائِزُونَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ بعد از ان باز گرد و بیا نزدیک سر مبارک آنحضرت و نماز زیارت بکن و دعا کن برای خود و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن و سید جلیل علی بن طاوس در کتاب اقبال و مصباح بعد از ذکر زیارت حضرت و گذاردن روی

زائست وجب بوعز و پوشیدن چہار طرف فرمودہ و بو و نہایت بر سر قبر
علی بن الحسین علیہما السلام رو بقبلہ و بگو السَّلَامُ مِنَ اللّٰہِ وَالسَّلَامُ مِنْ مَلَائِکَتِہِ
الْمُقَرَّبِیْنَ وَاَنْبِیَائِہِ الْمُرْسَلِیْنَ وَعِبَادِہِ الصَّالِحِیْنَ وَجَمِیْعِ اَہْلِ طَاعَتِہٖ مِنْ
اَہْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِیْنَ عَلَی ابْنِ اَبِیْ عَبْدِ اللّٰہِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَرَحْمَۃُ
اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَوَّلَ قَتِیْلٍ مِنْ نَسْلِ خَیْرِ سَلِیْلٍ مِنْ نَسْلِ خَیْرِ
سَلِیْلٍ مِنْ سُلَالَۃِ اِبْرَاہِیْمَ الْخَلِیْلِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْکَ وَعَلٰی اَبِیْکَ اِذْ قَالَ
فِیْکَ قَتَلَ اللّٰہُ قَوْمًا قَتَلُوْکَ یَا بُنَیَّ مَا اَجْرَاَہُمْ عَلَی الرَّحْمٰنِ وَعَلَی انْتِہَاکِ حُرْمَۃِ
الرَّسُوْلِ عَلَی الدُّنْیَا بَعْدَکَ الْعَفَا اَشْہَدُ اَنَّکَ ابْنُ حُجَّۃِ اللّٰہِ وَابْنُ اَمِیْنِہٖ
حَکَمَ اللّٰہُ عَلٰی قَاتِلِیْکَ وَاَصْلَاہُمْ جَہَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِیْرًا وَجَعَلَنَا اللّٰہُ یَوْمَ
الْقِیٰمَۃِ مِنْ مُلَاقِیْکَ وَمُرَافِقِیْکَ وَمُرَافِقِیْ جَدِّکَ وَاَبِیْکَ وَعَمِّکَ وَاَخِیْکَ
وَاُمِّکَ الْمَظْلُوْمَۃِ الطَّاہِرَۃِ الْمُطَہَّرَۃِ اَبْرَءُ اِلَی اللّٰہِ مِمَّنْ قَتَلَکَ وَقَاتَلَکَ وَمِمَّنْ
نَصَبَ عَلَیْکُمُ الْعَدَاوَۃَ وَاَسْئَلُ اللّٰہَ مُرَافَقَتَکُمْ فِیْ دَارِ الْخُلُوْدِ وَالسَّلَامُ
عَلَیْکُمْ وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ الْحُسَیْنِ الطِّفْلِ
الرَّضِیْعِ لَعَنَ اللّٰہُ رَامِیَہٗ حَرْمَلَۃَ بْنَ کَاہِلٍ الْاَسَدِیَّ وَذَوِیْہِ بعضے نسخ
مصباح الزائر و مزار الشہید اَلسَّلَامُ عَلَی الْعَبَّاسِ بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ السَّلَامُ
عَلٰی جَعْفَرِ بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰی عُبَیْدِ اللّٰہِ بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ السَّلَامُ
عَلٰی عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَبِیْ بَکْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ
اَلسَّلَامُ عَلٰی عُثْمَانَ بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ السَّلَامُ
عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی جَعْفَرِ بْنِ عَقِیْلٍ
اَلسَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَقِیْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِیْلٍ
اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ اَبِیْ سَعِیْدِ بْنِ عَقِیْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللّٰہِ

علی اول ۲ ۔
لک ۲ ۔

بن

بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ اَبِیْ سَعِیْدِ بْنِ عَقِیْلٍ اَلسَّلَامُ
عَلٰی عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِیْلٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَہْلَ بَیْتِ الْمُصْطَفٰی السَّلَامُ
عَلَیْکُمْ اَہْلَ الشُّکْرِ وَالرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ اللّٰہِ وَرِجَالَہٗ مِنْ اَہْلِ
الْحَقِّ وَالْبَلْوٰی وَالْمُجَاہِدِیْنَ عَلٰی بَصِیْرَۃٍ فِیْ سَبِیْلِہٖ اَشْہَدُ اَنَّکُمْ کَمَا قَالَ اللّٰہُ
عَزَّ وَجَلَّ وَکَاَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قَاتَلَ مَعَہٗ رِبِّیُّوْنَ کَثِیْرٌ فَمَا وَہَنُوْا لِمَا اَصَابَہُمْ فِیْ
سَبِیْلِ اللّٰہِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَکَانُوْا وَاللّٰہُ یُحِبُّ الصَّابِرِیْنَ فَمَا ضَعُفْتُمْ
وَمَا اسْتَکَنْتُمْ حَتّٰی لَقِیْتُمُ اللّٰہَ عَلٰی سَبِیْلِ الْحَقِّ وَنُصْرَۃِ کَلِمَۃِ اللّٰہِ التَّامَّۃِ صَلَّی اللّٰہُ
عَلَیْکُمْ وَعَلٰی اَرْوَاحِکُمْ وَاَبْدَانِکُمْ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا فُزْتُمْ وَاللّٰہِ وَلَوَدِدْتُ اَنِّیْ کُنْتُ
مَعَکُمْ فَاَفُوْزَ فَوْزًا عَظِیْمًا اَبْشِرُوْا بِمَوَاعِدِ اللّٰہِ الَّذِیْ لَا خُلْفَ لَہٗ اِنَّہٗ لَا یُخْلِفُ
الْمِیْعَادَ اَشْہَدُ اَنَّکُمُ النُّجَبَاءُ وَسَادَۃُ الشُّہَدَاءِ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَۃِ وَاَشْہَدُ
اَنَّکُمْ جَاہَدْتُمْ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ وَقُتِلْتُمْ عَلٰی مِنْہَاجِ رَسُوْلِ اللّٰہِ اَنْتُمُ السَّابِقُوْنَ وَ
الْمُجَاہِدُوْنَ اَشْہَدُ اَنَّکُمْ اَنْصَارُ اللّٰہِ وَاَنْصَارُ رَسُوْلِہٖ اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ الَّذِیْ صَدَقَکُمْ
وَعْدَہٗ وَاَرٰیکُمْ مَا تُحِبُّوْنَ وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ بعد ازاں متوجہ
شو و سلام کن بر شہدا و بگو اَلسَّلَامُ عَلٰی سَعِیْدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰہِ الْحَنَفِیِّ السَّلَامُ عَلٰی حُرِّ
بْنِ یَزِیْدَ الرِّیَاحِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی زُہَیْرِ بْنِ الْقَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلٰی حَبِیْبِ بْنِ مُظَاہِرٍ
اَلسَّلَامُ عَلٰی مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَۃَ اَلسَّلَامُ عَلٰی عُقْبَۃَ بْنِ سَمْعَانَ اَلسَّلَامُ عَلٰی بُرَیْرِ بْنِ
خُضَیْرٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ عُمَیْرٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی نَافِعِ بْنِ ہِلَالٍ اَلسَّلَامُ
عَلٰی مُنْذِرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْجُعْفِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَمْرِو بْنِ قُرَاحَۃَ الْاَنْصَارِیِّ
اَلسَّلَامُ عَلٰی اَبِیْ ثُمَامَۃَ الصَّائِدِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی جَوْنٍ مَوْلٰی اَبِیْ ذَرٍّ الْغِفَارِیِّ
اَلسَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ اللّٰہِ الْاَزْدِیِّ السَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ اللّٰہِ وَعَبْدِ
الرَّحْمٰنِ ابْنَیْ عُرْوَۃَ اَلسَّلَامُ عَلٰی سَیْفِ بْنِ الْحَارِثِ اَلسَّلَامُ عَلٰی مَالِکِ بْنِ عَبْدِ

اللہ

عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسی رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ خَدیجَةَ الْکُبْری اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا شَهیدُ ابْنَ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قَتیلُ ابْنَ الْقَتیلِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ
عَلی خَلْقِهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَیْتَ الزَّکوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَبَرَرْتَ بِوالِدَیْکَ وَجاهَدْتَ عَدُوَّکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ تَسْمَعُ
الْکَلامَ وَتَرُدُّ الْجَوابَ وَاَنَّکَ حَبیبُ اللهِ وَخَلیلُهُ وَنَجیبُهُ وَصَفِیُّهُ وَابْنُ
صَفِیِّهِ یا مَوْلایَ زُرْتُکَ مُشْتاقاً فَکُنْ لی شَفیعاً یا سَیِّدی وَاَسْتَشْفِعُ اِلَی
اللهِ بِجَدِّکَ سَیِّدِ النَّبِیّینَ وَبِاَبیکَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَبِاُمِّکَ فاطِمَةَ
سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلا لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَلَعَنَ اللهُ ظالِمیکَ وَ
لَعَنَ اللهُ سالِبیکَ وَمُبْغِضیکَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْاخِرینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی
سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ انگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو

بسوی علی بن الحسین علیه السلام و آنجناب را زیارت کن و بگو
السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَلَعَنَ اللهُ ظالِمیکَ
اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ بِزِیارَتِکُمْ وَبِمَحَبَّتِکُمْ وَاَبْرَءُ اِلَی اللهِ مِنْ اَعْدائِکُمْ وَالسَّلامُ
عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ بعد از آن برو تا بپائین قبور شهدا
پس بایست و بگو اَلسَّلامُ عَلَی الْاَرْواحِ الْمُنیخَةِ بِقَبْرِ اَبی عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ
اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا طاهِرینَ مِنَ الدَّنَسِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَهْدِیُّونَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ
یا اَبْرارَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَعَلَی الْمَلائِکَةِ الْحافّینَ بِقُبُورِکُمْ اَجْمَعینَ جَمَعَنَا
اللهُ وَاِیّاکُمْ فی مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ اِنَّهُ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ وَالسَّلامُ

[illegible] ظاهرا چنانچه در زیارت جابر در اربعین است

عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ بعد از آن برو بحرم عباس ابن امیر المؤمنین ۳۴
چون آمدی بآنجا پس بایست بر در روضه آنجناب و بگو سلام الله تا آخر زیارت
معروف که ذکر خواهد آمد انشاء الله تعالی **نصف شعبان** در آن
نیز دو زیارت مأثور و مرویست اول زیارت اول رجب که گذشت و شیخ مفید
وغیره صریحا فرموده‌اند که آنرا در شب نیمه شعبان نیز بخوانند و ابن طاوس قده
در آن بخصوص روایت نقل کرده چنانچه گذشت و شهید اول ره فرموده در
روز نیمه نیز بخوانند دوم زیارتیست که شیخ کفعمی ره در کتاب بلد الامین روایت
کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود می ایستی نزد قبر آن
حضرت و میگوئی اَلْحَمْدُ للهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعَبْدُ
الصّالِحُ الزَّکِیُّ اُودِعُکَ شَهادَةً مِنّی لَکَ تُقَرِّبُنی اِلَیْکَ فی یَوْمِ شَفاعَتِکَ
اَشْهَدُ اَنَّکَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجاءِ حَیوتِکَ حَیِیَتْ قُلُوبُ شیعَتِکَ وَ
بِضِیاءِ نُورِکَ اهْتَدَی الطّالِبُونَ اِلَیْکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ نُورُ اللهِ الَّذی
لَمْ یُطْفَأْ وَلا یُطْفَأُ اَبَداً وَاَنَّکَ وَجْهُ اللهِ الَّذی لَمْ یَهْلِکْ وَلا یُهْلَکُ اَبَداً
وَاَشْهَدُ اَنَّ هذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُکَ وَهذَا الْحَرَمَ حَرَمُکَ وَهذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ
بَدَنِکَ لا ذَلیلَ وَاللهِ مُعِزُّکَ وَلا مَغْلُوبَ وَاللهِ ناصِرُکَ هذِهِ شَهادَةٌ
لی عِنْدَکَ اِلی یَوْمِ قَبْضِ رُوحی بِحَضْرَتِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَکاتُهُ مجلسی ره در بحار فرموده ظاهر این است که این زیارت مطلقه
است یعنی مختص بنیمه نیست و لکن کفعمی از برای نیمه شعبان نقل کرده
مؤلف گوید با آن تصریح کفعمی که برای چند ماه زیارت موظفه است
چنانچه سابقا نقل کردیم و زیارت مذکوره را از وظایف ظیفه این ماه
و عمل نیمه آن شمرده لابد در خبر مذکور یا در خبر دیگر مصرح باختصاص شده

زیراکه هرگز عالمی عمل مطلق را بمیل خود بوقتی معین نکند وانرا از وظائف ان وقت نشمرد پس برای ظهور مذکور محلی نباشد **لیالی قدر** شیخ مفید محمد بن المشهدی وابن طاوس وشهید اول رحمهم الله این زیارت را ذکر محمد بن المشهدی باسناد معتبر خود روایت کرده از ابی عبدالله الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام فرمود که مخصوص است بشبهای قدر وروز فطر وروز قربان حضرت فرمود پس هرگاه خواهی که زیارت کنی ابی عبدالله الحسین علیه السلام را داخل شو در روضهٔ مبارکهٔ انحضرت بعد از انکه غسل کرده و پاکیزه ترین جامهٔ خود را پوشیدی پس چون ایستادی نزد قبر انحضرت رو کن بجانب او وقبله را میان دو کتف خود بگذار وبگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَيْتَ الزَّكوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتَّى اَتَيكَ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلى لِسَانِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرى لَعَنَ اللهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِيمَ اَتَيْتُكَ يَا مَوْلايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّكَ مُوَالِياً لِاَوْلِيَائِكَ مُعَادِياً لِاَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذِي اَنْتَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ پس بچسب بقبر وروی خود را بران گذار پس برخیز و برو بجانب سر مقدس وبگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ فِي اَرْضِهِ وَسَمَائِهِ صَلَّى اللهُ عَلى رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ وَعَلَيْكَ السَّلامُ يَا مَوْلايَ

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس بیفت بر قبر وببوس انرا وبگذار صورت خود را بران پس بگرد بجانب سر ودو رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از ان دو رکعت انچه میسر شود ترا پس از ان بگرد بسمت پاها وزیارت کن علی بن الحسین صلوات الله علیه را وبگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِيمَ و دعا کن بانچه میخواهی پس زیارت کن شهدا را درحالتیکه میل کنی از سمت پا بطرف قبله پس بگو السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْاَذى فِي جَنْبِ اللهِ وَنَصَحْتُمْ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ حَتَّى اَتَاكُمُ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ فَجَزَاكُمُ اللهُ عَنِ الْاِسْلامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَجَمَعَ اللهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ پس برو بزیارتگاه عباس بن امیر المومنین علیه السلام پس همینکه نزدیک شدی بانجناب پس بگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَاَلْحَقَهُمْ بِدَرْكِ الْجَحِيمِ **عید فطر و عید اضحی** ودران دو زیارت است **اول** زیارت سابقه بجهة شبهای قدر وان مخصوص بروز عید فطر وعید قربانست چنانچه شیخ مفید وابن طاوس وشهید رحمهم الله تصریح کردند ومحمد بن المشهدی ره گفته انرا در عیدین نیز بخواند وظاهر ان بروز واست دوم زیارتیست که شیخ مفید ورضی الدین علی بن طاوس وشهید اول ومحمد بن المشهدی رضوان الله علیهم روایت کردند چنانکه ان سه جلیل این زیارت را از زیارات مختصه

شب عید فطر و شب عید قربان شمرده اند از اذن دخول شروع کردند و محمد بن
المشهدی اولا اخاد رعدا زمطلقات شمرده ولکن گفته که در عیدین نیز این زیارت
زیارت کرده میشود وظاهر اد رخبر اختصاص اذن در خواندن در غیر انوقت هم داد الله
وثانیا این زیارت را برای عیدین گفته وظاهر انو وارست وثالثا برای این زیارت
قبل از اذن دخول مقدمات ذکر کرده لهذا اما این زیارت را از کتاب مزار ایشان
که شهادت داده که تمام ان بتوسط رواة ثقات باو رسیده نقل میکنیم چون
اراده کنی زیارت انحضرت را پس سه روز روزه بدار. و در روز سیم غسل کن و اهل
وعیال خود را بسوی خود جمع کن و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ نَفْسِی وَاَهْلِی
وَوَلَدِی وَمَالِی وَکُلَّ مَنْ کَانَ بِسَبِیلٍ مِنِّی اَلشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغَائِبَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا
بِحِفْظِکَ بِحِفْظِ الْاِیمَانِ وَاحْفَظْ عَلَیْنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی حِرْزِکَ وَلَا تَسْلُبْنَا
نِعْمَتَکَ وَلَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِیَةٍ وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِکَ اِنَّا اِلَیْکَ رَاغِبُونَ
انگاه از منزل خود بیرون برو و بسیار بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وثنای خداوند و صلوات بر پیغمبر و ال او صلوات علیهم و راه بیفت با ارامی و وقار
و وارد شده که خدا یتعالی خلق میکند از عرق او ملائکه و استغفار میکنند برای او و
برای زوار حسین علیه السلام تا انکه روز قیامت برپا شود پس چون نمایان
شد قبه سامیه پس بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِینَ اصْطَفٰی آللّٰهُ خَیْرٌ
اَمَّا یُشْرِکُونَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَسَلَامٌ عَلٰی
اِلْ یٰسِینَ اِنَّا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ وَالسَّلَامُ عَلَی الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ
الْاَوْصِیَاءِ الصَّادِقِینَ الْقَائِمِینَ بِاَمْرِ اللّٰهِ وَحُجَجِهِ الدَّاعِینَ اِلٰی سَبِیلِ اللّٰهِ
الْمُجَاهِدِینَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ النَّاصِحِینَ لِجَمِیعِ عِبَادِهِ الْمُسْتَحْفِظِینَ فِی بِلَادِهِ
الْمُرْشِدِینَ اِلٰی هِدَایَتِهِ وَاِرْشَادِهِ پس چون مشرف شوی بر قنطره علقمی

پس

پس بگو اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ قَصَدَ الْقَاصِدُونَ وَفِی فَضْلِکَ طَمِعَ الرَّاغِبُونَ وَبِکَ
اعْتَصَمَ الْمُعْتَصِمُونَ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلَ الْمُتَوَکِّلُونَ وَقَدْ قَصَدْتُکَ وَافِدًا وَفِی
رَحْمَتِکَ طَامِعًا وَلِعِزَّتِکَ خَاضِعًا وَلِوُلَاةِ اَمْرِکَ طَائِعًا وَلِاَمْرِهِمْ مُتَابِعًا اَللّٰهُمَّ
ثَبِّتْنِی عَلٰی مَحَبَّةِ اَوْلِیَائِکَ وَلَا تَقْطَعْ اَثَرِی عَنْ زِیَارَتِهِمْ وَاحْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهِمْ
وَاَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ پس چون بفرات برسی صد مرتبه بگو الله اکبر و صد مرتبه
بگو لا اله الا الله و صد مرتبه صلوات بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
انگاه بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَیْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَیْهِ الرِّجَالُ وَشُدَّتْ اِلَیْهِ الرِّحَالُ وَاَنْتَ
سَیِّدِی اَکْرَمُ مَزُورٍ وَاَکْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ جَعَلْتَ لِکُلِّ زَائِرٍ کَرَامَةً وَلِکُلِّ وَافِدٍ
تُحْفَةً فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ اِیَّایَ فَکَاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَاشْکُرْ
سَعْیِی وَارْحَمْ مَسِیرِی اِلَیْکَ مِنْ اَهْلِی بِغَیْرِ مَنٍّ مِنِّی عَلَیْکَ بَلْ لَکَ الْمَنُّ عَلَیَّ اِذْ
جَعَلْتَ لِی السَّبِیلَ اِلٰی زِیَارَةِ ابْنِ نَبِیِّکَ وَعَرَّفْتَنِی فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِی بِاللَّیْلِ
وَالنَّهَارِ حَتّٰی بَلَّغْتَنِی هٰذَا الْمَکَانَ وَقَدْ رَجَوْتُکَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی وَقَدْ اَمَّلْتُکَ
فَلَا تُخَیِّبْ اَمَلِی وَاجْعَلْ مَسِیرِی هٰذَا کَفَّارَةً لِذُنُوبِی یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ و بر و
در اب فرات غسل کن و در وقت غسل کردن بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ وَالصَّادِقِینَ عَنِ اللّٰهِ جَلَّ
وَعَزَّ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِی وَنَوِّرْ بِهِ قَلْبِی وَیَسِّرْ بِهِ اَمْرِی
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِی نُورًا وَطَهُورًا وَشِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ وَسُوءٍ
مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی شَاهِدًا یَوْمَ حَاجَتِی وَفَقْرِی وَفَاقَتِی
اِلَیْکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و چون از غسل فارغ شوی پس
دو جامه طاهر بپوش و دو رکعت نماز بکن در بیرون مشرعه کنار همان
مکان است که خداوند عز و جل در شان او فرموده وَفِی الْاَرْضِ قِطَعٌ

متجاوراتٌ وجنّاتٌ من اعنابٍ وزرعٍ ونخيلٍ صنوانٍ وغيرِ صنوانٍ يُسقى
بماءٍ واحدٍ ونفضّلُ بعضَها على بعضٍ في الأكُل ومیخوانی در این دو رکعت نماز
در رکعت اوّل سوره حمد وقل یا ایّها الکافرون و در رکعت دوم سوره
حمد وقل هو الله احد پس چون سلام نماز گفتی تسبیح کن پس بگو الحمدُ للّهِ
الواحدِ المتوحّدِ في الأمورِ كلِّها الرحمنِ الرحيمِ الذي هدانا لهذا وما
كنّا لنهتديَ لولا أن هدانا اللهُ لقد جاءت رسلُ ربّنا بالحقّ اللّهمّ لكَ
الحمدُ حمداً كثيراً ابداً لا ينقطعُ ولا يفنى حمداً يصعدُ اوّلُه ولا ينفدُ
آخرُه حمداً يزيدُ ولا يبيدُ وصلّى اللهُ على محمّدٍ البشيرِ النذيرِ وعلى آلهِ
الأخيارِ الأبرارِ وسلّم تسليماً كثيراً پس چون متوجّه حایر شریف شوی
بگو اللّهمّ اليكَ توجّهتُ ولبابِكَ قرعتُ وبفنائكَ نزلتُ وبحبلِكَ اعتصمتُ
ولرحمتِكَ تعرّضتُ وبوليّكَ توسّلتُ فصلِّ على محمّدٍ وآلهِ واجعلْ زيارتي
مبرورةً ودعائي مقبولاً پس برو و کوتاه بردار گامهای خود را و بوده
باش بر حال تأنی و وقار و دل خاشع و تکبیر و تهلیل و تحمید و تمجید و ثنای
خدا بگو و صلوات بفرست بر رسول خدا صلّى الله عليه وآله و بیزاری جو
از کسانیکه اوّل اساس جور و ظلم بر اهل بیت گذاشتند و برطرف کردند
مقام و مراتب ایشانرا پس چون اذن دخول خواهی بایست بر در روضه
و نظر بیفکن بجانب قبر و بگو یا مولای یا ابا عبدِ الله یا ابنَ رسولِ اللهِ عبدُكَ
وابنُ امتِكَ الذليلُ بينَ يديكَ والمصغّرُ في علوّ قدرِكَ والمعترفُ
بحقّكَ جاءَكَ مستجيراً بكَ قاصداً الى حرمِكَ متوجّهاً الى مقامِكَ متوسّلاً
الى اللهِ تعالى بكَ أأدخلُ يا مولايَ أأدخلُ يا وليَّ اللهِ أأدخلُ يا ملائكةَ
اللهِ المحدقينَ بهذا الحرمِ المقيمينَ في هذا المشهدِ پس داخل شو و مقدم

دار پای راست را بر پای چپ و بگو بسمِ اللهِ وباللهِ وفي سبيلِ اللهِ وعلى
ملّةِ رسولِ اللهِ اللّهمّ انزلني منزلاً مباركاً وانتَ خيرُ المنزلين پس بگو اللهُ
اكبرُ كبيراً والحمدُ للهِ كثيراً وسبحانَ اللهِ بكرةً واصيلاً والحمدُ للهِ الفردِ
الصمدِ الماجدِ الاحدِ المتفضّلِ المنّانِ المتطوّلِ الحنّانِ الذي من تطوّلِهِ
سهّلَ لي زيارةَ مولايَ باحسانِهِ ولم يجعلني عن زيارتِهِ ممنوعاً ولا عن
ذمّتِهِ مدفوعاً بل تطوّلَ ومنحَ پس داخل شو و چون بمیان روضه رسیدی
بایست محاذی قبر با حال خشوع و گریه و زاری و بگو السلامُ عليكَ يا وارثَ
آدمَ صفوةِ اللهِ السلامُ عليكَ يا وارثَ نوحٍ امينِ اللهِ السلامُ عليكَ يا
وارثَ ابراهيمَ خليلِ اللهِ السلامُ عليكَ يا وارثَ موسى كليمِ اللهِ السلامُ
عليكَ يا وارثَ عيسى روحِ اللهِ السلامُ عليكَ يا وارثَ محمّدٍ حبيبِ اللهِ السلامُ
عليكَ يا وارثَ عليٍّ وليِّ اللهِ وحجّتِهِ السلامُ عليكَ يا وارثَ الحسنِ السلامُ عليكَ
ايّها الوصيُّ البرُّ التقيُّ السلامُ عليكَ يا ثارَ اللهِ وابنَ ثارِهِ والوترَ الموتورَ اشهدُ انّكَ
قد اقمتَ الصلوةَ وآتيتَ الزكوةَ وامرتَ بالمعروفِ ونهيتَ عن المنكرِ وجاهدتَ
في سبيلِ اللهِ حقَّ جهادِهِ حتّى استُبيحَ حرمُكَ وقُتلتَ مظلوماً پس
بایست در نزد سر مبارک با دل خاشع و چشم گریان پس بگو السلامُ عليكَ يا ابا عبدِ
اللهِ السلامُ عليكَ يا ابنَ رسولِ اللهِ السلامُ عليكَ يا ابنَ سيّدِ الوصيّينَ
السلامُ عليكَ يا ابنَ فاطمةَ الزهراءِ سيّدةِ نساءِ العالمينَ السلامُ عليكَ
يا بطلَ المسلمينَ يا مولايَ اشهدُ انّكَ كنتَ نوراً في الأصلابِ الشامخةِ
والأرحامِ الطاهرةِ المطهّرةِ لم تنجّسكَ الجاهليّةُ بانجاسِها ولم تلبسكَ مدلهمّاتُ
ثيابِها واشهدُ انّكَ من دعائمِ الدينِ واركانِ المسلمينَ ومعقلِ المؤمنينَ
واشهدُ انّكَ الامامُ البرُّ التقيُّ الرضيُّ الزكيُّ الهادي المهديُّ واشهدُ

ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة
على اهل الدنيا پس بينداز خود را بر قبر وميگوئی انا لله وانا اليه راجعون
يا مولاى انا موال لوليكم ومعاد لعدوكم وانا بكم مؤمن وبإيابكم موقن
بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع يا مولاى
اتيتك خائفا فامنّي واتيتك مستجيرا فاجرني واتيتك فقيرا فاغنني سيدى
ومولاى انت مولاى حجة الله على الخلق اجمعين آمنت بسركم وعلانيتكم
وبظاهركم وباطنكم واولكم وآخركم واشهد انك التالي لكتاب الله
وامين الله الداعي الى الله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة لعن الله
امة ظلمتك وامة قتلتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به
پس چهار ركعت نماز كن در جانب سر آنحضرت وچون سلام نماز گفتی بگو
اللهم اني لك صليت ولك ركعت ولك سجدت وحدك لا شريك لك
لانه لا تجوز الصلوة والركوع والسجود الا لك لانك انت الله الذي
لا اله الا انت اللهم صل على محمد وآل محمد وابلغهم عني افضل السلام
والتحية واردد علي منهم السلام اللهم وهاتين الركعتين هدية
مني الى سيدي الحسين بن علي عليهما السلام اللهم صل على محمد وآله وتقبلها
مني واجرني عليهما افضل املي ورجائي فيك وفي وليك يا ولي المؤمنين پس
بينداز خود را بر قبر وببوس آنرا وبگو السلام على الحسين بن علي المظلوم
الشهيد قتيل العبرات واسير الكربات اللهم اني اشهد انه وليك وابن
وليك وصفيك الثائر بحقك اكرمته بكرامتك وختمت له بالشهادة و
جعلته سيدا من السادة وقائدا من القادة واكرمته بطيب الولادة
واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر

وآبائكم

الثانية

ودو ركعتين
هدية

في الدعاء ومنح النصيحة وبذل مهجته فيك حتى استنقذ عبادك من
الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه
من الآخرة بالادنى وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع
من عبادك اولي الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار
فجاهدهم فيك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم
حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم العنهم لعنا وبيلا و
عذبهم عذابا اليما پس ميل كن بجانب علي بن الحسين عليهما السلام كه در طرف
پای مبارك حضرت حسين است وبگو السلام عليك يا ولي الله السلام
عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن خاتم النبيين السلام عليك
يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام
عليك ايها المظلوم الشهيد بابي انت وامي عشت سعيدا وقتلت
مظلوما شهيدا پس رو كن بسوی قبور شهدا رضوان الله عليهم وبگو
السلام عليكم ايها الذابون عن توحيد الله السلام عليكم ايها الذابون
عن توحيد الله السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار بابي انتم وامي
فزتم پس از ابن محمد بن المشهدی در باب زيارت عباس بن علي عليه السلام
گفته بگو السلام عليك ايها الولي الصالح والصديق المواسي اشهد
انك آمنت بالله ونصرت ابن رسول الله ودعوت الى سبيل الله و
واسيت بنفسك وبذلت مهجتك فعليك من الله افضل التحية
والسلام پس بينداز خود را بر قبر وميگوئی بابي انت وامي يا ناصر
دين الله السلام عليك يا ناصر الحسين الصديق السلام عليك يا
ناصر الحسين الشهيد عليك مني السلام ما بقيت وبقي الليل والنهار

بجاس

پس

پس نماز میکنی در نزد سر آنحضرت دو رکعت و میگوئی بعد از آن آنچه را که گفتیم در نزد سر حضرت حسین ع که مراد دعاء اللهم انی لک صلیت تا آخر است پس بر میگردی بسوی شهداء و بجا می آوری نزد او آنچه خواهی مگر آنکه مستحب است که قرار ندهی آنجا را مکان بیتوته خود یعنی خوابگاه و چون خواهی وداع کنی آنحضرت را پس بایست نزد سر مقدس و گریه کن و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامُ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَئِمٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَإِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللهُ الصَّابِرِينَ يَا مَوْلَايَ لَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ إِلَيْكَ وَالْمُقَامَ فِي حَرَمِكَ وَالْكَوْنَ فِي مَشْهَدِكَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ پس ببوس ضریح را و جمیع روی و بدن خود را بر آن بمال بدرستیکه آن باعث امان و حرز تو است و بیرون بیا از نزد آنحضرت در حالتیکه روی بجانب قبر باشد و پشت بر قبر مکنی و میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ الْمَقَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْحَرَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَداً مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ و میگوئی إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تا آنکه قبر از نظرت غائب شود پس در وقتیکه چنین کردی مثل کسی باشی که زیارت کرده خدا را در عرش
زیارت
عرفه محمد بن المشهدی ره در مزار و سید علی بن طاوس ره در کتاب اقبال و مصباح الزائر و شهید اول ره در مزار این زیارت را برای روز عرفه ذکر کردند و لکن علامه مجلسی قده در بحار شب عرفه را نیز ملحق بروز کرده و مشهد آن بروز بدست نیامد چون خواستی آنحضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر ترا ممکن شد از فرات غسل کن و اگر نشد از هر آبی که ترا

ممکن باشد و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و قصد زیارت آنحضرت کن در حالتیکه با آرامی و وقار و تانی باشی پس چون بدر حائر برسی بگو اللهُ أَكْبَرُ و بگو اللهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَسُبْحَانَ اللهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْمُنْتَظَرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْمُوَالِي لِوَلِيِّكَ الْمُعَادِي لِعَدُوِّكَ اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَى اللهِ بِقَصْدِكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانِي لِوَلَايَتِكَ وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ پس داخل روضه شو و بایست محاذی سر و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ

اشهد انك قد اقمت الصلوة و اتيت الزكوة و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر
و اطعت الله حتى اتاك اليقين فلعن الله امة قتلتك و لعن الله امة
ظلمتك و لعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به يا مولاى يا ابا عبد الله
اشهد الله و ملائكته و انبيائه و رسله انى بكم مؤمن و بايابكم موقن
بشرايع دينى و خواتيم عملى و منقلبى الى ربى فصلوات الله عليكم و على ارواحكم
و على اجسادكم و على شاهدكم و غائبكم و ظاهركم و باطنكم السلام عليك
يابن خاتم النبيين و ابن سيد الوصيين و ابن امام المتقين و ابن قائد
الغر المحجلين الى جنات النعيم و كيف لا تكون كذلك و انت باب الهدى
و امام التقى و العروة الوثقى و الحجة على اهل الدنيا و خامس اصحاب
الكساء غذتك يد الرحمة و رضعت من ثدى الايمان و ربيت فى حجر
الاسلام فالنفس غير راضية بفراقك و لا شاكة فى حياتك صلوات
الله عليك و على ابائك و ابنائك السلام عليك يا صريع العبرة الساكبة
و قرين المصيبة الراتبة لعن الله امة استحلت منك المحارم فقتلت صلى
الله عليك مقهورا و اصبح رسول الله صلى الله عليه و اله بك موتورا
و اصبح دين الله لفقدك مهجورا السلام عليك و على جدك و ابيك و امك
و اخيك و على الائمة من بنيك و على المستشهدين معك و على الملائكة
الحافين بقبرك و الشاهدين لزوارك المؤمنين على دعاء شيعتك و السلام
عليك و رحمة الله و بركاته بابى انت و امى يابن رسول الله بابى
انت و امى يا ابا عبد الله لقد عظمت الرزية و جلت المصيبة بك علينا
و على جميع اهل السموات و الارض فلعن الله امة اسرجت و الجمت و
تهيات لقتالك يا مولاى يا ابا عبد الله قصدت حرمك و اتيت مشهدك

عبس كتاب الله

اسئل

اسئل الله بالشان الذى لك عنده ...
محمد و ال محمد و ان يجعلنى معكم فى الدنيا و الاخرة بمنه و جوده و
كرمه پس ببوس ضريح را پس از آن در بالای سر دو رکعت نماز کن و در آن
دو رکعت هر سوره که خواهی بخوان و چون فارغ شدی پس بگو اللهم لك
صليت و ركعت و سجدت لك وحدك لا شريك لك لان الصلوة و
الركوع و السجود لا تكون الا لك لانك انت الله لا اله الا انت اللهم صل
على محمد و ال محمد و ابلغهم عنى افضل التحية و السلام و اردد على منهم
التحية و السلام اللهم و هاتان الركعتان هدية منى الى مولاى
و سيدى و امامى الحسين بن على عليهما السلام اللهم صل على محمد و
ال محمد و تقبل ذلك منى و اجرنى على ذلك افضل املى و رجائى
فيك و فى وليك يا ارحم الراحمين پس برخیز و بگرد بسوی پای مبارک
حسین علیه السلام و زیارت کن علی بن الحسین علیه السلام را پس بگو السلام عليك
يابن رسول الله السلام عليك يابن نبى الله السلام عليك يابن امير
المؤمنين السلام عليك يابن الحسين الشهيد السلام عليك ايها
الشهيد ابن الشهيد السلام عليك ايها المظلوم ابن المظلوم لعن الله
امة قتلتك و لعن الله امة ظلمتك و لعن الله امة سمعت بذلك فرضيت
به السلام عليك يا ولى الله و ابن وليه لقد عظمت المصيبة و جلت
الرزية بك علينا و على جميع المؤمنين فلعن الله امة قتلتك و ابرء
الى الله و اليك منهم فى الدنيا و الاخرة پس متوجه شو بجانب شهداء و
زیارت کن ایشانرا و بگو السلام عليكم يا اولياء الله و احبائه السلام
عليكم يا اصفياء الله و اوداءه السلام عليكم يا انصار دين الله و انصار

ابی ...

بنيه

نبيه وانصار امير المؤمنين وانصار فاطمة سيدة نساء العالمين
السلام عليكم يا انصار ابي محمد الحسن الولي الناصح السلم عليكم
يا انصار ابي عبد الله الحسين الشهيد المظلوم صلوات الله عليهم
اجمعين بابي انتم وامي طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم وفزتم
والله فوزا عظيما يا ليتني كنت معكم فافوز معكم في الجنان مع
الشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا والسلم عليكم ورحمة الله
وبركاته پس برگرد بجانب سر امام حسین علیه السلام و بسیار دعا کن
از برای خود واهل وعیال خود وبرادران مؤمن خود وشیخ مفید رحمه
الله علیه فرموده که چون اراده کردی بیرون آئی بنید از خود را بر قبر و بوسه
انرا وبگو السلم عليك يا حجة الله السلام عليك يا صفوة الله السلم
عليك يا خالصة الله السلام عليك يا امين الله سلام مودع لا قال
ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله
الصابرين لا جعله الله يا مولاي اخر العهد لزيارتك ورزقني العود
الى مشهدك والمقام في حرمك وان يجعلني معكم في الدنيا والاخرة
پس بیرون بیا و پشت بقبر مکن و بسیار بگو انا لله وانا اليه راجعون
پس برو بسوی مشهد عباس بن علی علیهما السلام همانکه انجا رسیدی
بایست نزد قبر وبگو السلام عليك ايها العبد الصالح المطيع لله و
لرسوله ولامير المؤمنين والحسن والحسين عليهم السلام ورحمة
الله وبركاته ومغفرته على روحك وبدنك اشهد الله انك
مضيت على ما مضى البدريون المجاهدون في سبيل الله المناصحون
في جهاد اعدائه المبالغون في نصرة اوليائه فجزاك الله افضل

الجزاء

الجزاء واوفر جزاء احد ممن وفي ببيعته واستجاب له دعوته وحشرك مع
النبيين والشهداء والصديقين وحسن اولئك رفيقا پس دو رکعت
نماز کن در نزد سر و بخوان خدا را بعد از این دو رکعت بهر دعا که خواهی پس
چون اراده بیرون آمدن کنی وداع کن انجناب را و بگو استودعك الله
واسترعيك واقرء عليك السلام امنا بالله وبرسوله وبما جاء به من
عند الله اللهم اكتبنا مع الشاهدين اللهم لا تجعله اخر العهد من زيارتي
قبر وليك وابن اخي نبيك وارزقني زيارته ما ابقيتني واحشرني
معه ومع ابائه في الجنان ودعا کن از برای از برای خود و از برای
پدر و مادر و برادران مؤمن خود پس برگرد بسوی قبر حسین علیه السلام
بجهة وداع انحضرت یعنی چون خواستی که او را وداع کنی پس بایست نزد
قبر چنانچه در اول مرتبه ایستادی و بگو السلام عليك يا ولي الله السلم
عليك يا ابا عبد الله انت لي جنة من العذاب وهذا اوان انصرافي
عنك غير راغب عنك ولا مستبدل بك سواك ولا مؤثر عليك غيرك ولا
زاهد في قربك اسئل الله تعالى ان لا يجعله اخر العهد مني ومن رجوعي
واسئل الله الذي اراني مكانك وهداني للتسليم عليك ولزيارتي اياك
ان يوردني حوضكم ويرزقني مرافقتكم في الجنان مع ابائك الصالحين
پس سلام کن بر پیغمبر و هر یک از امامان علیهم السلام و دعا کن با هر چه میخواهی
پس رو کن بسوی قبور شهدا و وداع کن ایشان را و بگو السلام عليكم و
رحمة الله وبركاته اللهم لا تجعله اخر العهد من زيارتي اياهم واشركني
معهم في صالح ما اعطيتهم على نصرهم ابن نبيك وحجتك على خلقك اللهم
اجعلنا واياهم في جنتك مع الشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا

شود عکم الله و اقرء علیکم السلم اللهم ارزقنی العود الیهم واحشرنی معهم یا ارحم الراحمین پس بیرون رو و پشت خود را بقبر مکن تا انکه از نظرت پنهان شود و بایست و رو بسوی قبله و دعا کن بانچه خواهی و برو و بکار خود انتهی

زیارت روز عاشورا در این روز پنج زیارت وارد شده اول زیارت عاشورا معروف که متضمن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام است و در کیفیت خواندن آن اختلاف عظیمی بین علما شده و برای آن چند وجه گفته اند و بنا بر بعضی وجوه شاید خواندن آن دو سه یا در چهار ساعت طول کشد و از این جهت بسیاری از فیض آن محروم ماندند فما مختار خود را که مختار بود کان علمای گذشته و سهل ترین آن وجوه هست در رساله سلامة المرصاد ذکر کردیم هر که راغب باشد بانجا رجوع کند دوم زیارتی است طولانی که از ناحیه مقدسه صادر شده و در آن بسیاری از فضایل و مناقب و مصائب آنحضرت مذکور است با دو رکعت نماز زیارت که در آن سوره انبیا و سوره حشر باید خواند با دعای طولانی و از فیض این زیارت نیز غالب از این محروم ۲ سیم دعا و زیارتیکه شیخ طوسی در مصباح و علی بن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده اند از عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلم با اجر عظیم ولکن با اختلافی بسیار بین آن دو روایت و اشتمال عمل بر هزار مرتبه لعن بر قاتل آنحضرت و بعضی جزئیات دیگر که همت اغلب از این قاصر است از بجا آوردن آن چهارم زیارتیست که نیز سید در اقبال نقل کرده از کتاب مختصر منتخب که مولف آن معلوم نیست و نسبت نیز نداده بامامی پنجم زیارتی است که در مزار قدیم که نسخه کهنه از آن بدست آمده و از بعضی قرائن مستفاد میشود که از مولفات قطب راوندی یا بعضی از معاصرین او باشد و او نیز مثل زیارت عاشورا علقمه

۲ هستند

از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده و چون در ثواب با آن زیارت معروفه شریک و خواندن آن سهل و بنا بر اختصار و آسان کردن کار است بر زوار لهذا در اینجا بهمان اقتصار کرده میگوئیم در آن کتاب شریف روایت کرده از علقمة بن محمد الحضرمی از ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هر کس اراده کند زیارت کند حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام را در روز عاشورا و آن روز دهم شهر محرم است پس آن روز را بسر آورد با حالت گریه و تفجع و اندوه که ملاقات خواهد نمود خداوند عزوجل را با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب هر حج و عمره و جهاد آن مانند ثواب آنکه حج کند و عمره نماید و جهاد کند با رسول خدا و با ائمه صلوات الله علیهم اجمعین علقمة بن محمد حضرمی گفت که گفتم بحضرت ابی جعفر علیه السلام فدایت شوم پس چکند آنکه از کربلا دور و در بلاد بعیده است و ممکن نیست از رساندن خود بکربلا در آن روز پس فرمود چون چنین روزی شد یعنی روز عاشورا هر کس که دوست دارد زیارت کند آنحضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود بصحرا یا بام خانه آنگاه دو رکعت نماز بکند و بخواند در آن سوره قل هو الله احد چون سلام گفت پس اشاره کند بسوی آنحضرت و متوجه شود باین سلام و اشاره و نیت بآن جهتی که در آن است ابو عبدالله الحسین ع یعنی رو کند بکربلای معلا آنگاه با خشوع و استکانت بگو السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ تا آخر آنچه بیاید انتهی تم حضرت صادق ع فرمود زیارت کنید حسین بن علی صلوات الله علیهما و این زیارت نزد قبر امیر المومنین ع نزد سر مطهر آنحضرت علقمة بن محمد الحضرمی روایت کرده از حضرت ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود ای علقمه اگر توانی هر روز زیارت کنی آنحضرت را باین زیارت در خانه خود و

دیگر هر جا که باشی از شهرها در زمین خدا بتعالی پس بجا آور این زیارت را که تمام این
ثوابها برای تو خواهد بود پس سعی و کوشش کن در لعن بر قاتلان و دشمنان آنحضرت
و بوده باشد این عمل در اول روز پیش از زوال ای علقمه پس ندبه کنید و بگریید
بر آنحضرت و هر آینه امر کنید هر که در خانه شما است بگریستن بر آنحضرت و یکدیگر
را در این روز ملاقات کنید در خانه‌ها یا هر جا که باشد با گریه و یکدیگر را تعزیت
بگویید بمصیبت حسین علیه السلام راوی گفت گفتم اصلحک الله چگونه تعزیت بگوییم یک
دیگر را فرمود بگویید اَحْسَنَ اللّٰهُ اُجُوْرَنَا بِمُصَابِنَا بِاَبِیْ عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ
وَجَعَلَنَا مِنَ الطَّالِبِیْنَ بِثَارِهِ مَعَ اِمَامِ الْمَهْدِیِّ الْحَقِّ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و اگر
توانستید در آن روز از پی کاری نروید که آن روز روز نحس است که حاجت مؤمن
در آن روز بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود برکت از آن بر داشته و خیر و رشدی
در آن نخواهد بود و مبادا ذخیره کند از شما کسی در منزل خود چیزی برای اگر برکت
برای او ندارد راوی میگوید حضرت باقر علیه السلام فرمود که من ضامنم برای آنکه
چنین کند در نزد خدای عز و جل آنچه گذشت از ثوابهای عظیم و خدایش حشر کند در
زمرهٔ آنانکه شهید شدند با حضرت امام حسین علیه السلام راوی گفت خدمت حضرت باقر
عرض کردم که روزه بگیرم در آن روز فرمود روزه بگیر بی آنکه در شب نیت روزه کنی
و افطار کن نه از روی شماتت چنانچه دشمنان میکردند و تامل کن تا وقت عصر پس
چون هنگام عصر شد افطار کن بیک شربت آبی که در همان وقت جنگ بر طرف شد از
آنحضرت و اصحابش و در حالتی که همه شهید شده بودند صلوات الله علی ارواحهم و
اجسادهم اجمعین و لعنة الله و سخطه و عذابه و نکاله و نقمته علی من کان السبب فی
قتلهم وجدد علیهم العذاب الالیم امین رب العالمین زیارت عاشورا
که در این خبر شریف ذکر شده اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْبَشِیْرِ الْمُنْذِرِ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ
فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خِیَرَةَ اللّٰهِ وَابْنَ خِیَرَتِهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُوْرُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
اَیُّهَا الْاِمَامُ الْهَادِی الزَّکِیُّ وَعَلٰی اَرْوَاحٍ حَلَّتْ بِفِنَائِکَ وَاَقَامَتْ فِیْ جِوَارِکَ
وَوَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ مِنِّیْ مَا بَقِیْتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ فَلَقَدْ
عَظُمَتْ بِکَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ فِی الْمُؤْمِنِیْنَ وَفِی الْمُسْلِمِیْنَ وَفِیْ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ
وَاَهْلِ الْاَرَضِیْنَ اَجْمَعِیْنَ فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ
وَتَحِیَّاتُهُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ وَعَلٰی اٰبَائِکَ الطَّیِّبِیْنَ الْمُنْتَجَبِیْنَ وَعَلٰی
ذُرِّیَّاتِکُمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِیِّیْنَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً خَذَلَتْکَ وَتَرَکَتْ نُصْرَتَکَ وَمَعُوْنَتَکَ
وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ لَکُمْ وَمَهَّدَتِ الْجَوْرَ عَلَیْکُمْ وَطَرَّقَتْ اِلٰی
اَذِیَّتِکُمْ وَتَحَیُّفِکُمْ وَجَارَتْ ذٰلِکَ فِیْ دِیَارِکُمْ وَاَشْیَاعِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَاِلَیْکُمْ یَا سَادَاتِیْ وَمَوَالِیَّ وَاَئِمَّتِیْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ وَاَسْئَلُ
اللّٰهَ الَّذِیْ اَکْرَمَ یَا مَوَالِیَّ مَقَامَکُمْ وَشَرَّفَ مَنْزِلَتَکُمْ وَشَاْنَکُمْ اَنْ یُکْرِمَنِیْ بِوِلَایَتِکُمْ
وَمَحَبَّتِکُمْ وَالْاِئْتِمَامِ بِکُمْ وَالْبَرَائَةِ مِنْ اَعْدَائِکُمْ وَاَسْئَلُ اللّٰهَ الْبَرَّ الرَّحِیْمَ اَنْ
یَرْزُقَنِیْ مَوَدَّتَکُمْ وَاَنْ یُوَفِّقَنِیْ لِلطَّلَبِ بِثَارِکُمْ مَعَ الْاِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْهَادِیْ
مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ یَجْعَلَنِیْ مَعَکُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ الْمَقَامَ الْمَحْمُوْدَ لَکُمْ عِنْدَ
اللّٰهِ وَاَسْئَلُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذِیْ جَعَلَ اللّٰهُ لَکُمْ اَنْ یُعْطِیَنِیْ بِمُصَابِیْ
بِکُمْ اَفْضَلَ مَا اَعْطٰی مُصَابًا بِمُصِیْبَتِهِ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ یَا لَهَا مِنْ مُصِیْبَةٍ
مَا اَفْجَعَهَا وَاَنْکَاهَا لِقُلُوْبِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُسْلِمِیْنَ فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِیْ فِیْ مَقَامِیْ مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْکَ صَلَوَاتٌ
وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ وَاجْعَلْنِیْ عِنْدَکَ وَجِیْهًا فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ

فَاِنِّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ
اَللّٰهُمَّ وَاِنِّیْ اَتَوَسَّلُ وَاَتَوَجَّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخِیَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ
وَّعَلِیٍّ وَّالطَّیِّبِیْنَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاجْعَلْ مَحْیَایَ
مَحْیَاهُمْ وَمَمَاتِیْ مَمَاتَهُمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَیْنِیْ وَبَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ
سَمِیْعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ وَهٰذَا یَوْمٌ تَجَدَّدَ فِیْهِ النِّقْمَةُ وَتَنَزَّلَ فِیْهِ اللَّعْنَةُ عَلَی
اللَّعِیْنِ یَزِیْدَ وَعَلٰی اٰلِ زِیَادٍ وَّعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَّالشِّمْرِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ وَالْعَنْ مَنْ
رَضِیَ بِقَوْلِهِمْ وَفِعْلِهِمْ مِنْ اَوَّلٍ وَّاٰخِرٍ لَعْنًا كَثِیْرًا وَّاَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَاَسْكِنْهُمْ
جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِیْرًا وَّاَوْجِبْ عَلَیْهِمْ وَعَلٰی كُلِّ مَنْ شَایَعَهُمْ وَبَایَعَهُمْ وَ
سَاعَدَهُمْ وَرَضِیَ بِفِعْلِهِمْ وَافْتَحْ لَهُمْ وَعَلَیْهِمْ وَعَلٰی كُلِّ مَنْ رَضِیَ بِذٰلِكَ لَعَنَاتِكَ
الَّتِیْ لَعَنْتَ بِهَا كُلَّ ظَالِمٍ وَّكُلَّ غَاصِبٍ وَّكُلَّ جَاحِدٍ وَّكُلَّ كَافِرٍ وَّكُلَّ مُشْرِكٍ
وَّكُلَّ شَیْطَانٍ رَّجِیْمٍ وَّكُلَّ جَبَّارٍ عَنِیْدٍ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ یَزِیْدَ وَاٰلَ یَزِیْدَ وَبَنِیْ مَرْوَانَ
جَمِیْعًا اَللّٰهُمَّ وَضَعِّفْ غَضَبَكَ وَسَخَطَكَ وَعَذَابَكَ وَنَقِمَتَكَ عَلٰی اَوَّلِ ظَالِمٍ
ظَلَمَ اَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّكَ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَمِیْعَ الظَّالِمِیْنَ لَهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اِنَّكَ ذُوْ
نِقْمَةٍ مِّنَ الْمُجْرِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ اٰلَ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَّالْعَنْ اَرْوَاحَهُمْ
وَدِیَارَهُمْ وَقُبُوْرَهُمْ وَالْعَنِ اللّٰهُمَّ الْعِصَابَةَ الَّتِیْ نَازَلَتِ الْحُسَیْنَ بْنَ بِنْتِ نَبِیِّكَ
وَحَارَبَتْهُ وَقَتَلَتْ اَصْحَابَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَعْوَانَهُ وَاَوْلِیَاءَهُ وَشِیْعَتَهُ وَمُحِبِّیْهِ
وَاَهْلَ بَیْتِهِ وَذُرِّیَّتَهُ وَالْعَنِ اللّٰهُمَّ الَّذِیْنَ نَهَبُوْا مَالَهُ وَسَلَبُوْا حَرِیْمَهُ
وَلَمْ یَسْمَعُوْا كَلَامَهُ وَلَا مَقَالَهُ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِیَ بِهِ
مِنَ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ وَالْخَلَائِقِ اَجْمَعِیْنَ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ وَعَلٰی مَنْ سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ وَوَاسَاكَ بِنَفْسِهِ
وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِی الذَّبِّ عَنْكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ وَعَلَیْهِمْ وَعَلٰی رُوْحِكَ

وَعَلٰی اَرْوَاحِهِمْ وَعَلٰی تُرْبَتِكَ وَعَلٰی تُرْبَتِهِمْ اَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَّرِضْوَانًا وَّرَوْحًا
وَّرَیْحَانًا اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَیَا ابْنَ
سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ وَیَا ابْنَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا شَهِیْدُ یَا ابْنَ
الشَّهِیْدِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّیْ فِیْ هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِیْ هٰذَا الْیَوْمِ وَفِیْ هٰذَا الْوَقْتِ
وَكُلِّ وَقْتٍ تَحِیَّةً وَّسَلَامًا كَثِیْرًا مَّا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا ابْنَ سَیِّدِ الْعَالَمِیْنَ وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدِیْنَ مَعَكَ سَلَامًا اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ
عَلِیٍّ الشَّهِیْدِ اَلسَّلَامُ عَلَی الشُّهَدَاءِ مِنْ وُّلْدِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی الشُّهَدَاءِ
مِنْ وُّلْدِ جَعْفَرٍ وَّعَقِیْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مِّنَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّبَلِّغْهُمْ عَنِّیْ تَحِیَّةً وَّسَلَامًا اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رَسُوْلَ
اللّٰهِ وَعَلَیْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِیْ وَلَدِكَ
الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَعَلَیْكَ السَّلَامُ وَ
رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِیْ وَلَدِكَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْكِ یَا فَاطِمَةُ یَا بِنْتَ رَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَعَلَیْكِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ
اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكِ الْعَزَاءَ فِیْ وَلَدِكِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ
وَعَلَیْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِیْ اَخِیْكَ
الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ
وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَهُمُ الْعَزَاءَ فِیْ مَوْلَاهُمُ
الْحُسَیْنِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِیْنَ بِثَارِهٖ مَعَ اِمَامٍ مَّهْدِیٍّ مُّنْتَظَرٍ اَللّٰهُمَّ لَكَ
الْحَمْدُ عَلٰی جَمِیْعِ مَا یَاْتِیْ مِنْ خَطْبٍ وَّلَكَ الْحَمْدُ عَلٰی كُلِّ اَمْرٍ وَّاِلَیْكَ الْمُشْتَكٰی فِی
الْمُهِمَّاتِ بِخِیَرَتِكَ وَاَوْلِیَائِكَ وَذٰلِكَ لِمَا اَوْجَبْتَ لَهُمْ مِّنَ الْكَرَامَةِ وَ
الْفَضْلِ الْكَثِیْرِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّارْزُقْنِیْ شَفَاعَةَ الْحُسَیْنِ

علیه السلام والذین واسوه بانفسهم وبذلوا دون مهجهم وجاهدوا معه
اعداءك ابتغاء مرضاتك ورجائك وتصدیقا بوعدك وخوفا من وعیدك
انك لطیف لما تشاء یا ارحم الراحمین **زیارت روز اربعین** شیخ
طوسی در تهذیب و غیر او بسندهای معتبره روایت کرده اند از صفوان بن مهران
جمال که گفت فرمود بمن مولای من حضرت صادق علیه السلام در روز زیارت اربعین که زیارت
میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و میگوئی السلام علی ولی الله و
حبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه السلام علی صفی الله وابن صفیه
السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام علی اسیر الکربات وقتیل العبرات
اللهم انی اشهد انه ولیك وابن ولیك وصفیك وابن صفیك الفائز
بکرامتك اکرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبیته بطیب الولادة
وجعلته سیدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا من الذادة و
اعطیته مواریث الانبیاء وجعلته حجة علی خلقك من الاوصیاء فاعذر
فی الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فیك لیستنقذ عبادك من الجهالة وحیرة
الضلالة وقد توازر علیه من غرته الدنیا وباع حظه بالارذل الادنی و
شری آخرته بالثمن الاوکس وتغطرس وتردی فی هواه واسخطك واسخط
نبیك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبین
النار فجاهدهم فیك صابرا محتسبا حتی سفك فی طاعتك دمه واستبیح
حریمه اللهم فالعنهم لعنا وبیلا وعذبهم عذابا الیما السلام علیك یابن
رسول الله السلام علیك یابن سید الاوصیاء اشهد انك امین الله
وابن امینه عشت سعیدا ومضیت حمیدا ومت فقیدا مظلوما شهیدا
واشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من

قتلك واشهد انك وفیت بعهد الله وجاهدت فی سبیل الله حتی اتاك الیقین
فلعن الله من قتلك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضیت به اللهم انی اشهدك
انی ولی لمن والاه وعدو لمن عاداه بابی انت وامی یابن رسول الله اشهد انك
کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلیة بانجاسها
ولم تلبسك المدلهمات من ثیابها واشهد انك من دعائم الدین وارکان المسلمین
ومعقل المؤمنین واشهد انك الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی
واشهد ان الائمة من ولدك کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی
والحجة علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی و
خواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی لکم معدة حتی
یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع عدوکم صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم و
اجسادکم وشاهدکم وغائبکم وظاهرکم وباطنکم آمین رب العالمین
پس دو رکعت نماز میکنی و دعا میکنی بانچه میخواهی و بر میگردی و سید بن طاوس
علیه الرحمة گفته که یافتم من برای این زیارت وداعی که مخصوص است بان و آن چنین
است که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی السلام علیك یابن رسول الله السلام
علیك یابن علی المرتضی وصی رسول الله السلام علیك یا وارث الحسن الزکی
السلام علیك یا حجة الله فی ارضه وشاهده علی خلقه السلام علیك یا
ابا عبد الله الشهید والسلام علیك یا مولای وابن مولای اشهد انك
قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت
فی الله حتی اتیك الیقین اشهد انك علی بینة من ربك اتیتك یا مولای زائرا
وافدا راغبا مقرا لك بالذنوب هاربا الیك من الخطایا لتشفع لی عند ربك
یابن رسول الله صلی الله علیك حیا ومیتا فان لك عند الله مقاما معلوما

وَشَفاعَةً مَقبُولَةً لَعَنَ اللهُ مَن ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَن حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ
وَلَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَن خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَن دَعَوتَهُ فَلَم يُجِبكَ وَلَم
يُعِنكَ وَلَعَنَ اللهُ مَن مَنَعَكَ مِن حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبيكَ وَاَخيكَ
وَلَعَنَ اللهُ مَن مَنَعَكَ مِن شُربِ ماءِ الفُراتِ لَعناً كَثيراً يَتبَعُ بَعضُها بَعضاً اَللّهُمَّ
فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ عالِمَ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ اَنتَ تَحكُمُ بَينَ عِبادِكَ فيما كانُوا
فيهِ يَختَلِفُونَ وَسَيَعلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا اَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ اَللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ
العَهدِ مِن زِيارَتِهِ وَارزُقنيهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَحَييتُ يا رَبِّ وَاِن مِتُّ فَاحشُرني
في زُمرَتِهِ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ ۝ مؤلّف گوید برای روز اربعین زیارت
دیگر در کتب مزار موجود است که از اجابر خوانده اگر کسی خواست که آنرا نیز بخواند
همان زیارت نیمهٔ رجب را بخواند که فرقی ندارند جز چند کلمه که شاید از اختلاف
نسخ باشد **مقام سیّم** در ذکر زیارات مطلقه حضرت ابی عبد الله الحسین
علیه السلام که قریب بصد زیارت میشود و از مقدمه که در فصل اول ذکر شد معلوم
شد که مقدم بر تمام انها زیارتیست که مشایخ عظام در کافی و تهذیب نقل
کرده باشند و ان منحصر در یک زیارت شریفه است که از جهات عدیده از تمام ان زیارات
ممتاز است اولا انکه چندان مختصر است که از شوق نفس بزیارت چیزی نکاهد و نه
چندان طولانی که در خواندنش زائر را ملالت گیرد و از حضور قلب بیفتد و نزاد آب
مشکله ندارد که غالبا خصوص در اوقات ازدحام از عهدهٔ ان نتوان بر آمد و ثانیا
همه بزرگواران را نقل کرده اند در تهذیب اول زیارتی است که ذکر کرده و در کافی
دوم و در فقیه غیر ان زیارتی دیگر نقل نکرده و ثالثا متضمن است مضامین
عالیه را که در هیچ زیارتی یافت نمیشود چنانچه بر ناظر بصیر مخفی نیست و را بعا شیخ
رئیس المحدثین شیخ صدوق قدّه در فقیه بر انکه این زیارت اصح زیارات است

علاوه بر این شهادتی اکر در اول کتاب بر صحت تمام اخبار موجوده در ان داده و عبارت
فقیه بعد از ذکر این زیارت اینست وقد اخرجت فی کتاب الزیارات وفی کتاب
مقتل الحسین علیه السلام انواعا من الزیارات واخترت هذه الکتاب لانها اصح ۷ لهذا ص
الزیارات عندی من طریق الروایة وفیها بلاغ وکفایة ومن در کتاب زیارات
وکتاب مقتل حضرت امام حسین علیه السلام انواعی از زیارات نقل کردم و این زیارت
را برای این کتاب اختیار کردم زیرا که این زیارت صحیح ترین زیاراتست نزد من از
جهة سند روایت و در او است انچه زائر را بمقصد برساند و از انچه خواهد کفایت
نماید با این مناقب شریفه و نعوت جمیله مهجور و بسیار کم خوانده میشود اما جل عوام
کالانعام را که نه خود بصیرتی دارند و نه از بصیری پرسش کنند شیطان از فیض
غالب زیارات مأثوره و ثواب الفاظ وی محروم کرده و زیارت با فته اخوند بی خبره
یا روضه خوان بی سوادی که اسم ان را زیارت مفجعه گذاشته بدست ایشان داده
بهمان مشغول و مشعوف از اب زلال گوارا بسرابی قانع و از طلای احمر بغش
بسفالی راضی از ان جهال بی سواد کسی نپرسیده که در تمام زیارات مأثوره از
ائمهٔ طاهرین علیهم السلام هرگز اسمی از خواهران و دختران مکرمات انحضرت
برده نشده و همانا سببش هم ندارد سبب این فضولی چه بود کسی نپرسیده که این عاتکه
یا عاتقه و صفیه کیانند دختر کی خواهر کی زن کی در کلام مذکور نیند بچه مناسبت
سلام بر ایشان کردی و هکذا والحق این زیارت و ان دعای با فته عارف
سبزواری با نقص صفاتش الخ بعد از ان چون جمع شود مقصد شیطان از محروم نمودن
زوار از فیض این حرم مطهر و قبه سامیه است بدست امده و بر بعضی عوام چون
حقیقت حال منکشف شده عذر اورده که در این زیارت بعضی فقرات بیان سوز
و کلمات اتش افروز است که مناسب حال زوار و سبب تکسر قلب و گریستن در این

باین الاخوان است که غایت ملال وارد بر ایشان است واین عذر بان کلام
شاه در بیان قطار است زیرا که بر اکثر این اشخاص که راغب بذکر مصائب انحضرت
وگریستن در ایام محرم هستند بزد ستور انعماد دادند و زیارت مشهوره بکیه کر بهتر از
روضه خواندن چندین روضه خوان است مقرر داشتند **توضیح** این اجمال
انکه یکی از زیارات روز عاشوراء زیارتیست که از ناحیه مقدسه رسیده و
مشتمل است بر بسیاری از مصائب انحضرت کر ان اخوند جمال جمله از فقرات زیارت
مجعوله خود را از ان دزدیده وچون بحسب روایت مختص بروز عاشورا است
زوار غالبا از فیض خواندن ان محروم مند وسید جلیل علی بن طاوس قدس سره در
مصباح الزائر در ضمن زیارات مطلقه زیارتی نقل کرده که مشتمل است بر تمام
فقرات ان زیارت ولکن با اذن دخول مبسوطی که در ان نیز اشاره بجمله از مصائب
شده وتعلیم کردن ان که بعضی در پیش رو وبعضی در پشت سر وبالین پا باید خواند
وسید فرموده این زیارتی است که سید مرتضی بان زیارت کرده علامه مجلسی ره
در بحار این زیارت را از مصباح الزائر نقل کرده ودر اخر ان فرموده مظنون ان
است که این زیارت از مؤلفات سید مرتضی باشد که از فقرات ناحیه مقدسه
انرا ترکیب نموده وچیزی بر ان افزوده واز این جهت این زیارت را در کتاب تحفه نقل
نکرده وغالب عوام را که بخواندن سنی کرده کتب انمرحوم ببینند بکتاب دیگر
دیگران اعتنائی ندارند از فیض ان زیارت محروم کردند ودر مزار قدیم همین
زیارت را نقل کرده ودر اول ان فرموده زیارة اخرے مختص بالحسین صلوات
الله علیه وهی مرویة باسانید وهی اول زیارة زار بها المرتضی علم الهدی
رضوان الله علیه علیکم السلام فاذا بلغت المقتل الخ حاصل ترجمه این زیارت
بچند سند روایت شده واین اول زیارتیست که بان زیارت کرد علم الهدی

سید مرتضی پس معلوم شد که این زیارت شریفه مرویه معتبره در زمره وقت میشو
خوانند وظن ان مرحوم بے اصل بلکه با طریقه سید مرتضی ابدا مناسبتے ندارند بهر حال
نسخه ان زیارت بنا بر اهر که راغب تذکر مصائب وسوختن وگریستن بر انحضرت است
بر استے ان را بخوانند وغرض از این کلمات اتمام حجت ورفع عذر بود لا لت بر خیر است
که از حقوق لازمه اخوان مؤمنین است که بایست از عهده ان در امد باطن بے ثمری و
نتیجه نداشتن ان ودست نکشیدن عوام وجهال از خواندن ان زیارت مجعوله
وکفتن بعضی اکاذیب را ان محضر عظیم الشان واما نوع دانایان غالبا از زیارت
وارث وزیارت امین الله یا جامعه صغیره نکذرند اگر موفق بخواندن زیارت
عاشورا نشدند والحمد لله که ظاهر ومکشوف شد تقدم این زیارت بر همه انها
وغیر انها وچون در نسخه این زیارت که در کافی وفقیه وتهذیب وکامل الزیارة
مرویست فی الجمله اختلاف در بعضی از کلمات بود وذکر ان اختلاف مورث تشتت
حواس بود تمام بهمان نسخه ثقة الاسلام در کافی قناعت کردیم ودر ان بسند معتبر
روایت کرده از حسین بن ثویر که گفت من ویونس بن ظبیان ومفضل بن عمر وابو سلمه
سراج نشسته بودیم نزد حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام ومتکلم در میان
ما یونس بود که سنش از همه ما بزرگتر بود پس بحضرت عرض کرد فدایت شوم من حاضر
میشوم در مجلس این قوم یعنی اولاد عباس پس چه بگویم فرمود هر گاه حاضر شدی ومارا
را بیاد اوردی پس بگو اللهم ارنا الرخاء والسرور که انچه میخواهی یعنی از ثواب
یا رجوع در رجعت خواهی رسید گفت گفتم فدایت شوم بسیار میشود که امام حسین علیه السلام
را یاد کنم پس چه بگویم فرمود بگو صلی الله علیک یا ابا عبد الله واین را سه مرتبه بگو که
سلام میرسد بانحضرت از نزدیک واز دور پس فرمود چون انحضرت شهید شد گریست
بر انحضرت هفت اسمان وانچه در انها است وانچه در مابین انها است وهر که در

بهشت وجهنم است از خلق پروردگار ما و آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود گریستند
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام مکرر سه چیز که بر آنحضرت نگریستند گفتم فدایت شوم آن سه
چیز کدامست فرمود نگریست بر آنحضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان لعنهم الله گفتم
فدایت شوم میخواهم بزیارت آنحضرت بروم پس چه بگویم و چه کار کنم فرمود چون بزیارت
ابی عبدالله الحسین علیه السلام رفتی پس غسل بکن در کنار شط فرات پس بپوش
جامهای پاک خود را و روانه شو با پای برهنه بدرستیکه تو در حرمی هستی از حرمهای
خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه وآله و بسیار کن در وقت رفتن از ذکر الله اکبر و لا اله
الا الله و سبحان الله و هر ذکر که متضمن تمجید و تعظیم حقتعالی است و صلوات بر محمد ٧ بعبهت
و آل محمد تا آنکه برسی بدر حایر پس میگوئی السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته
السلام علیکم یا ملائکة الله و زوار قبر ابن نبی الله پس ده گام بردار پس بایست
و سی مرتبه الله اکبر بگو و بسوی قبر از پیش روی پس مقابل کن روی خود را با روی ٢ بسوی حرم
آنحضرت و قرار بده قبله را ما بین دو کتف خود یعنی پشت بقبله باش پس بگو
السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته السلام علیک یا قتیل الله و ابن قتیله السلام
السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره السلام علیک یا وتر الله الموتور فی السموات
والارض اشهد ان دمک سکن فی الخلد واقشعرت له اظلة العرش وبکی
له جمیع الخلائق وبکت له السموات السبع والارضون السبع وما فیهن وما
بینهن ومن یتقلب فی الجنة والنار من خلق ربنا وما یری وما لا یری
اشهد انک حجة الله وابن حجته واشهد انک قتیل الله وابن قتیله واشهد
انک ثار الله وابن ثاره واشهد انک وتر الله الموتور فی السموات والارض
واشهد انک قد بلغت ونصحت ووفیت واوفیت وجاهدت فی سبیل الله
ومضیت للذی کنت علیه شهیدا ومستشهدا وشاهدا ومشهودا انا عبد

الله

الله ومولاک وفی طاعتک والوافد الیک التمس کمال المنزلة عند الله و
ثبات القدم فی الهجرة الیک والسبیل الذی لا یختلج دونک من الدخول فی
کفالتک التی امرت بها من اراد الله بدأ بکم من اراد الله بدأ بکم من اراد
الله بدأ بکم بکم یبین الله الکذب وبکم یباعد الله الزمان الکلب وبکم فتح
الله وبکم یختم الله وبکم یمحو الله ما یشاء وبکم یثبت وبکم یفک الذل من رقابنا
وبکم یدرک الله ترة کل مؤمن یطلب بها وبکم تنبت الارض اشجارها وبکم تخرج
الاشجار ثمارها وبکم تنزل السماء قطرها ورزقها وبکم یکشف الله الکرب
وبکم ینزل الله الغیث وبکم تسیخ الارض التی تحمل ابدانکم وتستقر جبالها عن
مراسیها ارادة الرب فی مقادیر اموره تهبط الیکم وتصدر من بیوتکم والصادر
عما فصل من احکام العباد لعنت امة قتلتکم وامة خالفتکم وامة جحدت
ولایتکم وامة ظاهرت علیکم وامة شهدت ولم تستشهد الحمد لله الذی
جعل النار مأویهم وبئس ورد الواردین وبئس الورد المورود والحمد لله
رب العالمین پس سه بار بگو این صلوات را وصلی الله علیک یا ابا عبد الله پس سه
مرتبه بگو انا الی الله ممن خالفک بریء پس برمیخیزی و میروی بنزد قبر فرزند
آنحضرت علی بن الحسین علیهما السلام که نزد پای آنحضرت است پس میگوئی السلام
علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک
یا ابن الحسن والحسین السلام علیک یا ابن خدیجة وفاطمة و میگوئی سه مرتبه
صلی الله علیک لعن الله من قتلک و سه مرتبه انا الی الله منهم بریء پس برمیخیزی
و اشاره میکنی بدست خود بسوی شهداء رض و میگوئی سه مرتبه السلام علیکم
پس میگوئی فزتم والله فزتم والله فزتم والله فلیت انی معکم فافوز فوزا
عظیما پس دور میزنی تا آنکه قرار میدهی قبر حضرت ابی عبدالله علیه السلام

٩ بتیره
٧ تستقل سوبدب
منهم ما

وبارو

برا برخود بهتر میروی پشت قبر پس شش رکعت نماز میکنی و چون چنین کردی زیارت تمام میشود پس اگر خواهی انجا بمان و اگر خواهی برگرد **مؤلف گوید** اگرچه در حدیث بیان نشده از برای این شش رکعت ولکن بگمان حقیر دو رکعت از آن نماز زیارت حضرت باشد که در اخبار عدیده سوره یس و سوره الرحمن را برای او معین نمودند اگر میسر شد و دو رکعت برای علی بن الحسین علیه السلام و دو رکعت برای شهداء رضوان علیهم و در یکی از زیارات مبسوطه حضرت که در کامل الزیارة بسند معتبر از ابی حمزه ثمالی مروی است از حضرت صادق علیه السلام بعد از ذکر نماز زیارت با سوره یس و الرحمن چنین مذکور است فاذا فرغت

فصل ما احببت الا ان الرکعتین رکعتی الزیارة لا بد منهما عند کل قبر و چون فارغ شدی پس نماز کن انچه خواهی جز انکه آن دو رکعت نماز زیارت چاره نیست از بجا آوردن آن نزد هر قبری که او را زیارت کنند و باین عبارت میشود حکم باستحباب نماز زیارت برای شاه قبور علی بن الحسین و ابی الفضل و شهدا و امثال ایشان کرد اگر نگوییم برای قبور همه مومنین چنانچه ظاهر خبر است و برای اختصاص قبر مذکور بقبر امام علیه السلام شاهدی نیست پس دست از ظاهر آن برداشتن راهی ندارد **مقام چهارم** در بعضی از اعمال این روضه منوره و زیارات ابی الفضل اما اول پس عمده آن دعا است که اجابت تحت قبه سامیه یکی از چیزهائیست که در عوض شهادت حضرت احدیت بآنجناب لطف فرموده زائر باید آنرا غنیمت دانسته در تضرع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طی زیارات انحضرت پیش از نماز زیارات و بعد از نماز ادعیه بسیاری با مضامین عالیه وارد شده و چون زائرین غالبا نمی دانند چه بگویند و چه بخوانند بسا از این هم فارغ و بدر بوزگی در خانه اجانب اسوده کردند و چون بنابر اختصار است ما از آن ادعیه دو دعا را اختیار کردیم

بعض فقرات آن با نسخه دیگران مقابله شد

امید از فوائدات ان [illegible] اول دعائیست که در مزار شیخ مفید و مزار محمد بن المشهدی [illegible] نقل کرده اند و فرموده اند دستها را باسمان بلند کن و بگو اللهم [illegible] و اعد و استعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده و جوائزه و نوافله و فواضله و عطایاه فالیک یا رب کانت الیوم تهیئتی و تعبیتی و اعدادی و استعدادی و سفری و الی قبر ولیک وفدت و بزیارته الیک تقربت رجاء رفدک و جوائزک و نوافلک و عطایاک و فواضلک اللهم و قد رجوت کریم عفوک و واسع مغفرتک فلا تردنی خائبا فالیک قصدت و ما عندک اردت و قبر امامی الذی اوجبت علی طاعته زرت فاجعلنی به عندک وجیها فی الدنیا و الاخرة و من المقربین الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون و اعطنی به جمیع سؤلی و اقض لی جمیع حوائجی و لا تقطع رجائی و لا تخیب دعائی و ارحم ضعفی و قلة حیلتی و لا تکلنی الی نفسی و لا الی احد من خلقک مولای فقد اقحمتنی ذنوبی و قطعت حجتی و ابتلیت بخطیئتی و ارتهنت بعملی و اوبقت نفسی و وقفتها موقف الاذلاء المذنبین المجترئین علیک التارکین امرک المغترین بک المستخفین بوعدک و قد اوبقتنی ما کان من قبیح جرمی و سوء نظری لنفسی فارحم تضرعی و ندامتی و اقلنی عثرتی و ارحم عبرتی و اقبل معذرتی و عد بحلمک علی جهلی و باحسانک علی اساءتی و بعفوک علی جرمی و الیک اشکوا ضعف عملی فارحمنی یا ارحم الراحمین اللهم اغفر لی فانی مقر بذنبی معترف بخطیئتی و هذه یدی و ناصیتی بالفقر منی یا سیدی فاقبل توبتی و نفس کربتی و ارحم خشوعی و خضوعی و اسفی علی ما کان منی و وقوفی عند قبر ولیک و ذلی بین یدیک فانت رجائی و معتمدی و ظهری و عدتی فلا تردنی خائبا و تقبل عملی و استر عورتی و آمن روعتی و لا تخیبنی و لا تقطع رجائی من بین خلقک

۲ علیهم نسخه

۷ بالفوز ۸ کربتی خ د

۱۰۸ یا سیدی اللهم وقد قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل صلی الله علیه
واله ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم
داخرین یا رب وقولک الحق وانت الذی لا تخلف المیعاد فاستجب لی یا ربی
فقد سئلک السائلون وسئلتک وطلب الطالبون وطلبت منک ورغب
الراغبون ورغبت الیک وانت اهل ان لا تخیبنی ولا تقطع رجائی فعرفنی
الاجابة یا سیدی واقض لی حوائج الدنیا والاخرة یا ارحم الراحمین دوم
دعائے است در زیارت قدیم ود ومصباح الزائر نقل کرده اند قبل از نماز زیارت و
در بعضی نسخ مصباح بعد از نماز ذکر کرده و این دعا بعنوان صلوات و ثنا بر آن
حضرت است اللهم صل علی محمد وال محمد وصل علی الحسین المظلوم
الشهید قتیل العبرات واسیر الکربات صلوة نامیة زاکیة مبارکة یصعد
اولها ولا ینفد اخرها افضل ما صلیت علی احد من اولاد الانبیاء والمرسلین
یا رب العالمین اللهم صل علی الامام الشهید المقتول المظلوم المخذول
والسید القائد والعابد الزاهد الوصی الخلیفة الامام الصدیق الطهر الطاهر
الطیب المبارک الرضی المرضی والتقی الهادی المهدی الزاهد وسبط
الرسول وقرة عین البتول صلی الله علیه واله وسلم اللهم صل علی سیدی
ومولای کما عمل بطاعتک ونهی عن معصیتک وبالغ فی رضوانک واقبل
علی ایمانک غیر قابل فیک عذرا سرا وعلانیة یدعو العباد الیک ویدلهم
علیک وقام بین یدیک یهدم الجور بالصواب ویحیی السنة بالکتاب فعاش
فی رضوانک مکدودا ومضی علی طاعتک وفی اولیائک مکدوحا وقضی الیک
مفقودا لم یعصک فی لیل ولا نهار بل جاهد فیک المنافقین والکفار
اللهم فاجزه خیر جزاء الصادقین الابرار وضاعف علیهم العذاب و

الدائم الجاهد العالم امام الهدی

لقاتلیه

۱۰۹ لقاتلیه العقاب فقد قاتل کریما وقتل مظلوما ومضی مرحوما یقول انا ابن
رسول الله محمد وابن من زکی وعبد فقتلوه بالعمد المعتمد قتلوه علی
الایمان واطاعوا فی قتله الشیطان ولم یراقبوا فیه الرحمن اللهم
فصل علی سیدی ومولای صلوة ترفع بها ذکره وتظهر بها امره وتعجل
بها نصره واخصصه بافضل قسم الفضائل یوم القیمة وزده شرفا فی
اعلی علیین وبلغه اعلی شرف المکرمین وارفعه من شرف رحمتک فی
شرف المقربین فی الرفیع الاعلی وبلغه الوسیلة والمنزلة الجلیلة والفضل
والفضیلة والکرامة الجزیلة اللهم فاجزه عنا افضل ما جازیت اماما عن
رعیته وصل علی سیدی ومولای کلما ذکر وکلما لم یذکر یا سیدی
ومولای ادخلنی فی حزبک واستوهبنی من ذنبک وربی فان لک عند
الله جاها وقدرا ومنزلة رفیعة ان سئلت اعطیت وان شفعت
شفعت الله الله فی عبدک ومولاک لا تخلنی عند الشدائد والاهوال
لسوء عملی وقبیح فعلی وعظیم جرمی فانک املی ورجائی وثقتی ومعتمدی
ووسیلتی الی الله ربی وربک لم یتوسل المتوسلون الی الله بوسیلة هی
اعظم حقا ولا اوجب حرمة ولا اجل قدرا عنده منکم اهل البیت لا خلفنی
الله عنکم بذنوبی وجمعنی وایاکم فی جنة عدن التی اعدها لکم ولاولیائکم
انه خیر الغافرین وارحم الراحمین اللهم ابلغ سیدی ومولای تحیة کثیرة
وسلاما واردد علینا منه السلام انک جواد کریم وصل علیه کلما ذکر
السلام وکلما لم یذکر یا رب العالمین واز جمله اعمال این روضه منوره دعاے
مظلوم است بر ظالم چنانچه شیخ طوسی ره در مصباح المتهجد در اعمال روز
جمعه فرموده مستحب است که دعا کند بدعاء مظلوم در نزد قبر ابی عبدالله

وان اینست اللّهم انّی اعتزّ بدینک واکرم بهدایتک وفلان یذلّنی بشرّه و ونام آن ظالم ببر وبجای فلان
یهیننی باذیّته ویعیبنی بولاء اولیائک ویبهتنی بدعواه وقد جئت الی
موضع الدّعاء وضمانک الاجابة اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد واعدنی علیه
السّاعة[٧] انگاه رو بقبر بیفت وبگو مولای امامی مظلوم استعدی علی ظالمه ٧ الساعة
النّصر النّصر انقدر بگو تا نفس منقطع شود وازجمله اعمال دو رکعت نماز است در
الحرم مطهر با سوره الرّحمن وسوره تبارک هرکه انرا بخواند خداوند منّان مینویسد
برای او بیست وپنج حجّه مقبوله مبروره که با رسول خدا صلی الله علیه وآله کرده
باشد چنانچه سیّد علی بن طاوس قدّه در مصباح الزائر نقلکرده وازجملهٔ اعمال
دران قبّهٔ سامیه استخاره است وان چنان است که بایستد در بالای سر حضرت
امام حسین ع وصد مرتبه استخیر الله بگوید پس تحمید وتهلیل وتسبیح وتمجید
کند حق تعالی را وثنا بگوید خدا را بانچه سزاوار اوست ودر روایت شده از حضرت
صادق ع چنانچه حمیری در قرب الاسناد ذکر کرده که چنین عمل نمیکند بنده در
امری هرگز مگر انکه حق تعالی میاندازد در دل او انچه را که خیر است از برای او
از دو امر وازجمله دعائیست که ابن فهد ره در عدّة الدّاعی از حضرت صادق ع
روایت کرده که فرمودند هر که از برای او حاجتی باشد بسوی خدای عزّ وجلّ
پس بایستد نزد سر حضرت امام حسین علیه السّلام وبگوید یا ابا عبد
الله اشهد انّک تشهد مقامی وتسمع کلامی وعند ربّک صدرزق ٨ تو رزق ظ
فاسئل ربّک فی قضاء حوائجی پس بدرستیکه برآورده میشود حاجت او
ان شاء الله تعالی واما زیارت جناب ابی الفضل عبّاس بن امیر المؤمنین
علیه السّلام پس بخوبیکه شیخ مفید ومحمّد بن المشهدی ره وغیر ایشان روایت
کرده اند چنان است که چون بدر روضه رسیدی بایست وبگو سلام الله وسلام ملائکته

المقرّبین وانبیائه المرسلین وعباده الصّالحین وجمیع الشّهداء والصدّیقین و
الزّاکیات الطّیّبات فیما تغتدی وتروح علیک یا ابن امیر المؤمنین اشهد لک
بالتّسلیم والتّصدیق والوفاء والنّصیحة لخلف النّبیّ المرسل والسّبط المنتجب والدّلیل
العالم والوصیّ المبلّغ والمظلوم المهتضم فجزاک الله عن رسوله وعن امیر المؤمنین
وعن الحسن والحسین افضل الجزاء بما صبرت واحتسبت واعنت فنعم عقبی الدّار
لعن الله من قتلک ولعن الله من جهل حقّک واستخفّ بحرمتک ولعن الله
من حال بینک وبین ماء الفرات اشهد انّک قتلت مظلوما وانّ الله
منجز لکم ما وعدکم جئتک یا ابن امیر المؤمنین وافدا الیکم وقلبی مسلّم لکم وتابع
انا لکم تابع ونصرتی لکم معدّة حتّی یحکم الله وهو خیر الحاکمین فمعکم معکم لا مع
عدوّکم انّی بکم وبایابکم من المؤمنین وبمن خالفکم وقتلکم من الکافرین لعن
الله امّة قتلتکم بالایدی والالسن پس داخل شو وبیفت بر قبر وبگو در حالتیکه
رو بقبله باشی السّلام علیک ایّها العبد الصّالح المطیع لله ولرسوله ولامیر المؤمنین
والحسن والحسین صلّی الله علیهم وسلّم والسّلام علیک ورحمة الله وبرکاته
ومغفرته ورضوانه وعلی روحک وبدنک اشهد[٢] انّک مضیت علی ما مضی ٢ واشهد الله لک
علیه البدریّون والمجاهدون فی سبیل الله المناصحون له فی جهاد اعدائه
المبالغون فی نصرة اولیائه الذّابّون عن احبّائه فجزاک الله افضل الجزاء و
اکثر الجزاء واوفر جزاء احد ممّن وفی ببیعته واستجاب له دعوته واطاع ولاة
امره واشهد انّک قد بالغت فی النّصیحة واعطیت غایة المجهود فبعثک الله
فی الشّهداء وجعل روحک مع ارواح السّعداء واعطاک من جنانه افسحها
منزلا وافضلها غرفا ورفع ذکرک فی العلّیّین وحشرک مع النّبیّین والصدّیقین
والشّهداء والصّالحین وحسن اولئک رفیقا اشهد انّک لم تهن ولم تنکل

وانک مضیت علی بصیرة من امرک مقتدیا بالصالحین ومتبعا للنبیین
فجمع الله بیننا وبینک وبین رسوله واولیائه فی منازل المخبتین فانه ارحم
الراحمین پس میل کن بجانب سر پس دو رکعت نماز کن واپس خواستے بعد از این
دو رکعت نماز کن در ثنا بخوان خدا را وبگو در عقب نماز اللهم صل علی محمد
وال محمد ولا تدع لی فی هذا المکان المکرم والمشهد المعظم ذنبا الا غفرته
ولا هما الا فرجته ولا مرضا الا شفیته ولا عیبا الا سترته ولا رزقا
الا بسطته ولا خوفا الا آمنته ولا شملا الا جمعته ولا غائبا الا حفظته
ولا دینا الا ادیته ولا حاجة من حوائج الدنیا والآخرة لک فیها رضی و
لی فیها صلاح الا قضیتها یا ارحم الراحمین پس برگرد بسوی ضریح وبایست در
نزد پا وبگو السلام علیک یا ابا الفضل العباس بن امیر المؤمنین السلام
علیک یا بن سید الوصیین السلام علیک یا بن اول القوم اسلاما واقدمهم
ایمانا واقومهم بدین الله واحوطهم علی الاسلام اشهد لقد نصحت لله و
لرسوله ولاخیک فنعم الاخ المواسی فلعن الله امة قتلتک ولعن الله امة
ظلمتک ولعن الله امة استحلت منک المحارم وانتهکت حرمة الاسلام فنعم
الصابر المجاهد المحامی الناصر والاخ الدافع عن اخیه المجیب الی طاعة
ربه الراغب فیما زهد فیه غیره من الثواب الجزیل والثناء الجمیل فالحقک
الله بدرجة آبائک فی دار النعیم اللهم انی تعرضت لزیارة اولیائک رغبة فی ثوابک
ورجاء لمغفرتک وجزیل احسانک فاسئلک ان تصلی علی محمد وآله الطاهرین
وان تجعل رزقی بهم دارا وعیشی بهم قارا وزیارتی بهم مقبولة وحیاتی بهم طیبة
وادرجنی ادراج المکرمین واجعلنی ممن ینقلب من زیارة مشاهد احبائک
مفلحا منجحا قد استوجب غفران الذنوب وستر العیوب وکشف الکروب انک

اهل التقوی واهل المغفرة وچون وداع کنی آنجناب را بجهت بیرون آمدن برو بایست
نزد قبر وبگو استودعک الله واسترعیک واقرأ علیک السلام آمنا بالله و
برسوله وبکتابه وبما جاء به من عند الله اللهم اکتبنا مع الشاهدین اللهم لا
تجعله آخر العهد من زیارة قبر ابن اخی رسولک صلی الله علیه وآله وارزقنی
زیارته ما ابقیتنی واحشرنی معه ومع آبائه فی الجنان وعرف بینی وبینه و
بین رسولک واولیائک اللهم صل علی محمد وآل محمد وتوفنی علی الایمان
بک والتصدیق برسولک والولایة لعلی بن ابی طالب والائمة علیهم السلام
من ولده والبرائة من عدوهم فانی رضیت بذلک وصلی الله علی محمد وآل محمد
پس دعا کن از برای خود وبجهت والدین خود واز برای مردمان مؤمن وزنهای
مؤمنه واختیار کن از دعاها هر دعائی که میخواهی پس برگرد. مؤلف گوید
در اینجا لازم است تنبیه بر دو امر لازم که محل حاجت وابتلا وسؤال است اول
نماز زیارت جناب ابی الفضل دوم کیفیت ایستادن در حرم آنجناب وقت زیارت
اما نماز زیارت پس بدانکه علامه مجلسی ره در بحار در باب زیارت آنجناب از
از کامل الزیارة نقل کرده آن جزو زیارت طویله ابوحمزه ثمالی است ودر اینجا نماز
وزیارت پائین پا را ندارد وبعد از آن فرموده که گذشت زیارت عباس در زیارت
کبیره که از شیخ مفید نقل شده مبسوطتر از این واصحاب در زیارت آنجناب نماز
زیارت را ذکر کرده اند واخبار خالی است از این واز اینجهت بعضی از معاصرین منع
کرده از نماز برای غیر معصوم چون در اخبار تصریح نشده بکردن نماز برای زیارت
غیر ایشان ولکن اگر نماز کند نه بقصد ورود آن بخصوص بلکه بجهت اخبار عامه
که وارد شده در هدیه فرستادن نماز وصدقه وروزه وسایر افعال خیر برای
انبیا وائمه صلوات الله علیهم اجمعین ومؤمنین ومؤمنات واینکه اینها داخل

میشود برایشان در قبور ایشان و با آنها منتفع میشوند باکی بان نیست و کار نیکوئی کرده با آنکه مفید و غیر او رحمهم الله از او در کتب خود ذکر کرده‌اند و شاید با یشان خبری رسیده که بما نرسیده و خواهد آمد در زیارت جابر در اربعین که مشتمل است بر نماز زیارت و این فرمایش از مثل ایشان خالی از تعجب نیست اولا آن زیارت کبیره که از شیخ مفید ره سابقا نقل کردند و نماز زیارت آنجناب در آن مذکور است نص صریح است در این باب و احتمال آنکه آن زیارت از تالیف شیخ یا دیگران باشد در اینجا نمیاید زیرا که عبارت شیخ مفید ره در مزار چنانچه خود آنمرحوم در اول آن زیارت نقل کردند اینست زیارة اخرى غير مقيدة بوقت من الاوقات اذا وردت الخ پس امر بنماز در بالای سر از امام عم خواهد بود و ثانیا همین زیارة را محمد بن المشهدی ره در مزار خود نقل کرده و در بحار نیز بان نسبت داده و گذشت که در اول مزار خود تصریح نموده که آنچه در این مزار ذکر میشود از زیارات و دعوات همه آنها تصریح نموده ماثور است از ائمه علیهم السلام بروایت ثقات و ثالثا گذشت فرموده حضرت صادق علیه السلام بروایت ابوحمزه ثمالی که چاره نیست از کردن دو رکعت نماز نزد زیارت هر قبری و مثل آنجناب و شهداء که برایشان زیارت مخصوصه وارد شده البته داخل در این عموم خواهند بود و رابعا گذشت از مزار محمد بن المشهدی در زیارت عیدین که در غیر آن نیز میشود خواند صریحا امر بنماز زیارت آنجناب و برای اثبات فعل مستحبی بیش از این محتاج نیست بدلیل و تمسک بفعل جابر و اما

کیفیت ایستادن در وقت زیارت پس علامه مذکور بعد از کلام سابق فرموده بدانکه ظاهر این روایت یعنی روایت کامل الزیارة جواز ایستادن نزد قبر آنجناب است بهر نحو که باشد و اگر بقعه آنجناب در سابق مثل زمان ما بود یعنی در حرم دور و بر و باز میشد هر آینه ظاهر این خبر مواجهه آنجناب است وقت زیارت

لکن

لکن ظاهر اصحاب و عمل ایشان آنست که سزاوار نیست در زیارت غیر معصوم رو بر و شدن بلکه سزاوار در و کردن بقبله است و ایستادن در پشت سر او و ندیدیم در بیشتر زیارات منقوله تصریحی باین مطلب بلی در زیارت مؤمنین مطلقا وارد شده استحباب استقبال قبله چنانچه بیاید و لکن بعید نیست آنکه گفته شود که چنانچه ایشان را امتیاز دادند از سایر مؤمنین باین زیارات که مشتمل است بر مخاطبات امتیاز داده باشند از سایر مؤمنین باینکه رو بروی ایشان بایستند چنانچه متعارف است در مکالمات و محاورات لکن در بعضی روایات منقوله امر شده باستقبال قبله در وقت زیارت کردن بعضی از ایشان مثل علی بن الحسین علیهما السلام چنانچه وارد شده از ناحیه مقدسه و مخیر بودن وارد در هر جا که بخصوص نصی نرسیده اظهر است و این کلام نیز در غرابت مثل سابق است اما اولا بجهت آنکه شیخ طوسی قده در تهذیب از مزار شیخ مفید ره همان زیارت را در بحار از مزار و مزار محمد بن المشهدی نقل کرده ایشان نیز نقل کرده‌اند و عبارت مزار در نسخ تهذیب چنین است بعد از خواندن زیارت در حرم ثم ادخل وانكب على القبر وقل وانت مستقبل القبلة السلام عليك ايها العبد الصالح الخ پس داخل شو و بر قبر بیفت و بگو در حالتیکه روی بقبله کرده باشی و این صریح است در آنکه باید در پشت سر ایستاد چنانچه در زیارت علی بن الحسین و سایر شهداء علیهم السلام باید چنین کند چنانچه در زیارت ناحیه مقدسه تصریح فرمودند که اذا اردت زيارة الشهداء رضوان الله عليهم فقف عند رجلى الحسين عليه السلام وهو قبر على بن الحسين صلوات الله عليهما فاستقبل القبلة بوجهك الخ چون خواهی زیارت کنی شهدا را پس بایست نزد پاهای امام که آنجا قبر علی بن الحسین علیه السلام است و روی کن بسوی قبله الخ و نیز گذشت در زیارت اول رجب بروایت سید در اقبال و مصباح الزائر که برو و بایست نزد قبر علی بن الحسین

رو بقبله

رو بقبله و بکو و ظاهر از نسخه مزار ایشان فقره و انت مستقبل القبله افتاده بود
ولکن جای ایراد هست که با کثرت مراجعه به کاء و تهذیب در اینجا چرا در این محل
مراجعه نفرمودند که چنین بفرمایند پس مکشوف شد که برای تخییر محلی نمانده بعد از
بیرون رفتن آن دو بزرگوار و سایر شهدا از آن بجهة وجود نص صریح و اتحاد
حکم ایشان در اینجهة با سایر مؤمنین خصوص مثل جناب سلمان فارسی سلام
الله علیه که سید بن طاوس در مصباح الزائر در اول زیارت آنجناب تصریح نموده
کرده و بقبله می ایستی و همچنین فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در قم
چنانچه در بحار از حضرت رضا ع روایت کرده پس دیگر محلی نیست برای تخییر زیرا
که همه داخل در مؤمنین اند که حکمشان معلوم شده در اخبار بسیار و اما ثانیا
پس بر ناظر متتبع مخفی نیست که در بیشتر زیارات مطلقه و مخصوصه حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام در کیفیت دخول و ایستادن برای خواندن زیارت
تصریح فرمودند که رو بایشان و پشت بقبله میکنی و در بسیاری از زیارات حضرت
ابی عبد الله علیه السلام مختصری یا مطولی از زیارت جناب ابی الفضل ذکر شده
و ابدا در آنها اشاره نشده و معلوم است که او را بوضوح خود واگذاشتند و بهمان
دستور العملی که برای زیارت قبور مؤمنین مقرر فرمودند قناعت نمودند و اگر
امتیازی بود البته بآن اشاره میکردند و اما ثالثا پس احتمال امتیازی که داده‌اند
برای آنجناب بملاحظه امتیاز ایشان باین زیارات متضمن مکالمات و مخاطبات بعد از
چشم پوشیدن از ضعف آن بجهة شراکت جناب سلمان و سیده فاطمه در اینجهة و
نداشتن این امتیاز با ایشان در نهایت ضعف است بجهة صدمه زدن بامتیازی
دیگر که از جهات عدیده اولی است برعایت و حفظ و آن امتیاز معصومست چه پیغمبر و
چه امام صلوات الله علیهم از سایر مؤمنین بآن حکم مخصوص چنانچه از همه آنها

ممتازند در آنکه معصوم را غسل ندهد غیر معصوم ع و نماز نکند بر غیر معصوم و دفن
نکند او را غیر معصوم ع و مقدار خوابیدن جسد مبارک پیغمبر ما و ائمه صلوات الله علیهم
اجمعین از زمین اشرف است از کعبه معظمه باتفاق جمیع فقها چنانچه شهید ره در
قواعد تصریح نموده پس حفظ این امتیاز و اختصاص اولی و احق است بملاحظه ادای
حق امامت و ولایت که بر همه لازم و متحتم است **فصل سیم** در مختصری از

مقام اول

تکلیف زوار در کاظمین و سرمن رائی و در آن چند مقامست
در آنچه متعلق بکاظمین است و زیارات آنحرم انور بعضی مختص است بهر یک از آن
دو بزرگوار و بعضی مشترک میان آن دو امام همام علیهما السلام و بعضی از هر یک از آنها
در اینجا ذکر میشود **اما** مختص بحضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام پس شیخ مفید و محمد
بن المشهدی و شهید اول رحمه الله در مزارشان فرمودند چون خواهی زیارت کنی
آنجناب را در بغداد پس غسل کن برای زیارت و قصد کن مشهد شریف را و بایست بر
در حرم و اذن دخول بطلب و بهتر آنکه همان اذن دخولیکه در مقدمه کتاب ذکر کردیم بجو
فرمود آنگاه داخل شو در حالتیکه میگوئی بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلىٰ
مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالسَّلَامُ عَلىٰ اَوْلِيَاءِ اللّٰهِ بعد از آن برو تا مقابل قبر
حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام شوی پس چون ایستادی نزد قبر آنحضرت بگو اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتَ الزَّكٰوةَ
وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ
فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصًا حَتّٰى
اَتٰاكَ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَوْلىٰ بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ وَاَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللّٰهِ حَقًّا
اَبْرَءُ اِلَى اللّٰهِ مِنْ اَعْدَائِكَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ بِمُوَالَاتِكَ اَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ عَارِفًا

بحقك موالیا لاولیائك معادیا لاعدائك فاشفع لی عند ربك پس خود را
بر قبر بیفکن و بوسه کن و گونهای خود را بر او بگذار و بگرد از آنجا و بیا بجانب سر و
بایست و بگو السلام علیك یا ابن رسول الله اشهد انك صادق ادیت ناصحا
وقلت امینا ومضیت شهیدا لم تؤثر عمی علی هدی ولم تمل من حق الی باطل صلی
الله علیك وعلی ابائك وابنائك الطاهرین پس ببوس قبر مطهر را و دو رکعت
نماز زیارت گذار و بعد از این دو رکعت هر نماز که خواهی بکن پس از آن بسجده برو و
بگو اللهم الیك اعتمدت والیك قصدت وبفضلك رجوت وقبر امامی الذی
اوجبت علی طاعته زرت وبه الیك توسلت فبحقهم الذی اوجبت علی نفسك
اغفر لی ولوالدی وللمؤمنین یا کریم پس روی راست خود را بگذار و بگو اللهم
قد علمت حوائجی فصل علی محمد وال محمد واقضها پس روی چپ را بگذار و
بگو اللهم قد احصیت ذنوبی فبحق محمد وال محمد صل علی محمد وال محمد
واغفرها وتصدق علی بما انت اهله پس برگرد بسجده و بگو شکرا شکرا تا صد
مرتبه پس از آن سر از سجده بردار و دعا کن با آنچه خواهی از برای هر که میخواهی
و دوست میداری انوار مولف گوید که سید جلیل علی بن طاوس قده
در مصباح الزائر این صلوات بر آنحضرت را که متضمن شمهٔ از فضایل و مناقب
و عبادت و مصائب آنجناب است بعد از زیارت نقل کرده البته زایران فیض
خواندن آن محروم نکنند خود را اللهم صل علی محمد واهل بیته الطاهرین وصل علی
موسی بن جعفر وصی الابرار وامام الاخیار وعیبة الانوار ووارث
السکینة والوقار والحکم والاثار الذی کان یحیی اللیل بالسهر الی السحر بمواصلة
الاستغفار حلیف السجدة الطویلة والدموع الغزیرة والمناجات الکثیرة و
الضراعات المتصلة الجمیلة ومقر النهی والعدل والخیر والفضل والندی

صدیق

والبذل ومالف البلوی والصبر والمضطهد بالظلم والمقبور بالجور و
المعذب فی قعر السجون وظلم المطامیر ذی الساق المرضوض بحلق القیود
والجنازة المنادی علیها بذل الاستخفاف والوارد علی جده المصطفی
وابیه المرتضی وامه سیدة النساء بارث مغصوب وولاء مسلوب وامر
مغلوب ودم مطلوب وسم مشروب اللهم وکما صبر علی غلیظ المحن و
تجرع فیك غصص الکرب واستسلم لرضاك واخلص الطاعة لك ومحض
الخشوع واستشعر الخضوع وعادی البدعة واهلها ولم یلحقه فی شیء من
اوامرك ونواهیك لومة لائم صل علیه صلوة نامیة منیفة زاکیة توجب
له بها شفاعة امم من خلقك وقرون من برایاك وبلغه عنا تحیة وسلاما
واتنا من لدنك فی موالاته فضلا واحسانا ومغفرة ورضوانا انك ذو
الفضل العمیم والتجاوز العظیم برحمتك یا ارحم الراحمین و اما زیارت مختص
بحضرت امام محمد تقی علیه السلام پس در همان سه فراز شریف مسطور است که
پس متوجه شو بسوی قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیهما السلام کرد و پشت سر جد بزرگوار
خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آنحضرت پس بگو السلام علیك یا
ولی الله السلام علیك یا حجة الله السلام علیك یا نور الله فی ظلمات الارض
السلام علیك یا ابن رسول الله السلام علیك وعلی ابائك السلام علیك
وعلی ابنائك السلام علیك وعلی اولیائك اشهد انك اقمت الصلوة واتیت
الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وتلوت الکتاب حق تلاوته
وجاهدت فی الله حق جهاده وصبرت علی الاذی فی جنبه حتی اتاك الیقین
اتیتك زائرا عارفا بحقك موالیا لاولیائك معادیا لاعدائك فاشفع لی
عند ربك پس ببوس قبر را و روی خود را بر قبر بنه پس دو رکعت نماز زیارت گذار

فکام

و بعد از ان دو رکعت هم نماز که خواهی بکن پس سر بسجده گذار و بگو ارحم من اساء
واقترف واستکان واعترف پس روی راست خود را بگذار و بگو ان کنت بئس
العبد فانت نعم الرب پس روی چپ خود را گذار و بگو عظم الذنب من عبدک فلیحسن
العفو من عندک یا کریم پس برگرد بسجده و بگو صد مرتبه شکرا پس برگرده
بر سید بن طاوس قدس سره صلوات بر انحضرتها بعد از زیارت چنین نقل کرده اللهم
صل علی محمد واهل بیته وصل علی محمد بن علی الزکی التقی والبر الوفی والمهذب
الصفی هادی الامة ووارث الائمة وخازن الرحمة وینبوع الحکمة وقائد
البرکة وعدیل القرآن فی الطاعة وواحد الاوصیاء فی الاخلاص والعبادة
وحجتک العلیا ومثلک الاعلی وکلمتک الحسنی الداعی الیک والدال علیک الذی
نصبته علما لعبادک ومترجما لکتابک وصادعا بامرک وناصرا لدینک وحجة
علی خلقک ونورا تخرق به الظلم وقدوة تدرک بها الهدایة وشفیعا تنال به
الجنة اللهم وکما اخذ فی خشوعه لک حقه واستوفی من خشیتک نصیبه
فصل علیه اضعاف ما صلیت علی ولی ارتضیت طاعته وقبلت خدمته
وبلغه منا تحیة وسلاما وآتنا فی موالاته من لدنک فضلا واحسانا و
مغفرة ورضوانا انک ذو المن القدیم والصفح الجمیل زیارت کریمکه مخصوص
بانحضرت است شیخ صدوق در فقیه روایت کرده که چون خواهی زیارت کنی
انحضرت را پس غسل کن و خود را پاکیزه نما و دو جامه پاک بپوش و بگو اللهم صل علی
محمد بن علی الامام التقی النقی الرضی المرتضی حجتک علی من فوق الارض ومن
تحت الثری صلوة کثیرة نامیة زاکیة متواصلة مترادفة متواترة کافضل ما صلیت
علی احد من اولیائک والسلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا نور الله فی
ظلمات الارض اتیتک زائرا عارفا بحقک معادیا لاعدائک موالیا لاولیائک

ومثله

فاشفع لی عند ربک انگاه مناجات خود را سوال کن بعد از ان نماز کن در قبه که در
ان قبر حضرت امام محمد تقی علیه السلام است چهار رکعت دو رکعت برای زیارت
امام موسی کاظم علیه السلام و دو رکعت برای امام محمد تقی علیه السلام **مؤلف**
گوید در سابق قبر مطهر حضرت کاظم علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه السلام جدا و
قبه و در علیحده داشت بعد از زیارت از انجا بیرون می‌امدند و در قبه حضرت
جواد علیه السلام میرفتند که ان هم در رو دیوار و سقف علیحده داشت واما زیارت مشترکه
میان ان دو امام همام علیهما السلام که از برای هر کدام علیحده باید خواند پس شیخ جلیل
جعفر بن قولویه در کامل الزیارة از حضرت ابی الحسن یعنی امام علی نقی علیه السلام
روایت کرده که در زیارت هر کدام از ان دو امام علیهما چنین بگو السلام علیک
یا ولی الله السلام علیک یا حجة الله السلام علیک یا نور الله فی ظلمات
الارض السلام علیک یا من بدا لله فی شانه اتیتک زائرا عارفا بحقک معادیا
لاعدائک موالیا لاولیائک اشفع لی عند ربک یا مولای و شیخ صدوق علیه
الرحمة این زیارت را در فقیه نقل کرده و فقره السلام علیک یا من بدا لله را نقل نکرده و
ثقة الاسلام نیز انرا مسندا روایت کرده با سقاط چند فقره ولکن فقره بدا را ذکر کرده
و چون روایت کامل اکمل بود انرا ذکر نمودیم و نیز در کافی و کامل الزیارة زیارت
جامعه صغیره معروفه ذکر سندان در غایت اعتبار است برای هر یک از ان دو امام همام
علیهما السلام نقل کردند با تصریح باینکه خواندن ان در سایر مشاهد مشرفه نیز مجزیست
و ما ان زیارت را چون در اول خاتمه ذکر خواهیم نمود ان شاء الله اینجا ذکر نکردیم هر که
طالب است از انجا بخواند و نیز در کتاب تحفه الزائر و رساله جنة الماوی قصه عجیبه از مرد
عدل ثقه صالح تقی حاجی علی بغدادی که در سنه شرف ملاقات ولی عصر صاحب
الزمان صلوات الله علیه روزی او شد و مشتمل است بر معجزات بسیار و فوائد جمیله

بقیة الله

بلاواسطه از مومی الیه نقل کردم و در انجا مذکور است که حاجی علی مذکور در خدمت آن
جناب وارد صحن کاظمین شدند نزدیک غروب روز پنجشنبه پس از باب المراد که در
پایین پا است داخل رواق شدند بی اذن دخول و در حرم مطهر ایستادند و بجا نه
فرمود ایستید الان لکن حاجی چون نمی شناخت و عامی بود مستدعی شد که برای من بخوان
پس حضرت روحی له الفداء مشغول شدند به سلام بر پیغمبر اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَةَ الزَّهْراءِ و همچنین بر هر یک
از امامان باین اختصار تا بوالد بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام سلام
کردند و ساکت شدند پس باو فرمودند چون باینجا میرسی چه میگوئی عرض کرد
میگوئیم السلام علیک یا صاحب الزمان الخ فرمود و علیک السلام و او به
الملتفت نشد پس داخل حرم شدند و مقابل قبر مطهر ایستادند و باو فرمودند
زیارت بخوان عرض کرد نمیدانم شما برای من بخوانید فرمود کدام زیارت را عرض کرد بهترین
زیارات را پس حضرت فرمود افضل زیارات زیارت امین الله است آنگاه برای او
زیارت امین الله را خواندند باین قسم اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا اَمینَیِ اللّٰهِ تا آخر و هر دو امام
علیهما السلام را شریک نمودند تا آخر حکایت که خواندن آن دل را نورانی و چشم را روشن
کند و چون این مقدار از آن مناسب مقام بود بهمان قناعت کردیم و بالله المستعان

مقام دویم در سایر تکالیف زوار و مناسک مؤمنین در بلدهٔ طیبهٔ کاظمین
و آن سه چیز است اول رفتن بمسجد شریف براثا و نماز کردن در آن دوم رفتن به
بغداد بجهة زیارت چهار نایب خاص حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
سیم رفتن بمدائن بجهة زیارت سلمان محمدی علیه السلام اما اول پس بدانکه
مسجد براثا از مساجد شریفه معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و
کاظمین در راه زوار و غالباً از فیض آن محروم و اعتنائی بان ندارند با همه فضایل

و اسباب شرافتی که برای آن ذکر نموده اند شیخ جلیل ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی خود
مسنداً روایت کرده از حضرت امام باقر علیه السلام که فرمود چون حضرت امیر المؤمنین
ع از جنگ خوارج نهروان برگشت گذشت بزوراء که محل شهر بغداد بوده است پس
گفت بمردم که این زوراء است پس راه بروید و اجتناب کنید از داخل شدن آن که خسف
و فرو رفتن زمین بان نزدیکتر است از فرو رفتن میخ در میان سبوس و چون بموضع
دیگر رسید پرسید که این چه موضع است گفتند براثا است فرمود که این زمین شوره
است بجانب است این زمین میل کنید پس براهبی رسید که در صومعه خود بود با
راهب خطاب نمود که در اینجا فرود ایم راهب گفت که با لشکر خود در اینجا فرود میا
که چرا راهب گفت که در این موضع فرود نمیاید مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر با لشکر خود که جهاد
کند در راه خدا چنین خوانده ایم ما در کتابهای خود حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که من وصی پیغمبرم پس راهب از صومعه خود فرود آمد بسوی آنحضرت و عرض کرد که عرض
کن بر من دین اسلام را و بگیر از من پیمان شریعتهای آن را که من در انجیل وصف ترا خوانده
ام و خوانده ام که فرود خواهی آمد در زمین براثا که خانه حضرت مریم علیها السلام و
و زمین حضرت عیسی است پس حضرت فرمود بایست و بما چیزی خبر ده که ما بهتر از تو میدانیم
پس رفت بموضعی از آن صحرا و امر کرد که خاک را دور کردند پس سنگی عظیم ظاهر شد پس سر
پای بر آن سنگ زد و از زیر آن چشمه بزرگی ظاهر شد پس فرمود که این چشمه ایست که
از برای مریم علیها السلام ظاهر گردید پس هفده ذرع از آن چشمه دور شد و فرمود که
بشکافید این مکان را چون شکافتند سنگ سفیدی ظاهر شد فرمود که حضرت مریم ع
آنحضرت عیسی ع را از دوش خود گرفت و بر آن سنگ گذاشت و در این موضع نماز کرد
و چهار روز پس حضرت امیر المؤمنین ع آن سنگ را نصب کرد و بسوی آن نماز
کرد و چهار روز در آنجا ماند و حرم خود را در موضعی فرود آورده بود که انقدر

مسجد براثا

دو ربود که اگر صدا زنند توان شنید پس فرمود که این زمین براثا است این خانهٔ
مریم است این موضع مقدسی است که پیغمبران در آن نماز کرده اند حضرت امام محمد
باقر علیه السلام فرمود که ما در کتب یافته ایم که حضرت ابراهیم ع پیش از حضرت عیسی ع در آن
موضع نماز کرده است و **شیخ شهید اول** در کتاب مزار فرموده از
مساجد شریفه مسجد براثا است که در غربی بغداد است و آن باقیست الی الآن و
من آن را دیده ام و در آن نماز کرده ام و جماعتی روایت کرده اند از جابر انصاری که گفت امیر
المؤمنین ع با ما نماز کرد در براثا بعد از برگشتن از جنگ خوارج و ما زیاده از
صد هزار مرد بودیم پس نصرانی از صومعهٔ خود بیرون فرود آمد و پرسید که سرکردهٔ این لشکر
کیست ما اشاره بامیر المؤمنین ع کردیم که این است پس بخدمت آن حضرت آمد و سلام
کرد و گفت ای سید من تو پیغمبری فرمود نه پیغمبر سید و آقای من است گفت پس
تو وصی پیغمبری فرمود بلی گفت من این صومعه را از برای این موضع بنا کرده ام که براثا
نام دارد و در کتب آسمانی خوانده ام که در این موضع با این جمعیت نماز نمیکند مگر پیغمبر
یا وصی پیغمبر پس مسلمان شد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با او فرمود
که کی در اینجا نماز کرده است گفت حضرت عیسی ع و مادرش حضرت فرمود که حضرت
ابراهیم خلیل ع نیز در اینجا نماز کرده است **روایت** کرده از جابر از انس بن
مالک که چون امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ خوارج برگشت در براثا فرود آمد
و در آنجا راهبی در دیر خود بود آن راهب چون آن لشکر را دید از دیر خود فرود آمد
و پرسید که سرکرده لشکر کیست گفتند امیر المؤمنین است و از جنگ اهل نهروان
برگشته است بخدمت حضرت شتافت و با ادب ایستاد و گفت السَّلامُ عَلَيكَ يا اميرَ المؤمنين
حقاً حقاً حضرت فرمود که چه میدانی که من امیر المؤمنینم بحقیقت و راستی گفت چنین
خبر داده اند رهبانان و دانایان ما حضرت فرمود که ای حباب راهب گفت نام مرا چه میدانی

فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا چنین خبر داده حباب گفت دست دراز کن
که من شهادت میدهم بوحدانیت خدا و برسالت محمد صلوات الله علیه و آله و شهادت
میدهم که تو علی بن ابی طالب و وصی آنحضرتی فرمود که در کجا میباشی گفت در این دیر
میباشم فرمود که بعد از این اینجا مباش ولیکن در اینجا مسجدی بنا کن و باسم بنا کننده
اش نام کن او را پس بنا کرد آن را مردی که نامش براثا بود پس مسجد را براثا نام کرد و
امیر المؤمنین ع از راهب پرسید که از کجا آب میخوری گفت از دجله فرمود که چرا
در اینجا چشمه یا چاهی نمیکنی گفت یا امیر المؤمنین هر جا که کندیم آبش شور بود حضرت
جائی را نشان داد فرمود که اینجا چاهی بکن چون کندند سنگ بزرگی ظاهر شد
که نتوانستند کندن آن را پس آنحضرت سنگ را کند و از زیرش چشمه ظاهر شد از
عسل شیرین تر و از کره لذیذ تر پس فرمود که ای حباب زود باشد که در پهلوی
مسجد تو شهری بنا شود که جباران در آن بسیار باشند و بلا و فتنه در آن عظیم باشد
حتی آنکه در هر شب جمعه هفتاد هزار فرج را بحرام جماع کنند و مراد از آن شهر بغداد
است و ابن شهر آشوب در مناقب مضامین این اخبار را باسانید متعدده
نقل کرده و بعد از آن روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع صیحه زد بآن چاه
بزبان عبرانی که نزدیک من بیا پس چون عبور کرد بمسجد در آنجا درخت عوسجی بود
که خار بسیار داشت پس شمشیر را کشید و خارها را از آن درخت دور کرد و فرمود
در اینجا قبر پیغمبری است از پیغمبران خداوند و امر فرمود آفتاب را که برگرد پس برگشت
و با آنحضرت سیزده کس از اصحابش همراه بودند پس قبله را بخط مستقیم درست کرد
و بسوی آن نماز کرد **مؤلف گوید** از مجموع این اخبار چند فضیلت
برای این مسجد معلوم میشود که هر کدام در هر مسجدی باشد سزاوار است که انسان
منازل طی کند و بفیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرک شود **اول** مقرر

فرمودن خداوند که دران زمین فرود بیاید رهبی بالشکرش بجهت جهاد در راه خدا و
و نماز نکنند دران جز پیغمبر یا وصی پیغمبر و از اولاد کتب سماویه ثبت نمودن **دویم** انکه خا
حضرت مریم بتول است **سیم** انکه زمین حضرت عیسی ع بود **چهارم** بودن چشمه که
برای مریم ع ظاهر شده بود چنانچه خدا تعالی میفرماید قد جعل ربک تحتک سریا در انجا
پنجم ظاهر کردن حضرت امیر المؤمنین ع ان چشمه را که ابش لذیذ و گوارا بود باعجاز
بر جماعت **ششم** بودن سنگ سفید مبارک که مریم علیها ع عیسی را بر ان گذاشت در انجا **هفتم**
بیرون اوردن حضرت انسنگ را از انجا باعجاز و نماز کردن بسوی ان یعنی از انجا
دیواری قبلی محراب نماز خود قرار داد و این سنگ مبارک مقدس هنوز موجود و
در انجا منصوب و لکن گروه جهال بیگانگان از اهل زاویه و در چاه می اندازند پس
از اطلاع بعضی مؤمنین از اهل زاویه نصب میکنند و چون بجهت غفلت و بی
اعتنائی شیعیان باین مسجد عظیم ایشان معمور و اباد کما ینبغی لهذا این رشته
بامنیت تا بکجا بکشد **هشتم** نماز کردن حضرت امیر المؤمنین و حضرت مجتبی و سید
الشهداء علیهم السلام در انجا **نهم** توقف نمودن حضرت در انجا چهار روز
بجهت شرافت مکان و مقدس بودن زمین **دهم** نماز کردن پیغمبران خصوص
خلیل الرحمن علیه السلام در انجا **یازدهم** نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل
بودن پیغمبری از پیغمبران در انجا **دوازدهم** برگشتن افتاب برای حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در انجا و با این شرافت و فضایل و بروز ایات الهیه و معاجز
حیدریه دران معلوم نیست از هزار نفر یک نفر بانجا برود با انکه مکرر از پهلوی ان
میگذرند و چون بیگانگان بجهت انتفاع جزئی در مسجد را می بندند که از وارد ین چند
غروشی بگیرند اگر اتفاقا کسی بانجا برود از دادن ان جزئی مضایقه کند و برگردد دیگر
شود برای محض تماشا کردن شهر بغداد و عمارت جادین مصرفها کند چه رسد *

بمصارف عظیمه قیمتی فضول معاش و امتعه مختصر بجهت کفار کرکوتن ان از متممات زیارت بسیار
از زوار است و در انجا لازم است تنبیه برامری و ان انست که مشهور در نزد اصحاب و
مقتضای اخبار کثیره برگشتن افتاب برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دو مرتبه اول
در حیات حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله در قریب بمسجد قبا که در انجا مسجدی بنا کردند
و انرا مسجد رد شمس میگویند و مسجد فضیخ نیز گویند و فضیخ اسم نخلی است که در انجا
بود و این از مساجدی است که مستحب موکد است که حاجیها چون بمدینه طیبه مشرف
مشرف شدند که بانجا باید بروند و نماز کنند و این مسجد الان سقف و دیواری ندارد
دویم بعد از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و اله بعد از مراجعت از جنگ نهروان
چون بخرابه شهر بابل رسیدند فرود امدند و نماز ظهر را با اصحاب کردند پس کله
پوسیده در انجا دیدند فرمودند ان جمجمه را حاضر کردند و از ان پرسید از اسم و شغل
و حالش پس اسم خود را گفت که یکی از عظمای ملوک جبارین بود و شرح سلطنت و
طغیان و عقوبات بعد از هلاک شدن خود را بکلامی طولانی عرض کرد پس موکب
همایون از انجا حرکت کرد و در عبور از فرات هم معجزه غریبه از انحضرت بروز کرد که
در کتب فضایل مسطور است و چون از فرات گذشتند و بجهت طول کشیدن سخن جمجمه وقت
تنگ شد و بزمین شوره زار رسیدند که روا نیست نبی یا وصی در ان نماز کند اصحاب
را امر کردند بنماز و خود بسرعت سیر کردند یک نفر یا دو نفر در خدمت انحضرت بود
چون از زمین گذشتند فرود امدند تا وضو را تجدید کردند افتاب غروب کرده همه
افاق را ابر گرفته بود غیر از ان افق پس افتاب را امر فرمودند برگردد نماز عصر را بجای اوردند
و از محل نماز ظهر تا محل نماز عصر یک فرسخ است تقریبا و دران دو محل شریف که یکی محل نماز
ظهر و بروز ایه باهره سخن گفتن جمجمه بود با انحضرت و دومی که مکان نماز عصر و ظهور
معجزه قاهره برگشتن افتاب بود برای انجناب و مسجد بنا کردند اول را مسجد جمجمه میگویند

ودوم را مسجد ردّ شمس وچون در سنه ۱۳۰۸ شهر حله نباشد واتفاقا در جنب مسجد
رد شمس واقع شد وامرا وملوک وعلما واعیان بلد غالبا از اهامیه ومخلصین اهل بیت
علیهم السّلام بودند این مسجد همیشه معمور وآباد واکو کاهے خرابے بهم رساند فورًا اصلاح
شد چنانچه در دو سال قبل فی الجمله خرابے پیدا کرده بهمت جناب مستطاب عمدة العلما
والسادة ومعدن العلم والاحسان والفضل والسّعادة سیّدنا الاجد السیّد محمّد خلف
الصدق سیّد الفقها وتاج العلما صاحب المناقب والمفاخر السیّد مهدی القزوینی
الحلی که فعلا ریاست امور شرعیه بلکه انتظام بسیاری از امور عرفیه راجع بوجود مبارک
ایشانست مسجد را در نهایت صفا واتقان اصلاح نمودند حتی از حکومت عثمانیه محرمه
مصارف آن اعانت نمودند واَمّا مسجد جمجمه چون درکناره افتاده واز عبور ومرور
شیعیان دور لهذا بمرور ایام متروک ومهجور وخراب وویران واندک اندک اسمش هم از
میان رفت باانکه جماعتی از بزرکان علما مثل ابن شهر اشوب وقطب راوندی وابن حمزه
طوسی وغیرهم این مسجد شریف را در باب معاجز ودر باب فضایل ومساجد منسوبه بان
انحضرت ذکر کرده‌اند وابن حمزه در ثاقب المناقب کفته که آن مسجد تا حال که سنه است باقیست
وحقیر سابقا شنیده بودم که در بالای حله در کنار فرات قریه ایست که آنرا جمجمه میکویند و
ملتفت نشدم تا چندے نظرم باین موضع از کتب احادیث افتاد احتمال قوی دادم که مسجد
در همین قریه باشد لهذا در سال کذشته بعزم استکشاف این مسجد شریف رفتم بحله اوّلا
ازجناب سیّد معظم سابق الذکر ایده الله جویا شدم معلوم شد وسایر اعیان حله اصلا
از آن مسجد خبر ندارند از قریه جمجمه سؤال کردم کفتند قریه معموره ایست قریب هزار خانه
دارد وهمه شیعه‌اند ولکن ملاکین آن اهل سنّت وبغداد نشین‌اند ودر انجا امامزاده
است معروف به عمران پسر جناب امیر ع ومعروف است در آن اطراف میان شیعه واهل سنّت
ببزرکے وجلالت قدر وبروز کرامات ومیکویند در جنک نهروان مجروح شد ودر انجا

وفات کرد بازمایوس نشدم وراه خود را بکربلای معلی بتوسط کشتی از ان طریق قرار
دادیم چون قریب به فرسخے آمدیم بانجا رسیدیم قریه چنان بود که شنیدیم ودر شرقی
شط واقع شده واز طرف شمال متصل است بخرابه شهر عظیم بابل که بعضے فرنکیان
باذن دولت علیه عثمانیه چند سال است بااستعداد والات وعمله زیاد مشغول
کشف شهر مذکوراند ودرین اثنا قدیمه اند وقبه عمران بین قریه وان خرابها واقع شده
پس از بعضی کهن سال آنجا از مسجد پرسید که جمجمه را میکویند کفتم بلی ومعلوم شد اسم
اصلی آن باقیست کفت در آخر باغات از طرف شرق ود ور است و هوا کرم کفتم
شد بحال درین سفر بجهة دیدن اواست پس دلیلی بما داد چون بانجا رسید بردیدیم
باغ آخر قریه از طرف شرق در اخوان باغ تلی است از خاک بتامل جای قبه وصحن معلوم
شد دو رکعت نماز کرده مراجعت کردیم والعجب که اسم این قریه را بجهة این مسجد جمجمه
نامیدند وحال فرع باین معموری وآبادی واصل باین خرابی وویرانی چون بنجف اشرف
رسیدیم جناب سیّد معظم ایده الله را از صورت حال اطلاع دادم ومستدعی کشف
مسجد ومقدار مصرف لازمه ان شدم پس با جماعتی از اعیان واشراف حله بااستاد
ومعمار که زیاده از پنجاه نفر بودند بانجا رفتند وخاکها را برداشته اساس قبه و
دیوار صحن مکشوف ومعلوم شد در نهایت اتقان بوده پیرمردان قریه حاضر شدند
واز پیرمردان سابق نقل کردند که قبه این مسجد را درک نمودند واز مسلمات اهل
ان قریه است که اکر کسی از اجوانجا بجهة خانه یا چاه که در کنار شط میسازند بجهة
کشیدن اب که بزبان خالیه آنرا چرد میکویند بود وساخت هردو خراب شده لهذا
اسکجرئت ندارد ازان چیزے برداردو دویست لیره که قریب هزار تومان میشود
مصرف ان را معین نمودند وحقیر بعد از اظهار مسرّت وتشکر بپیدا شدن مسجد اطلاع
دادند وحقیر نیز مشایخ وهکانته با اهل خیر وثروت اطلاع دادم وتحریص کردم

و تعظیم این مشعر بزرگ خداوند را که افتخار شیعه است بیان کردم بعضی ساکت و بعضی
وعده دادند و اکنون یکسال تمام است گذشته و دیناری از کسی رعایت نشده و عمده سبب
بنوعی نبودن حقیر است محل خوف و رجای لو آمره که بعد این عصر مرسوم شده ملاحظه ان
در صرف وجوه بریه و اقدام در امور خیریه و این چند کلمه را در اینمقام بجهة ان نوشتم بامید
انکه شاید در بعضی از مطالعه کنند کان اثری کند و عرق غیرت دینی و عصبیت مذهبی او
را حرکت دهد تنها یا با اعانت و شراکت راغبین در خیر اقدام نموده این خانه خراب خداوند را
و مصلای امیر المؤمنین را معمور و سخنان محو شده کلمه پوسیده را زنده و جماعت شیعه را
مفتخر و سرافراز نماید و از زراعت باضارت الدال علی الخیر کفاعله موشه نیز بدست حقیر
افتد و چون معلوم شد که افتاب مطابق اخبار کثیره و مشهور بین امامیه دو مرتبه
برای انجناب برگشت حال میگوئیم مطابق خبر اخیر که از ابن شهراشوب نقل نمودیم در مسجد
براثا نیز برگشت و این بنظر غریب نماید زیرا که در مقام بروز معجزه فرق میان دو مرتبه و ده و
صد نیست و برای انحصار در دو نوبت وجهی نیست نهایت انکه دو مرتبه مشهور شده مثل
جمله و بعضی نشده بلکه بزرگان اهل حدیث پیش از این نقل کرده اند شیخ جلیل ابن شهراشوب
در مناقب و حسین بن جبیر در نخب و غیر ایشان نقل کرده اند که افتاب برگشت برای علی علیه السلام
زیاده از نوزده مرتبه و در فصل اطاعت جمادات از انحضرت در ان دو کتاب بعد از نقل از
بسیاری از کتب عامه و خاصه مذکور است که ابو الحسن بن شاذان بیان است حمل
بعضی کتابیست که نامیده از ابیان برای رد شمس برای علی علیه السلام و ذکر کرده که افتاب برای
انحضرت مکرر گشته ۱ قضیه که از سلمان روایت کرده ۲ روز بساط ۳ روز
خندق ۴ روز حنین ۵ روز خیبر ۶ روز قرقرقیسا ۷ روز براثا ۸ روز غاضریه
۹ روز نهروان ۱۰ روز بیعت رضوان ۱۱ روز صفین ۱۲ در نجف اشرف ۱۳ در
بنی مازن ۱۴ در بصره ۱۵ در وادی عقیق ۱۶ روز احد کلینی روایت کرده که برگشت

برای حضرت در مسجد فضیخ مدینه و امام معروف پس دو مرتبه است ۱۷ در حیوه پیغمبر
صلی الله علیه و آله در کراع الغمیم و بعد از وفات انحضرت در بابل ک ی م از تکالیف
زوار در ایام توقف در بلده طیبه کاظمین رفتن ببغداد است بقصد زیارت چهار
نایب خاص امام عصر صلوات الله علیه که اگر هر یک از انها در بلاد بعیده بودند بایست
رنج سفر کشید و بفیض زیارت ایشان رسید زیرا که در میان تمام اصحاب خاص ائمه
علیهم السلام به بزرگی و جلالت قدر ایشان کسی نمیرسد قریب هفتاد سال بمنصب
سفارت و وساطت میان امام علیه السلام و رعیت فائق شدند و بدست ایشان کرامات
بسیار و خوارق عادات بیشمار جاری شد و بدست ایشان نقل کردند از
بعضی علما که قائل بعصمت ایشان شده و ذکر فضایل و مناقب ایشان مناسب این
کتاب نیست و لکن بجهة ملتفت شدن نوع زوار از عام و خاص بجلالت قدر ایشان
و شوق کردن بزیارت قبور مقدسه ایشان اشاره بد و مطلب میکنیم اول
انکه چنانچه ان بزرگواران در حیات خود واسطه بودند میان ولی عصر صاحب الزمان
صلوات الله علیه و رعیت و از جمله مناصب ایشان رساندن عرایض و رقعها
حاجت خلق بود با انحضرت حال نیز بهمان منصب مفتخر و باید رقاع حاجت کرده شد
و سخنها نوشته میشود بتوسط ایشان بانحضرت برسد چنانچه در باب صورت این عرایض
که دستور العمل داده اند مذکور است که میروی بنزد نهر یا غدیری و قصد میکنی یکی از
ان چهار شخص معظم را و میگوئی یا فلان بن فلان سلام علیک اشهد ان وفاتک
فی سبیل الله و انک حی عند الله مرزوق و قد خاطبتک فی حیوتک التی لک
عند الله عز و جل و هذه رقعتی و حاجتی الی مولینا علیه السلام فسلمها الیه
فانت الثقة الامین پس ان رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر باید انداخت و حاصل
معنی انکه ای فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم که وفات تو در راه خداوند

بود وبدرستیکه تو زنده در نزد خدای عزّ وجل کر تورا روزی میدهد وبا تو مخاطبه میکنم در این زندکانی کرداری نزد خدای عزّ وجل واین رقعه حاجت من است بسوی اقای ما علیه السّلام پس او را بجناب برسان اکر تو ثقه وامینی پس اکر فرض کنیم در یک وقت معین در بلاد های دور از یکدیکر هزارها رقعه حوائج نوشته ودر آبها اندازند ویک نفر از ان چهار را مخاطب کنند باید از عهده خدمت خود برآید وبعرض هریک واقف وعریضه اش را بحضور امام عصر علیه السّلام برساند واین نشود مکر با علم واحاطه وقدرتیکه اندازه انرا جز خدای عزّ وجل کسی نداند دوم انکه برای ایشان زیارت مخصوصه وقدرتیکه اندازه آن ... اینکه ما نوشته است از نایب سیم ابی القسم حسین بن روح که البته از حضرت حجة صلوات الله علیه شنیده وازان ناحیه مقدسه باو رسیده چنانچه خود ابو القسم در خبری تصریح فرموده که انچه میکویم از انجا است وتا نرسد نمیکویم واز اینجهة است که علامه مجلسی رحمه الله در کتاب زاد المعاد دعای معروف با فتتح الثّناء واکر در هر شب ماه مبارک رمضان باید خواند نسبت بحضرت صاحب الامر علیه السّلام داده وحال انکه در سند مذکور نیست جز انکه راوی ان ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر سکونی میکوید که از ابی بکر احمد خواهش کردم که بیرون بیاورد برای من ادعیه ماه رمضان که عمویش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری رضی الله عنه که نایب دوم است انها را میخواند پس دفتری برای من در اورد که جلدش قرمز بود ومن از ان ادعیه بسیاری نسخه کردم که از جمله انها بوده که میخواند این دعا را هر شب از ماه رمضان که دعای این است که ملئکه میشنوند وبرای صاحبش استغفار میکنند وان دعا اینست اللّهمّ انی افتتح الثّناء الخ با انکه نسبت بامام نداده از روی قاعده نسبت داده ودران کتاب فرموده وبسند معتبر از حضرت صاحب الامر منقول است که شیعیان نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این

دعا را بخوانند الخ ونیز در انکتاب بعد از ذکر اعمال روز فطر فرموده ودر حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السّلام منقول است که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخوانند اللّهمّ انی توجهت الیک الخ وحال انکه در سند مذکور نیست واز جمله ان دعاهائی است که دران دفتر جلد قرمز بوده وظاهر است که اختصاص دادن امام علیه السّلام این جماعت را بزیارت مخصوصه هم کاشف از جلالت قدر وعلو مقام میکند وهم ترغیب وتحریص وامر است بزیارت ایشان واین مقدار برای ترغیب زوار وشوق ایشان بزیارت کردن این بزرکواران کافی است واوّل ایشان ابو عمرو عثمان بن سعید زیاتست که وکالت ونیابت از حضرت امام علی نقی وامام حسن عسکری علیهما السّلام نیز داشت در سنه ۲۵۰ بسفارت ونیابت امام عصر علیه السّلام مشرف شد ودر حدود سنه ۲۵۷ فوت کرد وقبرش در راه زوار است اکر از بغداد عبور کنند وچون از کاظمین بانجا روند چون از کوچه سرایه ودار الحکومة بکذرند در کوچه دیکر پا زا ... رسد در را وا ... ایلان در ری دارد داخل شوند خیاط محقری که دران درخت پسته وابوان کوچکی که غالبا دران معلم اطفال می نشیند ودر زاویه انجا قبه مختصر پست وقبر در انجا در میان صندوق قیست وچنانچه زوار بانجا روند وچنانچه زوار بانجا رفت بان معلم چیزی بدهند که برای تنظیف مکان شریف بلکه برای راهنمائی وباز کردن قبه فواید بسیاری دارد دوم ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید که در سنه ۲۵۷ تاج نیابت بر سر کذاشت وقریب به پنجاه سال باین منصب عظیم مفتخر بود ودر سنه ۳۰۵ وفات کرد وقبر شریفش در نزدیک دروازه سلمان در میان قبرستان وسیعی با قبه عالیه وبنای محکم کرده چند سال قبل وسیعی با قبه عالیه وبنای محکم بهمت شیعیان انجا بر پا شده ودر انجا معروف است بشیخ خلانی چون در کناره واقع شده وزوار غریب دلیل باید برسد پس سوال کند

دعای افتتاح صحیح

[illegible]

کند از قبر شیخ خلانی سیم ابو القاسم حسین بن روح بن بحر نوبختی از طایفه جلیله
نوبختیین که از خانوادهٔ معروف امامیه اند که اغلب ایشان از علمای متکلمین
و فضلای مؤلفین اند در سنهٔ ٣٠٥ بمنصب نیابت سرافراز و در سنه ٣٢٦ وفات
کرد قبر شریفش در آخر کوچه دربسته ایست که از وسط بازار عطاران بانجا داخل میشود
در میان خانه ایست که از قرار مذکور وقف است ولکن در سال طاعون عظیم ارباب
وقف ملاک و وقفنامه مفقود شد لهذا بدست دیگران افتاد بایست استیذان
کرده داخل شد ایوان و قبه و صندوق ندارد باقیست و هنوز اهل خیری پیدا نشده
ایشان را ابجد و صحن مختصر و بنا ایوان و عوض ... که منافع خیریه ان احصا ندارد
علاوه بر تجلیل و تعظیم صاحب بقعه شریف زیرا که غالب زوار که شغل خرید و داد و
ستد در بغداد دارند یا بزیارت این بزرگوار مشرف شوند محل استراحت چند ساعتی
بجهت خوردن غذا و انقضاء شدت گرما و تطهیر و غیره لازم دارند و در بغداد برای
شیعه چنین محلی نیست و غالبا خسته و گرسنه و نماز نکرده در آخر وقت خود را بکاظمین
میرسانند و اگر این محل ساخته شود هزارها اطاعت دینی و دنیوی و عرضی و جانی
بهزارها از زوار در هفته و ماه کرده میشود چه مصارفهای عظیمه در وجوه خیریه
کرده میشود که بصورت تعظیم شعائر و نشر اسم بانی فائده ندارد و از این خیرات جاریه
و منافع متواتره غافل بجهت غرور و اعتماد بر عقل ناقص خود و اعراض و مشورت نکردن
از اهل دانش و بینش و الحکم از اینجا است که در حدیث شریف رسیده که میزان شناختن
عقل آدمی دیدن محل مصارف خیریه او است که بکجا میدهد و در چه محل صرف میکند
چهارم ابو الحسن علی بن محمد سمری که آخر نواب است و در سنهٔ ٣٢٦ بر مسند نیابت نشست
و در سنه ٣٢٩ دنیا را وداع کرد و روز وفات خود را تعیین کرد حسب توقیع مبارک که
شش روز پیش رسیده بود و چون در وقت احتضار بزرگان شیعه از نایب بعد از

او سؤال کردند جواب داد که رشته نیابت منقطع و ظلمت غیبت کبری عالم را فرو خواهد
گرفت قبر شریفش در نزدیک محراب مسجد بزرگ در میان حجره بسیار تنگی که از آن جهت در
میان بازار هراج باز او میشود و از اینجهت بعضی بهمان خواندن فاتحه از مقابل حجره
در بازار قناعت میکنند که اگر بنای زیارت شد بایست از در مسجد داخل شد و
بانجا رفت و از قرار مسموع حجره از این وسیعتر بود در وقت بنای مسجد از آن کاسته
و بر این افزوده شد **واما الفاظ زیارت** پس بنویست که شیخ طوسی رحمه الله
در تهذیب و سید جلیل علی بن طاوس در مصباح الزائر نسبت داده اند آن را به ابو القاسم
حسین بن روح رضی الله عنه که فرموده سلام میکنی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
و بعد از او بامیر المؤمنین علیه السلام و خدیجه کبری و بر فاطمه زهرا سلام الله علیها
و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمه علیهم السلام میشمری تا صاحب
الزمان علیه السلام پس میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ اَشْهَدُ اَنَّكَ بَابُ
الْوَلِيِّ اَدَّيْتَ عَنْهُ وَاَدَّيْتَ اِلَيْهِ مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ قُمْتَ خَاصًّا
وَانْصَرَفْتَ سَابِقًا جِئْتُكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي اَنْتَ عَلَيْهِ وَاَنَّكَ مَا خُنْتَ فِي
التَّأْدِيَةِ وَالسِّفَارَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا اَوْسَعَكَ وَمِنْ سَفِيرٍ مَا آمَنَكَ
وَمِنْ ثِقَةٍ مَا اَمْكَنَكَ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ فَاَدَّيْتَ
عَنْهُ وَاَدَّيْتَ اِلَيْهِ پس بر میگردی و باز سلام میکنی بر رسول خدا تا صاحب
الزمان صلوات الله علیهم انگاه میگوئی جِئْتُكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللهِ وَمُوَالَاةِ
اَوْلِيَائِهِ وَالْبَرَائَةِ مِنْ اَعْدَائِهِمْ وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى وَبِكَ اِلَيْهِمْ
تَوَجُّهِي اِلَى اللهِ وَتَوَسُّلِي پس دعا میکنی و هرچه میخواهی از خدا یتعالی میطلبی که اجابت
میشود انشاء الله نعم سیما از تکالیف زوار در کاظمین رفتن بمداین است
بجهت زیارت سلمان علیه السلام که جلالت قدر و عظمت شانش بر همه معلوم و برای شوق

زائرین و رغبت شان بزیارت انجناب کافیست تامل در اختصاص و امتیاز شان در میان تمام صحابه و جمیع امت باینکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باعجاز و طی الارض از مدینه بمدائن تشریف آوردند و بدست مبارک او را غسل دادند و از کفنی که با خود آورده بودند و بدست مبارک او را غسل دادند کفن کردند و نماز کردند با صفوفی از ملئکه بر انجناب و در قدیم الایام از بعضی فضلا شنیدم روایتیکه مضمونش این بود اتمام الزیارة بزیارة سر من رای و اکمالها بزیارة سلمان در عراق بزیارت ائمه سر من رای علیهم السلام زیارت تمام میشود و بزیارت سلمان کامل میشود و بعد از ان انچه تفحص کردم اثری ازان نیافتم حتی در پشت کتابی مثل چند خبر دیگر که شهرتی دارد در عراق و اصلی ندارد و در هیچ کتابی دیده نشده چنانچه از حضرت رضا علیه السلام نقل کنند که فرموده هر کس قدرت ندارد بزیارت من بیاید پس زیارت کند قاسم برادرم که در عذارات که از توابع حله است مدفونست و اهل نجف در اعتقاد انکه حضرت سید الشهداء علیه السلام فرموده هر که نتواند بزیارت من کنند بیاید در ایام زیارات مخصوصه مثل اول و نیمه رجب و نیمه شعبان و لیالی قدر و عیدین و عرفه و عاشورا و اربعین پس زیارت کند پسر عم مسلم را و بسیا شود که در دراز و زحضرت امیر المؤمنین را در نجف اشرف اصلا زیارت نکنند و بجهت این خبر که تاکنون کسی از اصل ان نشانی نداده از فیض انروز شریف خود را محروم نمایند بهر حال علو مقام جناب سلمان اجل از انستکه برای ترغیب زیارتش متمسک باموری واهیه شد و کافیست که شیخ طوسی ره در تهذیب بعد از زیارت ائمه علیهم السلام و شهدا و ثواب برای احدی زیارتی نقل نکرده جز برای انجناب و عالم جلیل شیخ خضر شلال در مزار خود فرموده سزاوار نیست ترک زیارت سلمان با انچه ذکر نموده از اد در تهذیب از انچه شکی نیست در روایت بودن ان هر چند از ابر روایت نسبت نداد فرموده زیارت سلمان رض

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِ اللهِ سَلْمانُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا تابِعَ صَفْوَةِ اللهِ الرَّحْمنِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَمَيَّزَ مِنْ أهْلِ الإيمانِ بِالتَّبْيينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خالَفَ حِزْبَ الشَّيْطانِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ وَلَمْ يَخَفْ صَوْلَةَ السُّلْطانِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نابَذَ عَبَدَةَ الأوْثانِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ مَنْ تَبِعَ الْوَصِيَّ زَوْجَ سَيِّدَةِ النِّسْوانِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ جاهَدَ فِي اللهِ مَرَّتَيْنِ مَعَ النَّبِيِّ وَالْوَصِيِّ أبِي السِّبْطَيْنِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ صَدَّقَ فَكَذَّبَهُ أقْوامٌ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ قالَ لَهُ سَيِّدُ الْخَلْقِ مِنَ الإنْسِ وَالْجانِّ أنْتَ مِنّا أهْلَ الْبَيْتِ لا يُدانِيكَ إنْسانٌ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَوَلَّى أمْرَهُ عِنْدَ وَفاتِهِ أبُو الْحَسَنَيْنِ السَّلامُ عَلَيْكَ جُوزِيتَ عَنْهُ بِكُلِّ إحْسانٍ السَّلامُ عَلَيْكَ فَلَقَدْ كُنْتَ عَلى خَيْرِ أدْيانٍ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ أتَيْتُكَ يا أبا عَبْدِ اللهِ زائِراً فاضِياً فِيكَ حَقَّ الإمامِ وَشاكِراً لِبَلائِكَ فِي الإسْلامِ فَاسْألُ اللهَ الَّذِي خَصَّكَ بِصِدْقِ الدِّينِ وَمُتابَعَةِ الْخِيَرَةِ الْفاضِلِينَ أنْ يُحْيِيَنِي حَيوتَكَ وَأنْ يُمِيتَنِي مَماتَكَ وَيَحْشُرَنِي مَحْشَرَكَ وَعَلى إنْكارِ ما أنْكَرْتَ وَمُنابَذَةِ مَنْ نابَذْتَ وَالرَّدِّ عَلى مَنْ خالَفْتَ ألا لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمِينَ مِنَ الأوَّلِينَ وَالآخِرِينَ فَكُنْ يا أبا عَبْدِ اللهِ شاهِداً لِي بِهذِهِ الزِّيارَةِ عِنْدَ إمامِي وَإمامِكَ جَمَعَ اللهُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ إنَّهُ وَلِيُّ ذلِكَ وَالْقادِرُ عَلَيْهِ إنْ شاءَ اللهُ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَهُوَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً و مولف گوید که سید جلیل علی بن طاوس قده در مصباح الزائر فرموده ذکر زیارتی که مختص است بابی عبد الله سلمان فارسی رضوان الله علیه میایستی بر قبر او و رو بقبله میکنی و میگوئی انگاه سه زیارت نقل کرده و این زیارت مذکوره و ان زیارت جهارم قرار داده و در اخر ان فرموده انگاه نماز میکنی نماز زیارت و انچه خواهی بسیار دعا

کن برای خود و برای مؤمنین و چون خواستی از زیارت آنجناب برگردی پس بایست نزد قبر او برای وداع و بگو السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبا عَبْدِ اللّهِ اَنْتَ بابُ اللّهِ الْمُؤْتیٰ مِنْهُ وَالْمَاْخُوذُ عَنْهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقّاً وَنَطَقْتَ صِدْقاً وَدَعَوْتَ اِلیٰ مَوْلایَ وَمَوْلاكَ اَتَیْتُكَ زائِراً وَها جائِیٌ لَكَ مُسْتَوْدِعاً وَها اَنَا ذا مُوَدِّعٌ اَسْتَوْدِعُكَ دینی وَ اَمانَتی وَخَواتیمَ عَمَلی وَجَوامِعَ اَمَلی اِلیٰ مُنْتَهیٰ اَجَلی وَالسَّلامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ وَصَلَّی اللّهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَخْیارِ انگاه خدایتعالی بسیار بخوان و برگرد انشاء الله تعالی **مؤلف گوید** چون زائر باینجا مشرف شد و از زیارت فارغ شد دو تکلیف دیگر دارد اوّل نماز کردن در طاق کسری دو رکعت یا زیاده چون اینجا مصلّی حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام است چنانچه خبر از دو نفس الرحمن و کتاب مستدرك ذکر کردم دوّم زیارت کردن جناب حذیفه که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله و خاصّان امیرالمؤمنین علیه السّلام است و در میان صحابه مخصوص بود بشناختن منافقین و دانستن نامهای ایشان و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمیشد خلیفه ثانی براو نماز نمیکرد و از جانب او سالها در مدائن والی بود پس او را عزل کرده و جناب سلمان والی آنجا شد و چون وفات کرده دوباره حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا نوبت خلافت بشاه ولایت علیه السّلام رسید پس از مدینه رقعه مبارك با او و فرمان همایونی باهل مدائن صادر شد و از خلافت خود و استقرار حذیفه در آنجا بنحو یکه بود اطلاع دادند لکن حذیفه بعد از حرکت آنحضرت از مدینه بجانب بصره بجهة دفع شر اصحاب جمل و قبل از نزول موکب همایون بکوفه وفات کرده و در همان مداین مدفون شد و در صحن آنجناب قبر دیگر هست معلوم نیست کیست معروف است بقبر عبدالله انصاری و معروف باین اسم دو نفرند یکی عبدالله بن حرام پدر جابر جلیل انصاری و او از شهداء احد و با شهدا در آنجا مدفون است و دیگری

عبدالله انصاری صوفی سنی صاحب مناجاة معروفه و قبر او نیز در هرات است و در جنب حرم جناب سلمان مسجد جامع مداین است که منسوب است بحضرت امام حسن که از آنرا ختم یادر آنجا نماز نکرده از فیض دو رکعت نماز تحیه در آن محل شریف خود را محروم نکند و در میان ضریح مقدس آنجناب ظرف آبخوری سفالی است کهنه خدام آن استانه را اعتقاد آن است که این ظرف از خود آنجناب است و در این طول سنین و مرور ایام و حوادث ثابت بحساب سالم و از کرامات آنجناب باید از زهد و قناعت آن معظم با آن ریاست و ولایت که داشت بیاد کار مانده **مقام سیم در تکلیف زوار حرم مطهر عسکریین علیهما السّلام مخفی نماند** که از مطاوی ایات و اخبار خاصه و عامه اداب مخصوصه برای دخول در روضات مشرفه و حرمهای منوره معلوم میشود که علمای اعلام جمله از انها را بترتیب ذکر نموده اند و ما انشاء الله تعالی در فصل اینده بانها بنحو اختصار اشاره خواهیم کرد و تمام قباب سامیه و اعتاب عالیه در همه آن اداب شریکند و زائر در تمام مشاهد بایست بقدر میسور انها را بجای آرد اگوشایق است که بفیض آن حرم شریف برسد جز یکی از آن اداب که بجا آوردن در حرم مطهر عسکریین علیهما السّلام مانعی پیدا شد که از امتثال آن امر الهی زائر معذور است و آن ایستادن نزد قبر مطهر است که حال ضریح منصوب بجای او است چه خود را بان بچسباند یا نچسباند چنانچه شهید اوّل ره در کتاب دروس تصریح کرده و فرموده تو هم انکه در ایستادن ادبست و هم است زیرا که نص وارد شده بر تکیه نمودن بر قبر و بوسیدن آن و اما آن مانع پس باین اشاره فرموده عالم جلیل و فقیه نبیل صاحب کرامات باهره شیخ خضر شلال نجفی که قبرش در مقابل کوچه سلام نجف اشرف و مزار عموم مجاورین و محل نذور و تبرك ایشان است در کتاب مزار که از اجزای شرح کبیر مرحوم است بر شرح لمعه و این عین عبارت ایشان است بعد از ذکر زیارت و

وداع ان دو امام همام علیهما السلام نعم لا ریب فی ارجحیة التاخر عن ضریح الهادی علیه السلام بمقدار ذراع او ازید عند زیارته علیه السلام لما بلغنا انه یتقدم علی الشباک المنصوب فی عصرنا و یوشد الیه ارجحیة التاخر الیه انی قد تشرفت بزیارته مع جماعة من العلماء والصلحاء وفیهم من یحمل العلم من العلویین فاخبرنی بما یقتضی تشویشه و اضطرابه من انه وقف قریبا من الضریح المشرف مستدبرا للقبلة واذا بصوت من الضریح یامره بالتنحی عن موقفه وما ذاک الا لذلک حاصل ترجمه شکی نیست در انکه ارجح در وقت زیارت حضرت هادی علیه السلام متاخر بودن از ضریح مبارک است بمقدار ذراع یا زیادة زیرا که بما رسیده که قبر مطهر پیش از شباکیست که در عصر ما منصوب است بر ان قبر شریف ان همان ضریح پولادی شاه سلطان حسین مرحوم است که در عصر ایشان وتا کنون موجود است و تایید میکند این مقاله را که من با جماعتی از علما و صلحا بزیارت انحضرت مشرف شدیم و در میان ایشان بود انکه حامل علم بود از سادات علویین یعنی ایة الله بحر العلوم چنانچه قرائن عدیده بر ان دلالت کند و صریحا از فقیه عصر و علامه دهر شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه شنیدم که مراد انمرحوم همان معظم است پس مرا خبر داد بچیزیکه ایشانرا مشوش و مضطرب کرده بود باینکه نزد ضریح مقدس پشت بقبله ایستاده بود که ناگاه اوازی از ضریح مبارک بیرون امد که از انجا که ایستاده بود بعقب رود و سببی برای دور شدن از امکان نیست مگر انکه انجه که شد که قبر مطهر پیشتر از ضریح و هر کدام از این دو وجه خود کافی است برای رعایت ادب در انحرم شریف و نزدیک نشدن بضریح که سبب شود برای هتک عظیم و ایستادن روی قبر منور انحضرت واما تکلیف بدانجا بعد از رعایت اداب دخول در حرمهای شریف پس چهار چیز است **اول** زیارت ان دو امام علیهما السلام ببعضی زیارات خاصه بایشان که اصح انها زیارتیست که در فقیه و تهذیب و کامل الزیارة و سایر مزارات موجود است

و ما انرا بلفظ کامل نقل میکنیم روایت کرده از بعض ائمه علیهم السلام که فرمود بعد از غسل کردن بیا و بنزد قبر و در تهذیب فرموده بعد از غسل خود را پاکیزه کن و دو جامه پاک بپوش و بیا و بنزد قبر و بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا وَلِیَّیِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا حُجَّتَیِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا نُورَیِ اللّٰهِ فِی ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا مَنْ بَدَا لِلّٰهِ فِی شَاْنِکُمَا اَتَیْتُکُمَا زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّکُمَا مُعَادِیاً لِاَعْدَائِکُمَا مُوَالِیاً لِاَوْلِیَائِکُمَا مُؤْمِناً بِمَا اٰمَنْتُمَا بِهِ کَافِراً بِمَا کَفَرْتُمَا بِهِ مُحَقِّقاً لِمَا حَقَّقْتُمَا مُبْطِلاً لِمَا اَبْطَلْتُمَا اَسْئَلُ اللّٰهَ رَبِّی وَرَبَّکُمَا اَنْ یَجْعَلَ حَظِّی مِنْ زِیَارَتِکُمَا الصَّلٰوةَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَنْ یَرْزُقَنِی مُرَافَقَتَکُمَا فِی الْجِنَانِ مَعَ اٰبَائِکُمَا الصَّالِحِینَ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَیَرْزُقَنِی شَفَاعَتَکُمَا وَمُصَاحَبَتَکُمَا وَیُعَرِّفَ بَیْنِی وَبَیْنَکُمَا وَلَا یَسْلُبَنِی حُبَّکُمَا وَحُبَّ اٰبَائِکُمَا الصَّالِحِینَ وَاَنْ لَا یَجْعَلَهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِکُمَا وَیَحْشُرَنِی مَعَکُمَا فِی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی حُبَّهُمَا وَتَوَفَّنِی عَلٰی مِلَّتِهِمَا اَللّٰهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِی اٰلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْاَوَّلِینَ مِنْهُمْ وَالْاٰخِرِینَ وَضَاعِفْ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ وَبَلِّغْ بِهِمْ وَبِاَشْیَاعِهِمْ وَمُحِبِّیهِمْ وَمُتَّبِعِیهِمْ اَسْفَلَ دَرْکٍ مِنَ الْجَحِیمِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیِّکَ وَابْنِ وَلِیِّکَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وسعی میکنی در دعا کردن برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن و اگر بتوانی بنزدیک قبر ایشان برو و دو رکعت نماز در نزد قبر بکن و اگر نتوانستی داخل در مسجد شو و دو رکعت نماز بکن و هر دعا که خواستی بکن که مستجاب است و این مسجد در پهلوی خانه ایشان است و امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در ان نماز میکردند **مؤلف** گوید که شیخ محمد بن المشهدی و شهید اول ره این زیارت را در مزار خود نقل کردند با اختلاف جزئی و بعد از فی الجنة برحمته فرموده اند انگاه برو و بیفت بر هر یک از ان دو قبر و ان را ببوس و روی راست و چپ خود را بر قبر بگذار و

بدا لله

ویجمع بینی وبینکما فی الجنة
مزار شهید و مزار محمد المشهدی

بعداز

بعد از ان سر خود را بردار و بگو اللهم ارزقنی حجتهم و توفنی ملتهم الخ بعد از ان
چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر و بعد از نماز زیارت هر قدر دعا زکر خواهی بگذار
الخ و مستور نماند که ان دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند و برای ان در خانه
بود که گاهی باز میکردند شیعیان داخل میشدند و در نزد قبر زیارت میکردند
و گاهی بسته بود و از بیرون مقابل شباکی که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت
میکردند و در صدر همین خبر زیارت مذکور است که غسل میکنی و نزد قبر ایشان
میروی اگر بتوانی رفت و اگر نه اشاره میکنی بسلام مقابل شبکه که باز میشود بسوی
قبر و چنین زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند و چون بهمت موالیان انجا ندر
داشته شد و بجای ان قبه و حرم و رواق و ایوان ساخته شد ان مسجد داخل در
حرم شد و الان معروف است که ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین علیهما
السلام متصل است برواق همان مسجد مذکور است بهر حال زوار از ابجهه اشوده
شدند و برای ان دو بزرگوار زیارت مخصوصه بهر کدام و مشترک میان هر دو بنود کور
در کتب مزار مذکور است اگر راغب شدند نسخه ان بسیار است ولکن اگر زائر را حالی و
مجالی و اقبالی باشد بسیار مناسب است که زیارت جامعه کبیره معروفه با غیر معروفه
را که بیاید انشاء الله تعالی در فصل اینده بخواند چه صدور ان کلمات بلیغه در اداء
تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل و اعتراف بعظمت و جلالت ایشان از مصدر جلال
حضرت هادی صلوات الله علیه است و هم مکرر خواندن این دعای شریف را
پیش از نماز زیارت و بعد از ان و در هر حال چنانچه ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی
خود روایت کرده از منصوری که گفت عرض کردم خدمت حضرت امام علی نقی علیه
السلام ای سید من مرا دعائی تعلیم کن که بان تقرب جویم بسوی خدا وند عز و جل فرمود
این دعا ئیست که من بسیار میخوانم انرا و از خدا وند خواستم که نا امید نکند کسی اگر این

دعا را در روضه من میخواند و ان دعا اینست یا عدتی عند العدد و یا رجائی والمعتمد
و یا کهفی والسند و یا واحد یا احد و یا قل هو الله احد اسئلک اللهم بحق من
خلقته من خلقک ولم تجعل فی خلقک مثلهم احدا صل علی جماعتهم وافعل
بی کذا و کذا و بجای این حاجات خود را بخواهد و سید در مصباح الزائر فرموده
این دعا بیاید بعنوان سیم زیارت کردن ملکه دنیا و اخرت و حامل خاتم ولایت
نرجس خاتون مادر حضرت قائم علیه السلام با مجد شیخ مفید و سید و شهید در مزار خویش
نقل کردند و محمد بن المشهدی در مزار خود فرموده که این زیارت را شخصی از اهل
بحرین برای من خواند و شنیدم که ان معظمه را باین قسم زیارت میفرمود و ان
زیارت اینست می ایستی در ضریح مقدس عسکریین علیهما السلام و میگوئی السلام
علی رسول الله صلی الله علیه و اله الصادق الامین السلام علی مولانا
علی امیر المؤمنین السلام علی الائمة الطاهرین الحجج المیامین السلام علی
والدة الامام والمودعة اسرار الملک العلام والحاملة لاشرف الانام
السلام ایتها الصدیقة المرضیة السلام علیک یا شبیهة ام موسی وابنة
حواری عیسی السلام علیک ایتها المنعوتة فی الانجیل المخطوبة من روح
الامین ومن رغب فی وصلتها محمد سید المرسلین والمستودعة اسرار
رب العالمین السلام علیک وعلی ابائک الحواریین السلام علیک وعلی
بعلک وولدک السلام علیک وعلی روحک وبدنک الطاهر اشهد انک
احسنت الکفالة وادیت الامانة واجتهدت فی مرضات الله وصبرت فی
ذات الله وحفظت سر الله وحملت ولی الله وبالغت فی حفظ حجة الله
ورغبت فی وصلة ابناء رسول الله عارفة بحقهم مؤمنة بصدقهم معترفة
بمنزلتهم مستبصرة بامرهم مشفقة علیهم مؤثرة هواهم واشهد انک مضیت علی

بسم الله الرحمن الرحیم … السلام علیک ایتها …

بَصیرَةً بِاَمرِكِ مُقتَدِیَةً بِالصّالِحینَ راضِیَةً مَرضِیَّةً تَقِیَّةً نَقِیَّةً زَکِیَّةً
فَرَضِیَ اللهُ عَنكِ وَاَرضاكِ وَجَعَلَ الجَنَّةَ مَنزِلَكِ وَمَأواكِ فَلَقَد اَولاكِ مِنَ
الخَیراتِ ما اَولاكِ وَاَعطاكِ مِنَ الشَّرَفِ بِما بِهِ اَغناكِ فَهَنّاكِ اللهُ بِما مَنَحَكِ
مِنَ الکَرامَةِ وَاَمراكِ پس بالا میکنی سر خود را ومیگوئی اَللّهُمَّ اِیّاكَ اعتَمَدتُ
وَلِرِضاكَ طَلَبتُ وَبِاَولِیائِكَ اِلَیكَ تَوَسَّلتُ وَعَلی غُفرانِكَ وَحِلمِكَ اتَّکَلتُ وَ
بِكَ اعتَصَمتُ وَبِقَبرِ اُمِّ وَلِیِّكَ لُذتُ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانفَعنی بِزِیارَتِها
وَثَبِّتنی عَلی مَحَبَّتِها وَلا تَحرِمنی شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ وَلَدِها وَارزُقنی مُرافَقَتَها
وَاحشُرنی مَعَها مَعَ وَلَدِها کَما وَفَّقتَنی لِزِیارَةِ وَلَدِها وَزِیارَتِها اَللّهُمَّ
اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیكَ بِالاَئِمَّةِ الطّاهِرینَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَیكَ بِالحُجَجِ المَیامینِ مِن آلِ
طه وَیس اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبینَ وَاَن تَجعَلَنی مِنَ المُطمَئِنّینَ
الفائِزینَ الفَرِحینَ المُستَبشِرینَ الَّذینَ لا خَوفٌ عَلَیهِم وَلا هُم یَحزَنُونَ وَاجعَلنی
مِمَّن قَبِلتَ سَعیَهُ وَیَسَّرتَ اَمرَهُ وَکَشَفتَ ضُرَّهُ وَآمَنتَ خَوفَهُ اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن زِیارَتی اِیّاها وَ
ارزُقنی العَودَ اِلَیها اَبَداً ما اَبقَیتَنی وَاِذا تَوَفَّیتَنی فَاحشُرنی فی زُمرَتِها وَ
اَدخِلنی فی شَفاعَةِ وَلَدِها وَشَفاعَتِها وَاغفِر لی وَلِوالِدَیَّ وَلِلمُؤمِنینَ
وَالمُؤمِناتِ وَآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحمَتِكَ عَذابَ
النّارِ وَالسَّلامُ عَلَیکُم یا سادَتی وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ **مقام چهارم** زیارت
کردن حکیمه خاتون نه حلیمه که در السنه عوام دائر شده واین معظمه جلیله
نجیبه فاضله دختر امام محمد تقی وخواهر امام علی نقی وعمه امام حسن عسکری
علیهم السلام است وچهار امام را درك نموده وخدمت کرده وحضرت امام
علی نقی علیه السلام مکرمه نرجس خاتون را باو سپرد که معالم دین واحکام شرع را

وباداب طیبه تربیت کند وبعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در
ایام حیوة خود منصب سفارت داشت از جانب امام عصر علیه السلام وعرایض
خلق را بآنحضرت وتوقیعات شریفه که از ان ناحیه مقدسه صادر میشد بآنها
میرسانید مثل سایر نواب ومفتخر شد بقابله گری امام عصر صلوات
الله علیه ورسید گی بامور ولادت انجناب چنانچه عمه این معظمه حکیمه خاتون
دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مشرف شده بود بمنصب قابله گری برادر
امام محمد تقی علیه السلام واین جلیله اول کسی است که بشرف دیدن حضرت صاحب
الزمان علیه السلام مشرف شد بعد از والده مکرمه اش واول کسی است که انجناب را
بوسید ودر آغوش گرفت ونزد پدر بزرگوارش برد ودوباره نزد نرجس خاتون
بر گردانید وبالجمله در میان سادات علویه وبنات هاشمیه از جهت فضایل و
مناقب وعبادات وتقوی وعلم ممتاز ومحل اسرار امامت سرافراز بود وعلما تصریح
کرده اند باستحباب زیارت ان معظمه که ضریح علیحده دارد ودر پایین پا ملاصق
بضریح عسکریین علیهما السلام است ودر کتب زیارت مخصوصه برای ایشان
دیده نشد مگر در حاشیه نسخه از مصباح الزائر که ظاهرا جزء متن نبود لهذا
نقل نکردیم پس زائر زیارت کند آنجلیله را بزیارتیکه برای اولاد ائمه علیهم السلام
در کتب مزار اصحاب مسطور است چنانچه شهید اول در مزار آن را در اینجا نقل
کرده وما در خاتمه انرا ذکر خواهیم نمود انشاء الله تعالی ومعروفست که نزدیک
قبر ایشان قبور جماعه از سادات عظام است مثل حسین پسر امام علی نقی علیه السلام
وغیره **مقام چهارم** از فصل سیم در آداب دخول در سرداب مطهر وکیفیت
زیارت ولی زمان صاحب العصر وبقیة الله فی الارضین صلوات الله وسلامه
علیه وقبل از شروع باید بدو امر تنبیه نمود اول آنکه این سرداب مطهر در السنه

ودر کتب علما جمله از متاخرین مشهور است بسرداب غیبت وانچه در کتب معتبره
وابواب متعلقه بحالات شریفه انحضرت از ولادت تا ظهور موفور السرور
تفحص کردیم وجهی از برای ان نیافتیم وسببی برای نامیدن این سرداب بغیبت ندیدیم
بلی اکثر علماء اهل سنت بمعاشرانما مینه در کتب خود نسبت میدهند که ایشان معتقدند
که حضرت حجة بن الحسن العسکری علیهما السلام در کودکی داخل دران سرداب
شد ومادرش نرجس خواتون ایستاده ونگاه میکرد تا از نظرش غایب شد ومقام
انحضرت تاکنون در همانجا است واحدی در این طول مدت انجا بر اندیده ودران
جا باقیست تا از انجا بیرون اید وظهور نماید ودنیا را پر از عدل وداد کند والله وما
در چند سال قبل در رساله کشف الاستار که در جواب شبهات بعضی از علما بغداد
کرد در اصل ولادت انجناب کرده وانها را در ضمن قصیده بنظم در اورده برای علما
عتبات عالیه فرستاده نوشتیم ومکشوف داشتیم که تمام انچه نسبت دادند بما در این
مقام افتراست واصلا در کتب ما اثری از هیچ یک از انها نیست هر که خواست بانجا
رجوع کند واز حال مؤلفات انجماعت مطلع شود وتعجب نماید ودر باب معجزات
انحضرت قضیه از معتضد عباسی بطرق مختلفه موجود است وخلاصه یکی از انها
انکه بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام سوارانی چند فرستاد بسامره
که شب داخل در خانه انحضرت شدند وهر کرا دیدند بگیرند انها رفتند شب داخل
شدند وکسی را ندیدند واز سرداب صدای تلاوت قرانی شنیدند بانجا رفتند
دریاچه ابی دیدند در وسط ان حصیری مفروش وکسی بر روی ان مشغول نماز است
یکی از انها تهور کرده خود را در اب انداخت غرق شد ونزدیک بهلاکت رسید
رفقا نجاتش دادند دیگری چنین پس هراسان شدند وبنا بر توبه واستغاثه گذاشتند
ابدا در این حالات اعتنائی بانها نشد ما بو سامرا رجعت کردند ودر شب معتضد را

خبر کردند معتضد از ایشان عهد گرفت که این سر را افشا نکنند وشاید سبب این باشد
با چیزهای دیگر که در دست ما نیست دوم انکه این سرداب مطهر راه دخول در خانه ان بزرگوار
بوده وراه دخول دران سرداب از قدیم قبل از بناء جدید وساختن صحن وقبه وحرم
از پشت سر نزدیک بقبر نرجس خواتون بوده وشاید حال در رواق باشد انجا پائین
میرفتند ودالانی دراز وتاریکی داشت چون از انجا میگذشتند بدر سرداب غیبت
میرسیدند که حال اینه کاری شده وپنجره از ان از طرف قبله بصحن عسکریین
باز میشود وان دالان وسط این سرداب باز میشد که حال کاشی دیوار بجای
ان بشکل محرابی ساختند وهمه اعمال این سرداب از یکطرف میشد ولهذا
شهید اول قدّه در مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام وزیارت سرداب را
ذکر کرده پس از ان زیارت نرجس خواتون وحکیمه خاتون را ودر یک صد سال و
چیزی قبل مؤیّد مسدد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرده وصحن ان دو امام
را بنحوی که الان موجود است بنا نمود وبنای این روضه ورواق وقبه عالیه
برپا نمود وبرای سرداب مطهر صحن علیحده وایوانی ورواقی وپله جداگانه ودهلیزی و
سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچه حال دیده میشود وان راه اول وپلهها
ودر سرداب بالمرّه مسدود شد ونشانی از انها نیست ومحلی برای بجای اوردن
بعضی از اداب وارده نماند ولکن علماء جلد از زیارات که اصل سرداب شریف است
تغییری نکرده واما استیذان وخواندن اذن دخول پس بحسب استقراء در همه زیارات
وتصریح علماء هر دریکه از انجا مرسوم شده دخول در انحرم از حرم ائمه باشد
بایست رعایت کرده ودر انخانه الهی وخانه پیغمبر صلی الله علیه واله بی اذن نباید
داخل شد اما اذن دخول خاص باین سرداب مطهر پس همان فقره معروفه
بالسلام علیک یا خلیفة الله است که در اخر ان استیذان میشود وبایست از در

سرداب مطهر

بسرداب پیش از پایین رفتن از پلها خوانده چون طولانی بود ما در هیچ مقامی
اذن دخول خاص این امام را ذکر نکردیم و بهمان اذن دخول عام که در مقدمه
گذشت قناعت نمودیم در اینجا نیز چنین کردیم پس از استیذان و دخول در سرداب
مطهر زیارت کند آنحضرت را بآنچه خود دستور العمل داده چنانچه شیخ جلیل احمد
بن ابی طالب طبرسی ره در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون
آمد بسوی محمد حمیری بعد از جواب از مسائلیکه از آنحضرت سؤال کرده بود بسم
الله الرحمن الرحیم لا لامره تعقلون ولا من اولیائه تقبلون حکمة بالغة فما
تغنی النذر السلام علینا و علی عباد الله الصالحین هرگاه خواستید توجه
کنید بوسیله ما بسوی خداوند تبارک و تعالی و بسوی ما پس بگوئید چنانچه خدای
تعالی فرموده سلام علی آل یس السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته
السلام علیک یا باب الله و دیان دینه السلام علیک یا خلیفة الله و ناصر
حقه السلام علیک یا حجة الله و دلیل ارادته السلام علیک یا تالی کتاب
الله و ترجمانه السلام علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک السلام علیک
یا بقیة الله فی ارضه السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذه و وکده
السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه السلام علیک ایها العلم المنصوب
و الغوث و الرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب السلام علیک حین
تقوم السلام علیک حین تقعد السلام علیک حین تقرء و تبین السلام
علیک حین تصلی و تقنت السلام علیک حین ترکع و تسجد السلام علیک
حین تهلل و تکبر السلام علیک حین تحمد و تستغفر السلام علیک حین
تصبح و تمسی السلام علیک فی اللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی السلام
علیک ایها الامام المأمون السلام علیک ایها المقدم المأمول السلام

علیک

علیک بجوامع السلام اشهدک یا مولای انی اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله لا حبیب الا هو و اهله و
اشهدک ان علیا امیر المؤمنین حجته و الحسن حجته و الحسین حجته و علی
بن الحسین حجته و محمد بن علی حجته و جعفر بن محمد حجته و موسی بن
جعفر حجته و علی بن موسی حجته و محمد بن علی حجته و علی بن محمد حجته
و الحسن بن علی حجته و اشهد انک حجة الله انتم الاول و الآخر و ان
رجعتکم حق لا ریب فیها یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل
او کسبت فی ایمانها خیرا و ان الموت حق و ان ناکرا و نکیرا حق و اشهد ان
النشر حق و البعث حق و ان الصراط حق و المرصاد حق و المیزان حق و
الحشر حق و الحساب حق و الجنة و النار حق و الوعد و الوعید بهما حق
یا مولای شقی من خالفکم و سعد من اطاعکم فاشهد علی ما اشهدتک
علیه و انا ولی لک بریء من عدوک فالحق ما رضیتموه و الباطل ما
اسخطتموه و المعروف ما امرتم به و المنکر ما نهیتم عنه فنفسی مؤمنة
بالله وحده لا شریک له و برسوله و بامیر المؤمنین و بکم یا مولای اولکم
و آخرکم و نصرتی معدة لکم و مودتی خالصة لکم آمین آمین
دعائیکه خوانده میشود عقب این زیارت اللهم انی اسألک ان تصلی علی
محمد نبی رحمتک و کلمة نورک و ان تملأ قلبی نور الیقین و صدری نور
الایمان و فکری نور النیات و عزمی نور العلم و قوتی نور العمل و لسانی
نور الصدق و دینی نور البصائر من عندک و بصری نور الضیاء و سمعی
نور الحکمة و مودتی نور الموالاة لمحمد و آله علیهم السلام حتی القاک و قد
وفیت بعهدک و میثاقک فتغشینی برحمتک یا ولی یا حمید اللهم صل

علی

علی حجتک فی ارضک وخلیفتک فی بلادک والداعی الی سبیلک والقائم
بقسطک والثائر بامرک ولی المؤمنین وبوار الکافرین ومجلی الظلمة ومنیر
الحق والناطق بالحکمة والصدق وکلمتک التامة فی ارضک المرتقب
الخائف والولی الناصح سفینة النجاة وعلم الهدی ونور ابصار الوری
وخیر من تقمص وارتدی ومجلی العماء الذی یملأ الارض عدلا وقسطا
کما ملئت ظلما وجورا انک علی کل شیء قدیر اللهم صل علی ولیک وابن
اولیائک الذین فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم الرجس و
طهرتهم تطهیرا اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصر به اولیائک و
اولیائه وشیعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر کل باغ و
طاغ ومن شر جمیع خلقک واحفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه
وعن شماله واحرسه وامنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه
رسولک وآل رسولک واظهر به العدل وایده بالنصر وانصر ناصریه
واخذل خاذلیه واقصم قاصمیه واقصم به جبابرة الکفر واقتل
به الکفار والمنافقین وجمیع الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض
ومغاربها برها وبحرها واملأ به الارض عدلا واظهر به دین نبیک
محمد صلی الله علیه وآله واجعلنی اللهم من انصاره واعوانه واتباعه وشیعته
وارنی فی آل محمد علیهم السلام ما یاملون وفی عدوهم ما یحذرون اله
الحق آمین یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین **مؤلف گوید**
در اینجا تنبیه بر چند امر لازم است **اول** آنکه مرکوز در اذهان کافه شیعیان
وسیره مستمره ایشان انستکه در وقت زیارت آنحضرت چه در سرداب مطهر باشد
یا در سایر روضات ناضرات یا در غیر اینها از بلاد دور ونزدیک رو بقبله

کنند

کنند وظاهر امر چنانکه دردست ندارند برای این عمل ولکن از بعض مواضع میشود
شاهدی برای این سیره تحصیل نمود اولا سید جلیل علی بن طاوس ره در اول زیارت
آنحضرت بعد از ذکر اذن دخول وامر بگفتن تکبیر وتهلیل وتسبیح وتحمید در وقت
نزول بسرداب فرموده وچون مستقر شدی در آنجا پس بایست رو بقبله وبگو سلام
الله الخ وبعد از آن سایر زیارات را نقل کرده بدون این مقدمات واز این
معلوم میشود که آنچه ذکر نموده اداب عمومیه است لازم برای زیارت در آنجا و
ثانیا در مقام وداع آنحضرت فرموده چون خواستی از آنجا مراجعت کنی پس بر
گرد بسرداب شریف وآنچه خواستی نماز کن پس بایست رو بقبله وبگو الخ وثالثا در
یکی از توسلات بآنجناب که باید دو رکعت نماز کرد با سوره انا فتحنا وانا جا نصر
الله وبعد از آن زیارت کرد آنحضرت را بزیارتیکه اول آن اینست سلام الله الکامل
الخ ودر هر جا میشود خواند ایضا مذکور است پس برخیز در حالتیکه روی بقبله
کرده باشی وبگو سلام الله الخ **دوم** آنکه در این زیارت شریفه ذکری از نماز زیارت
نشده ولکن در مزار کبیر بسند معتبر ودر مصباح الزائر زیارت مذکوره را بنحو ابسط
ودر اخر آن دعای دیگر نقل کرده اند ودر آنجا امر فرموده اند بنماز زیارت قبل از
زیارت وآن دوازده رکعت است با سوره قل هو الله پس اگر این عمل را برای
زیارتیکه ذکر کردیم بکنند ظاهرا بجا ومناسب است واگر نکرد بهمان دو رکعت نماز
زیارت که برای هر امام علیه السلام باید کرد قناعت کند **سیم** آنکه بنای بر
اختصار از ذکر زیارتی دیگر که در آن عمل صفه است چاره نیست شیخ محمد بن
المشهدی وسید علی بن طاوس بعد از ذکر اداب سرداب نقل کرده اند که چون
داخل در سرداب شدی دو رکعت نماز در عرصه سرداب بکن وبگو الله اکبر
الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر ولله الحمد الحمد لله الذی هدانا لهذا

وعرفنا

وَعَرَّفَنَا اَوْلِيَائَهُ وَاَعْدَائَهُ وَوَفَّقَنَا لِزِيَارَةِ اَئِمَّتِنَا وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ
النَّاصِبِينَ وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقَصِّرِينَ
اَلسَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللهِ وَابْنِ اَوْلِيَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخَرِ لِكَرَامَةِ اَوْلِيَاءِ اللهِ
وَبَوَارِ اَعْدَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى النُّورِ الَّذِي اَرَادَ اَهْلُ الْكُفْرِ اِطْفَائَهُ فَاَبَى اللهُ
اِلَّا اَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ وَاَيَّدَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ اَشْهَدُ
اَنَّ اللهَ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا وَاَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا وَاَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى
تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطَّاغُوتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَّامِهِ وَاَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ
وَنَأْيِهِ وَاسْتُرْهُ سَتْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلًا حَرِيزًا وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ
وَطْاَتَكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ وَاحْرُسْ مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيهِ اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي
بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا وَاِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ
لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا وَاَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلِيقَتِكَ
رَغْمًا فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي حَتَّى اُجَاهِدَ
بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي اَثْنَيْتَ عَلَى اَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ
مَرْصُوصٌ اَللّٰهُمَّ طَالَ الْاِنْتِظَارُ وَشَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَصَعُبَ عَلَيْنَا الْاِنْتِصَارُ
اَللّٰهُمَّ اَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمَنُونِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدِينُ
لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ
يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ قَطَعْتُ فِي وُصْلَتِكَ الْخُلَّانَ وَهَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْاَوْطَانَ
وَاَخْفَيْتُ اَمْرِي عَنْ اَهْلِ الْبُلْدَانِ لِتَكُونَ شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّي وَرَبِّكَ وَاِلَى آبَائِكَ وَمَوَالِيَّ
فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي وَاِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَسَوْقِ الْاِحْسَانِ اِلَيَّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَصْحَابِ الْحَقِّ وَقَادَةِ الْخَلْقِ وَاسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ وَاَعْطِنِي
مَا لَمْ اَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَدُنْيَايَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلَّى

اوليائه

اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ پس داخل صفه شود ودو رکعت نماز گذارد
وبگوید اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءِ وَلِيِّكَ الْمَزُورِ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَى
الْعَبِيدِ وَالْاَحْرَارِ وَاَنْقَذْتَ بِهِ اَوْلِيَائَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا
زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ اَللّٰهُمَّ
لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ وَلَا تَقْطَعْ اَثَرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَتِهِ
وَبَيْتِهِ وَبَلَدِهِ اَللّٰهُمَّ اخْلُفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
لِي وَلِاِخْوَانِي وَاَبَوَيَّ وَجَمِيعِ عِتْرَتِي اَسْتَوْدِعُكَ اللهَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الَّذِي
يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ يَا مَوْلَايَ يَا
ابْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَلِاَبِيكَ وَجَدِّكَ مُتَيَقِّنًا الْفَوْزَ بِكُمْ
مُعْتَقِدًا اِمَامَتَكُمْ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْ هٰذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ
وَبَلِّغْنِي بَلَاغَ الصَّالِحِينَ وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ **مؤلف گوید**
دو مینا صفه مذکوره وسرداب مقدس شباکے است بر درى از چوب ساج که از
بامر احمد ناصر بالله عباس در سنه ششصد ودوازده ساخته‌اند چنانچه صورت
آن با بعض آیات شریفه در کتیبه انجام مرقوم است وآنچه از مشایخ دست بدست
رسیده اینست که این صفه محل حوضی بود بجهت وضو گرفتن آن بزرگواران
ودر آن سرداب آن بزرگواران که حرز ومحل عبادت ودعا شد این صفه شریفه
معین شده بود بجهت گذاشتن وانداختن عرایض ورقاع حاجات که شیعیان
بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مینوشتند ودر آنجا میگذاشتند
وهر وقت صلاح بود جواب عریضه از آنجا یا از خارج بصاحبش میرسید
چنانچه بعضی از حکایات آن را سید جلیل علی بن طاوس در اواخر کتاب فرج
المهموم نقل کرده وبملاحظه این سیره وعادت در طرف راست در وسط

تقطع اثری

وپس ازان

شباک سوراخی بقدر انکه دست دمیان ان برد و ورقه را ببیندازد کذاشتند
کرد و طرف دیکر نظیر ندارد و هرکس تامل کند میداند که این سوراخ ساخته بر
هیس کار بود و ان محل درمیان همه ان سرداب امتیازی پیدا کرد در تبرک و شرافت
واحترام بوسیدن واستشفاء بتربت ان تا انکه صحن مطهر و راه سرداب مطهر از ان صحن
مقدس جدا شد و از غیر جنس برای ان خدمه پیدا شد و دیدند حرص و رغبت
شیعیان را بان محل شریف وغلبه استیلاء خود را بر ان عزبا و زوار بی معین لهذا
انوا برای کسب غیر طیب خود سرمایه کردند و برای جلب منافع از ایشان انوا
شبکه قرار دادند و باقسام حیل از انها فائده بردند وکم کم بدادن ریک و خاک
انوا بان بیچاره کان وکرفتن چیزی مقداری از انجا کور شد و در چهل و هفت سال
قبل تقریبا که اول مشرف شدن حقیر بود بان استانه مبارکه کودی انجا تا بدو یله
رسیده بود و باز زیاد شد تا انکه زمانیکه شیخ عالم جلیل علامه جلیل علامه عصره
شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه بجهة تذهیب کنبد مطهر و اصلاح صحن منور
با نجا مشرف شدند پس از مشاهده ان خرابی و زیاد شدن در هر روز و خوف صدمه
رسیدن باساس عمارت مقرر فرمودند انجا را پر کردند تا بمقدار دو یله بالا ماند
وانوا با جی و کچ محکم نمودند پس از وفات انمرحوم چون در سرمایه ان جماعت و باش
بجهة ان بنا خللی پیدا شد دوباره ان بنا را خراب کردند و بدادن ریک و سنک
انجا بجهال زوار و بردن عوام بی لجام کالانعام زاد در انجا باسم تبرک بازار کسب خود را
رونقی دادند وکم کم بمنزله چاهی شد واسم انرا چاه صاحب الزمان سؤال کنندی بانواع
بی ادبی وجسارت خود را درمیان چاه افکنند ومقداری ریک بردارند تمام این حرکات
بی اصل وبی پا و خلاف ادب و احترام بلکه در بعضی مواضع شبهه حرمت دارد ولکن
درد جهل را دوای جز پوشش از عالم یا تنبیه و نهی عالم نیست و هر دو از میان

[illegible] صاحب الزمان ع

رفته وبالله المستعان **چهارم** انکه محل شریف سرداب علاوه بر انکه شرافت از
جهات عدیده وبودن ان خانه سه امام علیهم السلام وطول مدت اقامت ان بزرکواران
در انجا بان اعمال وعبادات وبروز ایات باهرات وتوجه خاص امام عصر بان
محل چنانچه از شرف ملاقات جمعی از نیک بختان خدمت انجناب در انجا معلوم میشود
حسب تجربه بزرکان وسالکان طریق رشد وهدایت از تضرع وانابه ودعا و
استغاثه در ان محل شریف بفیوضات خاصه ومقامات سامیه رسیدند حتی ازایه
الله بحر العلوم سید مهدی طباطبائی طاب ثراه معروفست که فرمودند انچه داشتند
وبایشان رسیده بود از برکت ان مقام با مستجل سهله بود پس زائرین تا که بجا اخرامی
خود مطلع وبنعمت بی پایان خود را با نجا رسانده فرصت غنیمت شمارد و تا تواند با سوز
دل وحضور قلب در انجا بکوید وبکرید وبخواهد واز کریه از زشت خود معذرت جوید
وانچه داند بخواند وکریه از خواندن بعض دعاهای خاصه و اعمال وارده مسامحه نکند
وما در این جا بچند امر از ان اشاره میکنیم **اول** فرستادن صلوات بر ان وجود مبارک
وتقدیم ان بر ذکر حاجات خود وبرای ان اقسام عدیده است ومختصر ان بنحویکه سید
جلیل ابن طاوس در مصباح الزائر فرموده این است اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ
وَصَلِّ عَلٰی وَلِیِّ الْحَسَنِ وَوَصِیِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِی خَلْقِكَ
وَالْمُنْتَظِرِ لِاِذْنِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ وَاکْشِفْ عَنْ
بَاْسِهِ حِجَابَ الْغَیْبَةِ وَاَظْهِرْ بِظُهُوْرِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ وَقَدِّمْ اَمَامَهُ الرُّعْبَ وَ
ثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَاَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ وَاَیِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ مُسَوِّمِیْنَ وَسَلِّطْهُ
عَلٰی اَعْدَاءِ دِیْنِكَ اَجْمَعِیْنَ وَاَلْهِمْهُ اَنْ لَا یَدَعَ مِنْهُمْ رُکْنًا اِلَّا هَدَّهُ وَلَا هَامًا
اِلَّا قَدَّهُ وَلَا کَیْدًا اِلَّا رَدَّهُ وَلَا فَاسِقًا اِلَّا حَدَّهُ وَلَا فِرْعَوْنًا اِلَّا اَهْلَکَهُ وَلَا
سِتْرًا اِلَّا هَتَکَهُ وَلَا عَلَمًا اِلَّا نَکَّسَهُ وَلَا سُلْطَانًا اِلَّا کَسَبَهُ وَلَا رُمْحًا اِلَّا قَصَفَهُ

ولا

ولا مطرداً الا اخرقه ولا جنداً الا فرقه ولا منبراً الا احرقه ولا سيفاً الا كسره
ولا صنماً الا رضه ولا دماً الا اراقه ولا جوراً الا اباده ولا حصناً الا هدمه
ولا باباً الا ردمه ولا قصراً الا اخربه ولا مسكناً الا فتشه ولا سهلاً الا اوطأه
ولا جبلاً الا صعده ولا كنزاً الا اخرجه برحمتك يا ارحم الراحمين دوم خواندن
این دعای شریف در اینجا مکرر چنانچه علما در ضمن اعمال اینجا ذکر کردند و در
غیر این مکان نیز وارد شده خواندن آن و این دعا مروی از حضرت صاحب الامر
است و در نسخ آن فی الجمله اختلافی است و شیخ مفید و محمد بن المشهدی و شهید رحمهم
الله تعالی آن را بعد از نماز زیارت حضرت در اینجا نقل کردند و موافق نسخه ایشان
اینست اللهم عظم البلاء وبرح الخفاء وانكشف الغطاء وضاقت الارض
ومنعت السماء واليك يا رب المشتكى وعليك المعول في الشدة والرخاء
اللهم صل على محمد وآله الذين فرضت علينا طاعتهم فعرفتنا بذلك
منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجاً عاجلاً كلمح البصر او هو اقرب من ذلك يا محمد
يا علي يا علي يا محمد انصراني فانكما ناصراي واكفياني فانكما كافياي يا مولاي
يا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادركني ادركني ادركني سيم
بجا آوردن نماز آنحضرت بجهت مطالب مهمه و حوائج عظیمه و آن دو رکعت است
با سوره حمد و قل هو الله احد و چون در حمد بآیه ایاك نعبد و ایاك نستعين
برسد آن را صد مرتبه بگوید و بهتر آنکه تسبیح رکوع و سجود تسبیح کبری باشد و آن را
هفت نوبت بگوید و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن دعای اللهم
عظم البلاء مذکور را بخواند آنگاه حاجت خود را بخواهد و این نماز در هر وقت و
در هر جا میتوان کرد ولکن در سحر شب جمعه و روز جمعه مخصوصاً وارد شده و این نماز
از اعمال نفیسه و کنوز خفیه است که نبایست از خواندن آن غفلت نمود چهارم

خواندن دعا معروف بدعای ندبه که آن را شیخ جلیل محمد بن المشهدی و رضی الدین علی
بن طاوس و صاحب مزار قدیم نقل کرده‌اند از شیخ نبیل محمد بن علی بن ابی قرة که او از
کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری این دعا را نقل نمود که مستحب است
آن را در چهار عید خواند و ما آن را از مزار محمد بن المشهدی نقل میکنیم بجهة نکته لطیفه
که بعد خواهیم گفت بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و
صلى الله على سيدنا محمد نبيه وآله وسلم تسليماً اللهم لك الحمد على ما
جرى به قضاؤك في اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك ودينك
اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال
بعد ان شرطت عليهم الزهد في زخارف هذه الدنيا الدنية وزبرجها
فشرطوا لك ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت
لهم الذكر العلي والثناء الجلي واهبطت عليهم ملائكتك وكرمتهم بوحيك
ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك
فبعض اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجيته
ومن آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته خليلاً وسألك
لسان صدق في الآخرين فاجبته وجعلت ذلك علياً وبعض كلمته
من شجرة تكليماً وجعلت له من اخيه ردءاً ووزيراً وبعض
اولدته من غير اب وآتيته البينات وايدته بروح القدس وكل
شرعت له شريعة ونهجت له منهاجاً وتخيرت له اوصياء مستحفظاً بعد
مستحفظ من مدة الى مدة اقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا
يزول الحق عن مقره ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد لولا ارسلت
الينا رسولاً منذراً واقمت لنا علماً هادياً فنتبع آياتك من قبل ان نذل

ومدة الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه و
اله فكان كما انتجبته سيد من خلقته وصفوة من اصطفيته وافضل
من اجتبيته واكرم من اعتمدته قدمته على انبيائك وبعثته الى
الثقلين من عبادك واوطأته مشارقك ومغاربك وسخرت له البراق
وعرجت به الى سمائك واودعته علم مايكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته
بالرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك ووعدته
ان تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوأته
مبوء صدق من اهله وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس للذي
ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم ومن
دخله كان آمنا وقلت انما يريد الله عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم
تطهيرا ثم جعلت اجر محمد صلوات الله عليه واله مودتهم في كتابك
فقلت قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما سألتكم
عليه من اجر فهو لكم وقلت ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء
ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك الى رضوانك
فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب صلوات الله عليهما
وآلهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ امامه
من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا وليه فعلي
اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من اشجار شتى
واحله محل هرون من موسى فقال انت مني بمنزلة هرون من موسى
الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل له

في مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحكمته
فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد الحكمة فليأتها من
بابها ثم قال انت اخي ووصيي ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي
وسلمك سلمي وحربك حربي والايمان مخالط لحمك ودمك كما خالط
لحمي ودمي وانت غدا على الحوض معي وانت خليفتي وانت تقضي
ديني وتنجز عداتي وشيعتك يوم منابر من نور مبيضة وجوههم ٧ علي
حولي في الجنة وهم جيراني ولولا انت يا علي لم المؤمن بعدي فكان ٧ المؤمنون ٢ يعرف
بعده هدى من الضلال ونورا من العمى وحبل الله المتين وصراطه
المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في
منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما وآلهما و
يقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد
العرب وقتل ابطالهم وناهش ذؤبانهم واودع قلوبهم احقادا بدرية
وخيبرية وحنينية وغيرهن فاضبت على عداوته واكبت على
منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه
وقتله اشقى الآخرين يتبع اشقى الاولين لم يمتثل امر الرسول صلى
الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين والامة مصرة على مقته
مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده الا القليل ممن وفى لرعاية
الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي واقصي من اقصي وجرى
القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة اذ كانت الارض لله يورثها
من يشاء من عباده الصالحين والعاقبة للمتقين وسبحان الله
ان كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى

الاطائب من اهل بيت محمد وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون
وإياهم فليندب النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون
ويضج ويعج الجازعون اين الحسن واين الحسين واين ابناء الحسين
صالح بعد صالح وصادق بعد صادق اين السبيل بعد السبيل اين الخيرة
بعد الخيرة اين الشموس الطالعة وقواعد العلم اين الاقمار المنيرة اين
الانجم الزاهرة اين اعلام الدين وقواعد العلم اين بقية الله التي لا تخلو
من العترة الهادية اين المعد لقطع دابر الظلمة اين المنتظر لاقامة الامت
والعوج اين المرتجى لازالة الجور والعدوان اين المدخر لتجديد الفرائض
والسنن اين المتخير لاعادة الملة والشريعة اين المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده
اين محيي معالم الدين واهله اين قاصم شوكة المعتدين اين هادم ابنية
الشرك والنفاق اين مبيد اهل الفسوق والعصيان اين حاصد فروع الغي
والشقاق اين طامس آثار الزيغ والاهواء اين قاطع حبائل الكذب والافتراء
اين مبيد اهل العناد والمردة اين معز الاولياء ومذل الاعداء اين
جامع الكلمة على التقوى اين باب الله الذي منه يؤتى اين وجه الله
الذي يتوجه الاولياء اين السبب المتصل بين الارض والسماء اين صاحب
يوم الفتح وناشر راية الهدى اين مؤلف شمل الصلاح والرضا اين الطالب
بذحول الانبياء وابناء الانبياء اين الطالب بدم المقتول بكربلا اين المنصور
على من اعتدى عليه وافترى اين المضطر الذي يجاب اذا دعا اين صدر الخلائق
ذو البر والتقوى اين ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى وابن خديجة الغراء
وفاطمة الكبرى بابي انت وامي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة
المقربين يا ابن النجباء الاكرمين يا ابن الهداة المهتدين يا ابن الخيرة المهذبين

يابن

يا ابن الغطارفة الانجبين يا ابن الاطائب المطهرين يا ابن الخضارمة المنتجبين
يا ابن القماقمة الاكرمين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن
الشهب الثاقبة يا ابن الانجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الاعلام اللائحة
يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم المأثورة يا ابن
المعجزات الموجودة يا ابن الصراط المستقيم يا ابن الآيات البينات وابن الدلائل
الظاهرات يا ابن البراهين الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن طه والمحكمات
يا ابن يس والذاريات يا ابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين او
ادنى دنوا واقترابا من العلي الاعلى ليت شعري اين استقلت بك النوى
بل اي ارض تقلك او ثرى ابرضوى او غيرها ام ذي طوى عزيز علي ان
ارى الخلق ولا ترى ولا اسمع لك حسيسا ولا نجوى عزيز علي ان
تحيط بك دوني البلوى ولا ينالك مني ضجيج ولا شكوى بنفسي انت من
مغيب لم يخل منا بنفسي انت من نازح ما نزح عنا بنفسي انت امنية شائق
يتمنى من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنا بنفسي انت من عقيد عز لا يسامى بنفسي
انت من اثيل مجد لا يجارى بنفسي انت من تلاد نعم لا تضاهى بنفسي انت من
نصيف شرف لا يساوى الى متى احار فيك يا مولاي والى متى واي خطاب
اصف فيك واي نجوى عزيز علي ان اجاب دونك واناغى عزيز علي ان
ابكيك ويخذلك الورى عزيز علي ان يجري عليك دونهم ما جرى هل من
معين فاطيل معه العويل والبكاء هل من جزوع فاساعد جزعه اذا
خلا هل قذيت عين فساعدتها عيني على القذى هل اليك يا ابن احمد
سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بعده فنحظى متى نرد مناهلك الروية
فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى متى نغاديك و

ونراوحك

توانا ند

بِرَّاوحك مُنفرعينا متى انّا نراك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحف بك وانت تؤم الملاء وقد ملأت الارض عدلاً واذقت اعداءك هواناً وعقاباً وابرت العتاة وجحدة الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت اصول الظالمين ونحن نقول الحمد لله رب العالمين اللهم انت كشاف الكرب والبلوى واليك استعدى فعندك العدوى وانت رب الآخرة والدنيا فاغث يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى واره سيّده يا شديد القوى وازل عنه الاسى والجوى وبرّد غلّته يا من على العرش استوى ومن اليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون الى وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذاً واقمته لنا قواماً ومعاذاً وجعلته للمؤمنين منا اماماً فبلّغه عنا تحية وسلاماً وزدنا بذلك يا رب اكراماً واجعل مستقره لنا مستقراً ومقاماً واتمم نعمتك بتقديمك اياه امامنا حتى تورِدنا جنانك ومرافقة الشهداء من خلصائك اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على محمد جده رسولك السيد الاكبر وعلى ابيه السيد الاصغر وجدته الصديقة الكبرى فاطمة بنت محمد وعلى من اصطفيت من آبائه البررة وعليه افضل واكمل واتم وادوم واكثر واوفر ما صليت على احد من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصل عليه صلاة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا نفاد لامدها اللهم واقم به الحق وادحض به الباطل وادل به اولياءك واذلل به اعداءك وصل اللهم بيننا وبينه وصلة تؤدي الى مرافقة سلفه واجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم ويمكث في ظلهم واعنا على تادية حقوقه اليه والاجتهاد في طاعته واجتناب معصيته وامنن علينا برضاه وهب لنا رأفته ورحمته

والنجوى مصباح الزائر

ودعائه وخير ما ننال به سعة من رحمتك وفوزاً عندك واجعل صلاتنا به مقبولة وذنوبنا به مغفورة ودعاءنا به مستجاباً واجعل ارزاقنا به مبسوطة وهمومنا به مكفية وحوائجنا به مقضية واقبل الينا بوجهك الكريم واقبل تقربنا اليك وانظر الينا نظرة رحيمة نستكمل بها الكرامة عندك ثم لا تصرفها عنا بجودك واسقنا من حوض جده صلى الله عليه وآله بكاسه وبيده ريّاً رويّاً هنيئاً سائغاً لا ظمأ بعده يا ارحم الراحمين پس ميخواهى خدا را بهر چه ميخواهى انشاء الله تعالى

مؤلف گويد در اينجا تنبيه بر چند امر لازم است اوّل آنكه زمان خواندن اين دعا را در مزار محمد بن المشهدى ره ومصباح الزائر در اعياد اربعه يعنى روز فطر و روز قربان و روز غدير و روز جمعه معين كرده‌اند ولكن در مزار قديم كه او هم از همان كتاب محمد بن ابى قره نقل كرده شب جمعه را نيز بر آن افزوده دوم آنكه در مصباح الزائر بعد از ذكر اين دعا فرموده آنگاه نماز زيارت بكن و وصف آن گذشت يعنى دوازده ركعت بهر سوره كه باشد وظاهر ميشود كه دعا مذكور بمنزله زيارتست ودر آن دو مزار ذكرى از نماز نشده والبته بجا آوردن آن بجهت فرموده سيد بهتر است سيم آنكه در مزار محمد بن المشهدى ره ومزار قديم كه تاليف هر دو قبل مدتها قبل از تاليف مصباح الزائر شده عبارت دعا چنين است كه نقل كرديم وعرجت به الى سمائك ودر بعض نسخ مصباح الزائر كه حقير ديدم نيز چنين بود ولكن در جملهٔ از نسخ مصباح ابن فقره چنين است وعرجت بروحه الى سمائك ونسخهٔ مصباح مرحوم مجلسى ره نيز از اين نسخ بود ودر بحار و زاد المعاد اين دعا را از آنجا بهمين قسم نقل كرده وبجهت كثرت اشتغال نوشتن كتاب ادعيه واحاديث طولانى را در نسخ اصل تاليف خود بجهت ازمشاهد جمله

ازانها

از انها معلوم میشود ملتفت باین اختلاف نشده و لهذا در بحار فرموده بعد از نقل دعا از مصباح الزائر که محمد بن المشهدی این دعا را از کتاب محمد بن ابی قره نقل کرده بمثل انچه سید نقل نموده و کان دارم که سید ره این دعا را از محمد بن المشهدی اخذ نموده و در انسخ نسخ مزار مشهدی و مزار قدیم بنحو یکه گفتیم و ماخذ هر سه مزار کتاب ابن ابی قره است پس معلوم میشود در نسخه مصباح تحریفی شده از بعضی ناسخین که مبتلا بوده ببعضی امراض قلبیه و عقاید فاسده و عروج جسمانی انحضرت را که ضرورت مذهب بلکه دین بران قائم شده منکر و یاوه نموده و از انجا که ملاذ و مرجع کافه علماء و عوام در امثال این مقام مولفات مرحوم مجلسی است و بمآخذ کتب ان مرحوم کاهی مراجعه نکنند لهذا این فقره محرفه شایع و ذایع و منتشر شده و بند السنه و افواه دائر و منبع شبهه شده در بعضی قلوب مریضه و نفوس ضعیفه و اصل الموضح صحیح ان اصلا در دست نیست و طرف احتمال نشده و الحمد لله که اساس شبهه از بیخ منهدم و خراب شد چنانچه بر اهل بصیرت پوشیده نیست با انکه بر فرض صحت ان نسخه نیز دلالت بر صحت ان عقیده فاسده که معراج انحضرت صلی الله علیه و اله بروح بوده نه بجسم نکند توضیح این مطلب بنحو اجمال انکه این هیکل مخصوص که در صورت انسانیست و برای اشخاص ان نامهای مختلفه گذارند چون علی و حسن و حسین و غیر ان چون نام یکی از انها را ببرند مراد انچه هیکل دار است از اعضا و جوارح داخله و خارجه و قوی ظاهره و باطنه و روح و نفس و عقل که با این کثرت اجزاء و اعضا حسب ترکیب الهیئة جهت وحدانیتی دارد که از او تعبیر کنند و در وقت امتیاز بان اسم مخصوص و برای هر یک از ان اعضا و جوارح اسامی مخصوصه است که در وقت حاجت از ان عضو بان اسم تعبیر کنند مثل سر و چشم و گردن و دست و غیرها و ان اعضا و جوارح مختلف باشند در حاجت ان هیکل بان بعضی چنان باشد که اگر مفقود شود هیکل

ازهم گسیخته شود چون سر و گردن و روح و مثل ان و بعضی چنین نباشد مثل انگشت و دست و زبان و غیرها و در لغت عرب متعارفست که گاهی نام یکی از ان قسم اول را برند و مراد ایشان نه ان عضو مخصوص است بلکه تمام ان هیکل بمناسبت انکه قوام ان بان عضو است مثل رقبه که بمعنی گردن است پس گویند امروز رقبه خریدم یا رقبه ازاد کردم و مراد تمام یک هیکل انسانیست که بنده است و در قران مجید در مقام ذکر کفاره جرائم مکرر فرموده فتحریر رقبة پس ازاد کردن رقبه بنده نه گردنی و این مطلب واضح و امثله ان بسیار است و چون اصل و عمده قوام تمام اعضا و قوای این هیکل در حال حیات بروح است لهذا در بسیاری از مواضع روح گویند و تمام ان هیکل مراد باشد نه خصوص نفس ناطقه چنانچه گویند روحی لك الفداء و روحی له الفداء و غرض او نه فدا و قربانی شدن است برای ان دوست که در بنده گی او بوده که خود مقدم میدارد و فدا و قربانی از حالات تمام این هیکل است مثل خوردن و نوشیدن و خوابیدن و الان در میان عرب متعارفست در مقام تاکید و مبالغه یکی بدیگری میگوید جئتك بروحی و ترجمه در زبان فارسی نیز موجود است که میگویند خودم امدم پیش تو مثلا فلان چیز را خواستم ندادی و مراد از خود روح است چنانچه میگوید فلانی بیخود شد یعنی غش کرد و بیهوش شد و بالجمله این استعمال شایع و متعارف و در کلمات فصحا موجود و مسطور است پس ترجمه ان عبارت بنا بر صحت ان نسخه ان باشد که خودش را باسمان بردی و شاید نکته این تاکید اشاره باختصاص این تشریف باشد بانحضرت چه در معراج روحانی جسد در خواب یا بیداری همه پیغمبران شریک باشند در غالب اوقات اگر چه مختلف باشند در درجات و برای انحضرت امتیازی و اختصاصی نباشد جز بمعراج جسمانی که از ضروریات شمرده میشود و نظیر تعبیر کردن از شخص انسانی دارای تمام اجزاء بروح بمناسبت مذکوره تعبیر کردن از ان

هیکل جسمانیست بعد از مردن و مفارقت روح بعظام بملاحظهٔ انکه قوام این هیکل
و امتیاز ان بعد از مردن باستخوانهای اواست بان ترتیب و ترکیبی که بان بهم پیوسته
شده و چون از یکدیگر بکسلد و بپاشد امتیاز بود اشته و از هیکل صورتی نماند
چنانچه شاعر عرب کفته رحم الله اعظما دفنوها بسجستان طلحة الطلحات
خداوند رحمت کند استخوانهائی را که دفن کردند در سیستان و ان طلحه شخصی
معروفست و معلومست که مراد از اعظم همان جسد طلحه است چنانچه خود تفسیر
کرده و میتوان کفت مراد از عظام در ایهٔ شریفه من یحیی العظام وهی رمیم نیز تمام
جسد میت باشد خصوص بعد از ملاحظهٔ انکه حیوة از خصایص جسد است و اورا خدا
تعالی زنده کند و برای استخوان در هر حال حیوة نباشد و لهذا داخل شده در ان
اجزای بیروح مثبته که حکم ان در شرع مطهر طهارتست و از این بابست انچه کذشت در
خبر که تعبیر فرمودند از جسد حضرت ادم ع بعظام از روی بلاغت و تفنن در عبارت
چنانچه تعبیر فرمودند از جسد نوح ع ببدن و از حضرت امیر المؤمنین ع بجسم **فصل**
چهارم در ذکر اداب زیارت و دخول در مشاهد شریفه و خواندن زیارت جامعه
و دعا و نماز و وداع که همهٔ ان بقاع مطهره در ان اعمال مشترکند و در ان چند مقام
است **مقام اوّل** در اداب و ان بسیار است و بعضی از انها اگرچه بظاهر
مختص بحرم مطهر حسینی علیه السلام است ولکن بعد از تامل معلوم میشود اختصاصی
ندارد مکر در چند فقره که سبب انرا ذکر فرمودند و ما انهارا بنحو اختصار و حذف
اخبار مکرره و بعضی از انها که از ذکر ان چاره نیست ذکر کنیم **اوّل** غسل پیش از
بیرون رفتن برای سفر زیارت **دوّم** ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله
در راه **سیم** غسل برای زیارت هر امامی هرچند برای امام دیگر غسل کرده
و هنوز نشکسته **چهارم** خواندن دعای ماثور در وقت غسل **پنجم**

طهارت از حدث کبری مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث صغری **ششم**
پوشیدن جامهای پاک و پاکیزه **هفتم** سفید بودن رنگ جامه **هشتم** نو بودن
جامه چنانچه در خبر رسیده و شیخ شهید ره در دروس تصریح نموده **نهم** در وقت
رفتن بروضهٔ مقدسه کامها را کوتاه بر داشتن و با ارامی و وقار سیر نمودن **دهم**
برهنه بودن پا در وقت رفتن بروضهٔ مقدسه چنانچه در اداب زیارت حضرت
رضا ع رسیده و ظاهرا اختصاصی نداشته باشد چنانچه بعضی از علمای معاصرین عفی عنه
مجاورین ارض اقدس رضوی ره از خود تصریح کرده و تایید میکند انرا انچه در
کتاب دعائم الاسلام روایت نموده از امیر المؤمنین ع که انجناب پیاده راه میرفت در
پنج موطن با پای برهنه و نعلین در دست چپ مبارکش اویزان بود و میفرمود اینجاها
مواطنی است مخصوص خدای تعالی و من دوست دارم که در این جاها پا برهنه باشم
یازدهم خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت کربلای معلا **دوازدهم**
در وقت رفتن بحرم مطهر پیاپی بذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند
تبارک و تعالی مشغول کردن و بصلوات فرستادن بر پیغمبر و ال اطهارش ص معطر
نمودن **سیزدهم** بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول در انجا طلبیدن بکلمات
ماثوره یا بسلام کردن بر پیغمبر و ائمه ص و سعی در تحصیل رقّت و سوزش دل و
خضوع و شکستگی خاطر نمودن بتصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحبان
مرقد منوّر و اینکه می بیند ایستادن او را و میشنود کلام او را و جواب میدهد
سلام او را چنانچه بهمهٔ اینها شهادت میدهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبر
در محبت و لطف و مکرمتی که بشیعیان و زوّار خود دارند و تامل در خرابیهای
حال خود و خلافهائی که بان بزرگواران کرده و فرمودهای بسیار که از ایشان نشنیده
و ازارهائی و اذیتهائی که از او بایشان یا بخاصان و دوستانشان رسانده که برکشتن از زدن

مراد شیخ ما عفی عنه مرحوم از بعض علما معاصر عالم فقیه کامل حاجی شیخ عبد الرحیم بروجردی ره است که مجاور ارض اقدس رضوی و صاحب رساله ایست کبیر که ستر است بهدیه الرضویه ع س

ایشان است واگر براستی در خود نگرد قدمهایش بازماند وقلبش هراسان وچشمش گریان
شود وروح تمام آداب بلکه زیارت در همین است که اگر این نعمت روزی شد بتمامی
از آداب قهراً و ندانسته بعمل آید وبرای فهمیدن اذن دادن صاحبان مرقد شریف
در دخول در آن محضر انور علامت باشد وشهید اول در دروس فرموده بعد
از ذکر این ادب اگر در قلب خود خشوع ورقتی دید داخل شود والا در وصل تحصیل
زمانی بیاید که در قلب خود رقتی یابد چه غرض اهم حضور قلب است بجهت تلقی رحمت
که از پروردگار فرود می آید یعنی قلب قاسی غافل ساهی قابل نیست برای نزول از جهت
خاصه در آن پس زیارتش جسد بی روح ولفظی شود بی معنی مالی رفته
وبدنی خسته برایش بماند **چهاردهم** بوسیدن عتبه علیه واستانه مبارکه
پانزدهم سجده کردن برای خداوند بجهت شکر براین نعمت سینه ورسیدن
باین تربت زکیه **شانزدهم** مقدم داشتن پای راست در وقت داخل شدن
ومؤخر داشتن آن در وقت بیرون آمدن بعکس پای چپ **هفدهم** رفتن
نزدیک ضریح مقدس بنحویکه خود را تواند بآن بچسپاند مگر در حرم عسکریین ع
از طرف پیش رو چنانچه گذشت شرح آن **هجدهم** سجده نکردن بر قبر مطهر اگر
میسر شود **نوزدهم** بوسیدن قبر مطهر **بیستم** گذاشتن ومالیدن طرف
روی راست وچپ بر آن **بیست ویکم** پشت بقبله ورو بقبر منور ایستادن
چنانچه گذشت مشروحاً **بیست ودوم** ایستادن در وقت خواندن زیارت
اگر عذری ندارد از ضعف ودرد کمر ودرد پا وغیرها واین ادب صریحاً وعلیحده
در کتب زیارات مذکور نیست ولکن در بودن آن از آداب موکده شبهه نیست اما
اولاً بجهت ذکر علما آن را در ضمن آداب دیگر چنانچه میفرمایند بایستد نزدیک ضریح
مقدس الخ ومیفرمایند بایست پشت بقبله ورو بقبر مطهر وغیر آن که بر متتبع مخفی نیست

واما

تقف وتقول

واما ثانیاً پس بجهت تصریح بآن در اغلب زیارات معتبره مأثوره بعد از ذکر آداب دخول
در [illegible] بضریح مقدس بمثل این عبارت ثم قف وقل یا آنکه وقف وقل واگر کسی
سیر کند در انواع مطمئن میشود که هر جا ذکر نشده از آن بوضوحش واگذاشتند و
معنی وقوف ایستادن است وبغیر اینکه نظر ندارم بتعبیر دیگر گرچه باشند واما ثالثاً
پس بجهت تصریح باین ادب در زیارت ایشان از دور چنانچه در مصباح الزائر مرویست
از امام جعفر صادق ع که فرمود هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول خدا ص وقبر
امیر المؤمنین ع و فاطمه وحسن وحسین وقبور ائمه ع را ودر بلد خود است پس غسل
کند ودو جامه پاک بپوشد وبصحرا رود ودر روایتی ببام خانه خود آنگاه چهار
رکعت نماز بجای آورد وبهر سوره از قرآن که خواست چون تشهد وسلام را تمام کرد بایستد
رو بقبله وبگوید سلام علیک ایها النبی الخ وچنانچه از دور باید بایستد در نزدیک رعایت
آن از جهات عدیده اهم خواهد بود واما رابعاً پس بجهت آنکه از مطاوی اخبار معلوم
میشود که اذن دخول صاحبخانه برای آنکه از او اذن دخول میطلبد کافی نیست از اذن
جلوس بلکه هر کس اذن خواست وداخل خانه شد دوباره اذن نشستن بخواهد اگر اذن
داد بنشیند یا ابتدا او را اذن بنشستن بدهد بنشیند والا نه نشیند وشاهد این دعوی در
مطاوی آن صنف اخبار که در آنها ذکر دخول اصحاب واجانب واقارب بر ائمه ع واینکه
بعد از دخول تا اذن نمیدادند نمی نشستند بسیار است وما بذکر خلاصه مضمون یک خبر
قناعت کنیم در کتاب علل الشرایع صدوق ره مرویست که سالی در ایام موسم حج حضرت
صادق ع در منی تشریف داشتند وجمعی از اصحاب در خدمت آنجناب مشغول استفاده
بودند که ابو حنیفه وارد شد واذن دخول خواست اعراض فرمودند وبدیگران مشغول
صحبت شدند ایستادنش طول کشید باز اذن خواست ندادند وبدیگران مشغول
شدند چون خسته شد بی اذن نشست وبحضرت عرض کرد اصحاب خود را در کوفه منع

کن

کی از گفتن بعضی سخنها فرمود میان من وایشان چه قدر مسافت است گفت فرسخها
بسیار فرمود میان من وتو چه مقدار است عرض کرد چند ذراع فرمود تو بفاصلهٔ
چند ذراع عصیان من کردی وبی اذن من نشستی چگونه اینها با این دوری مسافت
مرا اطاعت کنند الخ واین ادب تا حال مرسوم است برای آنانکه داخل شوند بر ملوک
وسلاطین وامراء عظام وهر چیست رتبه بالنسبه بآنکه رتبه اش از او بد رجاتی بالاتر
است ومطابق ادب شرعی است ورعایت از علمای عظام وپیشوایان دین در این
روضات مقدسات بایست بیشتر باشد چه کافه عوام در امثال این موارد نظر بکردار
ورفتار ایشان دارند وآنچه در در حرم مطهر خوانده میشود اذن دخول است نه جلوس
در وقت مواجهه ومکالمه ودانستی که در هیچ خبری ودر زیارتی این اذن نرسیده آنچه
دارد بعد از دخول است که برو تا نزد ضریح پس بایست وبگو بلی بعد از فراغ از سلام
وزیارت فرمودند برو بالای سر یا پشت سر نماز کن ودعا کن یا بنشین وچنین بگو
وخود بخاطر دارم در ایام مجاورت کربلای معلی در ایام یکی از زیارات مخصوصه
فخر الشیعه وتاج الشریعه شیخ المشایخ شیخ مرتضی طاب ثراه با آن کبر سن وشکستگی
در میان یک هفت فرسخ راه از کاد وانسرای شور تا کربلا راه طی نمود وبمجرد ورود
وارد حرم ودر پیش رو تکیه بدیوار داده مشغول زیارت عاشورا شدند با تمام لعن
وسلام ودر خلال الحال متصل زوار ومجاورین مسئله میپرسیدند وایشان جواب
میدادند خدا میداند زمان ایستادن آن شخص جلیل با ضعف پیری وخستگی راه
چه قدر طول کشیده باشد وگمان ندارم در متعارف مرسوم کسی عذر نشستن خود را
باندازه اعذار ایشان برساند بیست وسیم در وقت رفتن بحرم وآنجا هنگام زیارت
سر بزیر انداختن وببالا وطرف راست وچپ التفات ننمودن بیست وچهارم
گفتن تکبیر پیش از شروع در خواندن زیارت بآنچه ماثور است در خصوص آن زیارت

ازصد مرتبه وچهل وسی وده وسه باختلاف زیارات بآنچه ماثور است در مخصوص
واگر در آن زیارت که میخواهد ذکری از گفتن تکبیر نشده باشد باز بگوید چه از استقراء در
زیارات مطلقه ومخصوصه ائمه ع ناظر بصیر مطمئن میشود که گفتن تکبیر اجمالاً از آداب حضور
در نزد امام است ومؤید این مقال آنکه شیخ جلیل محمد بن الحسن الصفار در کتاب
بصائر الدرجات روایت کرده بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع که بر سعد بن
طریف فرمود در ضمن ذکر ثواب رفتن خدمت امام ع پس چون امام را دید تکبیر
بگوید که خواهد بود از برای او در روز قیامت سنگی بزرگ که در میزان او سنگینتر
است از هفت آسمان وهفت زمین وآنچه در آنها است وآنچه در بین آنها است
وآنچه در زیر آنها است تا آنکه میفرماید وهر که تکبیری بگوید در پیش روی امام ع و
بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ خواهد نوشت خدای تعالی برای او
خوشنودی بزرگ خود را وهر که خوشنود شود برای او رضوان اکبر خدای تعالی
واجب شده که جمع شود میان او ومیان ابراهیم ومحمد وپیغمبران ع در دار جلال
وظاهر این خبر اگر چه ذکر ادب ملاقات کردن امام ع است در زمان حیوة
ولکن در این قسم مطالب فرقی میان حیوة وممات وخانه وحرم نباشد بیست
وپنجم خواندن زیارات ماثوره وارده از سادات انام ع که علمای اعلام بعد از
رنج وتعب بسیار آنها را جمع نموده در کتب ثبت کردند وبحمد الله چنان شایع است که دست
هر کسی بآن میرسد وترک کند خواندن زیارتهای مخترعه بافته بیخردان را تا از فیوضات
بی نهایت خود را محروم ننموده باشد[3] بیست وششم بجا آوردن نماز زیارت و
اقل آن دو رکعت است وبعد از آن چهار رکعت وبهتر از آن شش رکعت وبالاتر
از آن هشت رکعت است چنانچه در خبر تصریح فرمودند بیست وهفتم خواندن سوره
یس در رکعت اول وسورهٔ الرحمن در رکعت دوم اگر برای آن زیارتیکه میخواند کیفیت

[3] مؤید این مقال روایتی است که شیخ کلینی بسند معتبر از عبد الرحیم قصیر نقل کرده که وارد بر حضرت صادق ع شدم وعرض کردم دعایی اختراع کردم حضرت فرمودند ... خواهد الله تعالی ... عباس القمی

مخصوص

مخصوصی ذکر نفرموده باشند وانچه گفتیم ظاهر خبر طولانی ابو حمزه ثمالیست که در هر نماز
زیارت بایست چنین کند بیست و هشتم خواندن دعا بعد از نماز زیارت بانچه
در ان زیارتیکه خوانده وارد شده یا دعای مخصوصی بامزه یا انچه خواندن ان در حرم
هر امامی مستحب است وانچه خواسته از حاجات برای خود و برای اخوان مؤمنین بهر زبانی
که داند از خداوند بخواهد بیست و نهم خواندن مقداری از قران و هدیه کردن
مقداری از ان بروح مقدس صاحبان مرقد شریف چنانچه شهید اول ره در دروس
تصریح فرموده سی‌ام تقدیم نماز واجب بر نماز زیارت اگر بعد از دخول در حرم
دید جماعت منعقد شده ونماز هم نکرده واگر مشغول زیارت بود که صدای قد
قامت الصلوة را شنید زیارت را ترک کند و مشغول نماز جماعت شود وهمچنین
اگر داخل در حرم شد و وقت داخل شده ونماز نکرده وانتظار جماعتی نیز ندارد
باز نماز را مقدم بدارد پس از ان مشغول زیارت شود چه ادای حق خداوند مقدم است
بر ادای حق امام و در اینجا فروع متعدده است که ذکر ان مناسب این مختصر نیست سی
و یکم زیارت کردن برای پدر و مادر واحبا واقارب و بر نیابت ایشان سلام کردن
و برای ایشان طلب مغفرت نمودن سی و دوم طواف نمودن دور ضریح مقدس
ومراد از طواف مجرد دور ضریح گشتن است نه ان طواف معروف که هفت بار با
خصوصیات بسیار دور کعبه معظمه باید گشت چه ان از عبادات مخصوص ان بقعه
شریفه معظمه است باستقلال یا در ضمن حج و عمره و مشروع نیست در غیر ان محل
هر چند بسیار معظم باشد زیرا مجرد گشتن دور ضریح که از ان در لغت بز[2] گویند
پس رجحان ان وعدم دلیل از اداب بجهت چند خبر است ۵ اول ثقة الاسلام کلینی ره
روایت کرده از محمد بن ابی العلا گفت بعد از انکه با یحیی بن اکثم قاضی بغداد مناظره
کردم و اثری از علوم ال محمد ع بر وی [illegible] شنیدم گفت روزی داخل شدم وطواف میکردم

[2] طواف

دور قبر رسولخدا ص که دیدم امام جواد محمد بن علی الرضا ع را که طواف میکند
بان قبر مطهر پس با او مناظره کردم الخ دوم شیخ جلیل علی بن ابراهیم قمی در تفسیر
خود و شیخ طبرسی در کتاب احتجاج بسند معتبر روایت کرده‌اند از حضرت صادق ع
حدیثی طولانی در قصه فدک و در اخر ان مذکور است که پس فاطمه ع داخل
مسجد شد و دور قبر پدر بزرگوارش طواف کرد در حالتیکه میگریست ومیفرمود
انا فقدناک فقد الارض وابلها الخ سیم در زیارت معتبره جامعه معروفه
بزیارت ائمة المومنین که از اشیخ مشهدی وابن طاوس در مزار خود روایت کرده‌اند
بعد از ذکر جمله از مصائب و رزایای ایشان دارد پس قبر را ببوس وبگو بابی
انتم یا ال المصطفی انا لا نملک الا ان نطوف حول مشاهدکم ونعزی فیها ارواحکم
الخ پدر و مادرم فدای شما ای اهل بیت پیغمبر ما را قدرت وتوانائی بر چیزی نیست
بغیر طلب خون شما و هلاک کردن ظالمین و دشمنان شما جز انکه دور قبر
شما بگردیم [illegible] ارواح مقدسه شما را تسلی دهیم و تعزیه گوئیم چهارم گذشت در
زیارت مخصوصه حضرت سید الشهداء ع در اول رجب ونیمه ان ونیمه شعبان
که فرموده‌اند پس از تمام شدن زیارت پس دور ضریح بگرد و چهار جانبش را ببوس
واینمقدار کافیست انشاء الله تعالی برای انچه گفتیم و شیخ حر ره در کتاب مزار وسائل منع
فرموده از طواف بقبر وخبری در نهی از ان نقل کرده وما در کتاب مستدرک
واضح نمودیم که مراد از طواف در خبر ایشان تخلی کردن بر قبر است که یکی از معانی
لغویه اوست ولهذا فقهاء از اداب [illegible] تخلی ذکر نمودند مخفی نماند که
رعایت این ادب در حرم کاظمین و حرم عسکریین ومشهد حضرت رضا ع محل دوری
ندارد اما در حرمین شریفین نجف وکربلا پس مزاحمی دارد که رعایت ان اهم
است اما در اول پس علامه مجلسی فرموده سر مبارک حضرت ابی عبد الله الحسین که گذشت

در اخبار کثیره که محل آن بالای سر است و موضع آن معلوم نیست بلکه محتمل است از
حرم بیرون باشد ولکن چون پا گذاشتن بر آن با معلومیت حرام و از افراد و اضح هانت
و استخفافست لهذا در صورت اشتباه مرجوح و بمقتضای احتیاط عبور از آنجا شایسته
نیست که مبادا ابدان ایشان در آن محدود بوده باشند و لهذا علما راسخین و اتقیاء راشدین
از آن طرف عبور نکنند بلکه بعضی از ایشان از صحن از طرف بالا سر بکذرند و بعضی اگر عبور
کنند پا برهنه نمایند و اما در دوم پس بجهت قبور شهداء رضوان الله علیهم و بعضی
از خبر چهارم که مختص بکربلا بود توهم کرده اند که امر بکشتن دو رضیع و بوسیدن
آن از چهار جانب نشود مگر بعد مرور از قبور شهداء و این شخص جاهل گویا ندانسته
که مراد از ضریح در لغت عربیه و در اخبار قرابت و گاهی بر این شباک متعارف که
بفارسی ضریح میگویند استعمال نشده و در سابق برای قبر مطهر و قبر علی بن الحسین
شباکی نبود بلکه بقعه کوچکی بود که در بعضی اخبار تعبیر فرمودند از آن به سقیفه و برای
سایر شهداء سقیفه بود علاحده و چون از زیارت حضرت فارغ میشدند و در زیارت
مخصوصه عرفه گذشت که فرمودند بعد از فراغ از زیارت آنحضرت ثم اخرج من الباب
الذی عند رجلی علی بن الحسین فتوجه هنالک الی الشهداء و زوّرهم آنگاه بیرون بیا
از آن در یکه در زیر پای علی بن الحسین علیه السلام است پس در آنجا رو بشهدا کن و
ایشانرا زیارت کن و چون قبر مطهر در آن وقت معلوم و جدا و حد قبور آنها نیز معلوم
بود در کردیدن بدور قبر حضرت ابا عبد الله ورعی نبود و چون آن بنا خراب شد و
وضع تغییر کرد و قبر علی بن الحسین جدا شد از قبر منور و قبور شهدا و آن مرتبه
شد و شباکی باین عظمت بر دور این دو قبر احاطه کرد جائی برای امتثال آن امر
نماند و بکردیدن بدور این ضریح موجود اگر چه طواف است بدور قبر مطهر و لکن
محذور و اهانت لگد زدن بقبور شهداء را دارد و خبر گذشته بملاحظه آنچه گفتیم دفع

امانکند سیم و سیم با موزه و کفش و امثال آن داخل در حرم مطهر نشدن سیم
و چهارم ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال بصحبتهای
دنیویه که همیشه در همه جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص
در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدا بتعالی خبر میدهد از بزرگی مقامش و جلالت
شانش در کلام مجید خود که فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها
بالغدو والاصال رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة
یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم الله احسن ما عملوا و یزیدهم
من فضله والله یرزق من یشاء بغیر حساب و ما در کتاب کلمه طیبه توضیح نمودیم که خانهای
مذکوره خاصه خانهای ایشانست در حیات و مشاهد شریفه ایشانست بعد از وفات
و اگر مراد بیوت انبیا و اوصیا باشد باز داخل باشند پس مردانی را که خدا یتعالی
ایشانرا مدح نموده و عمل ایشانرا در آنجا بیان نموده زائرین و مجاورین باشند که
در این مشاهد شریفه مشغول ذکر خداوند باشند بر تسبیح و تقدیس و سایر عبادات
مناسبه بمقام که ذکر خداوند داراست تمام آنهارا و نیز امر فرموده که آنها را بر پا
داشته و بلند مرتبه انگاشته که یاد کنند در آنها خدا یتعالی را پس هر کس در آنجا مشغول
شود بغیر عبادت امتثال این فرمان الهی نکرده و از زمره عصابه مهتدیه رجال لا تلهیهم
بیرون رفته و از فیض جزای وافر بیحساب خود را محروم نموده و اگر کار دش بجائی رسد
که داخل در زائلیت بعد از آن ایات شود که شرح آن طولی دارد و در مذمت صحبت امور
دنیویه و کلمات بیهوده در خصوص مساجد اخبار بسیار رسیده و مشاهد شریفه شرکت
با آن در این احکام سیم و پنجم بلند نکردن آواز خود در آن مشاهد شریفه
برای هرچه باشد چنانچه علامه مجلسی رحمه الله و غیره تصریح نموده اند و مستند قول خدا یتعالی
است که فرموده یا ایها الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولا تجهروا

له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون ان الذین یغضون
اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفرة واجر
ای کروهیکه ایمان اورده اید بلند مکنید اواز خود را بالای اواز پیغمبر و اواز
خود را بلند مکنید برای انجناب بگفتار مانند بلند کردن اواز بعضی از شما برای
بعضی که مبادا هیچ و نابود کردد اعمال شما بدرستیکه انانکه پست میکنند صداهای
خود را نزد رسولخدا ایشان کسانیند که ازموده است خدای تعالی دل
ایشانرا برای پرهیزکاری از برای ایشان است امرزش کناهان ومزدی بزرک
وظاهر ایه چنان است که در عصر انور بوده هنکام سخن کفتن وسوال کردن و
جواب ادن چنان کنند که اواز ش پست تر باشد از اواز انحضرت پس اکو بر کجا بشد ۲ شوند
بظاهر اواز بر مظاهر اولیاء نباشد مثل بعد از وفات پس این حکم برای انانکه در
حضور قبر شریفش سخن کویند نباشد زیرا که اواز نیست تا اواز خود را از حد بلند
ان اواز پست تر کنند ولکن شیخ کلینی ره در کافی بسند معتبر حدیثی طولانی روایت
کرده در وفات امام حسن که چون بر انحضرت نماز کرده ند
وداخل مسجد نمودند و نزد قبر رسولخدا نکاهش داشتند و عایشه امد ومانع شد
از دفن کردن انجناب را انجا کفت پسر خود را دور کنید از خانه من که در او کسی دفن نمیشود
و پرده عظمت وجلالت رسولخدا دریده نمیشود پس حضرت امام حسین فرمود م
ای عایشه پدر و مادرم حرام نموده که او را نزد پدرش رسولخدا ببرم که با او عهد خود را
تازه کند و برادرم دانا ترین مردم بود بحرمت خدا و رسولخدا و بمعنی کتاب خدا و نداز
ان دانا تر بود که هتک حرمت رسولخدا کند زیرا که حق تعالی میفرماید یا ایها الذین
امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم و داخل کردی تو در خانه رسولخدا
مردانرا بی رخصت او و بتحقیق که خدای فرموده یا ایها الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم

فوق صوت النبی تو و عمر برای پدرت ابوبکر نزد کوش رسولخدا کلنکها زدید وحال
انکه خدای میفرماید انانکه صداها را اهسته و پست میکنند نزد رسولخدا انها کروهیند
که ازموده است خدا دل ایشانرا برای پرهیزکاری و بجان خود قسم که داخل کردی تو
و عمر بر رسول خدا صلی الله علیه واله بنزدیکی ایشان ازارها و رعایت نکردید از حق
او و انچه خدا بان امر فرموده بود بر زبان پیغمبرش بدرستیکه خدای حرام کرده است
از مؤمنان در حال مردن ایشان انچه را که حرام کرده در زندکی ایشان متی لف کوید
مجلسی مرحوم در کتاب بحار و تحفه از این ایه و روایات استظهار فرموده که بلند نمودن
اواز در حرم مطهر نبوی ومشاهد شریفه چه در زیارت وچه در غیر ان منهی و مذموم
است وچه نیک فرموده و این ادبیت خاص که در مرحله احترام و تعظیم و ذریه طاهره ۲ رسولخدا
اش داده بان امتیاز و اختصاص داده و پرده ناموس برای تکریم و توقیر ایشان
در میانشان کذاشته پس هر که اواز را بلند کند هرچند در عبادتی باشد که بلند
نمودن ان صدا در ان ممدوح باشد مانند اذان پرده ناموس الهی را دریده بلند
نمودن اواز در اذان مرغوب است اما در مکان مرتفع مثل مناره و بام مساجد و
امثال ان که این محذور و مزاحمت برایش نیست چنانچه در اینجا است و نظیر ان انکه
چشم پیغمبر یا امامی در خواب رفته باشد اهلی برای نماز با اواز بلند اذان کویند و خواب از
چشم ایشان بیرون برد و از اینجا معلوم میشود قباحت وشناعت انچه متعارف
ومرسوم شده در حرم مطهر علویه و بقعه منوره حسینیه که در اوقات نماز خصوص در
صبح و شام جماعت بسیاری که کاه باشد عدد ایشان زیاده باشد از علی کوش
کنند کان بغایت بلند با اواز برخیزند اذان کویند و دعا کنند وصداها در هم پیچد
و فقرات اذان در یکدیگر مخلوط شود عبادان محل را از زائرین و نماز کذاران و متضرعان
و کریه کنند کان از کار خود باز دارند و داخل در زمره صادین عن سبیل الله شوند

وبا این حرمت نبوت و امامت را از هم درند و حکایات انرا که از مستهجنات اکبره
است از منابر ند چه سامع نداند که کدام را حکایت کند با این مفاسد و عیزان
که ان را دارد تو لب برده و بفیض رسیده و حال انکه بایست ان از منکرات شرع شمرده
شود در عبادات و در موبقات داخل شود ند در زیارت سیم و ششم وداع کردن
امام ع در وقت بیرون رفتن از بلد انحضرت با انچه از ایشان رسیده با دامیکه برای
ان مقرر فرموده اند سیم و هفتم بوسیدن زمین در روبروی امام ع شیخ صدوق
در کمال الدین روایت کرده که چون حضرت امام حسن عسکری ع وبیان کرده
وفات کرد قافلۂ از اطراف ان با اموالیکه هرسال بر رسم بود که برای انجناب میبردند
وارد شدند و چون بسر من رای رسیدند بایشان کفتند که انحضرت وفات
کرده پس جعفر برادر انجناب میخواست از ایشان بگیرد ان اموال را از ایشان مطالبه
کرد باو ندادند و بعد از ناامیکه چون از بلد بیرون امدند بقصد مراجعت غلامی از
پشت سر ایشان را صدا زد و نام یک یک از ایشانرا برد و کفت اجابت نمائید اقای
خود را یعنی شمارا طلبیده پس نقل کرده برکشتن و دخول ایشانرا بر امام عصر ع و
بیان کردن انجناب اوصاف و علامات ان اموال را تا اینکه راوی میکوید پس
همه ما ها بروی زمین افتادیم برای شکر خدا یتعالی که امام ما را بما شناسانید
و زمین را در پیش روی انحضرت بوسیدیم انکاه انچه خواستیم از جنابش پرسیدیم
وجوابش دادند و ظاهر خبر انستکه این عمل مرسوم بوده و نهی نکردن انحضرت از ان
عمل بران محضر انور حالی از اعتبار دلالت کند بر جواز بلکه رجحان ان و داستی که
احترام مؤمن چه رسد بامام ع در حال حیات و وفات فرقی نکند و نظیر این خبر است
انچه روایت کرده شیخ صدوق ره نیز در کتاب عیون الاخبار از صفوان بن یحیی که کفت
ابوقره صاحب جاثلیق از من خواست که او را نزد حضرت رضا ع برسانم پس اذن خواستم

وداع و آداب آن در آخر کتاب چنین (?) است باید ذکر شود

فرمود بیاورش نزد من پس چون داخل شد بر انحضرت بوسید بساط انجناب را و
کفت مرد دین ما یعنی دین عیسوی بر ما لازم است که چنین کنیم با اشراف زمان خود و اکر
در شرع ما جایز بلکه راجح نبود و نیز ان شخص در کفته خود صادق نبود البته انحضرت
انکار میفرمود و این ادب از خصایص این کتابست و مؤید این دو خبر است انچه علامه
مجلسی ره در بحار از جمعی ثقات نقل کرده از قصه وزیر ناصبی حاکم بحرین که اناری
بحاکم داد که در پوست ان نقش بود لا اِلهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ابوبکر و عمر
و عثمان و علی خلفاء الله و حاکم را وا داشت که شیعیان را مجبور کند میان سه چیز جواب
از این برهان یا جزیه دادن بخواری یا کشتن مردان و اسیر کردن زنان و نهب
اموال پس شیعیان سه روز مهلت خواستند و هر شب یکی از صلحاء میرفت بصحرا
و تضرع و انابه میکرد و متوسل میشد بامام عصر علیه السلام شب سیم اصلح و اتقی
و ازهد ایشان محمد بن عیسی با سر و پای برهنه بیرون رفت و مشغول استغاثه شد
در اخر شب شرفیاب حضور مبارک شد و تدلیس وزیر را بیان فرمود که قالبی از کل درست
کرد بشکل انار و نصف ان کلمات را بران نقش نمود و در خانه اش درخت اناریست
انار کوچکی را داخل در ان قالب کرد چون بزرک شد ان خطها بران نقش بست و ان
قالب در میان کیسه سفیدیست در طاقچه فلانی در غرفه خانه او و زیر و حاکم با نجار و
ان را بکیرید بحاکم و شاهد دیکر انکه چون انار را از برش بشکافند دود و خاکستر
از ان بصورت ریش او خواهد رسید و چون محمد بن عیسی این کلام معجز نشان را
از انحضرت شنید شاد کردید و در مقابل جنابش زمین را بوسید و با سرور با اهل
خود بر کردید تا اخر حکایت و مجلسی فرموده این قصه نزد اهل بحرین معروفست و قبر
محمد بن عیسی نزد ایشان و او را زیارت میکنند سیم و هشتم بیرون امدن
از حرم مطهر بقهقری و پشت نکردن بضریح مقدس با رامی و اندک اندک تا انکه

از نظر زائر غایب شود و این ادب علاوه بر آنکه موافق تعظیم و توقیر متعارف رعایا
با ملوکست در چند خبر معتبر تصریح بان شده **سیزدهم** بیرون نرفتن از بلد
امامست پیش از انتظار جمعه چنانچه شیخ طوسی در تهذیب روایت کرده که هر که از
مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حایر امام حسین ع بیرون رود پیش از آنکه انتظار روز
جمعه را بکشد ندا کنند او را ملائکه که کجا میروی خدا تو را بر نگرداند و علما در این
خبر دو احتمال داده‌اند یکی آنکه غرض کردن نماز روز جمعه باشد و این تهدید برای
کسانی که پیش از ظهر روز جمعه مسافرت کنند و انتظار نکشند که نماز جمعه را بکنند
و بنا بر این در این اعصار که در مشاهد مشرفه اقامه جمعه نمیشود از مسافرت پیش
از ظهر روز جمعه از اینجهة نهی نباشد دوم آنکه چون جمعه نزدیک شود انتظار کشد
که هنوز صبح زیارت و ادعیه شب و روز جمعه برسد پس روز پنجشنبه از آن بلد
بیرون نرود و احتمال اول اظهر است **چهاردهم** قصد مراجعت داشتن بحرم مطهر و
عود بزیارت هر وقت که برگشت بمنزل خود مادامیکه در آن مشهد شریف اقامت
دارد چنانچه شهید و مجلسی و دیگران فرموده‌اند و از مستحبات شمرده‌اند و بعضی
مورد این مستحب را بعد از قصد مراجعت و بیرون آمدن از بلد امام ع دانسته‌اند
و جمع هر دو ممکن و در کتاب حسین بن شریک مرویست که حضرت امام محمد باقر ع
فرمود هر که از مکه بیرون بیاید و قصد نداشته باشد عود باینجا را پس بتحقیق که
اجلش و عذابش نزدیک شده و این فی الجمله تایید از دوم میکند بجهة مشارکت
کعبه معظمه و مشاهد مشرفه در بسیاری از امثال این امور **پانزدهم** و **یکم**
بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود
از آنها پیش از زیارت چنانچه شهید و مجلسی و غیر ایشان ذکر نموده‌اند و فرموده‌اند
در حرم مطهر توبه کند و عزم نماید بر ترک و این مطلب اگرچه از آداب شمرده شده

ولکن بهتر آنکه از علامات و دلالات قبولی زیارات محسوب دارند چنانچه در سایر
عبادات مرعوبه مثل نماز و روزه و حج چنین است چه اگر زائر زیارتش قبول شود
گناهانش آمرزیده شود و چون آمرزیده و بی گناه شد البته اطوار و افعالش تغییر
کند کلا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنه و شرح اینمقام طولانی و وسایل
و گنجایش آن نیست و در اینجا بحدیثه قناعت کنیم در کتاب شریف جعفریات
مرویست از امیر المؤمنین ع که رسول خدا ص فرمود علامت قبول حج ترک بدیهاست
که گناهانی را که بآن مشغول بوده ترک کند و در خبر دیگر قریب بهمین مضمون را فرموده و بعد از آن فرمود
و اگر برگشت و بشدت مشغول شد بکارهائی که داشت از زنا یا خیانت یا معصیت
پس بتحقیق که حج او را بر گردانیده‌اند و در کامل الزیاره مرویست از محمد بن مسلم که گفت
عرض کردم خدمت حضرت امام محمد باقر ع که چون ما بزیارت حسین بن علی ع میرویم
آیا مانند آنست که ما در حج هستیم فرمود بلی گفت گفتم پس بر ما لازم میشود آنچه بر حاجیان
بایست از او ترک کنند در حال احرام فرمود بر تو لازمست که نیکو مصاحبت کنی با آنکه
رفیق تست و بر تو لازمست کم گفتن سخن مگر بخیر و لازمست بر تو که یاد خدا و ندبه
کنی و لازمست بر تو پاکیزه کردن جامه و لازم است بر تو غسل پیش از آنکه داخل حایر
شوی و لازمست بر تو خشوع و بسیار نماز کردن و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار فرستادن
و باید خود را نگاه داری از کردن آنچه سزاوار تو نیست و باید که دیده خود را از حرام
و شبهه بپوشانی و لازمست تو را که احسان کنی بر فقراء برادران مؤمن خود اگر دیدی
وامانده و با ایشان مواسات کنی و لازمست بر تو تقیه که قوام دین بآنست و پرهیز کاری
از آنچه تو را خدای تعالی از آن نهی کرده و خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله که در آن
کردن سوگندها خورند پس چون چنین کردی حج و عمره کرده‌ای از اهل خود کشیده‌ای
و از ایشان دوری جسته و عمرات تمام میشود و مستحق شوی از جانب آنکه طالب

ثواب او شد بوسیله مالی که خرج او کردی و غریبی که از اهل کشیدی و از اینان
دور افتادی و شوق و رغبتت باینجا بان راغب شدی یعنی زیارت ابی عبد الله ع
آنکه بوکردی با مغفرت و رحمت و خوشنودی خدا بتعالی **موٴلف گوید**
در فضایل زیارت حضرت امیر المؤمنین ع و امام رضا ع نیز ذکر حج و عمره و افضلیت
زیارت آن دو بزرگوار از آن دو عمل شده و علاوه اعلمیت و از مقصد اصلی این ان
مسافرت بعراق زیارت حضرت سید الشهداء است پس این خبر شامل زوار همه
ائمه عراق ع خواهد بود و بملاحظه خبر اول علامت قبولی زیارت بدست خواهد
رسید و متجاهرین بمعاصی خصوص مثل ظاهرین از ایشان مثل ریش تراشند کان که
صورت بر آن ضریح مقدس مالند و پای مانده مو را تبرک کنند و هنوز از آن
مشاهد شریفه بیرون نیامده صورت را بدست دلاک دهند و آن موهای تراشیده
را در مزبله ریزند و شرم نکنند فکوه برای مال رفته و رنج کشیده خود کنند که از
ان زیارت جز خسارت در دنیا و آخرت محصولی نخواهند **چهل و دوم**
انفاق کردن بقدر میسور و توانائی بر خاصان حقیقی آستانه مبارکه یعنی آنانکه
براستی مشغول خدمات لازمه اند از تنظیف و حراست و محافظت زوار و غیر آن
چنانچه شهید و مجلسی و دیگران تصریح فرموده اند و آن دخلی با جون زیارت نامه
خوان ندارد و شرح اینمقام طولانی با این رساله مناسبت ندارد **چهل و سیم**
انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین از سادات و اهل علم و
منقطعین که بمرارت غربت و تنگدستی مبتلا و هو اره علم تعظیم شعائر الله و ابو با نموده
و در ایشان جهات عدیده است که ملاحظه هر یک از آنها کافیست در لزوم اعانت
و رعایت و ما آنها را مشروحا در کتاب کلمه طیبه ذکر نمودیم بلکه غرض اصلی از
تالیف آن کتاب دستگیری مجاورین است و در آن فوائد بسیار است که در هیچ کتابی

یافت نشود که امیدوارم بان رجوع نمایند و تکلیف خود را بالنسبة بایشان در سفر زیارت
بلکه در مراجعت نیز بدانند و بالله التوفیق **مقام دوم** در زیارات جامعه
و آن بسیار است و ما بذکر یک جامعه کبیره و دو جامعه صغیره قناعت کنیم **اما**
جامعه کبیره پس بدانکه شیخ جلیل نبیل شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب بلد الامین
روایت کرده از امام علی نقی ع بعد از ذکر صد تکبیر که آن بزرگوار از اجنین زیارت
کنند السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ
وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَمَأْوَى السَّكِينَةِ
وَاُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِياءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ الْجَبّارِ
وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْاِيمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ
النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَآلَ يٰسٓ وَعِتْرَةَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدى وَمَصابِيحَ الدُّجى وَكُهُوفَ الْوَرى
وَبُدُورَ الدُّنْيا وَاَعْلامَ التُّقى وَذَوِي النُّهى وَاُولِي الْحِجى وَذُرِّيَّةَ الْاَنْبِياءِ وَ
الْمَثَلَ الْاَعْلى وَالدَّعْوَةَ الْحُسْنى وَوَرَثَةَ الْاَنْبِياءِ وَالْحُجَّةَ عَلى مَنْ فِي الْاَرْضِ وَ
السَّماءِ وَالْآخِرَةِ وَالْاُولى وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلى مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ
وَمَساكِنِ نُورِ اللهِ وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَخَزَنَةِ عِلْمِ اللهِ
وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ وَوَرَثَةِ رَسُولِ اللهِ وَاَوْصِيائِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ وَالْاَدِلّاءِ
عَلى مَرْضاتِ اللهِ وَالْمُؤَدِّينَ عَنِ اللهِ وَالْقائِمِينَ بِحَقِّ اللهِ وَالنّاطِقِينَ عَنِ
اللهِ وَالْمُسْتَقِرِّينَ فِي اَمْرِ اللهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللهِ وَالصّادِعِينَ بِاَمْرِ اللهِ
وَالثّابِتِينَ فِي مَحَبَّةِ اللهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ وَعِبادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ
لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ

الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة واهل الذكر واولي
الامر وبقية الله وخيرته وحزبه وعيبة علمه وحجته وعينه وجنبه
وصراطه ونوره ورحمة الله وبركاته اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له كما شهد الله وشهدت له ملائكته واولوا العلم من خلقه لا
اله الا الله هو العزيز الحكيم واشهد ان محمدا عبده المجتبى ورسوله المرتضى
ونبيه المصطفى وامينه ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
ولو كره المشركون فصدع صلى الله عليه وآله بامر ربه وبلغ ما حمله و
نصح لامته وجاهد في سبيل ربه ودعا اليه بالحكمة والموعظة الحسنة
وصبر على ما اصابه في جنبه وعبد ربه صادقا حتى اتاه اليقين فصلى الله
عليه وآله واشهد ان الدين كما شرع والكتاب كما تلى والحلال كما احل
والحرام كما حرم والفصل كما قضى والحق كما قال والرشد كما امر وان الذين كذبوا
وخالفوا عليه وجحدوا حقه وانكروا فضله واتهموه وظلموا وصيه وحلوا عقده
ونكثوا بيعته واعتدوا عليه وغصبوا خلافته وبدلوا امره فيه واستنوا الجور
والعدوان على اهله وقتلوهم وتولوا غيرهم ذاقوا العذاب في اسفل
درك من نار جهنم لا يخفف عنهم من عذابها وهم فيه مبلسون ملعونون
متعبون ناكسوا رؤوسهم يعاينون الندامة والخزي الطويل مع الاذلين
الاشرار قد كبوا على وجوههم في النار وان الذين آمنوا به وصدقوه
ونصروه ووقروه وعزروه واتبعوا النور الذي انزل معه اولئك هم
المفلحون في جنات النعيم والفوز العظيم والثواب المقيم الكريم والغبطة و
السرور والفوز الكبير فجزاه الله عنا احسن الجزاء وخير ما جزى نبيا عن
امته ورسولا عمن ارسل اليه وخصه بافضل قسم الفضائل وبلغه اعلى

محمد اشرف

محل شرف المكرمين من الدرجات العلى في اعلى عليين في جنات ونهر
في مقعد صدق عند مليك مقتدر واعطاه حتى يرضى وزاده بعد الرضا
وجعله اقرب النبيين مجلسا وادناهم اليه منزلا واعظمهم عنده جاها و
اعلاهم لديه كعبا واحسنهم اتباعا واوفر الخلق نصيبا واجزلهم حظا في
كل خير الله قاسمه بينهم ونصيبا واحسن الله مجازاته عن جميع المؤمنين
من الاولين والآخرين واشهد انكم الائمة الراشدون المهديون
المعصومون المكرمون المقربون الصادقون المصطفون المطيعون لله
القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته اصطفيكم بعلمه
واصطفيكم لنفسه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته
واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وايدكم بروحه ورضيكم
خلفاء في ارضه وجعلكم حججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لحكمته وخزنة
لعلمه ومستودعا لسره وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على خلقه
واسبابا اليه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وسبيلا الى جنته وادلاء على
صراطه عصمكم الله من الذنوب وبراكم من العيوب وائتمنكم على الغيوب وجنبكم
من الآفات ووقيكم من السيئات وطهركم من الدنس والزيغ ونزهكم من
الزلل والخطاء واذهب عنكم الرجس وطهركم تطهيرا وامنكم من الفتن
واسترعاكم الانام وعرفكم الانباء واورثكم الكتاب واعطاكم المقاليد وسخر لكم
ما خلق فعظمتم جلاله واكبرتم شانه وهبتم عظمته ومجدتم كرمه وادمتم ذكره
ووكدتم ميثاقه واحكمتم عقد عرى طاعته ونصحتم له في السر والعلانية
ودعوتم الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته و
صبرتم على ما اصابكم في جنبه وصدعتم بامره وتلوتم كتابه وحذرتم باسه وذكرتم

بايامه

باٰمره واوفيتم بعهده واقمتم الصلوة واٰتيتم الزكوة وامرتم بالمعروف و
نهيتم عن المنكر وجادلتم بالتي هي احسن وجاهدتم في الله حق جهاده حتى اعلنتم
دعوته وقمعتم عدوه واظهرتم دينه وبينتم فرائضه واقمتم حدوده و
شرعتم احكامه وسننتم سنته وصرتم في ذلك الى الرضا وسلمتم له القضا امره
وصدقتم من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر
عنكم زاهق والحق معكم وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة
عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم واٰيات الله
لديكم وعزائمه فيكم ونوره معكم وبرهانه عندكم وامره نازل اليكم من والاكم
فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب الله و
من اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم يا موالي نعم الموالي لعبيدهم انتم السبيل
الاعظم والصراط الاقوم وشهداء دار الفنا وشفعاء دار البقاء والرحمة
الموصولة والاٰية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس
من اتيكم نجى ومن لم ياتكم هلك ومن ابيكم هوى الى الله تدعون وعليه تدلون
وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله ترشدون و
بقوله تحكمون واليه تنيبون واياه تعظمون سعد والله بكم من والاكم
وهلك من عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم
وامن من لجأ اليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم
فالجنة ماواه ومن خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك
ومن رد عليكم ففي اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى
وجار لكم فيما بقي وان انواركم واشباحكم وسنائكم وظلالكم وارواحكم
وطينتكم واحدة جلت وعظمت وبوركت وقدست وطابت وطهرت بعضها

من

من بعض لم تزالوا بعين الله وعنده في ملكوته انوارا تامرون وله تخافون
واياه تسبحون وبعرشه محدقون وبه حافون حتى من بكم علينا فجعلكم
في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه نولى عن ذكره فطهرها
ورضي من خلقه بتعظيمها فرفعها على كل بيت قدسه واعلاها على كل
بيت طهره في السماء لا يوازيها خطر ولا يسمو الى سمائها النظر ولا يقع
على كنهها الفكر ولا يطمح الى ارضها البصر ولا يغادر سكانها البشر يتمنى
كل احد انه منكم ولا يتمنون انكم من غيركم اليكم انتهت المكارم والشرف و
منكم استقرت الانوار والعظم والمجد والسودد فما فوقكم احد الا الله
ولا اقرب اليه ولا اخص لديه ولا اكرم عليه منكم انتم سكن البلاد و
نور العباد وعليكم الاعتماد يوم التناد كلما غاب منكم حجة او افل منكم علم
اطلع الله على خلقه من عقب الماضي خلفا اماما ونورا هاديا وبرهانا
مبينا نيرا داعيا عن داع وهاديا بعد هاد وخزنة وحفظة لا يغيض بكم
غوره ولا تنقطع عنكم مواده ولا يسلب منكم ارثه سببا موصولا من الله
عليكم ورحمة منه علينا ترشدنا اليه وتقربنا منه وتولفنا لديه وجعل
صلواتنا عليكم وذكرنا لكم وما خصنا به من ولايتكم وعرفنا من
فضلكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا اذ
كنا عنده بكم مؤمنين مسومين وبفضلكم معترفين وبتصديقنا اياكم
مشكورين وبطاعتنا لكم مشهورين فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين وافضل
شرف المشرفين واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا
يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع في ادراكه طامع
حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا صديق ولا شهيد ولا عالم

ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد
ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم جلالة امركم وعظم عرفهم جلالة
خطركم وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلكم
ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انت انتم
وامي ونفسي واهلي ومالي واسرتي يادني وائمتي اشهد الله واشهدكم
اني مؤمن بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم عارف بكم مؤمن
بضلالة من خالفكم موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم
لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مطيع لكم عارف
بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم مقتبر بكم محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بايابكم
مصدق برجعتكم منتظر لامركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل بامركم
مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع الى الله عز وجل بكم متقرب اليه
بمحبتكم ومقدمكم امام طلبتي ومسئلتي وحوائجي وارادتي ومتوسل بكم اليه و
مقدمكم بين يدي في كل احوالي واموري مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم
وغائبكم واولكم وآخركم ومفوض في ذلك كله الى الله عز وجل ثم اليكم ومسلم
فيه معكم وقلبي لقلبكم سلم ورايي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله تعالى
دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم لعدله ويمكنكم في ارضه فمعكم معكم انا
الله لا مع غيركم آمنت بكم وتوليت آخركم بما توليت به اولكم وبرئت الى
الله عز وجل من اعدائكم ومن الجبت والطاغوت واوليائهم والشياطين
وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين لحقكم والمارقين من دينكم وولايتكم و
الغاصبين لارثكم والشاكين فيكم والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة دونكم
وكل مطاع سواكم ومن الائمة الذين يدعون الى النار فثبتني الله ابدا ما

حييت

حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم
وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم اليه وجعلني ممن يقتص
آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهديكم ويحشر في زمرتكم ويكر في رجعتكم
ويملك في دولتكم ويشرف في عافيتكم ويمكن في ولايتكم ويتمكن في ايامكم
وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي واسرتي من اراد
الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي
ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ولا من الوصف قدركم لانكم نور الانوار
وخيرة الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم ينفس الهم ويكشف
الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى جدكم بعث جدكم

الروح الامين — واگر زيارت امير المومنين ع باشد بجاے والى جدكم بعث

الروح الامين بگو والى اخيك بعث الروح الامين بگو وبمفتاح منطقكم
نطق كل لسان وبكم يسبح القدوس السبوح وبتسبيحكم جرت الالسن بالتسبيح
والله بمنه آتاكم ما لم يؤت احدا من العالمين طاطا كل شريف لشرفكم وبخع
كل متكبر لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض
بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد
ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي ذكركم في الذاكرين
واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم في الارواح و
انفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور فما احلى اسمائكم
واكرم انفسكم واعظم شانكم واجل خطركم واوفى عهدكم واصدق وعدكم
كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان
وسجيتكم الكرم وشانكم الحق وكلامكم الصدق وطبعكم الرفق وقولكم

حكم

حکم وحتم ورأیکم علم وحلم وکرم وامرکم عزم وحزم ان ذکر الخیر کنتم اوله و
اخره واصله وفرعه ومعدنه وماویه والیکم منتهاه بابی انتم وامی ونفسی واهلی
ومالی کیف اصف حسن ثنائکم واحصی جمیل بلائکم وبکم اخرجنا الله من الذل
واطلق عنا رهائن الغل وفرج عنا غمرات الکروب وانقذنا من شفا جرف
الهلکات ومن عذاب النار بابی انتم وامی ونفسی واهلی ومالی بموالاتکم علمنا
الله معالم دیننا واصلح ما کان فسد من دنیانا وبموالاتکم تمت الکلمة وعظمت
النعمة وکملت المنة وائتلفت الفرقة وبموالاتکم تقبل الاعمال ولکم الطاعة
المفترضة والمودة الواجبة والدرجات الرفیعة والمکان المحمود والمقام المعلوم
عند الله عز وجل والجاه العظیم والشان الکبیر والشفاعة المقبولة ربنا امنا بما
انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا
وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب سبحان ربنا ان کان وعد ربنا
لمفعولا پس بچسبان خود را بر ضریح و آنرا ببوس و بگو یا ولی الله ان بینی وبین الله
عز وجل ذنوبا کثیرة لا یاتی علیها الا رضی الله ورضاکم فبحق من ائتمنکم علی سره
واسترعاکم امر خلقه وقرن طاعتکم بطاعته وموالاتکم بموالاته لما استوهبتم
ذنوبی وکنتم شفعائی الی الله تعالی فانی لکم مطیع من اطاعکم فقد اطاع الله
ومن عصاکم فقد عصی الله ومن احبکم فقد احب الله ومن ابغضکم فقد
ابغض الله پس بلند کن دستهای خود را بسوی آسمان و بگو اللهم انی لو وجدت
وسیلة اقرب الیک من محمد ص واهل بیته الاخیار الائمة الابرار علیه و
علیهم السلام لجعلتهم شفعائی الیک اللهم فبحقهم الذی اوجبت لهم علیک
اسألک ان تدخلنی فی جملة العارفین بهم وبحقهم وفی زمرة المرحومین بشفاعتهم
انک انت ارحم الراحمین **مؤلف گوید** این زیارت همان زیارت جامعه

کبیره معتبره معروفه مرویه از همان امام همام امام علی نقی علیه السلام است با زیادتی در
مواضع و ظاهر این جامعه معروفه مختصری باشد از آن و این اختصار میشود از
خود آن امام بزرگوار باشد بانکه ببعضی اصحاب طولانیرا القا فرموده اند و بدیگری
آن مختصر را و میشود از نسخه مخصوص داده باشند [illegible] در خصوص
اینمورد یا مطلق زیارات و ادعیه مطوله و خبرهای طولانی که خود علمای
روات آنها را بنحویکه اختلالی پیدا نشود در متن خبر مختصر کنند و این احتمال
اقربیست در نظر حقیر زیرا که نظایر برای این دو جامعه در طول و اختصار در بین
اخبار مکرر دیده شده مثل خبر شریف هفتاد حق که برادر مسلمست و باید از عهده برآنها
برآید و آنرا ابوحمزه ثمالی از حضرت امام زین العابدین ع روایت کرده و کتاب
ابوحمزه که در احوال او نوشته اند همین یکحدیث حقوقست و این خبر را شیخ صدوق
در کتاب خصال و کتاب فقیه روایت کرده و نیز شیخ کلینی ره در کتاب رسائل الائمه ع
و حسن بن علی بن شعبه در کتاب تحف العقول روایت نموده با زیادتی بر خبر صدوق
بقدر ثلث تقریبا و مثل خبر زندیق که خدمت حضرت امیر المؤمنین ع عرض کرد
اگر در قرآن آیات متناقضه نمیداشت اسلام می آوردم فرمودند که آنها کدامست
پس دسته دسته از آنها را عرض میکرد و جواب میشنید و این خبر طولانی را شیخ
صدوق قده در کتاب توحید روایت کرده و نیز از او شیخ طبرسی در کتاب احتجاج نقل
کرده با زیادتی بسیار که شاید بقدر ثلث آن خبر شود و مثل اعمال کوفه معروفه و آنچه
ما بحمد الله تعالی پیدا کردیم در رساله سلامة المرصاد نقل نمودیم و در زیاده و
نقصان قریب بآن دو خبر است و نظایر آن که بر اهل خبره مخفی نیست بهرحال اگر آن صد
تکبیر اول را با آن ترتیب زیادتی جامعه معروفه بخواند بهتر است که سوای آن را در وقت
دیدن ضریح مقدس وقتی از آن بعد از رفتن چند قدم بایستد و بگوید و چهل

دیگر آنکه چون بمقام زیارت رسید و در اینجا نکته مختصریست که ناچاریم از ذکر آن و آن اینست که شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار خود زیارت جامعه معروفه را نقل کرده باسناد متصل تا شیخ صدوق و از او بسند یکی از نجوم دارد و در تمام فقرات مطابق است با روایت صدوق جز آنکه بعد از فقره السلام علی محال معرفة الله این فقره و مساکن نور الله را دارد و بعد از آن مطابق است تا آخر و دانسته که این فقره در جامعه طویله نیز هست پس معلوم میشود این فقره شریفه از قلم شیخ صدوق ساقط شده در جامعه معروفه است و اگر خود شیخ مختصر کرده باشد از قلم ناسخ فقیه افتاده بهرحال زائرین بعد از مطالعه اینمقام آن فقره شریفه را البته داخل نموده در وقت خواندن جامعه معروفه آنرا خواهند خواند و اما دو جامعه صغیره پس اول آن زیارت امین الله است که بنص صریح امام عصر صلوات الله علیه افضل و اکمل زیارات است چنانچه گذشت و جمله از علماء مثل علامه مجلسی و دیگران نیز تصریح کردند که این زیارت بحسب سند و اعتبار و الفاظ متن صحیح ترین و کامل ترین زیارت مذکوره است باسانید عدیده در زیارات مطلقه حضرت امیر المؤمنین ع و در مخصوصه روز غدیر و در زیارات جامعه وارد و اینها فی الجمله اختلافی نیست در زیادتی و نقصان و اختلاف کلمات و ما بذکر یک روایت قناعت کنیم ه جعفر بن محمد بن قولویه در کامل الزیارة روایت کرده باسناد معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که بجناب زیارت کرد قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع را و ایستاد نزد قبر شریف گریست آنگاه گفت

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللّٰهِ فی اَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ عَمِلْتَ بِکِتابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ حَتّی دَعاکَ اللّٰهُ اِلی جِوارِهِ فَقَبَضَکَ اِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ لَکَ کَریمَ ثَوابِهِ وَ اَلْزَمَ اَعْدائَکَ الْحُجَّةَ فی قَتْلِهِمْ

اِیّاکَ مَعَ ما لَکَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلی جَمیعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسی مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ راضِیَةً بِقَضائِکَ مُولَعَةً بِذِکْرِکَ وَ دُعائِکَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیائِکَ مَحْبُوبَةً فی اَرْضِکَ وَ سَمائِکَ صابِرَةً عَلی نُزُولِ بَلائِکَ شاکِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِکَ ذاکِرَةً لِسَوابِغِ آلائِکَ مُشْتاقَةً اِلی فَرْحَةِ لِقائِکَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوی لِیَوْمِ جَزائِکَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِیائِکَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِکَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِکَ وَ ثَنائِکَ پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتینَ اِلَیْکَ والِهَةٌ وَ سُبُلَ الرّاغِبینَ اِلَیْکَ شارِعَةٌ وَ اَعْلامَ الْقاصِدینَ اِلَیْکَ واضِحَةٌ وَ اَفْئِدَةَ الْعارِفینَ مِنْکَ فازِعَةٌ وَ اَصْواتَ الدّاعینَ اِلَیْکَ صاعِدَةٌ وَ اَبْوابَ الْاِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَ دَعْوَةَ مَنْ ناجاکَ مُسْتَجابَةٌ وَ تَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَیْکَ مَقْبُولَةٌ وَ عَبْرَةَ مَنْ بَکی مِنْ خَوْفِکَ مَرْحُومَةٌ وَ الْاِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِکَ مَوْجُودَةٌ وَ الْاِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِکَ مَبْذُولَةٌ وَ عِداتِکَ لِعِبادِکَ مُنْجَزَةٌ وَ زَلَلَ مَنِ اسْتَقالَکَ مُقالَةٌ وَ اَعْمالَ الْعامِلینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَةٌ وَ اَرْزاقَ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْکَ نازِلَةٌ وَ عَوائِدَ الْمَزیدِ اِلَیْهِمْ واصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرینَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوائِجَ خَلْقِکَ مَقْضِیَّةٌ وَ جَوائِزَ السّائِلینَ عِنْدَکَ مُوَفَّرَةٌ وَ عَوائِدَ الْمَزیدِ اِلَیْهِمْ واصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرینَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوائِجَ خَلْقِکَ عِنْدَکَ مَقْضِیَّةٌ وَ جَوائِزَ السّائِلینَ عِنْدَکَ مُوَفَّرَةٌ وَ عَوائِدَ الْمَزیدِ مُتَواتِرَةٌ وَ مَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمینَ مُعَدَّةٌ وَ مَناهِلَ الظِّماءِ لَدَیْکَ مُتْرَعَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائی وَ اقْبَلْ ثَنائی وَ اَعْطِنی جَزائی وَ اجْمَعْ بَیْنی وَ بَیْنَ اَوْلِیائی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ اِنَّکَ وَلِیُّ نَعْمائی وَ مُنْتَهی مُنایَ وَ غایَةُ رَجائی فی مُنْقَلَبی وَ مَثْوایَ اَنْتَ اِلٰهی وَ سَیِّدی وَ مَوْلایَ اِغْفِرْ لِاَوْلِیائِنا وَ کُفَّ عَنّا اَعْدائَنا وَ اشْغَلْهُمْ عَنْ اَذانا وَ اَظْهِرْ کَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْیا وَ اَدْحِضْ کَلِمَةَ الْباطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلی اِنَّکَ

عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ **مؤلف گوید** در جملهٔ از روایات این زیارت شریفه و
افئدة العارفین منك مضبوط شده و در بعضی از انها و افئدة الوافدین
الیك ثبت شده و بنا بر نسخهٔ اول فازعه با زای معجمه و عین مهمله از فزع بمعنی
هول و ترس است یعنی دلهای عارفین از تو ترسان و هراسان است چه هر کس معرفتش
بیشتر است خوف و خشیتش زیادتر است و بنا بر نسخهٔ دوم فارغه با راء
بی نقطه و غین با نقطه است از فراغ بمعنی تهی و خالی یعنی یعنی دلهای وارد
شوند کان بر تو تهی و پرداخته شده از یاد غیر از هر غم واند و هی دنیوی اکرمید انند
که تو بحال ایشان مرحمی و ایشان را نبایستی در فکر خویشتن بودن با آنکه از لذت
حضور و خدمت جنابت شاد و از هر اندوه و هم تهی و انا دند و مخفی نماند که اول
این زیارت بملاحظهٔ سایر روایات السلام علیك یا امین الله و ان سلام
اول را که حضرت سجاد علیه السلام در زیارت امیر المومنین ع است افزوده اند و در
زیارت باقی ائمه ع نخوانند اولا بجهة نبودن ان در خبر که ان از جامعه محسوب
داشته و ثانیا بجهة اختصاص این لقب شریف بان وجود مقدس و حرمت نام
احدی از امامان یا غیر ایشان را باین اسم که در حیات رسولخدا ص از جانب رب
العزة جبرئیل مامور شد که انجناب را باین لقب بخوانند و بر او سلام کنند و او اول کسی
است که بر انحضرت باین لقب سلام کرد و حذیفه شنید و رسولخدا ص مامور
شد که اعلام کند سایرین را که انحضرت را سلام کنند باین لقب در شرحی طولانی
که اصل ان در ارشاد القلوب دیلمی است و در ان فوائد بسیار است و اما جامعه صغیره
دوم پس بدانکه عالم جلیل شیخ شرف الدین نجفی تلمیذ محقق ثانی رحمهما الله در کتاب
شریف تاویل الآیات الباهرة در سوره مبارکه نحل در ذیل ایه شریفه و اوحی ربك
الی النحل این زیارت را از مزار دیگر در خزانه عامره عزویه دیده بود نقل کرده اَللّٰهُمَّ

صلِّ عَلَی الْفِتْیَةِ الْهاشِمِیَّةِ وَالْمِشْکوٰةِ الزّاهِرَةِ النَّبَوِیَّةِ وَالدَّوْحَةِ الْمُبارَکَةِ الْاَحْمَدِیَّةِ
وَالشَّجَرَةِ الْمَیْمُونَةِ الرَّضِیَّةِ الَّتی تَتَبَّعُ بِالنُّبُوَّةِ وَتَفَرَّعُ بِالرِّسالَةِ وَتُثْمِرُ بِالْاِمامَةِ وَتُغَذّی
یَنابیعَ الْحِکْمَةِ وَتُسْقی مِنْ مُصَفَّی الْعَسَلِ وَالْماءِ الْعَذْبِ الْغَدَقِ الَّذی فیهِ
حَیوٰةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ الْاَبْصارِ الْمُوحی اِلَیْهِ بِاَکْلِ الثَّمَراتِ وَاتِّخاذِ الْبُیُوتاتِ مِنَ
الْجِبالِ وَالشَّجَرِ وَمِمّا یَعْرِشُونَ السّالِكُ سَبیلَ رَبِّهِ الَّتی مَنْ رامَ غَیْرَها ضَلَّ وَمَنْ
سَلَكَ سِواها هَلَكَ یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوانُهُ فیهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ **مؤلف**
گوید عالم مذکور بعد از ذکر ان ایه شریفه چند خبر معتبر نقل کرده در تاویل ان باینکه
مراد از نحل ائمه اطهار ع است و جبال و اشجار و عروش مذکور در ان که بایست نحل
در انها منزل کیرد شیعیان ایشانند از عرب و عجم و عسل انواع علوم ایشان است که در
انها شفا است از امراض قلوب چنانکه فرموده و تایید میکند ان اخبار را آنچه بیدم تا
اخوا نچه گذشت و واضح است که زیارات ان مزار یا خصوص این زیارت اکر ماثور
نبود از ائمه ع چنین عالمی ان اخبار معتبره را بان تایید نمیکرد بلکه مضامین عالیه
و کلمات بلیغه ان خود گواهی است صادق و شاهدیست ناطق بر صدور ان از
ینابیع حکمت و بیوت طهارت و شدت حلاوت ان در ذائقه اهل بینش و معرفت نیز
خبر دهد از بودن ان عسل مصفی و شهد منتقی که در ان است شفا امراض صدور
و انواع اسقام قلوب والله العالم **مقام سیم** در بعضی از ادعیه مرویه
که در همه مشاهد شریفه بعد از زیارت بایست خواند و ان بسیار است و احسن
انها بحسب اعتبار و مضامین این دعا است اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَتْ ذُنُوبی قَدْ اَخْلَقَتْ
وَجْهی عِنْدَكَ وَحَجَبَتْ دُعائی عَنْكَ وَحالَتْ بَیْنی وَبَیْنَكَ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُقْبِلَ
عَلَیَّ بِوَجْهِكَ الْکَریمِ وَتَنْشُرَ عَلَیَّ رَحْمَتَكَ وَتُنْزِلَ عَلَیَّ مِنْ بَرَکاتِكَ وَاِنْ کانَتْ
قَدْ مَنَعَتْ اَنْ تَرْفَعَ لی اِلَیْكَ صَوْتاً اَوْ تَغْفِرَ لی ذَنْباً اَوْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطیئَةٍ مُهْلِکَةٍ

[illegible]

فها انا ذا مستجير بكرم وجهك وعز جلالك متوسل اليك متقرب اليك باحب
خلقك اليك واكرمهم اليك واولاهم بك واطوعهم لك واعظمهم منزلة و
مكانا عندك محمد وعترته الطاهرين الائمة الهداة المهديين الذين فرضت
على خلقك طاعتهم وامرت بمودتهم وجعلتهم ولاة الامر من بعد رسولك صلى
الله عليه وآله يا مذل كل جبار عنيد ويا معز المؤمنين بلغ مجهودي فهب لي
نفسي الساعة رحمة منك تمن بها علي يا ارحم الراحمين انگاه فرمطهر را ببوس و دو
طرف رخسار خود را بران بمال و بگو اللهم ان هذا مشهد لا يرجو من فاتته فيه
رحمتك ان ينالها في غيره ولا احد اشقى من امرئ قصده مؤملا عنه خائبا
اللهم اني اعوذ بك من شر الاياب وخيبة المنقلب والمناقشة عند الحساب و
حاشاك يا رب ان تقرن طاعة وليك بطاعتك وموالاته بموالاتك و
معصيته بمعصيتك ثم تؤيس زائره والمتحمل من بعد البلاد الى قبره وعزتك
يا رب لا ينعقد على ذلك ضميري اذ كانت القلوب اليك بالجميل تشير انگاه
بگو يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا لا ياتي عليها الا رضاك فبحق
من ائتمنك على سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك
بموالاته تول صلاح حالي مع الله عز وجل واجعل حظي من زيارتك تخليطي
بخالصي زوارك الذين تسأل الله عز وجل في عتق رقابهم وترغب اليه في حسن
ثوابهم وها انا اليوم بقبرك لائذ وبحسن دفاعك عني عائذ فتلافني يا
مولاي وادركني واسأل الله عز وجل في امري فان لك عند الله مقاما
كريما وجاها عظيما صلى الله عليك وسلم تسليما انگاه قبر مطهر را ببوس و رو
كن بقبله و دو دست را بلند كن و بگو اللهم انك لما فرضت علي طاعته واكرمتني
بموالاته علمنا ان ذلك لجليل مرتبته عندك ونفيس حظه لديك ولقرب

منزلته منك فلذ لك لذت بقبره لواذ من يعلم انك لا ترد له شفاعة فبقديم
علمك فيه وحسن رضاك عنه ارض عني وعن والدي ولا تجعل للنار
علي سلطانا ولا سبيلا برحمتك يا ارحم الراحمين ٥ مؤلف گوید بهتر بهشت
کردانچون خواهد در مشاهد مشرفه دعا کند بلکه هر دعا کننده در هر جا باشد
برای هر مطلبی که خواهد مقدم دارد برای خود دعای برای سلامتی وجود مبارک
امام عصر صاحب الزمان صلوات الله علیه و او ابتطلب بیاموزم و انرا در باب
دهم کتاب نجم ثاقب مشروحا ذکر نموده ایم با فوائد نافعه و ادعیه مخصوصه مختصر ترین
انها که فرمودند در همه ایام در هر حالت که باشی نشسته یا ایستاده در رکوع
یا در سجود باید بخوانی بعد از حمد خداوند تبارک و تعالی و صلوات بر پیغمبر
صلوات الله علیه و آله انکه بگوئی اللهم كن لوليك فلان بن فلان في هذه الساعة
وفي كل ساعة وليا وحافظا وناصرا ودليلا وقائدا وعينا حتى تسكنه ارضك
طوعا وتمتعه فيها طويلا **مقام چهارم** در ذکر نماز یکه بجا اوردن ان در
مشاهد مشرفه اجر عظیم دارد بدانکه علامه مجلسی ره در بحار نقل کرده از خط شیخ
جلیل شیخ حسین بن عبد الصمد و الد شیخ بهاء الملة والدین رحمهم الله که شیخ ابو
الطیب حسین احمد فقیه رازی ره ذکر نموده که هر کس زیارت کند جناب امام
رضا علیه السلام یا یکی از ائمه را پس در نزد ان امام بجای اورد نماز جعفر
را پس بدرستیکه نوشته میشود برای او بهر رکعتی ثواب کسی که هزار مرتبه حج کرده
باشد و هزار نوبت عمره بجای اورده باشد و هزار بنده در راه خدا ازاد
نموده باشد و هزار مرتبه در راه خدا تعالی جهاد کرده باشد با پیغمبر مرسلی و برای
او است بهر گامی که برمیدارد ثواب صد حج و صد عمره و ازاد کردن صد بنده
در راه خدا تعالی و نوشته شود برای او صد حسنه و ریخته شود از او صد سیئه

مؤلف گوید نماز جعفر بین شیعه امامیه معروف و در انجاح حوائج و کشف شدائد
تاثیر عجیبی دارد و برای آن آداب و ادعیه بسیاری است ولکن کفایت میکند برای
درک ثواب مذکور در خبر شریف آنکه چهار رکعت نماز بقصد نماز جعفر بکند
هر دو رکعت بیکسلام بهر سوره که خواسته و بهتر آنکه در اول حمد و سوره اذا زلزلت
و در دوم حمد و سوره والعادیات و در سیم حمد و سوره اذا جاء نصر الله و در چهارم
حمد و سوره قل هو الله احد را بخواند و سیصد مرتبه در این چهار رکعت بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و این عدد را بر آن چهار رکعت
تقسیم کند پس در هر رکعتی هفتاد و پنج مرتبه میشود و این عدد را در هر رکعت باین قسم
بخواند بعد از قرائت پانزده مرتبه و در رکوع و بعد از آن در حال ایستادن و در
سجود و بعد از سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از آن در حال نشستن در این
شش محل در هر کدام ده مرتبه و بهتر آنکه این دعا را در سجده آخر نماز بخواند سُبْحَانَ
مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي
التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي
الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ
وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا و بجای وان تفعل بی الخ حاجات خود را بخواهد **مقام**
پنجم در ذکر وداع ائمه علیهم السلام مخفی نماند که در غالب زیارات مطلقه و
مخصوصه ماثوره وداعی رسیده که ظاهر او مخصوص بآن زیارت باشد ولکن برای زیارت
جامعه کبیره معروفه وداعیست که دارا است مضامین غالب زیارات و وداع او باز یادتی
و ظاهر علما اینست که این وداع مخصوص بجامعه نیست که اگر او را زیارت جامعه را نخواند

نتواند بقصد ورود آن بخواند بلکه بآن هر امامی را وداع کند چه جامعه را خوانده
یا نخوانده باشد و شاهد بر این دعوی چند چیز است اول آنکه شیخ محمد بن المشهدی در
مزار کبیر زیارات جامعه را نقل کرده با سند آن و بعد از آن زیارت ائمه بقیع و مشهد
مقدس و بلد کاظمین و بعضی زیارات جامعه دیگر را نقل کرده آنگاه فرموده باب
الوداع لسائر الائمة ؏ تقول و وداع معهود را ذکر کرده دوم آنکه سید علی بن
طاوس در فصل هیجدهم که در آن زیارات جامعه را جمع نموده جامعه کبیره را نقل
نکرده اصلا نه در آنجا و نه در غیر آنجا و اول زیارت جامعه معروفه با ئمة المؤمنین
را نقل کرده و پس از آن فرموده و چون خواستی وداع کنی و برگردی پس بگو السلام
علیکم تا آخر وداع مذکور سیم آنکه شهید اول در فصل اول خاتمه مزار خود زیارت
جامعه صغیره معروفه را نقل کرده و غیر آن جامعه دیگر نقل ننموده و پس از آن فرموده
پس هر گاه خواهی که باز گردی وداع کن ایشان را و بگو در وداع تا آخر آنچه بیاید و از
این کلمات معلوم میشود که این زیارت را عمل مستقل دانستند و جزو جامعه نفهمیدند
بهر حال ما متابعت ایشان کنیم و برای وداع زیارات بهمین وداع قناعت کنیم السلام
عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَعْدِنَ الرِّسَالَةِ سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا سَائِمٍ وَلَا قَالٍ وَرَحْمَةُ
اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ سَلَامَ وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَلَا
مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ وَلَا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ لَا جَعَلَهُ
اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ وَاِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَحَشَرَنِيَ اللّٰهُ
فِي زُمْرَتِكُمْ وَاَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ وَاَرْضَاكُمْ عَنِّي وَمَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ وَاَحْيَانِي
فِي رَجْعَتِكُمْ وَمَلَّكَنِي فِي اَيَّامِكُمْ وَشَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ وَغَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ وَاَقَالَ
عَثْرَتِي بِمَحَبَّتِكُمْ وَاَعْلٰى كَعْبِي بِمُوَالَاتِكُمْ وَشَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ وَاَعَزَّنِي بِهُدَاكُمْ وَجَعَلَنِي
مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحًا مُنْجِحًا سَالِمًا غَانِمًا مُعَافًى غَنِيًّا فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللّٰهِ وَفَضْلِهِ و

كِفايَتِهِ بِاَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ زُوّارِكُمْ وَمَوالِيكُمْ وَمُحِبّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِيَ اللهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما اَبْقانى رَبّى بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ وَايمانٍ وَ تَقْوىً وَاِخْباتٍ وَرِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلوةِ عَلَيْهِمْ وَاَوْجِبْ لِىَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ وَ النُّورَ وَالْايمانَ وَحُسْنَ الْاِجابَةِ كَما اَوْجَبْتَ لِاَوْلِيائِكَ الْعارِفينَ بِحَقِّهِمُ الْمُوجِبينَ طاعَتَهُمْ وَالرّاغِبينَ فى زِيارَتِهِمُ الْمُتَقَرِّبينَ اِلَيْكَ وَاِلَيْهِمْ بِاَبى اَنْتُمْ وَاُمّى وَنَفْسى وَمالى وَاَهْلى اِجْعَلُونى مِنْ هَمِّكُمْ وَصَيِّرُونى فى حِزْبِكُمْ وَاَدْخِلُونى فى شَفاعَتِكُمْ وَ اذْكُرُونى عِنْدَ رَبِّكُمْ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْ اَرْواحَهُمْ وَاَجْسادَهُمْ عَنّى تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ **مؤلف گوید** سوز قلب زائر در وقت وداع وتلخی کاس در مقام فرقت ومهاجرت از آن روضه مقدسه باندازه شوق وانبساط وفرح ونشاط او است در اول ورود ودرجات آن مختلف است بحسب درجات معرفت ومحبت که بآن ذوات مقدسه وارواح طیبه دارد اگر صادق است در آن دعوی وپست ترین مرتبه آن است که بوّاسطه وجود مقدس امام ع نزد او محبوب تر باشد از اهل ومال واولاد وآنچه بآنها دل بسته وعلاقه دارد پس اگر در وقت وداع حالتش چنان است که میخواهد از عزیزترین خلق ومحبوب ترین ایشان در نزد او مفارقت کند واز او جدا شود پس ناچار دلش بریان واشکش دیزان وبا پیش لرزان خواهد بود پس خدا را شکر کند براین نعمت عظیمه والا در دعوی کاذب ودر جایش خائب **خاتمه** در ذکر زیارت انبیاء ع وامامزاده گان و بعضی مطالب متفرقه نافعه ودر آن سه مقام است **مقام اول** در زیارت انبیاء عظام ع که تکریم وتعظیم وتوقیر ایشان عقلاً وشرعاً لازم لا نفرق بین احد من رسله وزیارت ایشان راجح وپسندیده وعلما تصریح نموده اند باستحباب زیارت

ایشان وعدد ایشان اگرچه زیاده از صد هزار است ولکن قبور معلومه ایشان بسیار کم مثل جناب آدم ونوح ع که در مرقد منور حضرت امیر المؤمنین ع مدفونند وجمله از انبیاء بنی اسرائیل که در بیت المقدس که قبور شان در نزد اهل آنجا معلوم وجمله از آنها مشتبه مثل قبر جناب هود وصالح که در اخبار محل آن مختلف وآنچه در قبرستان وادی السلام نسبت میدهند بایشان وابن طاوس وغیره در ضمن آداب زیارت بر ایشان ذکر کرده اند ونیز در شرقی دجله در مقابل شهر موصل در بالای تپه صحن بسیار با نزاهتی ومسجدی وقبر وضریح وقبه با صفا است منسوب بآنجناب وظنون همین است چه آنحضرت مبعوث بر اهل نینوی بود که در قدیم شهر عظیمی بود چند فرسخی از موصل بوده است وآثار آن موجود است ودر بیت المقدس نیز قبر وقبرستان منسوب بایشان ودر شهر موصل قبر جرجیس نبی است وآن نیز مظنون است چه آنحضرت بر اهل بلد مبعوث بود ودر بیرون شهر قبر شیث هبة الله است ودر شوشتر قبر دانیال نبی است ودر خارج حله قبر ایست منسوب بایوب نبی ومنظر بسیار موهونست ومرقد حضرت خلیل الرحمن در قدس خلیل که نزدیک بیت المقدس است معروف ومشهور ومزار ایست برای عامه مسلمین محدود ولکن در جمله از اخبار معلوم میشود که قبر آنحضرت در عراق در نزدیک نجف اشرف است وقبر جناب اسماعیل که در مسجد الحرام است وقبر یوشع که در خارج کاظمین در قبلی مسجد براثا است وقبر جناب زکریا در حلب وقبر جناب یحیی در بیروت وغیر اینها که بعضی شواهد بر صدق دارند وبعضی معتبر ومشکوک است بهرحال در اخبار زیارت مخصوصی برای این بزرگواران بنظر نرسیده جز آنچه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار وبعد از او رضی الدین علی بن طاوس در مصباح الزائر در آداب دخول کوفه نقل کرده اند که چون داخل کوفه شدی پس بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى

اللّه علیه وآله اللّهمّ انزلنی منزلاً مبارکاً وانت خیر المنزلین انگاه دو رکعت نماز بکن
بجهت تحیّة منزل انگاه برو وبگو سبحان اللّه والحمد للّه ولا اله الّا اللّه واللّه اکبر
تا بتوانی و داخل شود در مشهد یونس نبی ع و زیارت کن انجناب را باین زیارت میگوئی
السّلام علی اولیاء اللّه واصفیائه السّلام علی امناء اللّه واحبّائه السّلام علی انصار
اللّه وخلفائه السّلام علی محالّ معرفة اللّه السّلام علی معادن حکمة اللّه السّلام علی
مساکن ذکر اللّه السّلام علی عباد اللّه المکرمین الّذین لا یسبقونه بالقول و
هم بامره یعملون السّلام علی مظاهر امر اللّه ونهیه السّلام علی الادلّاء علی اللّه
السّلام علی المستقرّین فی مرضات اللّه السّلام علی الممحّصین فی طاعة اللّه السّلام
علی الّذین من والاهم فقد والی اللّه ومن عاداهم فقد عادی اللّه ومن عرفهم
فقد عرف اللّه ومن جهلهم فقد جهل اللّه ومن اعتصم بهم فقد اعتصم باللّه
ومن تخلّی عنهم فقد تخلّی من اللّه اشهد اللّه انّی حرب لمن حاربکم وسلم لمن
سالمکم مؤمن بما آمنتم به کافر بما کفرتم به محقّق لما حقّقتم مبطل لما ابطلتم مؤمن
بسرّکم وعلانیتکم مفوّض فی ذلک کلّه الیکم لعن اللّه عدوّکم من الجنّ والانس
انگاه تربت را ببوس و دو رکعت نماز کن برای تحیّة مسجد و دو رکعت نماز کن برای
زیارت وانچه خواهی برای خود دعا کن و برای هر کس که خواهی و مستحب است که
بخواند دعائی را که حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین ع انرا میخوانده در
نزد ان مشهد وانرا دعاء استقاله مینامند وان این است اللّهمّ یا من برحمته
یستغیث المذنبون ویا من الی ذکر احسانه یفزع المضطرّون ویا انس کلّ مستوحش
غریب ویا فرج کلّ محزون کئیب ویا عون کلّ مخذول فرید ویا عضد کلّ محتاج
طرید انت الّذی وسعت کلّ شیء رحمة وعلماً وجعلت لکلّ مخلوق فی نعمک
سهماً وانت الّذی عفوه اعلی من عقابه وانت الّذی تسعی رحمته امام غضبه و

انت

وانت الّذی عطاؤه اکثر من منعه وانت الّذی لا یرغب فی جزاء من اعطاه وانت
الّذی لا یفرط فی عقاب من عصاه وانا عبدک الّذی امرته بالدّعاء فقال
لبّیک وسعدیک ها انا ذا بین یدیک وانا الّذی اوقرت الخطایا ظهره وانا الّذی
افنت الذّنوب عمره انا الّذی بجهله عصاک ولم یکن اهلاً لذاک هل انت راحم
من دعاک فابلغ فی الدّعاء ام انت غافر لمن بکی الیک فاسرع البکاء
ام انت متجاوز عمّن عفّر لک وجهه تذلّلاً ام انت مغن من شکی الیک فقره
الهی لا تخیّب من لا یجد معطیاً غیرک ولا تخذل من لا یستغنی عنک باحد دونک
اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد ولا تعرض عنّی وقد اقبلت علیک ولا تحرمنی و
قد رغبت الیک ولا تجبهنی بالرّدّ وقد انتصبت بین یدیک انت وصفت نفسک
بالرّحمة فصلّ علی محمّد وآل محمّد واعف عنّی فقد تری یا الهی فیض دمعی من
خیفتک ووجیب قلبی من خشیتک وانتقاض جوارحی من هیبتک **مؤلف**
گوید بدانکه اولاً که این زیارت همان زیارت جامعه معروفه صغیره که در زیارت
حضرت کاظم صلوات اللّه علیه مخصوصاً وارد شده وفرموده اند خواندن ان در سایر
مشاهد مشرّفه کافیست ولهذا انرا در باب زیارات جامعه نیز ذکر میکنند وفی
الجمله اختلافی در زیادتی ونقصان دارند که میشود از روی اختلاف نسخ باشد چنانچه
در بسیاری از ادعیه و زیارات دیده شده وزیاده از این اختلاف و ما در جای خود
بان اشاره کردیم که اگر کسی خواسته باشد انرا در مشاهد شریفه بخواند واحتیاط رعایت
کند چنان بخواند اگر چه بنظر حقیر خواندن همین مجزیست وثانیاً که این جامعه
معروفه را جماعتی از بزرگان در زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده اند
باذن در خواندن ان در جای دیگر ولکن عبارت روایت در این مقام مختلف است
ثقة الاسلام در کافی وصدوق در عیون چنین نقل کرده اند که فرموده اند ویجزی فی المواضع

کلها دابن قولویه در کامل الزیارة نقل کرده ان نقول السلم علی اولیاء الله الخ وهذا یجزی
فی الزیارات کلها وابن قولویه در کامل الزیارة نقل کرده ویجزیه فی المواطن کلها و
در اخر وهذا یجزیه فی الزیارات ودر بعض نسخ و فی المشاهد کلها الخ وظاهر اختلاف
در معنی بنا شد ومراد از مواطن ومواضع ومشاهد مطلق مزارهای شریفه مقدسه
است که باید در انجا زیارت کرد وتضرع نمود ودر اول نظر چنانست که مراد از انها
مراقد شریفه ائمه باشد ولکن ظاهر اشامل باشد مراقد انبیا وساير اوصیاء که در
اوصاف مذکوره در ان زیارت سهیم وشریکند با ان ذوات مقدسه هرچند در درجات
مختلف باشند خصوص بملاحظه فقره اخیره که در همه زیارات این زیارت کافی است
یعنی در مقابر شریفه که بایست مخصوصا زیارت کرد بان قناعت میتوان کرد
ومعلوم است که قبور انبیا واوصیا داخلست در ان وگذشت در چند خبر که حاصلش
انکه چون زیارت کنی حضرت امیر المومنین ع را زیارت خواهی کرد جناب ادم ونوح
علیهما السلام را ونیز در این کلام تحریص وترغیب شدید یست بر زیارت کردن ان دو بزرگوار
زیرا که از فضیلت زیارت انحضرت شمردند بودن ان وسیله رسیدن باین فیض عظیم ونتیجه
این کلمات انستکه این زیارت جامعه را در مراقد شریفه انبیاء بخوانند بلکه در حرم مطهر
علوی بجهة زیارت جناب ادم ونوح علیهما السلم واحتمال قوی میرود که شیخ محمد بن المشهدی
وسید بن طاوس که این زیارت را در مشهد جناب یونس نقل نمودند از روی همین
کلیه باشد که بیان شد وچون احتمال میرود که بجهة خصوص زیارت انبیا خبری دیگر
باشند بهتر انکه زائر همین نسخه مذکوره را بخواند وثالثا مستور نماند که نقل زیارت
جناب یونس در اینمکان معلوم چندان صراحتی ندارد که باید قبر شریفش در اینجا باشد
زیرا که از اینمکان تعبیر فرمودند به مشهد ومشهد اگرچه ظهوری دارد در مرقد ومحل
دفن ولکن مطلق مکانی که امتیاز مخصوصی داشته باشد بشخص شریف مزور واز ان

تعبیر میکنند بمشهد یعنی محل حضور او چنانچه در دعای اذن دخول مسجد کوفه
مذکور است السلم علی مولانا امیر المومنین علی بن ابیطالب ورحمة الله وبرکاته
وعلی مجالسه ومشاهده ومقام حکمته واثار ابائه ادم ونوح وابرهیم الخ ومراد
از مشاهد در اینجا امکنه مخصوصه ایست که امتیاز خاصی داشته باشد بر
انحضرت مثل محراب انجا که محل مناجات وعبادت وشهادت انحضرت بود و
جای منبر که محل بیرون امدن درهای غلطان بیبهای خطب وحکمت ومواعظ
ونصیحت بود از صدف مطهر دهان مبارکش وبیت الطشت که موضع ظهور معجزه
غریبه الهیه بود از ان بناء عظیم ودکة القضاء که مجلس فصل خصومت وبسط معدلت
بود از ان علی حکیم وهکذا وبنابراین احتمال قوی میرود که انمحل بیرون انداختن ماهی
باشد جناب یونس را از دهان خود وبروز ان همه ایات عجیب الهیه در حفظ وحراست
وتقویت اش تا انگاه که بقوم خود در نینوی مراجعت نمود والبته چنین مکان در نهایت
شرافت خواهد بود وبجهة امتیازش بانجناب زیارتش مناسب مثل زیارت حضرت سید
الشهداء ع در مسجد حنانه چنانچه گذشت ورابعا مسجد یکه در اخر زیارت ذکر کردند
که در ان دعای استقاله حضرت امام زین العابدین را بایست خواند مسجد شریفی است
وبرای ان اعمال مخصوصه است وربطی بزیارت جناب یونس ندارد وظاهرا اصل مرقد
در زوایای مسجد بود اگرچه حال جدا شده وصاحب مزار قدیم روایت مبسوطی در
اعمال وادعیه مسجد کوفه نقل کرده ودر انجا بعد از ورود کوفه وذکر غسل در انجا
ودعا ان مذکور است که پس پاکترین جامهای خود را بپوش ودو رکعت نماز کن در مسجدی
که نزد شریعه است که انموضع شریفی است وچون از نماز فارغ شدی بگو اللهم تا اخر
دعا انگاه دو رکعت نماز تحیت مسجد را بکن وپس از ان بگو اللهم تا اخر دعا انگاه
متوجه شو بسوی کوفه یعنی مسجد وما این دو دعای شریف را در رساله سلامة

المرتضی نقل کردیم و در المجمع تر اصلا ذکری از جناب یونس و مقبره و زیارت نیست و این خود نیز مؤید است آنچه را ذکر نمودیم که قبر آنجناب در نینوی نزدیک موصل است نه در اینجا و نه در بیت المقدس پس معلوم شد که از آداب زائرین در نجف اشرف آمدن باین مسجد شریف است و کردن چهار رکعت نماز و خواندن سه دعای شریف دارای مضامین عالیه که از خصایص اینجاست **مقام دوم** در ذکر زیارت امامزادگان عظام و شاهزادگان والا مقام که قبور شان محل فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایات الهیه است و علمای اعلام تصریح نمودند باستحباب زیارت قبور ایشان که بحمد الله تعالی در غالب بلاد مومنین موجود بلکه در قری و بریه و اطراف کوهها و دره ها و پیوسته ملاذ درماندگان و ملجاء واماندگان و پناه مظلومین و تسلی دلهای آزردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیام و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده و لکن مخفی نماند که امامزادگان که انسان با اطمینان خاطر مخصوص درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شد رحال کند بسمت قبر شریفش باید اول دو مطلب را درست کرده آنگاه قصد مقصد کند اول جلالت قدر و عظمت شان صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت نسب و علاقه بنوت بحسب الخبر از کتب احادیث و انساب معلوم میشود دوم معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسبت آن قبر باو و جمع این دو مطلب کم است چه بسیاری از قبور که نسبت میدهند بآن بزرگواران در حال صاحبانش معلوم و نه مدفون بودن در اینجا و جمله دفن در اینجا معلوم و حال صاحبش مجهول و پاره جلالت قدر آن امامزاده معلوم و لکن مرقد شریفش مشتبه مثل سید جلیل علی پسر حضرت امام جعفر صادق ع و تربیت کرده برادر بزرگوارش که از بزرگان راویان و صاحب تصنیف که تاکنون در دست است بحمد الله چهار یا پنج امامزاده را درک نموده و خدمت کرده و لکن

قبر شریفش مشتبه و سه موضع است که باو نسبت میدهند اول در بیرون قلعه سمنان در میان باغچه با صفا و قبه عالیه رفیعه و عمارت مختصر با نزاهت دوم در بلده طیبه قم در بقعه عالیه صحن وسیع و آثار قدیمه که سبب اطمینان تمام اهل آن بلد است در بودن قبر شریفش در اینجا سیم یکفرسخی مدینه طیبه در قریه عریض که ملک آنجناب و محل سکنای خودش و ذریه اش بود و لهذا او را علی عریضی و اولادش نیز باین لقب در کتب انساب و غیرها معروفند و در آنجا نیز بر قبر شریفش قبه است عالیه و ما در خاتمه مستدرک در شرح مشیخه صدوق در مقام ذکر احوال آن بزرگوار واضح و روشن نمودیم که صحیح همین است و آنجناب اصلا بعجم نرفته هر که خواهد بآنجا رجوع کند و چند نفر از ذریه او و ذریه جعفر پسر امام علی نقی ع نیز معروف و نام ایشان علی پسر جعفر محتمل است آن دو قبر منسوب بآنها باشد باقی ماند قلیلی که هر دو جهت آن مکشوف است مثل قبر اسمعیل پسر امام جعفر صادق ع که در بقیع نزدیک ائمه بقیع علیهم السلام معلوم است و جمله از اولاد حضرت امام موسی کاظم ع مثل سید جلیل عظیم القدر والشان احمد معروف بشاه چراغ که در داخل شهر شیراز مدفون و در ظاهر نیز از جهت قبه و صحن و ضریح و خدمه و موقوفات و تعظیم و احترام تمام دارد و برادر دیگرش قاسم که در هشت فرسخی حله مدفون است و قبر شریفش زیارتگاه عامه خلق است و پیوسته علما و اخیار بزیارت او روند و حدیثی در السنه معروف است قریب باین مضمون که حضرت امام رضا ع فرمود هر کس قادر نیست بر زیارت من پس زیارت کند قاسم برادرم را و اینخبر در جائی دیده نشده و تاکنون کسی از اصل آن نشان نداده و لکن بزرگی جلالت و علو رتبت جناب قاسم اجل از آن است که برای ترغیب بزیارتش متمسک شود انسان باین خبر بی اصل و نشان چه آنکه در اصول کافی خبری است که دلالت میکند بر عظمت شان و بزرگی مقام او تا آنجا که عقل تصور نمیکند

ثقة الاسلام در باب اشاره و نص بر حضرت علی بن الرضا علیه السلام خبری طولانی نقل کرده از
یزید بن سلیط از حضرت صادق علیه السلام در راه مکه و در آنجا مذکور است که آنحضرت
با و فرمود خبر دهم ترا ای ابا عماره بیرون آمدم از منزلم پس وصی قرار دادم پسرم فلان
یعنی جناب امام رضا علیه السلام و شریک کردم با او پسران خود را در ظاهر و وصیت کردم با و در
باطن پس اراده کردم تنها او را و اگر امر راجع بسوی من بود هر آینه قرار میدادم امامت
را در قاسم پسرم بجهة محبت من او را و مهربانی من بر او ولکن این امر راجع بسوی خداوند
عز و جل است قرار میدهد آنرا هر جا که میخواهد الخ و علامه مجلسی در رساله گفته که از
جمله امامزادهها مشهور امامزاده قاسم فرزند امام موسی علیه السلام است که در حوالی نجف
اشرف مدفونست و قبرش معروفست و سید بن طاوس ترغیب بزیارت او نموده است
انتهی و مثل برادر دیگرش امامزاده حمزه که با امامزاده احمد و محمد انبجا در یند و قبر
شریفش در ری نزدیک نزدیک قبر حضرت عبد العظیم است و مادامیکه عبد العظیم زنده
در ری زنده بود پیوسته بزیارت او می آمد چنانچه خواهد آمد در حکایت حال او و این
سید جلیل القدر الان در ری صاحب قبه و بارگاه و ضریح و صحن و خدمه است و هر که
بزیارت عبد العظیم میاید بقصد بجا آوردن زیارت او نیز میکند و دولت فیض زیارت او را مینماید و بیا
صاحب تعظیم و احترام است و بدانکه در جزیره که در جنوب حله و بین دجله و فرات است قبریست
که مشهور بقبر حمزه پسر حضرت کاظم علیه السلام است مردم او را زیارت میکنند و برای او کرامات
بسیار نقل میکنند ولکن این شهرت بی اصل است بلکه حمزه فرزند حضرت موسی علیه السلام
همانست که ذکر شد در ری مدفونست و این حمزه ابن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن ابن
عبد الله ابن عباس بن علی ابن ابیطالب علیه السلام ابو یعلی ثقه جلیل القدر است که شیخ
نجاشی و دیگران در رجال او را ذکر نموده اند چنانچه تصریح باین فرموده امام عصر صلوات
الله علیه در حکایت تشرف سید العلماء و سناء الفقهاء وحید عصره جناب سید مهدی قزوینی

طاب ثراه ساکن در حله سیفیه بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه و مجمل الحکایت چنانست
است که وقتی سید مرحوم بجزیره تشریف بردند و میهمان شدند بر اهل قریه که در آنجزیره
است پس اهل آنجا مستدعی شدند از جناب ایشان که زیارت کنند حمزه را سید امتناع
نمودند و فرمودند نزد من بصحت نرسیده که حمزه پسر موسی علیه السلام در ری مدفونست با
عبد العظیم و صاحب این مزار را نمیشناسم و لهذا زیارت نکنم پس از آنجا حرکت نمودند
و شب را در مزیدیه نزد بعضی از سادات بیتوته فرمودند وقت سحر نافله شب را بجا
آورده منتظر طلوع فجر بودند که ناگاه داخل شد بر او جناب صاحب الامر صلوات
الله علیه بهیئت سیدی که معروف بوده در نزد مرحوم سید از اهل القریه پس بعد
سلام و نشستن فرمودند یا مولانا دیروز میهمان اهل قریه حمزه شدی و او را زیارت
نکردی گفتند بلی فرمودند چرا عرض کردند زیرا که زیارت نمیکنم کسی را که نمیشناسم و حمزه
پسر حضرت موسی علیه السلام مدفونست در ری پس آنجناب فرمودند رُبَّ مَشْهُورٍ لا اَصْلَ
لَهُ بسا چیزها که شهرت کرده و اصلی ندارد و این قبر حمزه پسر حضرت موسی کاظم علیه السلام نیست
هر چند چنین مشهور شده بلکه او قبر ابو یعلی حمزة بن قاسم علوی عباسی است یکی از
علماء اجازه و اهل حدیث و او را اهل رجال ذکر کرده اند و او را ثنا کرده اند بعلم
و ورع و بعد از آن سید برخواست و برفت تا آخر حکایت که در نجم ثاقب است و مثل او
حمزه امیر علی بن حمزه بن موسی الکاظم علیه السلام که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصطخر است
چنانچه در عمدة الطالب و غیره ذکر شده و مثل سیده جلیله معظمه فاطمه دختر امام موسی
مدفونه بقم در نهایت جلالت و علو مقام است و در سنه دویست و یکصد پس از یکسال
بود جناب امام رضا علیه السلام از مدینه بامر مامون بمرو تشریف برده بودند آنمخدره بشوق
ملاقات برادر نیز از مدینه بیرون آمد بطلب آنحضرت و تشریف آورد تا بساوه همینکه آنجا
رسید مریضه شد پرسید که تا قم چند است گفتند ده فرسخ است پس خادم خود را از خو

کرد را بقم بر همینکه خبر رسید باشعریین از آل سعد پس اتفاق کرده باستقبال آنحضرت
شتافتند واستدعا کردند که ایشان مخدره در قم نزول فرماید پس موسی بن خزرج در میانه
بن سعد که بزرگ ایشان بود از همه سبقت کرده و مهار ناقه را گرفت وکشید تا وارد شهر شد
انکه مهر را بقم در خانه خود پس آن معظمه نزول اجلال در خانه او نمودند و تا مدت شانزده
یا هفده روز مکث فرمود پس از دنیا رحلت کرده و بآبا طاهرین خود پیوست رضوان
الله علیها پس او را دفن کردند در بابلان بتفصیلی که در تاریخ قم ذکر شده و مزارش در بابلا
ن که اسم همان مکان است معروف و معلوم و دارای قبه عالیه و ضریح و صحن متعدد و خدام بسیار و
موقوفات و تعظیم واحترام تمام دارد وقبر شریفش ملاذ و معاذ عامه خلق است و در هر سالی
جماعات بسیار از بلاد بعیده شد رحال کنند و تعب سفر کشند بجهة درک فیوضات از زیارت
آن معظمه و از برای او زیارتی است مرویه از حضرت امام رضا ع که بسعد اشعری تعلیم فرموده اند
و علامه مجلسی آنرا در کتاب تحفه ذکر فرموده و در فضیلت زیارتش روایات بسیار وارد شده
از آنجمله شیخ فاضل جهرما هر حسن بن محمد قمی که معاصر شیخ صدوق است در تاریخ قم که بجهة
کافی الکفات صاحب بن عباد نوشته بسند خود روایت کرده که جناب صادق ع فرمودند
بدرستیکه از برای حق تعالی حرمی است و آن مدینه است و برای امیر المؤمنین ع حرمی است و آن
کوفه است و از برای اهل بیت ع حرمی است و آن قم است و بعد از این دفن شود در آنجا زنی از اولاد
من که نامیده میشود بفاطمه هر که او را زیارت کند بهشت از برای او واجب شود راوی گفت وقتیکه
حضرت این را فرمود هنوز حامله نشده بود مادر حضرت موسی ع بآن امام بزرگوار و بروایات
دیگر منقولست که زیارت فاطمه معادل با بهشت است و بدانکه جماعت بسیاری از بنات فاطمیه
و سادات علویه در قم در جنب ستی فاطمه ع مدفونند مثل جمله از دختران حضرت جواد ع چنانچه
خواهد ذکر شد و بسیاری از دختران موسی مبرقع مثل ام محمد و خواهرش میمونه و خواهر دیگرش
بریهیه و خواهر محمد بن موسی و غیر ایشان مثل ام اسحق جاریه محمد بن موسی و ام حبیب جاریه محمد

بن

بن احمد الرضا چنانچه فاضل متقدم در تاریخ خود فرموده پس از آن فرموده که از جمله قبوریکه
در قم است قبر ابی جعفر موسی بن محمد بن علی الرضا علیهما السلم است و او اول کسی است از سادات
رضویه که وارد قم شد و پیوسته برقع بر روی گذاشته بود پس بزرگان عرب او را از قم
بیرون کردند پس از آن پشیمان بجهة تشنیع شتافتند و او را و اعتذار خواسته مکرما بقم وارد ش
ساختند وگرامی داشتند او را و از اموال خود برای او خانه و مزرعه ها خریدند و حال
موسی در قم نیکو شد تا آنکه از مال خود قریه ها و مزارعی خرید پس از آن وارد شد بر او خواهرانش
زینب و ام محمد و میمونه دختران حضرت جواد علیه السلام پس بریهیه دختر موسی و تمام اینها
اینها مدفون شدند نزد فاطمه سلام الله علیها و موسی شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الاخر سنه
دویست و نود و شش از دنیا رفت و مدفون شد در موضعیکه الحال معروفست
قبرش پس از آن ذکر نموده قبور جمع کثیری از سادات رضویه و بسیاری از اولاد محمد بن جعفر
الصادق علیه السلام و جمله از اولاد علی بن جعفر و قبور جمعی از سادات حسنیه که محل ذکر اینها
اینجا نیست بلی لازمست که جزئی اشاره شود بحال موسی که علامه مجلسی ره در تحفه فرموده که
در قم قبور بسیار هست که منسوبست باولاد ائمه طاهرین علیهم السلام و بعضی از اینها انتسابش
باینها معلوم نیست و بعضی احوال ایشان معلوم نیست مثل موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی
علیه السلام که از بعضی احادیث مذمتی او ظاهر میشود و ظاهر مراد جنابش از بعضی احادیث حدیثی
است که شیخ مفید طاب ثراه در کتاب ارشاد در باب نصوص و معجزات ابی الحسن هادی
علیه السلام آورده از حسین بن حسن از یعقوب بن یاسر نقل میکند که فی الجمله دلالت دارد بر آنکه
موسی در زمان عنفوان و غرور جوانی شرب نبیذ میکرده ولکن این خبر ضعیف است بجهت
چند اولا جهالت دو راوی این خبر بلکه یعقوب که راوی متن خبر است ظاهرا از بستگان متوکل
است و خبر را اگرچه شیخ مفید طاب ثراه ذکر فرموده که مقدم بر علما و شیخ محدثین و متکلمین و
فقها است بلکه غیر ابن بابویه از دیگران اما در باب فضایل و مناقب و معجزات و امثال آن در

نقل اخبار محامد و مناقب داشتند بلکه اکر راوی از اعدا و مخالفین باشد در ذکر آن بیشتر
اعتنا داشتند و ثانیاً آنکه کویند کلماتی که در عیب موسی است مثل موسی وصاف عراف
یا کل و یشرب الخ همه از فساق و اتباع متوکل بودند که بشهادت تمام ایشان در شرع مطهر ثابت
نشود نه جرحی و نه تعدیلی و ثالثاً معارض بودن آن با خبر مکه شیخ کلینی ره در کافی ذکر نموده
که متضمن است کواه کرفتن حضرت جواد علیه السلام موسی را بر نسخه وصیت و در آن تصریح
شد که موسی از جانب پدر بزرکوار مستقلاً متولی بود بر جمله از موقوفات آنحضرت بی مشارکت احدی حتی
والده بزرکوار خود متصرف باشد در آنها و تولیت او و قاف از جانب امام از شواهد عدالت و امانت و دیانت
جناب یحیی مخفی نیست و غیر اینها که تفصیل آن در بدر مشعشع است پس ظاهر شد که بمجرد این خبر نتوان در موسی قدح
کرد و متعرض او شد با آنکه موسی نعوذ بالله شارب الخمر بود و امثال که در لسان بعض مخبران و مخبران از عوام
دایر شده که کاشف است از بی باکی و قلت مبالات و چه نیکو فرموده علامه مجلسی ره در بحار الانوار
که وارد شد بعضی اخبار در ذم موسی لکن قدحی نمیرساند با ایشان مجرد بعض خبرهای نادره با وجود آنکه رسیده
در خبر مهمی از قدح در آنها و متعرض شده با آنها بجهت این نوع خبرها انتهی و بدانکه این موسی همان است که از کثرت
فضایل و مناقب و تقوی و سکوت نفس و حسن رفتار و الی قم او را شبیه با ائمه کرده قابل امامت میدانستند او را
و از اتقان و احکام محدثین قم بر همه ظاهر و معلوم است که اکر شخصی از ضعیفی یا مجهول الحال یا دروغکو روایت
میکرد او را طرد میکردند هر چند بزرک و صاحب شان و منزلت بود و ذلیل احترام و اکرام ایشان از سید را
و او در طبقه خود مثل احمد بن محمد بن عیسی الاشعری و احمد بن اسحق و محمد بن یحیی و امثال ایشان بوده که جمع کثیر
بودند صاحب ریاست دینیا و اخروی و علما در کتب حدیث از او روایت میکنند چون ثقة الاسلام در کافی و شیخ الطایفه
در تهذیب و ابن بابویه در بار میراث خنثی و حسن بن علی بن شعبه در تحف العقول و غیر ایشان رضهم و مثل معظمه مجلله حضرت
حکیمه خواتون دختر امام محمد تقی ع که چهار امام را درک نموده با آنها خدمت کرده و در میان سادات علویه و بنات ائمه
از جهت فضایل و مناقب و عبادات و علم ممتاز و بمحل اسرار امامت و بمنصب سفارت رسانده از اغراض خلق بامام عصر علیه السلام
و رسانده توقیعات شریفه سرافراز بود و قبر شریفش در قبه سامیه عسکریین ع است و بر نهج اجلالت شان او در شاکن

ولکن

ولکن علما مجتهدین مکرمین بیان زیارت ذکر نفرموده‌اند پس تا بدین زیارت نمود او را که زیارتی که بر امطلق او و اولاد ائمه
بعد از این ذکر میشود و مثل امام زاده لازم التعظیم جناب عبد العظیم که نسب شریفش بچهار واسطه منتهی
میشود بامام حسن مجتبی ع و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور است و بعلو مقام و جلالت شان معروف از اکابر
محدثین و اعاظم علما و زهاد و عباد و صاحب ورع و تقوی و قائل بتوحید و عدل بوده و از اصحاب حضرت جواد
و حضرت هادی ع است و نهایت توسل و انقطاع بخدمت ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت
کرده و او است صاحب کتاب خطب امیر المؤمنین ع و فقیر یافتم نسخه از کتاب شیخ طوسی ره بخط بعض علما که تاریخ کتابت
او روز شنبه پانزدهم ربیع الاول از سنه پانصد و هفتاد هجری بود در آخر جزو اول آن نوشته بود بیان
فضایل و علو مقام و رتبه علم و زهد جناب عبد العظیم ع از آن جمله در وصف علم او نوشته بود که روایت
کرده ابو تراب رویانی کفت شنیدم از ابو حماد رازی که میکفت وارد شدم بر حضرت امام علی النقی ع در سر من
رای پس سؤال کردم از آنحضرت پاره جمله از مسائل حلال و حرام پس جواب داد مسائل مرا اما آنکه زمانیکه
خواستم برکردم ایم بوداع آنحضرت رفتم همینکه وداع کردم آنحضرت فرمود ندای حماد وقتیکه مشکل
شد چیزی از امور دینت در ناحیه خود پس سؤال کن آنها را از عبد العظیم بن عبد الله حسنی و سلام
مرا باو برسان ای و محقق داماد در رواشح کفته که احادیث بسیار در فضیلت زیارت عبد العظیم روایت
شده و وارد شده که هر که زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود و شیخ شهید ثانی ره در حواشی
خلاصه همین روایت را از بعض نسابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه بسند معتبر روایت
کرده اند که مردی از اهل ری بخدمت حضرت امام علی نقی ع رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی بزیارت
عرض کرد که بزیارت امام حسین ع رفته بودم فرمود که اکر زیارت میکردی قبر عبد العظیم را که نزد شما است
هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین ع کرده باشد و شیخ نجاشی در رجال بسند معتبر از احمد
بن محمد بن خالد برقی روایت کرده که جناب عبد العظیم از خلیفه کریخت و بشهر ری آمد و در خانه مردی از شیعیان
در سکة الموالی در آنجا عبادت خدا میکرد و پیوسته روزها روزه میداشت و شبها بنماز برپا میداشت
و پنهان میآمد زیارت میکرد قبری که در مقابل قبر او است و راه کمی در بین است و میکفت این قبر

مردی از فرزندان امام موسی ع است و پیوسته در انجا میبوده و نیک بوده و از شیعه میشدند از احوال او تا
انکه اکثر مردم ری او را شناختند پس شخصی از شیعه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در خواب
دید که آنحضرت فرمود مردی از فرزندان مرا از سکة الموالی خواهند داشت و مدفون خواهند کرد نزد
درخت سیب در باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب و اشاره فرمود بهمان مکانی که در انجا مدفون است پس آن شخص
رفت که آن درخت و مکان را از صاحب باغ بخرد صاحب باغ گفت از برای چه میخری این درخت و مکان را آن
شخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت که من نیز چنین خوابی دیده‌ام و موضع این درخت را با جمیع
باغ وقف کردم بر آن سید و سایر شیعیان که در انجا مرده‌های خود را در انجا دفن کنند پس عبد العظیم
بیمار شد و برحمت ایزدی واصل گشت چون او را برهنه کردند که غسل دهند در جیبش رقعه یافتند
که در آنجا نسب شریف خود را نوشته بود که منم ابو القاسم عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن
بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب ع **مؤلف گوید** در زاویه که طرف شمال صحن جناب
عبد العظیم است مزار دیگری است صاحب بقعه و قبه رفیعه و پیوسته محل زیارت مردم است و معروف است
بامام زاده طاهر و از برای او زیارت تالیف کرده اند که بعضی فقراتش مشعر است بانکه این امام زاده
در سابق معلوم نبوده و تازه ظاهر شده **و اما الفاظیکه** امام زادگان بان زیارت کرده میشوند
پس چنان است که سید اجل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر ذکر نموده فرموده وقتیکه قصد
کردی زیارت کنی یکی از اولاد ائمه را مثل قاسم فرزند حضرت کاظم ع یا عباس فرزند امیر المؤمنین یا علی
بن الحسین ع که مقتول بطف است و هر کدام که جاری مجرای ایشان هستند رحکم پس بایست نزد قبر
ایشان و بگو السلم علیك ایها السید الزکی الطاهر الولی و الداعی الحفی اشهد انك قلت
حقا و نطقت حقا و صدقا و دعوت الی مولای و مولاك علانیة و سرا فاز متبعك
و نجی مصدقك و خاب و خسر مکذبك و المتخلف عنك اشهد لی بهذه الشهادة عندك لاکون
من الفائزین بمعرفتك و طاعتك و تصدیقك و اتباعك و السلم علیك یا سیدی و
ابن سیدی انت باب الله المؤتی منه و المأخوذ عنه اتیتك زائرا و حاجاتی لك مستودعا

وها انا استودعك دینی و امانتی و خواتیم عملی و جوامع املی الی منتهی اجلی و السلم علیك
و رحمة الله و برکاته **مؤلف گوید** که قاسم بن کاظم ع که سید بن طاوس ذکر نموده همان
سید جلیل القدر که مذکور شد و این عبارت سید نیز دلالت تام دارد بر نوعی که شان
آنجناب نزد سید رضه فرموده زیارت دیگر است که زیارت کرده میشوند اولاد ائمه ع بان و
آن چنانستکه میگوئی السلم علی جدك المصطفی السلم علی ابیك المرتضی الرضا السلم علی السیدین
الحسن و الحسین السلم علی خدیجة ام سیدة نساء العالمین السلم علی فاطمة ام الائمة الطاهرین
السلم علی النفوس الفاخرة و بحور العلوم الزاخرة شفعائی فی الآخرة و اولیائی عند عود الروح
الی العظام الناخرة ائمة الخلق و ولاة الحق السلم علیك ایها الشخص الشریف الطاهر الکریم اشهد
ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و مصطفاه و ان علیا ولیه و مجتباه و ان الامامة
فی ولده الی یوم الدین نعلم ذلك علم الیقین و نحن لذلك معتقدون و فی نصرهم مجتهدون
مقام سیم در بعضی مطالب متفرقه نافعه و در آن هشت مطلب است **اول** در توسل
برسول خدا و ائمه طاهرین ع در ایام هفته شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح از ائمه ع روایت کرده که مستحب
است آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید و چهار
رکعت را هدیه حضرت رسول خدا ص بگرداند و چهار رکعت را هدیه حضرت فاطمه سلام الله علیها
و در روز ~~چهارشنبه~~ شنبه چهار رکعت بکند و هدیه حضرت امیر المؤمنین ع کرداند و همچنین
و همچنین هر روز چهار رکعت کند و هدیه امامی کرداند بترتیب تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت
کند و هدیه امام جعفر صادق ع کرداند و باز در روز جمعه هشت رکعت کند و چهار رکعت را هدیه حضرت
پیغمبر رسول ص و چهار رکعت را هدیه حضرت فاطمه ع کرداند در روز شنبه چهار رکعت هدیه
امام موسی ع کرداند و همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و بامامی هدیه کرداند بترتیب تا روز پنج
شنبه چهار رکعت را هدیه امام عصر ع نماید و ما بین هر دو رکعت از این نمازها این دعا بخواند
اللهم انت السلم و منك السلم و الیك یعود السلم حینا ربنا منك بالسلم اللهم ان هذه الرکعات

هدية منى الى وليك فلان فصل على محمد واله وبلغه اياها واعطنى افضل املى ورجائى
وفى رسولك صلواتك عليه واله وفيه پس هرچه خواهى طلب بكند وبجاى فلان
اسم معصوم را ميگويد كه نماز را براى هديه او بجا مى‌آورد مؤلف گويد كه نسبت ايام به
چهارده معصومين ع بحسب اعمال و اوراد ديگر بايد انها متوسل شد بايشان بجهت رسيدن بمنافع
داخليه و خارجيه دنيويه واخرويه ودفع كردن بلاهاى اسمانى وزمينى وشرور شياطين انسى و
جنى مختلف رسيده اما در توسل بحضرت رسول مختلف رسيده اما در توسل بحضرت رسول
وائمه ع بوسيله نماز وبودن هديه نماز در نزد ايشان پس چنان است كه ذكر شد واما بوسيله
زيارت وتوسل بسلام وثنا گوئى ومدح پس ميگويد كه سيد بن طاوس رض در كتاب جمال
الاسبوع ذكر نموده شنبه منسوب برسول خدا ص ويكشنبه باميرالمؤمنين ع ودوشنبه بامام حسن
وامام حسين عليهما السلام وسه شنبه بامام سجاد وامام محمد باقر وامام جعفر صادق ع وچهار
شنبه بحضرت كاظم وامام رضا وامام محمد تقى وامام على نقى ع وپنجشنبه بامام حسن عسكرى ع
وروز جمعه منسوب است بامام عصر ع وباسم اواست وان روزيستكه ظاهر خواهد شد
در ان روز وبراى هر روز زيارتى ذكر نموده ودر هريك از انها اشاره شده باين مطلب كه
امروز روز شما است ومن در اين روز مهمان شمايم اورد مرا ضيافت كنيد وپناه دهيد واين
ترتيب مطابق است باروايت كرده از حضرت هادى ع رسيده داصلت قاد صقر بن ابى دلف وديگرى
قطب راوندى ره از ابى سليمان اورده نقل نموده اند وذكر انجه در زيارت منافاتى با انتصاب دارد طالبين
از موضع احد نمايند ومخفى نماند كه چنانچه از براى ايام هفته وساعات روز تقسيمى است بائمه ع
از براى ايام ماه نيز تقسيمى است منسوب بايشان كه در هر روز بايد خواند تسبيحى كه مختص است
بان بزرگوار روز منسوب باو است وسيد فضل الله راوندى در كتاب عنوان تسبيحها را ذكر نموده
دوم رقعه استغاثه است بحضرت صاحب الامر عجل الله فرجه شيخ كفعمى در جنة الواقيه ومحقق
سبزوارى در مفاتيح النجاة وديگران ذكر كرده اند كه استغاثه ايست مخصوص حضرت ع مينويسى

انچه را ذكر ميكنم ومياندازى انرا در نهرى ياچاهى يا در غديرى يا در قبرى از قبور ائمه ع يا رقعه را الى منكب ومهر ميكنى ودر ميان گل
پاكيزه ميگذارى ومياندازى انرا در نهرى ياچاه يا در غديرى كه ان رقعه مهر شده بحضرت صاحب
الامر ع وانجناب خود متكفل ميشوند براوردن حاجت ترا وانچه در رقعه مى‌نويسى اين است ٤
پس ميروى نزد نهر يا غدير ابى وقصد ميكنى يكى از نواب صاحب الامر ع را اگر عثمان بن عمرو يا پسر
او محمد بن عثمان يا حسين بن روح يا على بن محمد سمرى رض را كه اين جماعت وكلاء ونواب انحضرت
بودند در غيبت صغرى پس ندا ميكنى يكى از ايشان را كه يا فلان بن فلان سلام عليك اشهد ان
وفاتك فى سبيل الله وانك حى عند الله مرزوق وقد خاطبتك فى حيوتك التى لك عند الله
عز وجل وهذه رقعتى وحاجتى الى مولينا ع فسلمها اليه فانت الثقة الامين اى فلان بن فلان
سلام بر تو باد گواهى ميدهم كه وفات تو در راه خداوند بود وتو زنده در نزد خداى عز وجل كه تو را
روزى ميدهد وبا تو مخاطبه ميكنم در ان زندگانى كه دارى در نزد خداوند عز وجل واين
رقعه حاجت من است بسوى مولاى ما پس برسان وتسليم كن او را بانجناب كه تو ثقه وامينى پس
بينداز ان رقعه را در نهر يا در چاه يا در غدير يا نهر او ره شود حاجت تو ان شاء الله تعالى ونيز شيخ
كفعمى در كتاب بلد الامين روايت كرده از حضرت صادق ع كه هرگاه ترا حاجتى بسوى خدا باشد يا از
امرى خائف وترسان باشى بنويس در كاغذى بعد از بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اتوجه اليك
باحب الاسماء اليك واعظمها لديك واتقرب واتوسل اليك بمن اوجبت حقه عليك بمحمد
وعلى وفاطمة والحسن والحسين ونام ميبرى يكيك از ائمه ع را پس مينويسى اكفنى كذا وكذا يعنى
حاجت خود را ذكر ميكنى پس ميپيچى رقعه را وميگذارى او را در بندقه از گل ومياندازى او را
در اب جارى يا چاهى كه خداوند تعالى فرج كرامت ميفرمايد مؤلف گويد كه نسخه رقعه
استغاثه بسوى حضرت حجت ع بانحاء كثيره روايت شده وبعضى از انها را علامه مجلسى ره در كتاب مزار
بحار كه محل انها است ذكر فرموده ولكن نسخه بنظر رسيد كه نه در ان دو كتاب ونه در كتب ادعيه
متداوله ذكر شده لهذا نقل انرا در اينجا لازم ديدم فاضل متبحر محمد بن محمد الطيب از علماء دولت

٣ بسم الله الرحمن الرحيم كتبت
يا مولاى صلوات الله عليك
مستغيثا وشكوت ما نزل بى
مستجيرا بالله عز وجل ثم بك من
امر قد دهمنى واشغل قلبى واطال
فكرى وسلبنى بعض لبى وغير
خطير نعمة الله عندى اسلمنى
عند تخيل وروده الخليل
وتبرأ منى عند ترائى اقباله
الى الحميم وعجزت عن دفاعه
حيلتى وخاننى فى تحمله صبرى و
قوتى فلجأت فيه اليك و
توكلت فى المسئلة لله جل ثناؤه
عليه وعليك فى دفاعه عنى علما
بمكانك من الله رب العالمين ولى التدبير
ومالك الامور
واثقا بك فى المسارعة فى الشفاعة
اليه جل ثناؤه فى امرى متيقنا
لاجابته تبارك وتعالى اياك
باعطائى سؤلى وانت يا مولاى
جدير بتحقيق ظنى وتصديق املى
فيك فى امر كذا وكذا فيما لا طاقة
لى بحمله ولا صبر لى عليه وان كنت مستحقا
له ولاضعافه بقبيح افعالى وتفريطى
فى الواجبات التى لله عز وجل على
فاغثنى يا مولاى صلوات الله عليك
عند اللهف وقدم المسئلة لله
عز وجل فى امرى قبل
حلول
التلف وشماتة الاعداء فبك بسطت النعمة على واسئل الله جل جلاله لى نصرا عزيزا وفتحا قريبا فيه بلوغ الامال وخير المبادى وخواتيم الاعمال والامن من المخاوف كلها فى كل حال انه جل ثناؤه لما يشاء فعال وهو حسبى ونعم الوكيل فى المبدأ والمآل

صفوة

رقعهٔ استغاثه

صفویه در کتاب انیس العابدین که علامه مجلسی ره بجا رو فاضل خبیر میرزا عبد الله اصفهانی در صحیفهٔ ثالثه از ان نقل میکنند نقلکرده از کتاب سعادات ابن عباس دعا توسل از برای هر مهمی و حاجتی بسم الله الرحمن الرحیم توسلت الیك یا ابا القاسم محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب النبأ العظیم والصراط المستقیم و عصمة اللاجین بامك سیدة نساء العالمین وبابائك الطاهرین و بامهاتك الطاهرات بیس والقران الحکیم والجبروت العظیم وحقیقة الایمان و نور النور وکتاب مسطور ان تکون سفیری الی الله تعالی فی الحاجة لفلان اهلاك فلان بن فلان واین رقعه را در گل پاکی بگذار و در نهر جاری یا چاهی بینداز و در انحال بگو یا سعید بن عثمان ویا عثمان بن سعید او صلا قصتی الی صاحب الزمان صلوات الله علیه نسخه چنین بوده ولکن بملاحظه روایات وطریقه بعضی از رقاع که از انجمله این رقعه ایست که اول ذکر شد باید چنین باشد یا عثمان بن سعید یا محمد بن عثمان الی والله العالم سیم نمود که علی برای برامدن حوایج ثقة الاسلام در کافی بسند معتبر روایت کرده از عبد الرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق و عرض کردم فدایت شوم بدیری من از پیش خود دعائی اختراع کردم انحضرت فرمود واگذار مرا از انچه خود اختراع کرده هرگاه ترا امری حادث شود پس پناه ببر برسول خدا صلی الله علیه واله و دو رکعت نماز کن وهدیه کن انرا بسوی حضرت رسول ع عرض کردم بچه نحو کنم این نماز را فرمود غسل میکنی و دو رکعت میگذاری و افتتاح می کنی این دو رکعت را مثل افتتاح فریضه و تشهد بخوان بنحویکه در نماز واجب خود میخوانی پس چون فارغ شدی از تشهد و سلام گفتی میگوئی ۳ پس بسجده میروی و میگوئی چهل مرتبه یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین پس جانب روی راست بر زمین میگذاری و میگوئی این دعا را نیز چهل مرتبه پس جانب چپ روی را بر زمین میگذاری و باز چهل مرتبه میخوانی پس سر از سجده برمیداری و دستها را بلند میکنی و چهل مرتبه میخوانی پس دستها را بگردن خود میگذاری و انگشت شهادت دست را استر انجانب است و چپ حرکت میدهی

وچهل مرتبه میگوئی پس میگیری ریش خود را بدست چپ و گریه میکنی و اگر گریه ات نیاید تباکی میکنی و میگوئی یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله والیك حاجتی واشکو الی اهل بیتك الراشدین حاجتی وبکم اتوجه الی الله فی حاجتی پس بسجده میروی و میگوئی یا الله یا الله تا وقتیکه نفس منقطع شود صل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا و بجای وافعل کذا حاجت خود را طلب میکنی پس حضرت صادق ع فرمود که ضامنم بر خدا عز وجل که از جای خود حرکت نمیکنی مگر انکه حاجت تو براورده شده ع نماز دیست که شیخ کفعمی در بلد الامین ذکر نموده و شیخ جلیل ابو الحسن سلیمان بن الحسن صهرشتی که از مشاهیر تلامذه شیخ طوسی است در کتاب قبس المصباح روایت کرده از مفضل بن عمر که حضرت صادق ع فرمود هرگاه ترا حاجتی باشد بسوی خداوند و سینه ات از ان تنگ شده باشد پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام بگوئی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح کن تسبیح فاطمه را پس بسجده برو و بگو صد مرتبه یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی پس جانب راست روی را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس جانب چپ روی را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز بسجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن بدرستیکه خداوند بر می آورد انرا ان شاء الله تعالی سیم ذکر چند دعا شریفی کما تورات از جناب ابی عبد الله الحسین ع ومتضمن است مضامین عالیه اسرار او است که انسان از فیض خواندن ان خود را محروم نکند اول شیخ مفید ره در ارشاد روایتکرده از حضرت علی بن الحسین ع که فرمود چون صبح روز عاشورا شد و سواران رو بجناب اوردند حضرت حسین ع دو دست را بلند کرد و فرمود اللهم انت ثقتی فی کل کرب و انت رجائی فی کل شدة وانت لی فی کل امر نزل بی ثقة وعدة کم من کرب یضعف فیه الفؤاد وتقل فیه الحیلة ویخذل فیه الصدیق ویشمت فیه العدو انزلته بك وشکوته الیك رغبة منی الیك عمن سواك ففرجته وکشفته فانت ولی کل نعمة وصاحب کل حسنة ومنتهی کل رغبة دوم عالم جلیل سید فضل الله راوندی در کتاب دعوات روایت کرده از امام زین العابدین ع که فرمود پدرم مرا در بر گرفت و بسینه خود چسبانید در روزی که کشته شد والدماء تغلی وخونها در بدن مبارکش جوش میخورد و فرمود ای پسر من حفظ کن از من دعائی را که تعلیم فرمود انرا بمن فاطمه ع وتعلیم فرموده باو رسول خدا صلی الله علیه واله و تعلیم نمود

ونیز در مزار گفته که امام علی نقی علیه السلم فرستاد شخصی را بمشهد عبد الله الحسین که از جانب وی زیارت
کند و فرمودند بدرستیکه مکانهای چند است که حق تعالی دوست میدارد که در آنها خوانده شود
و اجابت فرماید بدرستیکه حایر امام حسین از جمله آن مکانها است و شیخ شهید در دروس فرموده
و مستحب است برای کسیکه بزیارت مشرف میشود زیارت کند از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مومنان
پس بگوید السلم علیک یا مولای من فلان بن فلان اتیتک زائرا عنه فاشفع له عند ربک و دعا
کند از برای او الخ و شیخ کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب بسند معتبر نقل کردند از ابراهیم حضرمی
که گفت وقتیکه از مکه معظمه مراجعت کردم در مدینه مشرف شدم بخدمت حضرت موسی بن جعفر در
مسجد رسولخدا و آنحضرت مابین قبر و منبر نشسته بود پس عرض کردم با جناب که یا بن رسول الله وقتیکه
من از ولایت بیرون آمدم بسمت مکه بسا گفت بمن کسی که طواف از جانب من هفت شوط و دو رکعت
نماز گذار پس شد که من غفلت کردم از او و بجا نیاوردم الحال که مراجعت بیلد کنم ندانم چه گویم او را
از آنجناب فرمود وقتیکه بروی مکه و نسک و اعمال خود را بجا آوردی پس یک اسبوع یعنی هفت
شوط طواف کن و دو رکعت نماز گذار و بگو اللهم ان هذا الطواف وهاتین الرکعتین عن ابی
وامی وعن زوجتی وعن ولدی وعن خاصتی وعن جمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم وابیضهم و
اسودهم پس مگوئی بمردی از اهل بلد خود که من از جانب تو طواف کردم و دو رکعت نماز گذاردم
مگر آنکه دروغ گفته خواهد بود و راستگو بوده و همچنین وقتیکه بزیارت قبر مطهر رسولخدا رفتی و
از اعمال زیارت خود فارغ شوی پس دو رکعت نماز گذار و بایست نزد سر رسولخدا پس بگو السلم
علیک یا نبی الله من ابی وامی وزوجتی وولدی وخاصتی ومن جمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم وابیضهم و
اسودهم پس بهر کس از اهل بلد خود بگوئی که من رسولخدا را از جانب تو زیارت کردم صادق
خواهی بود و شیخ محمد بن المشهدی در مزار گفته روایت شده که از بعض ائمه صادقین
سوال کردند از مردی که دو رکعت نماز میکند یا یک روز روزه میدارد یا حج یا عمره بجا میاورد
یا زیارت میکند رسولخدا یا یکی از ائمه طاهرین را و ثواب آن را از برای پدر و مادر ... حضرت

اتینک زائرا عنه فاشفع له عند ربک پس هر دعا که خواهد از برای او بکند **هفتم** در آداب
ملاقات زائرین است شیخ شهید در دروس فرموده مستحب موکد است زیارت اخوان فی الله سیما
بزیارت او و وقت نازل شود بر حکم او و خدمت نفرماید بر او و تکلف و اندارد او را و مستحب است از برای
او که استقبال کند برادرش را که از زیارت آمده و مصافحه و معانقه کند و ببوسد مابین پیشانی
یکدیگر را و اگر دست زائر را ببوسد جایز است و مخصوص دست علما و ذریه رسولخدا است چنانچه
فرموده حضرت صادق نبوسید دست احدی مگر دست کسیکه اراده شده باشد باو
رسولخدا و روایت شده بوسیدن حاجی را وقتیکه از حج آمده تا انکه فرموده روایت کرده است
شیخ کلینی از ابی حمزه از حضرت صادق که هر که زیارت کند برادرش را برای خدا تعالی موکل کند الله برا
سوی تعالی هفتاد هزار ملک که ندا کنند او را که پاکیزه شدی و پاکیزه و گوارا باد برای تو بهشت الخ و
علامه مجلسی ره در بحار گفته که روایت شده در بعض مولفات اصحاب ما از معلی بن خنیس که
حضرت صادق فرمود که هر گاه شخصی از برادران مومن شما برگردد از زیارت ما یا از زیارت قبرهای
ما پس او را استقبال کنید و بر او سلام کنید و او را تهنیت و مبارک باد بگوئید بان کرامتیکه خدا
با و عطا فرموده که اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود و فرو میگیرد شما را از رحمت
الهی او را فرو گرفته است بدرستیکه هر که زیارت کند ما را یا قبرهای ما را البته رحمت الهی او را
فرو گیرد و گناهانش امرزیده شود **هشتم** در فضیلت و کیفیت زیارت اموات مومنین
است شیخ عالم کامل جعفر بن قولویه در کامل بسند معتبر از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت
شنیدم از ابو الحسن اول حضرت موسی که میفرمود که هر که قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت
کند صلحا از موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و کسیکه قادر نباشد
بر صله و نیکی بما پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا از برای او نوشته شود ثواب
صله و نیکی بما و نیز ابن قولویه بسند صحیح روایت کرده از محمد بن احمد بن یحیی الاشعری که گفت من
در فید که اسم منزلی است در طریق مکه با علی بن بلال روانه شدیم بسر قبر محمد بن اسمعیل بن بزیع پس

بالا اله الا الله بحق لا اله الا الله اغفر لمن قال لا اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله محمد رسول

الله علی ولی الله حق تعم سبحانه ثواب پنجاه ساعات بر او و بنویسد کتابی پنجاه سال و او را و از پدر و

مادر وی محو کرد اند و در روایت دیگر وارد شد است که بهتر بخفیه کرد در قبرستان بگوید چون از آن بگذرد

این است که بایستد و بگوید اللهم ولهم ما تولوا واحشرهم مع من احبوا و سید اجل علی بن طاوس در مصباح الزائر

گفته در وقتیکه قصد کنی زیارت مؤمنین را سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و اگر نه هر وقت که خواهی

و کیفیت زیارت ایشان چنین است که رو بقبله کنی بگذاری دست خود را بر قبر و بگوئی اللهم ارحم غربته وصل

وحدته وانس وحشته وآمن روعته واسکن الیه من رحمتك رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواك والحقه

بمن کان یتولاه پس میخوانی سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و روایت شد در صفت زیارت ایشان و ثواب آن

حدیث دیگر از فضیل که گفت هر که بخواند سوره انا انزلناه را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی حق تعالی ملکی بسوی قبر او

فرستد که عبادت کند خدا را نزد قبر او و بنویسد حق تعالی از برای میت ثواب عمل آن ملک را پس چون از قبر

مبعوث شود بهیچ هولی از اهوال قیامت نگذرد مگر آنکه حق تعالی بگرداند آن هول را از او بسبب آن ملک تا داخل

داخل بهشت کند او را و با هفت مرتبه انا انزلناه سوره حمد و سوره قل اعوذ و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی

هر یک سه مرتبه بخواند نیز روایت شد در وصف زیارت ایشان روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت بحضرت

جناب صادق عرض کردم که مردگان را از زیارت بکنیم فرمود بلی گفتم آیا آنها میدانند که بزیارت آنها رفته ایم فرمود بلی

قسم بخدا میدانند و شاد میشوند و با شما انس میگیرند عرض کردم که چه بگوئیم وقتیکه بزیارت ایشان رویم فرمود

بگو اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیك ارواحهم ولقهم منك رضوانا واسکن الیهم من رحمتك ما تصل به وحدتهم وتونس

وحشتهم انك علی کل شیء قدیر پس سید فرمود در وقتیکه بوده باشی نزد قبرها بخوان یازده مرتبه قل هو الله احد را

و هدیه کنی آن را از برای ایشان بتحقیقکه روایت شد که حق تعالی بعدد مردگان ثواب میدهد انتهی و عالم جلیل سید فضل

الله راوندی در دعوات ذکر کرده که جناب ابی ذر رضی الله فرمود که رسول خدا آمین فرمود ای ابوذر وصیت میکنم

ترا پس حفظ کن آن را شاید خداوند برساند بتو نفعی بسبب آن بجا آور شو با قبور تا متذکر شوی با آنها آخرت را

زیارت کن قبور را در اوقات روزها و زیارت نکن آنها را در شب مؤلف گوید مشهور این است که بودن

انکه از

دلیل بوده است و در من لا یحضره الفقیه بقیه گفته هیچ شب جمعه و روز جمعه از موتی ... ان

منقول است که چون بقبرستان ... وره روی ... دو ... قبر ... راه ... و ... مابد

هر که مومن است ... است ... اهل بهرمز ... و هر که منافق است ... و اکثر علما ... زیارت ... و ... گفته اند و بلا ... که زیارت ... مشهور ...

ساکنان ... شوند ... ثواب بسیار ... است

... و فوائد عظیمه دارد و ... ماده ... باعث عبرت و اعلی ... با آخرت میشود و ... بدنیا و رغبت با آخرت ...

... شود و مبادرت نمود منتفع شود و باید اهمیت بسیار دهد بتعظیم و تکریم و کثرت زیارت مراقد اصحاب

... که خود ایشان معلوم و علو مقامشان معروف چون جناب سلمان و ابی ذر و مقداد و عمار و حذیفه

... و رشید هجری و کمیل و قنبر و زراره و محمد بن مسلم و برید و ابی بصیر و فضیل بن یسار و امثال

... اصحاب ائمه که حالشان معلوم است از کتب رجالیه و علو شان زیاده بر آن است که در اینجا ذکر

... و قبر شان هم چنین مشاهیر از محدثین و اکابر علما و حافظین آثار ائمه طاهرین مثل شیخ کلینی

... طوسی و شیخ مفید و علم الهدی و سید رضی و سید ابن طاوس و محقق و آیة الله علامه حلی

و غیر ایشان از قدما و متاخرین رضوان الله علیهم که ذکر شان با اختصار منافات دارد و صدوق

و محدثین دیگر فهمیده که باید درک زیارت آنها را نمود مثل علی بن بابویه و محمد بن قولویه و ذکریا

... ابن ادریس و آدم ابن اسحق و قطب راوندی و محقق قمی و غیر ایشان قدس الله اسرارهم

آثار عظیمه و فوائد جلیله و مثوبات جزیله مترتب است بلکه سزاوار است از برای خصوص

... شان علما و صاحبان نفوس کامله زیاده باشد از سایرین و توقفشان در اینجا بشرط

... لطیف ذهن و واضح شدن مشکلات علوم و درک فیوضات و تجلی اشراقات بملاحظت تام دارد

... وقتیکه خاتم الحکما الیونانیین ارسطوطالیس در مدینه اسطاغیرا که بلده ... بود ...

... وفات اهل اسطاغیرا جمع کردند استخوانهای او را پس از آنکه پوسیده شد بود و ...

... او را دفن کردند در موضعیکه معروف است باسم او ارسطوطالیس و آن مکان را مجمع خود

... جمع میشدند از برای مشاورت در کارهای بزرگ و امورات جلیله و هر وقت که برایشان

... از فنون علم و حکمت قصد آنجا مینمودند و در سر قبر او می نشستند و مشغول بمناظره

... بر ما این خود تا آنکه واضح میشد بر ایشان آنچه مشکل شده بود و چنان اعتقاد داشتند

... که استخوانهای ارسطو در آن دفن شده بر عقل و ذکاوت ایشان میفزاید و اذهان ایشان را

... میکند و نیز این را از تعظیمی برای ارسطو داشتند بعد مرگ او و بجهت تاسف بر فراق

... بر آن فجیعه و مصیبت فقدان یتابیع حکمت و میدانستند هذا آخر ما اراده ... سره

و ازجات ... الله اعوذ ... فی هذه ... فتح الفرج ... الشریف ... ۱۳۰۲ ... و الجمعة ... الصلوة ... رب العالمین و الصلوة ... الطاهرین ... السلام ... اللعنة ... یوم ... علی ... کتاب ... و بلغه ...



فیض القدسی کرا و اخر ایام سعادت ختام با تالیف این مجموعه مبارکه مصروف و با کمال ضعف و
ناخوشی تا قوتی در بدن و نیروی دست داشتند خود از قیام باین خدمت استوه نداشتند افسوس که هنوز
این خدمت شایان بپایان نرسید سعد اسلامیان منکر کون و آفتاب هدایت ایشان از اوج ارتفاع
در افق غروب سرنکون و روز سفید شان نیلکون کردید هنوز خاتمه کتاب اختتام نفرموده خطاب
مستطاب یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک را اجابت لبیک کفتند و چون جاعتی از فضلا اعلام
شکر الله مساعیهم در اغلب ایام جمع این کتاب ملازم خدمت و در نقل زیارات و ادعیه از مدارک
انها باین صفحات معین حضرتش بودند و از فهرست بقیه خاتمه با خبر و از مکنون ضمیر منیر
مندرجات ان نیک مستحضر و مدارک و ماخذ انها هم که اغلب مصنفات خود بزرکوار است
بو کات انفاس قدسیه اش موجود و حاضر بوده لهذا موجب امتثال امر لازم الاتباع از مقام
خاتمه از حال جناب قاسم بن موسی الکاظم علیه السلام تا باخر که خود ان بزرکوار بقلم مبارک رقم نفرموده
ترقیم و این درتیم را تتمیم نمودند ان شاء الله تعالی تمام ان صوابست از برکات انفاس نفیسه انجناب
است و اکر بین خطائی واقع شد از غفلت و قصور دیکران است اینان نظر بقصور از احاطه
بشمه از فضایل ان یکانه الشان کامل و کنجینه علوم و معارف الهیه و بحر فضایل و فواضل بصرا الکمال
بذکر تاریخ ولادت با سعادت و مدت عمر و عدد مصنفات فرخنده اش ختم کلام کنیم اما ولادت انجناب
بموجب انچه در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل در ترجمه حال خود فرموده اند در هیجدهم شوال
مطابق سنه ۱۲۵۴ اتفاق بالمواز قرای نور که از اعمال طبرستان است واقع و مصیبت عظیمه
در شب چهارشنبه بیست و هفتم شهر جمادی الاخره سنه ۱۳۲۰ تقریبا یک ساعت از شب کذشته
افتاد و ان خزینه علوم الهیه و کنج جواهر کرانبهای تفسیر و اثار در مشهد غروی در جوار
امیر المؤمنین ع در ایوان سیم از ایوانهای شرقی باب القبله مدفون کردید مدت عمر کرامی
بنابر این شصت و پنجسال و هشت ماه و نه روز هر یک از مصنفات مبارکه اش منطبع در
اقطار منتشر است تفصیل انها بدین ترتیب است کتاب نفس الرحمن در فضایل سیدنا سلمان

دارد





